

نمره نشرات انجمن تاریخ
(٦٥)

مزارات کابل

تألیف

الحاج

محمد ابراهیم خلیل

تاریخ طبع ۱۳۳۹ ه ش — تعداد طبع ۷۰۰ جلد

دولتی مطبعه

فاضل گرامی شاغلی محمد ابراهیم خلیل عضو انجمن تاریخ افغانستان که همگان از ذوق شاعری و مراتب فنون زیبا نویسی ایشان آگاهند بعد از سالها تجسس و تحقیق و گردش در بقعه های متبرکه بالاخره کتابی جالب، درباب متون سنگ نبشته های قبور و مزارات کابل و اطراف نزدیک آن ترتیب داده اند که اینک بنظر خوانندگان گرامی میرسد:

ترتیب و تصنیف چنین کتابی علاوه بر تجسس و تحقیق در مطالعه کتب، گردش های زیادی را در نقاط مختلف ایجاب میکرد که بذات خود کاریست دامنه دار و مشکل؛

انجمن تاریخ بسیار مسرور است که به همت و پشت کار شاغلی محمد ابراهیم خلیل قسمتی معتنابه از سنگ متون نبشته های لوایح مزارات که متأسفانه هر آن در معرض نابودی است نجات یافته و خاطره هائی از گذشتگان بصحیح تر بگوئیم خاطرهٔ، چند کلمهٔ یا چند سطری که زندگان برمزار مردگان حک کرده اند از نیستی نجات یافته و دراوراق کتابی جمع و مدون گردیده است:

استاد محمد ابراهیم خلیل درحالیکه روح گذشتگان را شاد ساخته خدمتی به موقع در تاریخ افغانستان هم انجام داده اند این خدمت را از ان جهت به موقع میخوانیم که هرچند در آن تعلل بعمل می آمد دامنهٔ ضایعات بیشتر میشد، یقین دارم این اثر مفید که در آن خاطرهٔ گذشتگان بسیاری از خانواده ها را سلاف ایشان درج است مورد توجه زیاد مردم و اهل تتبع قرار خواهد گرفت.

احمد علی کهزاد

۳۹ / ۵ / ۱۱

مزارات واقع شهدای صالحین

الف - مزار واجب التعظیم حضرت تمیم رضی الله تعالی عنه

این مزار بطرف جنوبی کابل بدامنهٔ کوه باصفا و ار غوان زاری قرار دارد که دران دو قبر طولانیست و از سالیان درازینام جابر انصار رض شهرت دارد دو سنگی هم فراز دروازهٔ عمارت سابق این مزار نصب بود که حال هم در آنجا وجود داشته حاوی تاریخ تعمیر یست که در سنه ۱۲۳۷ ازطرف الله وردی خان نامی بنا یافته و مطابق شهرت تنها از جابر انصار رض نامبرده نه از حضرت تمیم رض یاد یگری ، کتیبهٔ لوح مذکور بدینقرار است :-

بارگاهی که در برش زوقار — چرخ چون خردلیست بیمقدار

عرش اگر گویمش سزد که درو — هست آسوده جابر انصار رض

از کواکب طبق طبق آرد — بحنا بش فلک برای نثار

خاک این در زتوتیا خوشتر — هست در دیدهٔ اولو الابصار

کرده الله وردی خانش بنا — مزد یابد زحیدر کرار رض

گربجویی امید تاریخش — (گرد این آستان ز دیده برآر)

۱۲۳۷

چندسال قبل هنگامیکه آرامگاه دو صحابهٔ بزرگوار حضرت تمیم رض (بطور یقین) و جبیر یا جابر رض (بطور گمان) ساخته میشد درین باره تتبع و تدقیق بعمل آمد که منابع موثوق و معتبر ، حیات حضرت تمیم رض و شهادتش را در کابل تصدیق نمود که مدارک و نتایج تحقیقات ذیلاً نگاشته میشود .

۱ علامه ابی بشر محمد بن احمد حماد الدولابی متولد ۲۲٤ و متوفای ۳۱۰ در کتاب الکنی و الاسماء دربارهٔ حضرت تمیم رض چنین نوشته است :

«ابورفاعه عدوی» محمد بن عبدالله بن یزید مقری حدیثی را از پدر خود برای ما نقل کرد که پدرش روایت کرده از سلیمان بن مغیره و او از حمید بن هلال و او از ابو رفاعه عدوی و عدوی گفته است که من بحضور نبی کریم (ص) در حالی مشرف شدم که بخواندن خطبه مشغول بودند پس من بحضورش عرض کردم که ای رسول خدا یک شخص مسافر آمده و از اصول دین میپرسد که از دین چیزی یادندارد ، پس نبی

مقدمه **بسم الله الرحمن الرحیم** مؤلف

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی اشرف الانبیاء والمرسلین وعلی آله واصحابه وازواجه اجمعین
اما بعد، تذکر حال و حسب نام گذشتگان نامور و دانشمند که در عالم معنی یا ده مقصد خدمات شایسته نموده اند
یکی از وظائف عمده و واجبات ذمهٔ آیندگان بشمار میرود، بهمانا هر یک از همت متتبعین و نویسندگان معاصر
درین باب جهد نموده و بقدر توان کتابها نوشته اند، ولی راجع بمزارات خصوصاً مزارات کابل کسی چندان
معطوف توجه نظر ننموده، زیرا بیشتر مزارات که مرجع خاص و احترام عامه میباشد و شهرت زائد الوصف دارند الواح شان
بمرور دهور از بین رفته که جای موقع برای پذیرفتن این بیت بدیع هم میسر نیست که میفرماید: قیاس کن ز نقش این نگینها
بآن هائیکه بر لوح مزارات ثبت است علاوه تا کتب و آثاریکه ماخذ معلومات مبرهن شان قرار گیرد هم وجود نداشته و موجب
آن هم عدم انکشاف وسائل طبع در کشور بوده، اگرچه شک نیست در نموده اند گذشتگان فروگذاشت نکرده اند اما نسخه
از حیات شان در نسخ منحصر بفرد در گوشه های گمنامی مانده و بدست علاقه مندان نرسیده، اکنون که از یکطرف آثاریکه ماخذ
قرار گیرد و در دسترس ما نیست و از طرف دیگر الواح مقابر از بین شده درین باب تحریر کتابیکه شایسته باشد متعسر و مستعد است
ولی بمجوای ما لا یدرک کله لا یترک کله نوشتن آنرا بر نانوشتن ترجیح دادم، زیرا اگر امروز هم ننویسیم غالباً در آینده نیز ماخذی بدست
دیگران نخواهد افتاد و هر اندازه که گفت ما آنرا روشن کنیم اخلاف ما با استفاده از هم قدر دست خواهند یافت
امیدست که بعون الهی حل شناسنده با بینم اسلام و حتی الامکان آنچه از ماخذ میسر گردد از آن استفاده نمایم و هر گاه در مانده آنچه از کتاب و
آثار بیشتر ظهور نماید و بدست آیندگان ما برسد بلا شبهه ایشان بکمک شده میتوانند، والا که آنچنان هم نشود یعنی در آتی نیز اگر
پیدا نگردد باز هم نسبت هیچ مستعد نیز بهتر است که برای معلومات علاقه مندان آماده باشد. ومن الله الاعانة والتوفیق
نقش یار چکان بنوسته از نظر [illegible] ، نقش مزار [illegible]
[illegible] ۱۳۷۹ [illegible]
[illegible]

« ابورفاعة تميم ابن اسيد وقيل ابن اسيدو قيل اسمه عبدالله بن الحارث بن اسيد بن عدی بن عامر بن مالک بن تميم العدوی ، كان من افضل الصحابه نزل بالبصره روی عن حميد بن هلال و هلال بن اسيم قتل بكابل سنه اربع و اربعين (٤٤)

۴ ــ برادر صاحب جامع الاصول ، عزالدين ابی الحسن علی ابن محمد بن عبدالکريم جزری مؤرخ معروف متوفای ۶۳۰ درکتاب اسدالغابه فی معرفة الصحابه درجزء اول نسبت بحضرت تميم (رض) چنين مينويسد :

« كنيهٔ او ابورفاعه است مؤرخين دراسم او اختلاف دارند احمد بن حنبل و ابن معين ميگويندكه نام اوتميم بن اسيداست . بعضی ميگويندكه تميم بن اياس است ، و بعضی ميگويند ابن ممده است حميد ابن هلال ازوی روايت كرده كه ميگويد : من بحضور حضرت رسول صلی الله عليه و سلم آمدم وآنحضرت مصروف خواندن خطبه بودند من عرض کردم که يک مرد مسافر آمده درموضوع دين از شما معلوماتی ميخواهد حضرت رسول صلی الله عليه و سلم خطبه را گذاشته مقابل من روی يک کرسی نشستند تعليمات الهی و اوامر آسمانی را بمن تلقين نمودند. ابو عمر ميگويد كه دارقطنی درخصوص نام ابی رفاعه گفته كه تميم ابن اسيد است بفتح همزه وکسر سين و ديگرجا از يحيای بن معين و ابن الصواف

● جعفر محمد مروری است مصنف اين كتاب به ۶۹ سالگی درماه ذیقعده سنه ۶۸۲ اين كتاب را ناتمام رسانيده است. ومختصر ديگر از مؤلفات شرف الدين هبه الله بن عبدالرحيم بن بهاری الحموی الشافعی است که در ۷۳۸ وفات نموده ومختصر خود را باسم تحريرالاصول مسمی كرده ديگر ابن اثيراست كه اين كتاب را بنظر تعمق مطالعه نموده وكتابی جهت استفادهٔ عوام ترتيب داده

ديگر مختصرشيخ صلاح الدين خليل بن كيكلدی العلائی الدمشقی است كه در سنه ۷۶۱ رحلت نموده ومختصراو بنام تهذيب الاصول مسماست . ديگر مختصرشيخ عبدالرحمن بن علی كه مشهور بابن الربيع شيبانی يمنی است كه درسنه ۹۴۴ وفات كرده مختصر او از بهترين مختصرات اين كتاب شمارميرود كه بنام تيسيرالوصول الی جامع الاصول مسماست. مختصر ديگر از مؤلفات شيخ مجدالدين ابی طاهر محمد بن يعقوب فيروز آبادی است كه درسنه ۸۱۷ وفات كرده مختصر او بنام تسهيل طريق الوصول در احاديث زائدة جامع الاصول است كه ازمؤلفات ناصربن اشرف يمنی است و درمراتب جامع الاصول مختصر جداگانهٔ ازمؤلفات محب الدين احمد بن عبدالله طبری است كه درسنه ۶۹۴ وفات يافته است نقل با ختصار ازکشف الظنون عن اسامی كتب ذا الفنون باب الجيم سنه ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ نسخهٔ خطی جامع الاصول متعلق بجناب عبدا لرب خان .

کریم (ص) سوی من توجه فرموده یک کرسی را آوردند من خیال کردم که پاهایش از آهن است ، حمید میگوید : اگرچه درحقیقت پا هایش از چوب سیاه بود. و لی او گمان آهن کرده بود. پس رسول خدا (ص) در ان کرسی نشستند و به تعلیمیکه خداوند او را دانسته کرده بود مرادانسته گردانید، بعدازان بخواندن خطبه آغاز کرده و خطبه را باتمام رسانیدند . این را از عباس بن محمد شنیده بودم که او میگفت که من از یحیای بن معین شنیده بودم که او میگفت که نام او ابو رفاعه عدوی تمیم بن اسد است (۱)

۲ حافظ ابی عمر یوسف بن عبدالله معروف بابن عبدالبر نمری قرطبی متوفای ۴۶۳ در کتاب استیعاب فی معرفة الاصحاب چنین مینویسد · (ابو رفاعة العدوی من بنی عدی بن عبد مناة بن ادبن طانجة اخی مزینه نسبه خلیفه فقال ابو رفاعة اسمه عبدالله بن الحارث بن عبدالحارث بن اسد بن عدی بن جندل بن عامر بن ملک بن تمیم بن الدول بن حسل بن عدی بن عبد مناة بن ادبن طانجة بن الیاس بن مضر. قال ابو عمر کان من فضلاء الصحابه اختلف فی اسمه فقیل تمیم بن اسید و یقال ابن اسد و قیل عبدالله بن الحارث یعد فی اهل البصرة قتل بکابل سنه اربع و اربعین (٤٤) روی عنه صله بن اثیم و حمید بن هلال و قال الدار قطنی تمیم بن اسید بالفتح و قال غیره با لضم و الله اعلم (۲)

۳ ابی سعادت مبارك بن محمد بن عبدالکریم جزری معروف بابن اثیر متوفای ۶۰۶ در جامع الاصول الاحادیث الرسول (۳) نسبت بحضرت تمیم (رض) چنین مینویسد :

---

(۱) کتاب الکنی والاسماء ج ۱ ص ۲۹ طبع حیدر آباد دکن.

(۲) نسخه قلمی که درماه رمضان ۷۸۵ بخط محمود بن عجم شاه بن محمود شاه بن اصیل کرمانی در کرمان نوشته شده .

(۳) این کتاب محتوی سه ارکا نست : اول در مبادی ،دوم در مقاصد ، سوم در خواتیم رکن اول دارای یک مقدمه و چهار فصل است . در فصل اول این کتاب انتشار علم حدیث و باعث جمع نمودن و تالیف احادیث را ذکر کرده، درفصل دوم اختلاف اغراض و مقاصد مردم را در تصنیف علم حدیث ودرفصل سوم اقتدای متأخرین بمتقدمین و باعث اختصار کتب و تالیفات درحین مطالعه واستقصائیکه درجمع احادیث داشتم بکتاب رزین برخوردم، که ازهمه کتب ضخیم تر و برصحاح سته (صحیح بخاری، مسلم ،موطاء مالك، جامع ترمذی سنن ابی داؤد و نسائی) که ام کتب وجامع احادیث مشهور و مستندانند حاوی بود. پس باخود سنجیدم ولازم شمردم که درین کتاب جامع اشتغال باید کرد و اساس کار قرار بایدداد. ازین کتاب کتابهای مختصری نیز بوجود آمده که یکی از آنها مختصر ...

۳ - ابن حجر عسقلانی در کتاب تهذیب التهذیب خود نوشته است :
(بخ ، م ، س (١) ابو رفاعة العدوی قیل اسمه تمیم بن اسد و قیل ابن اسید و قیل اسمه عبدالله بن الحارث بن اسد بن عدی بن جندل بن عامر بن مالک بن تمیم بن الدول بن حسن بن عدی بن عبدمناة بن اد بن طابخه بن الیاس بن مضر روی عن النبی صلی الله علیه وسلم و عنه حمید بن هلال و صلة بن اشیم العدویان البصریان قال ابن عبدالبر کان من فضلاء الصحابه بالبصره قتل بکابل سنه اربع و اربعین ٤٤ قلت و قال خلیفه بن خیاط سنه اربع و اربعین ٤٤ فتح ابن عامر کابل و قتل بها ابو قتادة العدوی و یقال الذی قتل ابو رفاعة العدوی . (٢)

٤ - اقوال بالا با نوشتهٔ بلاذری در فتوح البلدان و نگارش ابن اثیر در کامل مطابقت میکند ، چنانچه ابن اثیر در جلد۳ ص ۲۲۱ - الکامل مینویسد « در سنه ٤٣ عبد الله بن عامر که فرماندهٔ لشکر بود عبدالرحمن بن سمره را باعباد بن الحصین الحبطی که سمت شحنگی آن سمت را بعهده داشت و سائر اعیان که یکی از انها عمر بن عبدالله بن معمر بود بالشکر مکمل و مجهز در تحت قیادت عبد الرحمن بن سمره بسمت ناحیهٔ سیستان نسبت نقض عهد شکنی و ارتداد اهالی آنجا اعزام و بمجرد رسیدن جنگ را آغاز نموده سیستان را فتح کردو از انجا بالشکر جرار بطرف کابل رهسپار شده کابل را محاصره کردند. اهالی کابل چندین ماه بجنگ و محاصره دوام وورزیده نگذاشتند که کابل از طرف لشکر اسلام مسخر شود. بالاخره مسلمین توسط منجنیق ها دیوار حصار کابل را کوبیده و حصار حصین کابل را با خاک یکسی کردند ، عباد بن الحصین بعد از غلطیدن دیوار تمام شب مشغول قتال بود ، چون اهالی و مدافعین کابل بانسداد دیوار و استحکام قلعه قادر نشدند پس از دمیدن سفیدهٔ صبح بعنوان جنگ و مقابله بیرون آمده رو بفرار نهادند و لشکر اسلام کابل را بحملات شدید خود فتح نمودند . »

این بود مضامین کتب موثق و روایات معتمد نسبت بحضرت ابو رفاعهٔ عدوی تمیم ابن اسید رضی الله تعالی عنه که یکی از صحابهٔ بزرگوار حضرت رسول خدا صلی الله علیه و سلم بوده و حضرت خاتم النبیین علیه افضل الصلوة و اکمل التحیات

---

(١) اشاره به بخاری ، مسلم و نسائی است .
(٢) جزء ثانی ص ۹٦ طبع حیدر آباد دکن .

وعبدالله بن احمدبن حنبل روایت میکند که تمیم بن نذیر است .وهم ابو عمر میگوید که ابن منده است . ابو نعیم بعدازترجمهٔ حال او نام او را تمیم بن اسید قید کرده والله اعلم .

۵ — محمد ابن سیرین و حمید ابن هلال ازتمیم روایت کرده اند ، وکنیهٔ اورا مخالف کنیه ها ئیکه در فوق ذکر یافت چنین مینویسد : «ابو رفاعهٔ تمیم بن اسید بضم الهمزه» وهم گفته اند که ابو رفاعه عدوی است و در بصره سکونت داشته و در سجستان با عبدالرحمن ابن سمره وفات یافته (۱)

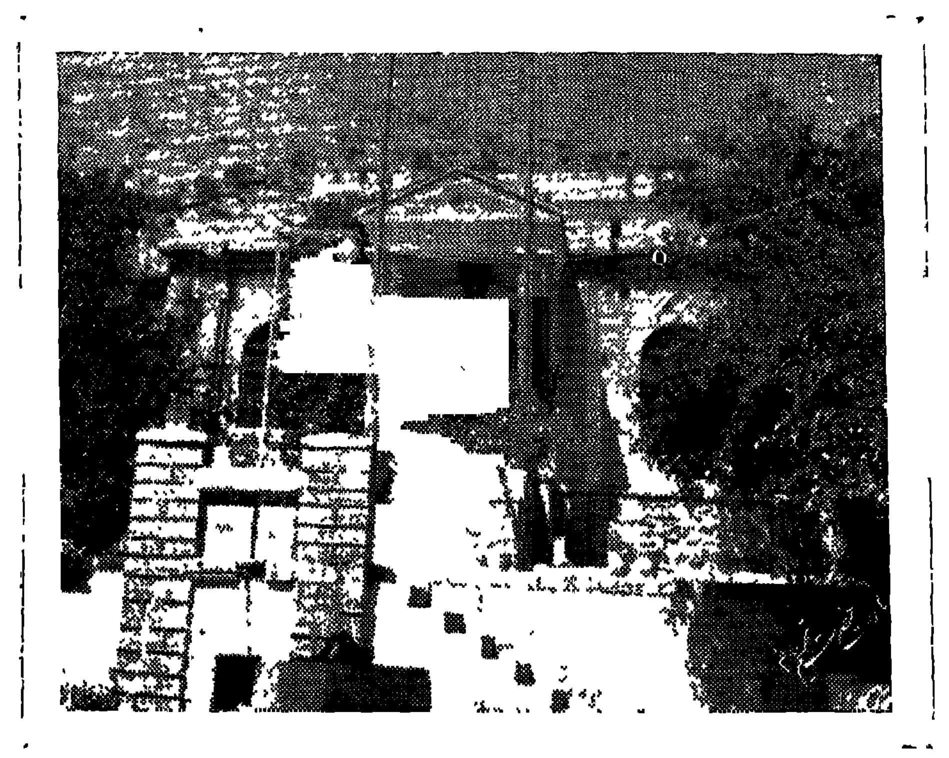
۶ — شیخ الاسلام قاضی القضاة احمد ابن علی الکنانی العسقلانی المصری الشافعی معروف بابن حجر متولد ۷۷۳ و متوفای ۸۵۲ در کتاب معروف خود (الاصابه فی تمیز الصحابه) در باب الکنی جلد ۷ طبع مصر ص ۶۷ چنین مینویسد : «ابو رفاعهٔ عدوی تمیم بن اسید بفتحتین» بخاری نیز درهمین طریقه نامش را یاد کرده است و اسید را بعضی بفتح اول وکسر دوم و بعض مصغر هم گفته اند .

۷ — خلیفه وغیره گویند اسمش عبد الله ابن حارث بوده از آنحضرت صلی الله علیه وسلم حدیث روایت کرده وازو حمید ابن هلال وصلهٔ ابن اشیم که هر دو عدوی بصری بودند روایت کرده اند حدیث تمیم در صحیح مسلم وارد است بروایت حمید که ازوی گفت : «بحضور حضرت رسالت مآبی صلی الله علیه وسلم مشرف شده عرض کردم : مرد مسافری از دین خود میپرسد بنابران آنحضرت صلی الله علیه وسلم روبمن آورد و از منبر فرود آمد و برکرسی که پایه ها یش از آهن بود نشست ، تمیم رض میگوید : آنحضرت ص از آنچه خود با آن تعلیماتیکه خدای تعالی عز اسمه با و نموده بود بمن تعلیم دهد الخ . »

۸ — حاکم از طریق مصعب زبیری روایت میکند که ابو رفاعهٔ عدوی نامش عبدالله بن حارث بن اسید بن عدی بن مالک بن غنم بن دول بن حنبل بن علی بن مناف بوده ، دولت صحبت نبوی (ص) برایش میسر شده در سجستان باعبدالرحمن بن سمره بغزا آمده وبقول ابن عبدالبر ، از فضلای صحابه بوده و در کابل بسنه ۴۴ شهید گردیده ، خلیفه میگوید ابن عامر کابل را در ۴۴ فتح نمود و در ینجا ابو رفاعهٔ عدوی کشته شد .

---

(۱) اسدالغابه جزء اول صفحه ۲۱۴ و ۲۱۵



متعلق صفحہ٦



متعلق صفحہ ٦

درحق او التفات نرموده ازمنبرفرود آمده، تعلیمات خدائی و اوامر آسمانی را باورسانده، این ذات بزرگوار بطور محقق درکابل بشهادت رسیده مشهد ومدفنش همین جاست که اکنون مراز فیض آثارش در آنجا واقع است و بتربة جابر انصاری رض کسب شهرت نموده بود .

و اینکه مؤلف اسدالغابه وفات شانرا درسجستان نوشته، البته مطلب از افغانستان جنوبی داشته که در ان وقت غالباً بنام سجستان یاد وزابل وکابل جزء آن شمرده میشد، ورنه سجستان نام خاص کدام موضع و شهری نبوده که بدان اشارت مینمود .

اما نسبت جابر، یا جبیر رضی الله تعالی عنهما فعلا ازطاها رعقیده نمیتوانیم زیرا درماخذ و مدارك معتبری که بدان اعتماد باید کرد تاکنون برنخورده ام که آمدن و شهادت حضرت جبیر (رض) را بکابل اثبات نماید.

در صحیح بخاری و مسلم وسنن ابی داؤد ونسائی و دارقطنی وکتاب الکنی والاسماء دولابی واستیعاب فی معرفة الاصحاب نمری قرطبی وسنن کبرای بیهقی وجامع الاصول ابن اثیر جزری واسدالغابه ابن اثیر جزری واصابه فی تمیز الصحابه وتهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی از چندین جابر وجبیر (رض) ذکر وشرح حال هریك بطور واضح نوشته شده ولی مشهد یا مدفن یکی از انها را در کابل سراغ نمیدهند صرف افواه عام است که سینه بسینه رسیده ومآخذ اصلی معلوم نیست که از چه منبعی این شهرت را وش کرده .

بهرحال چون درمشهد ومدفن حضرت ممیم رض جای شبهه وتردید باقی نماند و عمارت سابق آن کهنه و بانهدام آورده بود مجدد آبنا یافت وچشمهٔ آنکه خشك شده بود از چشمهٔ ریارتی که در نزدیکی آن مشهور بنظرگاه خضر (ع) است توسط نل، آب رسانیدند وکتیبهٔ برای آن لزوم دیده شد تاز اثرین را اطلاع برانه حاصل باشد، بناءً بندهالله مطالب را در ۲۹ بیت درج نموده یکدفعه بمجلهٔ نمبر ۹۲ آریانا و همچنان بروزنامهٔ انیس ۱۸ جوزای ۱۳۲۶ به نشر گذاشتم ، بعد آکه ما بقی کار مزار و لوح سنگی آن آماده گشت و موقع تحریر رسید و نوشتنش هم بعهدهٔ بنده گذاشته شد باز موضوع رابروزنامهٔ انیس ۱۰ جوزای ۱۳۳۱ بغرض استشاره از اهل خبرت وتتبع شایع نمودم ، پس از مدتی که درانباره کدام اعتراض ویااظهار صدور سهوی صورت نگرفت و از طرف وزارت معارف هم،

تصدیق شدبنوشتن لوح مذکور پرداختم . درآغاز اولاً بسم الله الرحمن الرحیم و بعد آ آیهٔ کریمهٔ (ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات ط بل احیآء و لکن لا تشعرون‌ه) را بخط ثلث نگاشته سپس این عبارت را با پانزده بیت که در جملهٔ ابیات ذیل بعدد نشانی میشود بخط نستعلیق نگاشتم :

(این حظیرة القدس واین مرجع انس ، مهد آرام و خوابگاه بر دوام جسد مطهر و بابرکت و جسم نورانی و ذیسعادت حضرت (ابو رفاعه عدوی تمیم رضی الله تعالی عنه) است که بطور محقق مشهد و مدفنش همینجاست :)

١ این مرقد منیف که باعرش همسر است
وین روضهٔ شریف که با خلد همبر است

٢ این خوشما مقام که ارباب حال را
شوقش فزونتر از چمن قدس در سر است

این برگزیده منزل عالی که خاک او
خوشبوی تر ز عنبر و از مشک اذفر است

این آستان حرمش که بهر ذره هوایش
صد آفتاب رحمت جاوید مضمر است

این منظری که منتظر با ریابیش
از نه فلک ملائکه ایستاده بر در است

این فیض ده حریم که در چشم قدسیان
گرد ش بکحل دیدهٔ حورا برابر است

٣ آرامگاه ذات شریف مکرمیست
کز مهر و ماه رتبه عالیش برتر است

٤ نامش (تمیم) و کنیه او (بور فاعه) است
ابن (اسید) واز (عدی) آن پاک گوهر است

در علم و فضل و رتبه والای با طبی
روشن بروزگار چو خورشید خاور است

٥ از هجرت رسول ص بسال چهل و چار
از جسمش این محل بجهان فیض گستر است

۱۳ــ دارد ز بس متانت و تجلیل و احتشام
نظاره اش با هل نظر روح پرور است
از جوش سبزه و گل و اشجار رنگ رنگ
با غش بچشم عقل بهشت مصور است
از چشمهٔ خضر شده سیراب چشمه اش
حوضش نمونهٔ عجب از حوض کوثر است

۱۴ــ مقبول باد مصرف و جهد ش بنزد حق
چون نیتش بمرضی دادار داور است

۱۵ــ کلک خلیل زد رقم از سال اختتام
(اکسیر نزد دیدهٔ دل گرد این در است)
۱۳۵۹ هق

نا گفته نماند که خود این لوح که عکسش را مقابل صفحه از ملاحظه میگذرانند از سنگ سفید مزین بقابهای متین سنگ سیاه میباشد و بدیوار دریچهٔ داخل عمارت فراز هر دو مرقد که یکی آن بموجب تحقیقات فوق الذکر از حضرت (تمیم رض) و دیگرش نامعلوم است نصب شده ، هر دو قبر طولانی به بهترین سنگهای شفاف رنگار نگ بصورت خیلی زیبا پوش گردیده و باطر افش کتارهٔ سیمی ساخته شده ، صحن داخل گنبد سنگهای سفید و سیاه خشتی مفروش است ، کفشکن و زینه خارج گنبد و ماحول آن بخشتهای سنگی مروجه مرتب گردیده .

شک نیست که این مزار مبارك از بزرگترین مزارات محترم و طنست و رجوع مردم باستانش زاید ، اهالی شهر دائم الوقت از فیض زیارتش بهره اندوز میشوند در روز های پنجشنبه علی الدوام یک ختم قرآن مجید از طرف حفاظ جید در آنجا میشود . درماه رمضان مبارك چه در بهار ، چه درزمستان در مسجد شریفش که بالای عمارت زیارت است در نماز های تراویح ختم های متعدد میشود و ذوقمندان بکمال دلچسپی درین ختمات شمولیت میورزند ، خدایتعالی نماز ها و ختم هارا قبول درگاه بی نیازی خود فرموده روح شریفش را بارواح انبیا علیهم السلام محشور داشته برکاتش را بتمام اسلام خاصتاً هموطنان عزیز مامستدام دارادبمحمد و آله الامجاد .

چون راجع بحضرت تمیم (رض) تحقیقات و معلومات و نقل کتیبه جدید و تفصیلات

۶ بی‌شبهه از صحابهٔ خیرالرسل (ص) بود
لاریب فیض یاب حضور پیمبر (ص) است
به‌به، به بختیاری چشمش که تا ابد
زان نور ذات قدس الهی (ج) منور است
در رفع شرک، او ز سران مجاهد است
در راه نشر دین ز شهیدان اکبر است
هرکس براه حق ز سر و جان خود گذشت
از ذکر خیر زنده جاوید و اشهر است
۷ چون هیچ شبهه نیست که ذات شریف او
مدفون باین مقام چو گنجینه زر است
۸ گر شرح و بسط آن بنمایم درین سطور
تحصیل حاصل است و حدیث مکرر است
۹ تعمیر سابقش چو مرمت پذیر شد
زیرا بهر اساس خرابی مقدر است
۱۰ (ظاهرشه) جوان جوانبخت کامگار
کز لطف کردگار، رعنا ن دار کشور است
۱۱ امر اکید داد بتجدید این بنا
چون دوستدار اهل‌حق آن نیک اختر است
۱۲ بر امر او بمدت سه سال و چند ماه
اتمام شد چنانکه کنون حیرت آور است
از بس به پخته کاری اساسش بنا شده
دیوارهاش همسر سد سکندر است
سنگ و سمنت ز بسکه دران صرف شد زیاد
گوئی ببطن کوه یکی کوه دیگر است
پوش مزار او شده از سنگ رنگ رنگ
فرش حریم او همه از سنگ مرمر است
از بسکه صرف جهد بزیبائیش شده
همچون قصور باغ جنان نیک منظر است

۱- مزار جناب مرحوم حافظ محمدعلی که سنگ صندوق نمای متبون دارد و کلمهٔ طیبه در بالای سر آن مرقوم است و تنها نقل همان سنگ کتیبهٔ برای همه گونه معرفی این حافظ جید کافی میباشد

«جل من لا یموت – درین خوابگاه ابدی جسم نورانی و وجود روحانی خفته است که اکثر حفاظ قرن (۱٤) چهاردهٔ این خطهٔ اسلامی بواسطه یابلاواسطه افتخار شاگردی ایشانرا دارند ، اسم گرامی این استاد محترم حافظ محمد علی خان بن محمد نظام خان است که در خیل و تبار ازاصیل زادگان قریه (آبدرهٔ) پنجشیر میباشند. مرحوم مبرور قرآن مجید را در رسال یکهزار و سه صد و هفدهٔ هجری قمری بعمر ده سالگی از نزد مجود وقاری قراءت سبعه یعنی جناب فضائل مآب حقائق اکتساب قاری نیک محمد خان (که در علم تجوید و قراءت شاگرد شیخ ابراهیم سعد مصری از هری شیخ قراءعصر ، و درعلوم دین عالم سند یافتهٔ مدرسه صولتیهٔ مکه معظمه زادالله شرفها بودند.) بقراءت امام عاصم وروایت حفص رضی الله عنهما حفظ کرده وسند حاصل نمودند و از ان بعد مدت چهل و سه سال بتدریس قرآن پاك مشغول مانده و بچندین لهجه والحانیکه دل را آب میسازد تلاوت و قراءت مینمودند ، و در لوح سینه و محفظهٔ دماغ شان کلام ربی بضابطهٔ جاگزین شده بود که مدت العمر و در تمام ختمهای تراویح حتی بیک کسره یاضمه هم سهو نشدند تا کسی با یشان فتحه دهد از تسلیم و توکلی که داشته مادام الحیاة دوارا بلب نز دیک نکرده ؛ و قتی در مرض الموت وحالت غشی که میخواستند غافلانه دوا ابد هنش بریزند با پشت دست آنرا رد کرده وآیهٔ مبارك کریمه (وان یمسسك الله بضر فلا کاشف له الا هو) را خواندو چشم ظاهر شان از زخارف دنیا پوشیده بود اما نور بصیرت از سینه وجبین شان هویداو آشکارا دیده میشد بالاخر درپنجم شهر جمادی الثانی سنه یکهزار و سه صدو شصت هجری قمری دنیا را باهزاران مخلصین خود وداع کرده و اینك در اینمقام تامادام القیام رحمت عام ایزدی را انتظار و استرحام دارند » .

این مرحوم طوریکه در کتیبه فوق مرقوم است واقعاً بهمین صفات موصوف بوده وشاگردان لائق وجید بسیار از خود بیادگار گذاشته که ازانجمله حافظ محمدعمر پسر ارشدشان است که در هر هفته بعداز فوت پدر خود یك ختم درز یارت

ساختمان عمارت و غیر آنرا نگاشتم و عدم صحت مزار حضرت جابر (رض) را مختصری تذکر دادم اینک مناسب مینماید تا بطور مثال از چند جابر و جبیر ذکر نمایم که بحضور خوانندگان محترم خوبتر مثبت ادعایم شده بتواند:-

۱ — ابو محمد بن جبیر بن مطعم بن عدی بن نوفل بن عبد مناف قریشی که از صحابه معتبر حضرت رسول اکرم صلعم بود و قبل از فتح مکه بشرف اسلام مشرف گشته بود وبقول صاحب تاریخ سیستان حضرت امیرالمومنین عثمان ذی النورین (رض) را همین جبیر بن مطعم بعد از سه روز بشسته و کفن کرده، وفات وی در مدینه باختلاف اقوال ٥٤-٥٧-٥٩ میباشد.

۲ — جابر بن سلیم تمیمی (رض) مسکن او بصره بوده و در همان بصره وفات نموده.

۳ — جابر بن سمره بن جناده بن جندب ابن حجر ابن رباب ابن حسب ابن سوار ابن عامر ابن صعصعة العامری که خواهر زادهٔ سعد بن ابی وقاص (رض) است در کوفه سکونت داشته و در سنه ٦٦ یا ٧٤ در کوفه وفات کرده است.

۴ — جابر بن عبدالله بن عمرو بن حرام بن عمرو بن سواد بن مسلمة الانصاری سلمی، از مشاهیر صحابه است و در بیعت عقبه و غزوهٔ بدر شامل بود. و در شام و مصر نیز تشریف برده اند، وفات حضرتش در مدینه منوره باختلاف اقوال در ٧٤-٧٧-٧٨ میباشد.

جابر بن تمیک بن قیس بن اسود از بنی کعب، بعضی گویند از بنی نجار است، در جنگ بدر و سائر غزوات شامل بوده اند، وفات شان به سنه ٦١ در مدینه طیبه اتفاق افتاده. اینک از ذکر حضرت تمیم (رض) که مشهد و مدفنش درینجا ثابت است

۵ — و جابر و جبیر (رض) که تا کنون مدفن شان درینجا بثبوت نه پیوسته بهمینقدر کفایت کرده و در ذکر بعضی از دیگر مدفونین احاطه این مزار مبارک و بعد آ در ذکر مدفونین نزدیک بجوار شان میپردازم:-

بعض مزارات داخل محوطه و باغچه این زیارت تا جائیکه روشن است بمرور دهور از بین نرفته برخی از روی کتیبه و بعضی از روی معرفت مجاورین و غیره بدون شک و تردید هویدا است.

قبرخود محمد یونس‌خان هم درهمین احاطه است‌اماسنگی در وی نیست قبرخو دسردار محمد یوسف خان که‌چهل سال قبل و فات‌کرده‌در سمت‌شمال قلعهٔ منال‌که نشیمن گاه خود او بود واقعست‌سنگی ندارد. و نیز درهمین احاطه قبر (نورجان) بنت‌سردار محمد عمر خان است‌که بسنگ ساخته شده و تحریری هم‌دارد. متصل بآن قبرمحمد عظیم جان‌پسر جوانمرگ سردارمحمد عمرجان است‌که درسنه ۱۳٤٥ه‌ ق وفات کرده وچند قبرد یگر نیز ازهمین خانواده‌درآنجا ست.

امامرگ محمد عظیم‌جان مصیبت عظیمی بوده زیرا جوانی‌باتعلیم و تربیه وحسن اخلاق وآداب وکمال‌زیبائی ورعنائی بود که اکثرموزونطبعان در رثایش شعرها سرودند و ازانجمله یک بنداز مسدسی که‌بخاطر مانده آورده میشود.

ای‌عظیم‌جان‌پسرار شدو دانای‌وطن	ای بخودبرده‌ از خاك تمنای وطن
. . . . . .	خیز ویکبار ببین‌ماتم و غوغای وطن

گریهٔ زار وطن سخت تماشا دارد
زانکه داغ تو بدل ای‌گل رعنا دارد

۳ ـ قبر خداداد.

در همین‌جا گنبدی‌پهلوی مسجد است‌که قبری دران ساخته شده وسنگی بزرگ هم بالایش موجود است‌اما درسنگ چیزی‌مرقوم و منقوش نیست. صاحب قبر بشهادت مجاورین و دیگرمردم بصورت یقین‌خدا داد خان است‌که از غلام بچه های‌مقرب ونیکنام ضیاؤالملة والدین بوده.

۴ ـ مزار علیا جاه

بطرف جنوب زیارت ، گنبدی بدوحصه‌است : درحصهٔ‌اول، مزارعلیاجاه‌که والدهٔ مرحوم سردار عنایت‌الله‌خان معین‌السلطنه‌میباشدوآبادی این گنبدو ترتیب سنگ آنهم ازطرف معین‌السلطنه شده. عبارتیکه دربن‌سنگ مرقوم است بدینقرار است :—

« هو الباقی	زخاك ما قدم آهسته‌بردار	مبادا بشکند در زیر پادل

درسنه ۱۳۳۷ ه ق جناب‌عصمت‌ماب عفت‌آیاب علیاجاه بدر الحرم صاحبه

حضرت تمیم (رض) که قبر والدش هم ملحق و متصل مرقد آن است بنا نمود .
ودر ماه رمضان مبارک گاه یک ختم و گاه دو ختم در همین زیارت در نماز تراویح مینماید و درچندسالی که نگارنده نیز شرف شمول در ختمات تراویح شان حاصل کرده ام این خلف الصدق آن مرحوم نیز مثل پدر خود هیچ وقت جماعت بفتحه نشده اند خداتعالی بطول عمر و توفیق شان بیفزاید و حسنات بر ایشان بیفزاید

مزار بوبوجان و برخی از خانوادهٔ مرحومه

اسم مخصوصه اش بی بی حلیمه و شهرتش بوبوجان است ملکه معروفه ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان و در حدود بیست و اند سال ملکه بزرگ به زمان بوده ذکاوت فطری و نجابت ذاتی و قریحه شاعری و علو همت و اشهر من الشمس است موصوفه بنت میر عتیق الله ابن حافظ میان جی ابن ... بود که بصفت معروف و نامور است .

ضیاءالملة والدین را با این حرم محترمه دلبستگی و علاقهٔ خاصی بوده وازین ملکه تنها یک فرزند بنام سردار محمد عمر جان مرحوم مانده اند بعد وفات شوهر تاجدار خود در پادشاهی سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان هم معززانه گذشتانده و در عصر پادشاهی امان الله خان بقیهٔ زیور ات خود را فروخته پلی در پغمان بناکرد که بنام پل حلیمه خانم است و با جمعی از زنان و مردان بسفر حرمین شریفین رفته واین فریضهٔ مقدس را نیز ادا نمود و بالاخره بسرای جاودانی شتافت .

شفاخانهٔ پغمان نیز از ابنیهٔ خیر اوست که به قرار وصیتش بعد از فوت مرحومه ساخته شده .

قبرش در محوطهٔ طرف جنوبی زیارت واقع است و بسنگ های سیار متین ساخته شده واین عبارت در ان منقور است .

عالیهٔ معظمه بی بی حلیمه مشهور به (بوبوجان) همسر نامور اعلیحضرت ضیاءالملة والدین امیر عبدالرحمن خان که بتاریخ ۲ جوزای ۱۳۰۱ شمسی وفات نموده اند . انا لله و انا الیه راجعون ، در پهلوی مرقد موصوفه قبر اخت السراج (بی بی هاجره) همشیرهٔ امیر حبیب الله خان شهید که همسر سردار محمد یونس خان پسر سردار محمد یوسف خان ابن امیر دوست محمد خان بوده میباشد که بصورت خوبی از سنگهای متین ساخته شده اما نوشتهٔ ندارد .

قبر خود محمد یونس خان هم درهمین احاطه است اما سنگی در وی نیست قبر خود سردار محمد یوسف خان که چهل سال قبل وفات کرده در سمت شمال قلعهٔ منال که نشیمن گاه خود او بود واقعست سنگی ندارد. و نیز درهمین احاطه قبر (نور جان) بنت سردار محمد عمر خان است که بسنگ ساخته شده و تحریری هم دارد. متصل بان قبر محمد عظیم جان پسر جوانمرگ سردار محمد عمر جان است که در سنه ۱۳۴۵ ه ق وفات کرده وچند قبر دیگر نیز از همین خانواده در آنجا ست.

اما مرگ محمد عظیم جان مصیبت عظیمی بوده زیرا جوانی با تعلیم و تربیه وحسن اخلاق و آداب وکمال زیبائی ورعنائی بود که اکثر موزون طبعان در رثایش شعرها سرودند و ازانجمله یک بند از مسدسی که بخاطر مانده آورده میشود.

ای عظیم جان پسر ار شدو دانای وطن ای بخودبرده تهٔ خاك تمنای وطن
. . . . خیز و یکبار ببین ماتم و غوغای وطن
گریهٔ زار وطن سخت تماشا دارد
زانکه داغ تو بدل ای گل رعنادارد

۳ـ قبر خداداد.

درهمین جا گنبدی پهلوی مسجد است که قبری دران ساخته شده و سنگی بزرگ هم بالایش موجود است اما درسنگ چیزی مرقوم و منقوش نیست. صاحب قبر بشهادت مجاورین و دیگر مردم بصورت یقین خدا داد خان است که از غلام بچه های مقرب ونیکنام ضیاؤ الملة والدین بوده.

۴ـ مزار علیاجاه

بطرف جنوبی زیارت، گنبدی بدو حصه است: درحصهٔ اول، مزار علیاجاه که والدهٔ مرحوم سردار عنایت الله خان معین السلطنه میباشدوآبادی این گنبدو ترتیب سنگ آنهم از طرف معین السلطنه شده. عبارتیکه درین سنگ مرقوم است بدینقرار است:—

« هو الباقی زخاك ما قدم آهسته بردار مبادا بشکند در زیر پادل
درسنه ۱۳۳۷ ه ق جناب عصمت ماب عفت آیاب علیاجاه بدر الحرم صاحبه

حضرت تمیم (رض) که قبر والدش هم ملحق و مربوط آن است مینما ید .
ودر ماه رمضان مبارک گاه یک ختم وگاه دو ختم در همین زیارت در نماز
تراویح مینماید و در چندسالی که نگارنده نیز شرف شمول در ختمات تراویح شان
حاصل کرده ام این خلف الصدق آن مرحوم نیز مثل پدر خود هیچوقت حاجت
بفتحه نشده اند خداوند تعالی بطول عمر و توفیق تعلیم حفاظ و ختمات بر ایش بیفزاید

۴ ـ مزار بو بو جان و برخی از خانوادهٔ مرحومه

اسم مخصه اش بی بی حلیمه و شهرتش بو بو جان است ملکه معروفه ضیاء الملة
والدین امیر عبد الرحمن خان و در جود وسخا فریدهٔ عصر و یگانه زمان بوده
ذکاوت فطری و نجابت ذاتی و قریحه شاعری و علو همت او اظهر من الشمس است
موصوفه بنت میر عتیق الله ابن حافظ میانجی ابن میر واعظ صاحب معروف
بامور است .

ضیاء الملة والدین را با ین حرم محترمش دلبستگی و علاقهٔ خاصی بوده
وازین ملکه تنها یک فرزند بنام سردار محمد عمر جان برجای ماند. بعد وفات
شوهر تاجدار خود در پادشاهی سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان هم معززانه
گذشتانده ودرعصر پادشاهی امان الله خان بقیهٔ زیورات خود را فروخته پلی در
پغمان بناکرد که بنام پل حلیمه خانم است وباجمعی از زنان و مردان بسفر حرمین
شریفین رفته واین فریضهٔ مقدس را نیز ادا نموده بالاخره بسرای جلودانی شتافت .

شفاخانهٔ پغمان نیز از ابنیهٔ خیر اوست که بقرار وصیتش بعد از فوت
مرحومه ساخته شده .

قبرش در محوطهٔ طرف جنوبی زیارت واقع است وبسنگ های بسیار متین
ساخته شده واین عبارت دران منقور است .

«عالیهٔ معظمه بی بی حلیمه مشهور به (بو بو جان) همسر نامور اعلیحضرت
ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان که بتاریخ ۲ جوزای ۱۳۰۴ شمسی وفات
نموده اند . انا لله و انا الیه راجعون» درپهلوی مرقد موصوفه قبر اخت السراج
(بی بی هاجره) همشیرهٔ امیر حبیب الله خان شهید که همسر سردار محمد یونس خان
پسر سردار محمد یوسف خان ابن امیر دوست محمد خان بوده میباشد که بصورت
خوبی از سنگهای متین ساخته شده اما نوشتهٔ ندارد .

قبر خود او در مزار شریف در جوار مزار امیر شیرعلی خان است :

بعد ازوی منصب لوینابی به پسرش خوشدل خان داده شد و این مرد نا مور هم تا او اسط سلطنت امان الله خان بامور مهمه وعا لیه کشور اشتغال دا شت .

در مرتبهٔ ثانی داخل احاطه گنبدی است پخته کاری ودران دو قبر است که سنگ پوش نیست‌وکتیبه هم‌ندارد یکی ازخوشدل‌خان لویناب است و دیگری از عیا لش :

درپهلوی این گنبد قبریست‌سنگ پوش‌شده‌وسنگ صندوق‌نمابر ان موجود امانوشته ندارد. این قبر علی‌احمد خان پسر خوشدل خان لو یناب است که در عصر امیرحبیب الله خان شهید شاغاسی ملکی‌ودرزمان پادشاهی امان‌الله‌خان والی کابل بوده بالاخره دروقت حبیب الله بچه سقو مقتول ودر اینجا بخاک سپرده شده .

علیا حضرت سراج الخواتین حرم امیر حبیب‌الله خان شهید که والدهٔ امان‌الله خان بود وحالا هم که سنه ۱۳۳۸ ش ۱۳۷۹ق میبا شد حیات است دختر همین شاغاسی شیر دل‌خان لویناب و همشیرهٔ علاتی خوشدل خان‌میباشدکه والده اش را بعد فوت پدرش با بای گرام محمد سرور خان بعقد خود درآورد . مقبرهٔ دیگری متصل با ینجا ست د وقبرآراسته‌بسنگ‌های اعلی دران است‌که یکی‌اززوجه مرحوم‌محمد ابرا هیم خان پسربا ی گرام ودیگری صبیه وی خانم سلطان احمد خان لوامشر میبا شد .

قبر خود بابای گرام‌که یکی از افرادنامور وشامل‌امورات مهمه درهر عصر بود وآخرچشم ازجهان پوشیده درمحل دیگری است که علیحده ذکرخواهد شد :

محمدابراهیم خان مذکور که‌درعصر امان‌الله خان وزیرعدلیه وبا ز رئیس تنظیمیهٔ هرات بوده درهرات مدفون است .

زوجه محترمهٔ اعلیحضرت سراج الملة والدین وداع عالم فانی گفته بسرای سرور جاودانی شتافت ، اکنون این توده خاك و دخمهٔ عبر تناك نخستین منزلیست از منازل آخرت این مغفوره که تایوم موعود امیدوار رحمت بی نهایت بود به آسودگی دران اطراق خواهد نمود اللهم اغفر لها و لجمیع المومنین آمین »

۵ـ قبر والدهٔ امیر حبیب الله خان شهید .

درحصه دوم گنبد فوق قبر والدهٔ امیر شهید است که کدام کتیبه ندارد .

٦ـ قبر علیار تبه .

طرف جنوبی زیارت دو گنبد متصل پخته کاری و دربین آن سه قبر است که وسطی آن دارای پوشهای سنگ مرمر و بعد از بسم الله شریف و کلمه طیبه این عبارت مرقوم است :

«وفات مغفورهٔ مرحومه عصمت و عفت مابه مسماة بی بی زهرا الملقب به علیا رتبه ستر الحرم صبیه مرحوم مغفور خلدآشیان سردار محمدابراهیم خان ولد خاقان مغفور مرحوم جنت مکان اعلیحضرت امیر شیر علی خان ابن امیر کبیر مرحوم امیر دوست محمد خان قوم محمد زائی وازطرف والدهٔ ماجدهٔ خود بسر دار مرحوم خلد آرامگاه سردار محمد امین خان مرحوم نواده میباشند عیال اعلیحضرت امیر شهید سراج الملة و الدین امیر حبیب الله خان که از شهادت شوهر تاجدار خود دو ماه و نه یوم بعد یکشنبه ۲٦ ماه رجب سنهٔ ۱۳۳۷ هجری از دار فنا بدار بقا رحلت نمود. »

مسجدی که درگذر اندرابی بنام «مسجد علیا رتبه » شهرت دارد یکی از بناهای خیر این بانوی مرحومهٔ پاك طینت و مظهر علاقه مفرط او به حسنات است؛ دربیرون گنبد متصل همین مقبره قبر فرخ تاج خواهرش وسردار عبدا لواحد برادرش و همکذا قبر داکتر سهد سلطان و چند قبر دیگر است .

۷ قبر لویناب

لویناب لقب شاغاسی شیر دل خان قوم عمر خیل بارکزائی بود که در سلطنت اعلیحضرت شیر علیخان بمراتب عالیه جلیله و مناصب ممیزه پیوسته و سجع مهرش چنین بود.

« علی است شیر خدا و امیر شیر علی
کسیکه خادم شیران بود چه شیر دل است»

۳ « مخور فریب فسون زمانه ای هشیار
ز خواب غفلت و طول امل بشو بیدار
بدانکه هیچکسی در جهان نمیماند
بغیر ذات خداوند باقی و غفار
رئیس عبد الاحد خان که بود صاحب قدر
بنزد شاه و گدا و همی صغار و کبار
باین اواخر عمرش رئیس شوری بود
بملت و بحکومت بدی بسی غمخوار
همیشه بود بحد هتگذاری ملت
بنزد پادشهان زمانه داشت وقار
چو بود او پسر قاضی غلام محی الدین
بقوم ورد ک و نیکوخصال و خوش اطوار
گذشت عمر عزیزش تمام با عزت
ز بخت میمنت آمود طالع بیدار
بعقل و فکر و فراست فرید دوران بود
صبور و قانع بدو الفضل و جود و هم ایثار
رسید عمر بهفتاد و دو زمرد نجیب
نمود ترک جهان را بجملگی یکبار
بلیل شنبه سوم بود ماه ذوالحجه
که روح او به بهشت برین گرفت قرار
بسال رحلت او حامه ام چنین گفتا
(غمش ز یاد بود) هشت عدد از ان بردار
۱۳۷٤ – ۸ = ۱۳٦٦ ه ق
گوینده این تاریخ ښاغلی حاجی رمق است.

۴ در پهلوی این، قبر عبد الله خان برادر کلان ویست که پخته کاری ساخته شده لوحی برایش از طرف ښاغلی محمد اسمعیل خان پسرش فرمایش شده هنوز نصب نگردیده ابیات کتبه آنرا که به بنده تکلیف نموده بود قرار آتی است:

۸ ـ گنبد جدید پخته کاری

این گنبد با ندازهٔ یک قبراست و قبر هم از رئیس ضبط احوالات میباشد که سنگ پوش شده و لوح دارد یکطرف لوح آیة الکرسی شریف و در دیگر طرف آن مرثیهٔ وی است که جناب بیتاب انشاد نموده و سه بیت آن این است .

داد و بیداد از جفای چرخ دون سنگدل
آه و افغان از ستمهای جهان حیله کار
نی فلک دارد غم دلهای خون آلوده را
نی بمهر و الفت دهر است هرگز اعتبار
برد از پیش نظر فرزانه مردی را قضا
ساخت از مرگش دل احباب را یکسر فگار

در پهلوی این قبر ، محمد یعقوب خان وزیر دربار امان الله خان مدفون است که قبرش بسنگ های زیبا آراسته شده و بسم الله شریف با یک آیهٔ مبارکه و نام و تاریخ فوتش که اول جدی ۱۳۲۹ میباشد تحریر یافته .

* * *

بیرون گنبد بطرف سرآرامگاه حضرت تمیم (رض) قبر حاجی عبدالرؤف تاجر است که خیلی جسارت کرده و درینمقام دفن نموده اند و لوحی بران نصب است که بتاریخ ۲ ربیع الاول ۱۳۷۰ بعمر ۷۰ فوت کرده .

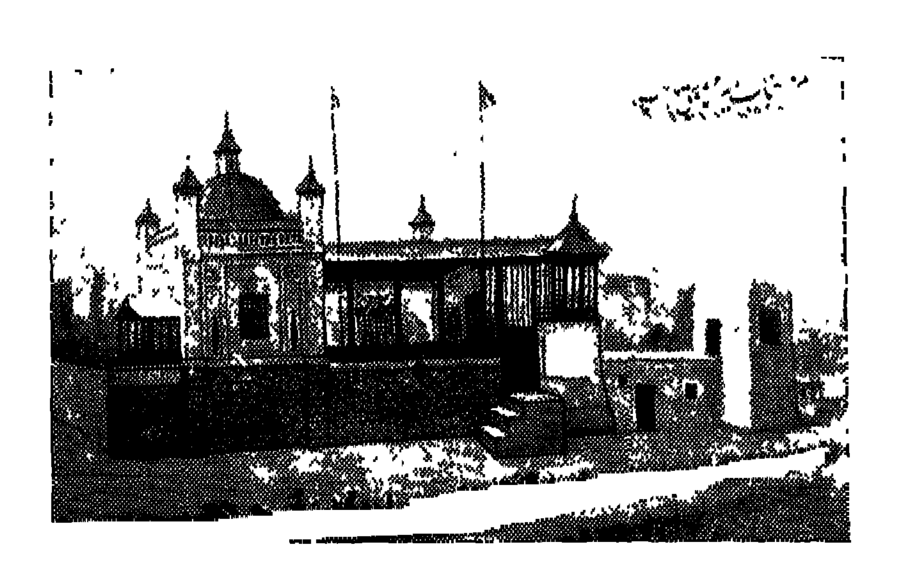
* * *

مزار حاجی عبدالرحیم تیکه دار بیرون گنبد زیر قدوم حضرت تمیم (رض) بسنگ های بسیار اعلی ساخته شده .

۹ احاطهٔ مرتبهٔ آخرین : درین احاطه طرف جنوبی قبرستانیست و درین قبرستان قبور ذیل به سنگهای زیبا و متین بنا یافته ، بعداز بسم الله شریف و کدام آیهٔ قرآن عظیم الشان عبارات مندرجه آورده میشود :

۱ «این تربت عسکر نامدار محمد انور نائب سالار ، خان قوم نورزائیست که بتاریخ ۷ حمل ۱۳۳٤ شمسی ، ٤ شعبان ۱۳۷٤ برحمت حق پیوسته» .

۲ مرقد خانم موصوف در پهلوی وی است .



منوط به صفحهٔ ۲۲

دردل این خاك خفته مرد با نام ونشان

نیك کردار نکو اطوار عبد الله خان

قوم وردك خادم صادق بقوم ومملکت

از ضمیر صاف یکرو با همه آئینه سان

بسکه پابندی بدین بودش بصد سال حیات

یکنفس غافل نشد ازیاد رب مهربان

عز خیر المرسلین و چار یار و اهل بیت

ساز دش ازدولت دیدار خود حق شادمان

روز وماه وسال فوتش مصرعی گفتم خلیل

(هژدهٔ ماه محرم دیده بست آه از جهان)

۱۳۷۲ ه ق

۵ بالاتر ازین مقبره دو قبر نو با سنگ های سفید و سیاه متین ساخته شده وبعد بسم الله شریف و کلمهٔ طیبه و آیتی از آیات مبارکه قرآنی این عبارت دران تحریر است :

الف. «آرامگاه مرحوم جناب ذوالفقار خان ابن مغفور گل محمد خان که در تاریخ ۵ برج اسد ۱۳۳۲ بعمر ۵۵ برحمت ایزدی پیوسته»

ب: «مرقد مرحوم میر محمد صدیق خان ولد میر سکندر خان که بعمر ۶۸ بتاریخ ۱۲ سرطان ۱۳۳۴ وفات یافته»

۱۰ مزار سردار عبدالقدوس خان

این سردار سلطان محمد خان برادر امیر کبیر دوست محمد خان که از رجال نامور و سرداران با شهرت و مقرب سلاطین وطن بوده رتبه اعتمادالدوله گی و صدراعظمی را نیز نائل شده بود. این مزار بامزارات بسیار دیگری بطرف شمالی زیارت است تنها مزار این مرد با نام پخته کاری شده و لوحی دارد که این ابیات دران مرقوم است :

سرور و سردار اعلی صدر اعظم فرد عصر

آنکه در ذاتش نمودی فخر عز و افحمی

صاحب فکر عمیق و مالك رای دقیق

زبده ارباب بینش نور چشم مردمی

بسکه عالیقدر وعالی رای وعالی جاه بود
نزد شاهان دهرها سراربودش محرمی
چون خلوص خدمت اسلام و دین پاك داشت
رفت سوی ملك عقبی با هزاران خرمی
مژده اش قدوسیان دادند کای پاك اعتقاد
در بهشت جا و دانی هم تو (صدرا لاعظمی)
۱۳۴۶ هق

گوینده این اشعار مرحوم آقاسید احمدخان است ، نمی‌دانم قدسیان چرا نگفته که قدوسیان گفته ؟

* * *

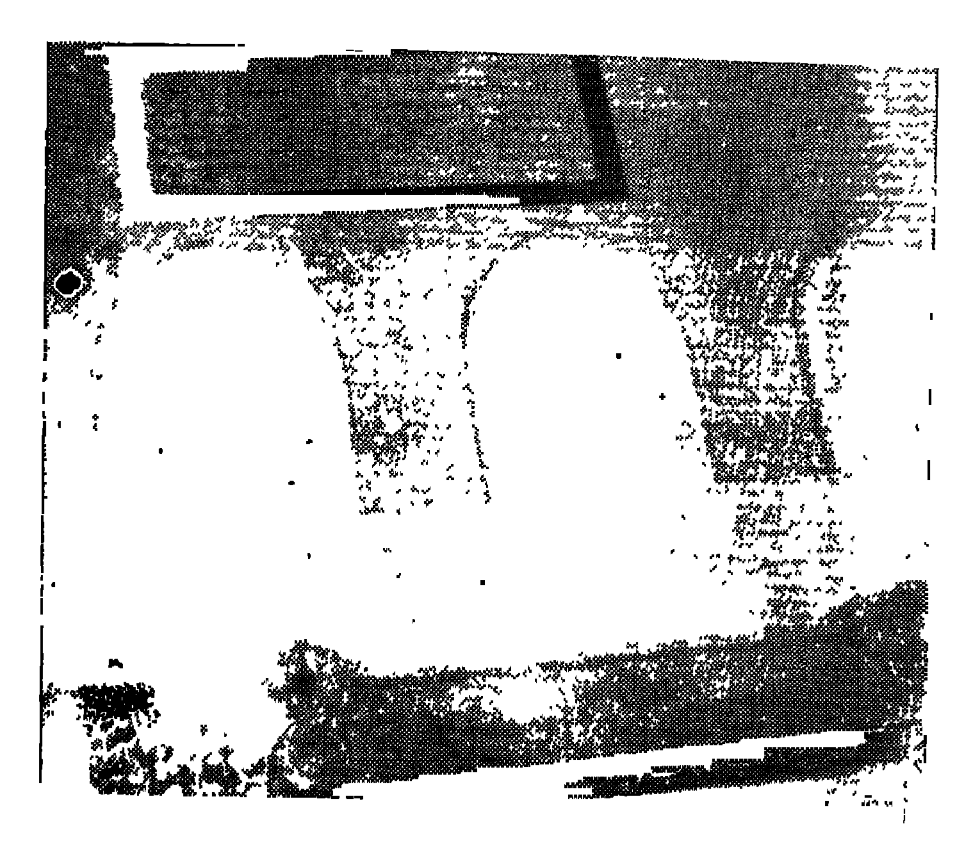
اینك که مقابر معروف و کتیبه دار داخل احاطه زیارت بپایان رسید بذکر مقابر یکه درجوار این مزار فیض آثار است تاحد ممکن میپردازیم

۱ مزار میر صاحب قصاب کوچه .

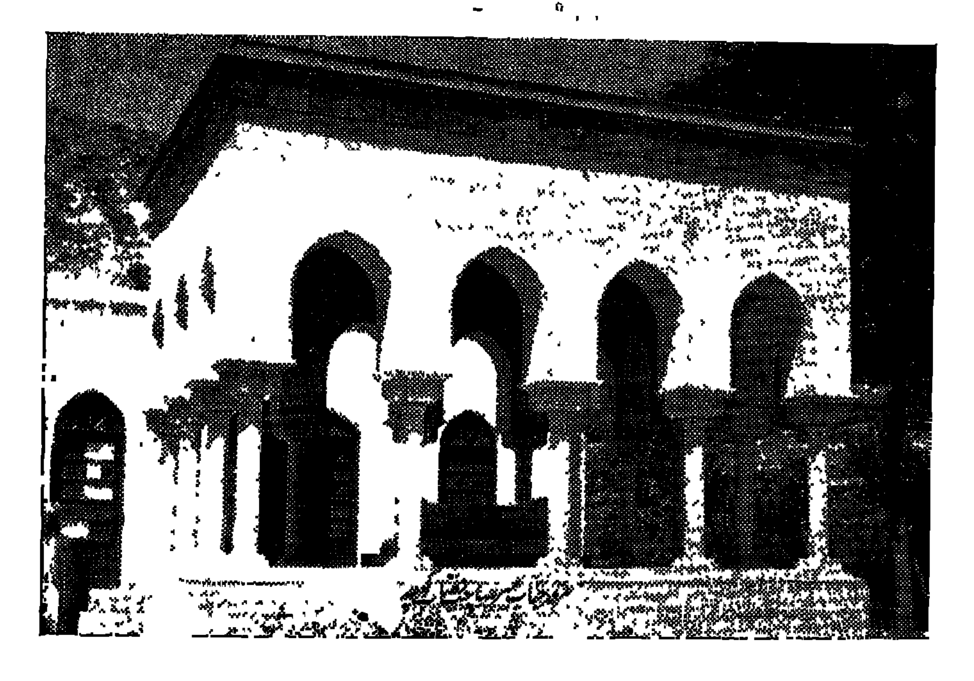
این مزار تقریباً صد قدم از احاطه زیارت پائین است و احاطه وسیع داردای در و دیوار دارد آب از چشمهٔ کوهیکه مقابل طرف جنوبی آنست و بعد از فوت میر صاحب موصوف نظر بالتجای مزید و صرف خیرات هاو نذور مخلصین ظهور کرده بذریعهٔ نل درانجا آورده شده ، این آب برای نوشیدن ووضو وساختن زائرین و شاداب داشتن باغچه مزار نعمت لاتعدو لاتحصا است.

احاطه خود زیارت بدو حصه منقسم است : در وسط حصه اول ، عمارت مزار است که بسنگ های بسیار زیبا ترتیب یافته و از زمین بقدر چهار فیت بلند می باشد و صورت قبر بالای اصل مرقد خیلی زیبائی ساخته شده و چهار طرف آن بپایه های سنگی مزین و پوشش آنهم سنگی و سرسنگ آهن چادر بواسطه حفاظت از یخ و برف نصب شده خیلی زیبا و حیرت آور و یکی از نمونه های حجاری امروز یست :

طرف مشرق مزار مسجد زیبائی بنا یافته و پیش روی مسجد هم دو سه اطاق ساخته شده و دو سه قبر می باشد که یکی از انها قبر حسین افندی ترکی است که از مدت ها در افغانستان اقامت داشته و روزگار زیاد رئیس گمرك کابل بوده و شخص نیك و خداجوی بود .



مربوط صفحه۱۹



مربوط صفحه ۱۹

معنوی را بطریقه انیقه قادریه شریفه ازحضرت والد بزگوار خویش که برایشان از مقام فضل و موهبت طورلدن رسیده برد نموده و تکمیل علوم ظاهری راهم تا بسن ۱۸ بحضور مبارك نموده بعدا رتحال والدماجدخویش وارد کابل و بحجای عبدا استارحان درقصاب کوچه کابل ٤٥ سال اقامت داشتند.

حلوات متعددیرا درولایت داخله افغانستان بمزارات متبرك انجام و بدفعات بحرمین شریفین مشرف ودفعه اخیر یکسال درمدینه منوره مستفیض بوده تمام اماکن مقدس را درعربستان و هندوستان زیارت و بسال دوم تشرف شان بحرمین شریفین بروضه حضرت فخرعالم غوث الاعظم صاحب رحمة الله تعالی علیه شرفیاب و برای چندی حلوت بوده بعدا مر ارشاد ثانوی را از حضور قدوة العرفا پیر سید احمد شرف الدین صاحب کلیدد ارنائل شدند، چون میل وتصمیم شان تحرید وانزوا ومجاهده مستدام بود خود را از مرید گرفتن معذور معرفی میفرمودند باوصف استتار و اخفای کمالات صیت شهرت وکرامات کامله شان سرتاسر آفاق را گرفته و هرروزه در اعداد معتقدین بتمام بلاد وحصص اسلامی افزوده ملکها نفرمستفید گردیده و بالآخره بروز ۲۲ شهر رجب المرجب سنه ۱۳٦٤ هق داعی اجل رالبیک گفته جانش بجان آفرین و اصل وجسمش در ینجا که جوارمزارفیض بار حضرت صحابه بزرگوار تمیم انصار رضی الله تعالیٰ عنه است دفن شد (انا لله وانا الیه راجعون)

بیدل فرماید:

مرگ صاحبدل جهانی را دلیل کلفت است

شمع چون خاموش گردد داغ محفل میشود

کتبه محمد ابراهیم خلیل

عبارات طرف غربی

هو الحی القیوم (یا الله) الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون وج صلی

(یا محمد) هو الحق الباقی

(یا ابابکر رض) باریابی چو بخاك در صاحب نظران

چین دامان ادب کن خط پیشانی را

بیدل (رح) (یا عمر رض)

* * *

دیگر اطراف آن همه گلکاری و نهال‌شانی شده است که صورت یک باغچه پرگل و درخت را بخود گرفته زائرین را حظ روحانی و تلذذ نظری می‌بخشد .

حصه دوم که از همین حصه اول جدا می‌شود از صحن حصه اول باندازه سه پته زینه بلندتر ، اول دروازه است و کفشکن بطرف مشرق کفشکن یک اطاق برای مجاورین وخدمتگاران است و به طرف غربی یک اطاق و دنبال آن دیگر اطاق بازشناب و گامخانه تعمیر یافته که اورسی های اینها همه بطرف حصه اول است .

در ظهر این اطاق ها حویلی دیگری است که در انجا بیت الخلا وسه چهار اطاق دیگر تهیه شده و صحن آنهم بقدر کفایت است .

چون همه ساله در حیات جناب میر صاحب درروز مولود مسعود حضرت خیر المرسلین صلی الله علیه وسلم طعام بسیار طبخ و بمساکین داده میشد حالا که از چند سال است اینجا آبادشده همان مولودی درهمینجا طبخ و صرف میشود .

وهمچنین در هرسال عرس جناب میر صاحب در همینجا صورت میگیرد و هکذا در شبهای رمضان المبارک خصوصاً و در شب ختمیکه در مسجد اینجامیشود برای تعداد کثیر طعام مناسب تهیه و صرف میگردد ، معرفی این مرد بزرگوار را نوشته‌ها ئی که بدو طرف فوقانی دیوار سنگی مزار بالاتر ازحدپایه‌هاست مینماید که آنهمه بخامه این فقیر و بدین ترتیب است .

بطرف شمال وسرهرقد بسم الله شریف وکلمه طیبه بد ونوع خط عربی و بطرف مشرق عبارت نثر ، بطرف مغرب قطعه شعر زادهٔ طبع فقیر که نثر و نظم مذکور عیناً آورده می‌شود .

عبارات طرف شرقی

(هو الحی الذی لا یموت) در صدف این خاك گوهر تابناك یعنی جسد مطهر وعنصر معنبر عارف متشرع و زاهد متورع حضرت میر عبد السبحان شاه معروف به (میر صاحب قصاب کوچه علیه الرحمه) بن حضرت میر محمد موسی صاحب بن حضرت سید عبد الستار صاحب است که در سنه ۱۳۰۱ ھ ق در کلنگار لهوگرد پا بساحهٔ عالم گذاشته وولی مادرزاد بوده ، تحصیل علوم

چنان بگنج قناعت گرفت کنج فراغ
که ازعلاقه باچیز ماسوی الله رست
بتان آزو هوا و هوس زکعبهٔ دل
خلیل واربه‌تائید کرد گار شکست
ازو نماند بجز نام نیک بعد از مرگ
نبرد بسکه گرفتار دهرو نفس پرست
نظر نکرد بسوی جهان و ما فیها
به پیش طبع بلندش ز بس نمودی پست
هزار حیف که آن عارف حقیقت جو
بعمر شصت وسه از دهر دون نظر بر بست
زمانه را بخمار غم فراق نشاند
اگرچه‌خودزشراب‌طهور شدسرمست
زسال وروز ومهٔ رحلتش نگاشت خلیل
(به بست‌ودوم ماه رجب بحق پیوست)
۱۳٦٤ هـ ق

* * *

(یا عثمان رض) اثر طبع وخامهٔ‌محمد ابراهیم‌خلیل (یاعلی رض)
کرده حجاری این لوح وسطور دوستدار اهل دل عبد الشکور

۲ مزارات متفرقه

الف: در بیرون احاطه مزارحضرت‌تمیم‌رض‌متصل بمزار میرصاحب در بین چار دیواری قبرسیدامیرخان‌اپریدیست‌که از مجاهدین پښتونستان بود وبکابل اقامت گرفته بروز ٤قوس ۱۳۲۸ هـ ش بعمر ٦۵ وفات نموده و از سنگ کتیبه اش همینقدر را ستنباط میشد.

ب: بعداز مقبرهٔ میرصاحب‌دراتصال آن، قبراولیز قوماندان‌طیارهٔ‌وطن‌است که تقریباً ۱۵۰قدم از زیارت دور است پخته کاری و سنگ پوش واز طرف وزارت‌حربیه ساخته شده و این عبارت درسنگ آن مرقوم است :

جناب نخبهٔ سادات میر سبحان شاه

یگانه مست می معرفت ز جام الست (۱)

بهمت از سر دنیا بزندگی بر خاست

بکنج حق طلبی بر خلاف نفس نشست

دقیقه ز حیات عزیز خویش نداد

بجز براه رضا جوئی خدا از دست

(۱) درینجا که ذکر جمیل مختصری این عارف به پایان میرسد نسبت مناسبت انسب مینماید از والد بزرگوارش نیز شمهٔ متذکر شوم گر چه مزارش در کابل نی بلکه در لهوگرد است .

این مزار در کلنگار لهوگرد واقع و دارای تعمیر حاوی بر یک گنبد بالای تربت و یک مسجد متصل بگنبد و یک اطاق خانه و چند پته زینه و کفشکن خورداست که همه پخته کاری بسنگ و خشت پخته و چونه و سمنت و آهن پوشی با شد این بنا تقریباً در سنه ۱۳٤۷ هـ ق از طرف همین خلف اصدق ایشان اعمار گردیده و عکس آن را در صفحه مقابل ملاحظه میدارید ، درین گنبد یکی قبر خود میر صاحب موصوف است که کتیبهٔ بدو از بالای سرش در سنگ مرقوم یافته و در پائین این سطور آورده میشود و یکی قبر محمد افضل خان لهوگردی است (محمد افضل خان که اکنون اولاد و احفا دش در اطراف و نواحی مزار قلعه و زمین و امرار حیات دارند از خوانین معروف زمان خویش و صاحب دوران و اعتبار لهوگرد بود) جناب میر محمد موسی از مسکو نین وردک بودند برای گوشه گیری در کلنگار آمده بعد چندی که اقارب و عزیزان شان آگهی یافتند جمعی نزدش آمده و تقاضای عودت شان را کردند ، چون غرض انزوا داشته و میخواستند بجائی باشند که شناخت با مردم کمتر داشته فارغ البال بطاعت و عبادت خداوندی پرداخته بتوانند ، همانست که مراجعت را نپذیرفتند ، محمد افضل خان که با ایشان اخلاص و علاقه مفرط پیدا کرده بود بملاحظهٔ که باز این خواهش را ازو نکنند و اگر بنمایند هم قبول نشود و به همینجا متوطن گردد همشیرهٔ خود را بعقد نکاح میر صاحب موصوف در آورده که جناب میر عبدالسبحان مشهور بمیر صاحب قصاب کوچه از همین پدر و مادر متولد شده .

عیناً نقل کتیبه از طبع جناب بینا غلی بیتاب

بود اینجا مرقد میر محمد موسی صاحب — که در وقت تجلی راز ها میگفت با مولا

سلوکش در طریق قادری تا منتها حاصل — رسیدی وا رداتش دمبدم از عالم بالا

بعلم ظاهر و باطن فرید عصر خود بوده — ندیده کس نظیرش را نه در زهد و نه در تقوا

چو آن ذات مبارک کرد ترک عالم فانی — زمان رحلتش از خامه پرسیدم بمن گفتا

سرو حدت بیمزا بر سر مصرع بگو وانگه — بهشت جاودان باد ش الهی منزل و ماوا

بطور عام فهم ار می اگر از من بگویم من — ز هجرت یکهزار و سه صد و ده بود و با لا

عز خیر المرسلین و چار یار و (ر ص) اهل بیت (رض)
حق ... شاید گر افزون یا کم است
سال ... را بگو شه ز خمهٔ ... خلیل
... در کابل نوای ماتم است)
۱۳۷۶ هـ ق

۴ قبرستانی عبدالکریم خان نائب الحکومه :

درین قبرستانی قبر خود عبدالکریم خان و دو امر مربوطین او بیه شان است ، مشار الیه پسر نامور ترهٔ ... سعد الدینخان ملقب بخانعلوم بود که ابا جداً قاضی القضاة و از مشاهیر علمای وطن بوده اند ، کتیبهٔ سنگ مزارش که زادهٔ طبع این فقیر است قرار آتی است :

مرد بزرگ هست بابا م پاذشان
صاحب سلوک و عاقل و دانا و خوش زبان
از بوستان خان علوم ... و لین شجر
از باغ علم ... با زیب و عز و شان
پیرجوان طبیعت و با رکزائی نسب
با ... و ... با فکر و کاردان
با شهرت بلند بهر شهر مشتهر
درین قوم نامور (عبد الکریم خان)
بسیار عمر خدمت این مملکت نمود
که نائب الحکومه و گه بود حکمران
درکار ها ز صدق ... رد انحراف
... رخ ... دل ... داشت هر زمان
چندین مراتب از ... عافیت
شد بار یاب خانهٔ یزدان لامکان
هفتاد و هشت سال چنین برد خوش بسر
آخر ... ازین تیره خاکدان
... یا رب ز فیض عام گنا ها ... و ببخش

- الله اکبر -

« محمد احسانخان فرقه‌مشر او این پیلوت افغان که در سال ۱۲۷۹ تولد و در سنه ۱۳۲٤ داعی اجل را لبیک گفته نسبت به خدمات برجسته و قابل قدرش که در دوران حیات موصوف در پیشرفت شعبه فضائی بمشاهده پیوسته بپاس خدماتش درین لوحه تذکار یافت »

* * *

طرف شمال راه عام که بزیارت میرود بیرون احاطه‌های زیارت چند قبرستان جدید احداث شده که متصل با آنها قبرستان برادران ترکی و پاکستانی ماست) از بعض مقابر که کتیبه یا شهرتی دارند مختصراً تذکر میدهیم :

۱ـ قبرستانی استاد قاسم

درین مقبره تنها قبر خود استاد قاسم است که پسر ستار جو میباشد و پدر کلانش از کشمیر بکابل توطن گزین شده و خود قاسم جو در فن موسیقی صاحب شهرت بزرگ و مقام استادی بوده علاوه بر کمالاتیکه در فن موسیقی داشت خوش صحبت و راست آشنا و دوست دار اهل الله و مخلص فقرا و پابند وفا بوده . چون سه سال از وفاتش میگذرد تاحال بقبرش آبادی نشده و گمان غالب است که بوجه خوب آباد شود قطعه که در تاریخ وفاتش بنده سرود ه‌ام و بخامه خود من تحریر یافته و با عکس مرحوم در مجلات زنگوگر اف شده بود لیز وماً می‌آرم :

در خرابات مغان امروز سازها تم است
نوحهٔ جانسوز غم در نغمهٔ زیرو بم است
از مقام عیش می‌آید سرود غم بگوش
داربا خاموش چون دلدادگان در هم است
میخلد در دل بر نگ چنگ شاهین صوت چنگ
پردهٔ عشاق را ساز ترنم پر نم است
تار عمر ، استاد قاسم را بمضراب اجل
هشتم ماه صفر دوران گسسته از هم است
روح موسیقی ز درد خارج آهنگی او
چو دقلوب دسته‌های ساز ، زار و بر هم است

یافت از مزاریکه در بالای کوه این زیارت واقع و موسوم به قبر ندا ف است نیز یاد
آن کرداده شود :

قبر نداف

فرازقلهٔ که کوه آسمائی وکوه زیورکث شاه با هم می پیوند ندیاستوای
زیارت حضرت مبم (رض) در همان بلندی که باینطرف شهد ای صالحین و با نطرف
حد و دباغ بابر شاه تاواصل آباد میباشد (و در حصهٔ پائین کمراین کوه با آنسو غار
یاول هم واقع است) مزاری وجود دارد که در همان سطح مرتفع سنگ های
طبعی بسیار کلان از زمین بقد رسه فوت بلند برده شده
وزینه پته به آن داده شده و صورت صحن وساختمان قبر بخیلی خوبی
ترتیب شده و وصل به آن باندازهٔ گنجایش پنج ، شش نفر در صحن همان
سنگ ها مسجد قرار یافته که دارای محراب است، وا ینهمه
ارسنگها ی طبعی و خیلی منظم بهم ارتباط داده شده ، مبرهن است که اگر
چندین هزار سال بگذرد و عمارات پخته کاری سر بفلک کشید ه ازبین
برود این مسجد بی درو دروازه واین مرقد بی سقف و بی دستکاری معمار ونجار
بسرحال خواهد بود .

پس طاق شد خراب و همان بیستون بجاست
بنیاد عشق بین که چسان محکم اوفتد ؟

* * *

وقتیکه انسان د رانجا میرسد خصوصاً در موا سم بها رگمان میکنند که
بیکطرفش کتاب گلستان و بدیگر جانبش بوستان کشوده است ، زیرا با نطرف
که نظر انداخته میشود تمام حصص چهارد هی تا قلعه قا ضی و دورتر از ان
و با ینطرف که التماث میگرددازبینی حصار تاده سبز ودشت قلعه حاجی صاحب
وبی بی مهرو و غیر نظر بینند ه را جلب میکند بالای قبر از همان سنگهای طبعی
بصورت لوحی نصب است اما نوشته ندارد ،
چهل سال قبل از هذه السنه ۱۳۷۷ ه ق از زبان حضرت قبله ام میرزا
فضل احمد خان ۱۲۹۱-۱۳۶۰ه‌ق راجع بمعرفی این مزار شرحی شنیده بودم

آسوده دارش از کرم خود با نجهان
از تاب آفتاب قیامت ز فضل وجود
اورا به ظل رحمت خود دار در امان
بنوشت سال رحلت وی خامهٔ خلیل
(یارب عطا کن از کرم خود به وی جنان)
۱۳٦۸ ه ق

۳ ملحق بطرف شمالی این قبرستانها چند قبرستان دیگر نیز تشکیل یافته که در آن یک چاردیواری مربوط باین فقیر است و تا اکنون دو سه نفر با یک دخترم درآنجا دفن شده اند این دخترم عزیزه نام داشت و بر زیور علم و ادب آراسته بود در سن ۲٤ بحالت حرمان آوری بتاریخ ۱۵ شوال ۱۳۷۰ ه ق جان بجان آفرین سپرد؛ مرثیهٔ طولانی در تحسر او سروده ام که از آنجمله این ابیات را در سنگ مزارش نوشته اند:

هی هی که چو برق از نظر رفت
هی هی بشتاب چون سحر رفت
وز تیر نگاه تیز تر رفت
چون گرد از ین سواد در رفت
وختیکه بوی محبتم بود
با هر سر مویش الفتم بود
ای گمشده نور دیدهٔ من　　ای آهوی نو رمیدهٔ من
ای نخل بسر رسیدهٔ من　　رحمی بقد خمیدهٔ من
رفتی اگرم ز چشم بیدار
بنمای مرا بخواب دیدار
ای باغ و بهار من کجائی　　ای لاله عذار من کجائی
شمع شب تار من کجائی　　خوش نغمه هزار من کجائی
گر روی نمی نمائی آخر
بفرست پیامی ای مسافر

* * *

حالا که مزارات داخل احاطهٔ زیارت و مزارات ملحق بجوار زیارت تا حدی انجام

نظرگاه و یا قدمگاه خضر علیه السلام

زیارت مشهور نظرگاه حضرت خضر علیه السلام در وسط کوه و دارای عمارات وباغچه وچشمه آب است :

اولاً باید نسبت تعیین این نام را با این مقام تصریح کنم :

چیزیکه از روی کتاب ام متداول باشد درین باره بنظر نرسیده اما آنچه از موسفیدان قدیم این جا شنیده شده چنین است : وقتیکه غازی سلطان محمود غزنوی انار الله برهانه با اراده همراه نهاد وارد کابل شد عساکر وی ... طور ... و شاید منظم نبوده باعث تشویش خاطر شن گشته با جمعی از مقربان خود روزی را درهمین جا بسر میبرد. اتفاقاً خواب بروی استیلا نمود چون ساعتی بخواب رفته بیدار شد فرمود « حضرت خضر علیه السلام را بخواب دیدم ... ... را که حضرت خضر را در آنجا دیده بود بنام نظرگاه ... مسمی ... عماراتی در ان تعمیر نموده بلاتردد اقدام بعزم ... فتوحات موفق آمد .

ازانوقت تا حال شهرت این محل بهمین نام و میله جای خاص وعام است.

ثانیاً صورت موجودهٔ آن :

درینجا احاطهٔ دارای عمارات وباغچه های مرتبه دار و اطاقها میباشد و گنبدی وجود داردو درزیر گنبد چشمهٔ آبیست که ازکوه شهدای صالحین می برآید اصل چشمه از گنبد تعمیر موجوده پنج پنج زینه پایان و سمچی میباشد و دران سمچ کتارهٔ چوبی تقریباً ۳ فوت در ۳ فوت بوده در عقب کتاره تخمیناً بیست فیت سمچ میباشد و این سمچ کندگی سنگ کوه و خشت کاری پخته قدیمه معلوم میشود آب از همین سمچ می آید .

بدیوار گنبد متصل چشمه یک سنگ قدیمی نصب ودران آیة الکرسی شریف مرقوم است و دردیوار بیرون گنبد ، سنگی نصب واین ابیات دران مندرج است :

بهرا ین چشمه جای خضر نبی	چرخ مزدور ، عقل بنا شد
دست قدرت نهاد تهداپش	مهرومه خشت خشت اینجا شد
کهکشا ن کاهکهگلش در پشت	چون غربیان زقریه پیدا شد

که ایشان اززبا ن جد مرحوم میرزا محمد جان خان متوفای ۱۳۱۹ه ق شنیده بودند ونیز در همان اوقات ازبعضی موسفیدان دیگر جسته جسته شنیده‌ام که آنچه با هم مطابقت داوند قرار ذیل است :

اسم این صاحب مرقد (عبد الله) و پیشه اش نداوشی بوده بصورت مجرد می زیست مرد خوش صحبت ورفیق بازونیک اخلاق بوده ودر مفرط بعبادت خدا وند جل شانه داشت .

دردوره اعلیحضرت تیمورشاه درانی حیات بسر میبرد روز ها باجمعی ازرفیقان بهمان حصه مدفن خود بسیرطبیعت میگذرانید، اکثر شب های جمعه را هم بایک دو نفر ازرفیقان درانجا تیر میکرد ، دراواخر عمر بخدمت شاه عزت الله صاحب مجددی که مزارشان درسیاه سنگ کابل مشهور بحضرت جی صاحب است دست ارادت داده و بطریقه شریفه نقشبند یه طی طریق معرفت میکرد .

اما تا آخرعمر، اورفیقان را ترک نگفت ورفیقانش اورا، بعد از فوتش جمعیت دوستانش نعشش را درانجا برده وبخاك سپرده عند الفرصت مزارش را طوریکه تذکر دادیم مرتب نمودند .

* *

سطح طرف: پا : تاریخ وفات معصومهٔ مغفوره مرحومه بیگه گل ها بنت خواجه سلطان قلی دلال سنه ۱۰۰۴

سنگ سوم: طرف فوقانی منقش است. باقی اطراف آیات قرآن مجید مرقوم است طرف پا: «تاریخ وفات مرحومه مغفوره بیگه ... (ماه بیگه) بنت مرحوم مغفور خواجه سلطان قلی سنه ۹۷۵

سنگ چهارم: طرف فوقانی ... فی کلمهٔ طیبه و ... باقی اطراف مزین با آیات قرآنی ... طرف پا: تاریخ وفات مرحومهٔ مغفوره آغا بیجه بنت خواجه ... سنه ۹۷۵

بد و طرف قبرها دو سنگ ... و تاریخ از آن معلوم نشد.

در بیرون ... مکعب مستطیل است، سطح فوقانی ... مزین با آیات قرآنی. سطح طرف پا: «تاریخ وفات مرحوم ... سنه نهصد و شصت و ...

در اندرون مزار آل آقا

در پایان منظرهٔ ... بابن نام موجود و دارای دو قبر و چراغدان های گلی است. آثار تهداب، دیوارها و ریخته های خشت پخته و چوب مظهر است که عمارت عالی در آن مزار وجود داشته اما حالا چیزی باقی نمانده صرف چیزی که از بین نرفته لوا یح سنگی همین دو قبر است که ذیلا تذکر میابد:

الف لوح مزار خود موصوف.

۱ در بالای سر: کلمهٔ طیبه و آیة الکرسی شریف

۲ در متن:

زنسل غوث الاعظم شاه جیلان   به بیمعنی شاه خطا بش کرد سیران

تاریخ وفات مرحوم مغفور حضرت غوث زمانه حضرت سید جلال الدین المشهور المعروف به بیمعنی شاه حسنی الحسینی بغدادی غفر ذنوبه در ۱۷ شهر شوال المکرم سنه ۱۱۹۶ بود که در . . . .

بهر نقاشیش عطارد نیز | با دوات و قلم سرا زپا شد
چشمه جاری نبوده بدمسدود | راغب این چشمه را چو رهوا شد
بهر تاریخ و طرح تعمیرش | نطق جاری چو آب دریا شد
پای عقل از ادب گرفت و بگفت | جاری این چشمه بهر کلها شد

تخلص راغب و نامم جهان خان ۱۲۲۰
ز صلب بیگ ظهرسا میرزا خان

معلوم است این ترمیمات و وضع چشمه در سنه ۱۲۲۰ شده و روشن میسازد در هر وقت که به عمارتش خرابی رو میداد آباد میشد و حالا هم عمارت آن موضع فرح بخشا بصورت پخته کاری ارچند سال است تجدید شده .
و نیز این بیت میرزا صائب که در قصیدهٔ معروف کابل آن شاعر شهیر درج است مؤید ربائی و دلکشی این موضع خوشنما ست .

خضر چون گوشهٔ بگرفتهٔ است از دامن کوهش؟
اگر خوشتر نیاید از بهشت این طرف کهسارش

در پایان این منظره دو گنبد متصل بهم بوده گنبد بیرون آن خراب شده دیوارهای خرابه آن باقیست و گنبد درون آن پخته کاری و هنوز هم آباد است اما درین گنبد آباد کدام لوح سنگ و آثاری وجود ندارد .

زیارت شیر سرخ

درین راه سه الغ و پنجه شاه گنبد یست که سقف آن از بین رفته و در دیوارهایش اثر خرابی ظاهر شده اصل این گنبد پخته کاری بوده و نزد عموم بهمین نام «شیرسرخ» شهرت دارد درین گنبد چهار قبر پهلوی هم وجود دارد وسرقبرها سنگهای صندوقی مرتبه دار مکعب مستطیل میباشد که بدین تفصیل در سنگها تحریر است :
از طرف مشرق سنگ اول : همه اطراف آن بکلمهٔ طیبه و آیات قرآنی مزین ومنقش وطرف پای این عبارت درج است « تاریخ وفات جناب مغفرت مآب خواجه ارباب تیمور ابن ارباب خواجه سپو میرزا سنة ۱۰۰۳ »
سنگ دوم : سطح فوقانی : کلمهٔ طیبه و چند بیت که ابیات خوب خوانده نمیشود بدیگر سطوح آیات قرانی .

زیارت بجانباز

شهرت این زیارت بجا نباز بلا گردان ودر آخر شهدای صالحین د رد امنه کوه موضعی زیبا وفرح بخشا ودارای گل بته‌ها وچشمهٔ آب وحوض است :
اصل مرقد میان گنبد پخته کاری واقع وروی قبر بصورت صندوق ، چونه کاری ورنگ سنگ نماشده است مشهور است که اسم محضه اش خواجه شمس الدین واز خلفای حضرت سلطان بهاؤالدین شاه نقشبند رحمة الله علیه است (؟) بهر روچه مقام روحانیت بزرگ داشته ومزارش از سالیان دراز نزد عامه مردم محترم است . خود زیارت سنگ وکتیبه ندارد ، امادر جوارش از آن وقت تا حال بزرگان ومشاهیر دفن شده اند که از اکثر سنگی نبوده واگر بوده هم بمرور زمان از بین رفته واز بعضی که سنگی بود وباقیمانده ذیلاً تسوید میشود :

۱ پیش روی زیارت طرف مشرق قبری است دارای لوحیکه که این ابیات دران مرقوم است :

از وصال خواجه نصر الله بر چرخ برین
سوخت خورشید وفلک خون جگر بر سر فشاند
عارف عالم امام ومقتدای اهل فضل
رفت از دنیا و داغی بردل احساب ما نماند
شد بسوی جنت ودر علم دین بس روزگار
از تصانیف کتب نقش عجیبی بر فشاند
چون بجستم سال تاریخش مسیحا بر فلک
بر کشید آه گفتا خواجه نصر الله نماند
۱۱۶۰

۲ در طرف پای لوح قبر دیگری

رفت مهر علی زدار فنا
رخت بر بست سوی ملک بقا
حضرت ذوالجلال والاکرام
کرد رحمت ز لطف خویش عطا
بود دائم بذکر حق مشغول
زان سبب یافت منزلت ز خدا

باقی سنگ زیر گل بود و برآوردنش بیحد مشکل .

۴ در حاشیهٔ بالا :

سید و سلطان فقیر و خواجه مخدوم ولی   ادشاها شیخ مولانا محی الدین جلی

۴ درطرف راست حاشیه :

سنینش کامل و عاشق تولد   [illegible] تو معشوق الهی

میخواستم نظارهٔ آن دار با کنم   فرصت نداد گریه که من چشم وا کنم

۵ در طرف چپ حاشیه :

[illegible] ریک دوستان [illegible]   [illegible] چو روز رخشند .

این سعادت بزور بازو نیست   تا نبخشد خدای بخشنده .

ب لوح دوم که از حرمشان است باین ابیات و عبارت منقور میباشد .

دریغ از ماه محبوب جلال   که جز خوبی نبود [illegible] در سرشتش

چو بودی زوجهٔ سید جلال آن   بعالم سرنزد افعال زشتش

خدا سید کمالش داد فرزند   که آمد هر کمال از سر نوشتش

درین مزرع چو تخم نیکوئی ریخت   دهد حاصل بروز حشر کشتش

قضارا چون زجور گردش چرخ   زمسند گشت ، بالین خاک و خشتش

چو خادم خواست تاریخ وفاتش   شو دمسکن بگفتا (در بهشتش)

وفات مرحومهٔ مغفوره والدهٔ ماجدهٔ صاحبزاده سید کمال الدین در غرهٔ ربیع الآخر سنه ۱۲۱۱

از مفاد مرقومات مبرهن شد که صاحب مرقد حضرت سید جلال الدین بغدادی و از نسل شریف حضرت غوث الثقلین رحمته الله علیه است که به بیمعنی شاه ملقب بوده و صاحب مقام روحی است دیگر ابیاتی را که نوشته اند متعلق باوصاف و تاریخ ولادت و عمر و رحلت حضرت غوث الاعظم صاحب است بصاحب مرقد جز ارتباط سلسلهٔ نسب دیگر تعلق ندارد ، و مرقد دوم بلا شبهه از زوجه شان است .

چون عمارت سابق این مزار از بین رفته و تنها صورت قبرها برجای ماند . بود سه سال قبل از حال که سال ۱۳۳۸ ه ش است شخصی را خدا یتعالی توفیق داد که تجدید تعمیر حصص قبرها را به سنگ و سمنت انجام داد خدایش اجر دهاد .

۵ قبر دیگری متصل آن دارای دو لوح است، لوح طرف سر کلمهٔ طیبه و آیات بینات قرآنی لوح طرف پای این عبارت :

« وفات مرحومه مغفوره جنت مکان والدهٔ سردار حیات الله خان ابن الامیر سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان تاریخ یوم چهارشنبه بیست و ششم شهر شعبان المعظم از دار فنا بدار بقا رحلت نمود در سنه ۱۳۲۶ » اعلاط این سنگ . (والده ، ایات الله ، ابن الامیر ، سعاد .)

٦ دریک قبر دیگری نیز دو لوح است در لوح بالای سر آیة الکرسی شریف و کلمهٔ طیبه مرقوم است ، در لوح طرف پای این ابیات ·

ایدریغ ار - ادثات گردش چرخ کبود
ای فغان از سانحات عالم پر انقلاب

حیف حیف ار جور چرخ پیر نیلی فام شد
این عدیمه صالحه مستوره علیا جناب

مریم ایا بـ اقدس زمان ساره سیر
این خدیجه خوی حوا طینت حوری حجاب

اختر اسلالهٔ تمکین آسمان قدر و شان
که هر بحرین فخر و رفعت و ستر و نقاب

مریم ثانی مسمی بوده و هم افعال نیک
همچو مریم روز و شب اندر تلاوت در کتاب

بنت شاه معدلت دستور امیر با وقار
خسرو اعلی محمد اعظم مالک رقاب

در شب جمعه جمادی دوم بد پانزده
جان بحق تسلیم کرد و رفت زین دیر خراب

سال فوتش جستم از پیر خرد گفتا بگو
در بهشتش فاءو واو الف زا .... بیاب

جستم از پیر عقل تاریخش
گفت با ما از روی صدق و صفا
سال تاریخ آن خجسته خصال
گشت از (ج ع ط پیدا)
۱۰۷۹

۳ درهمین احاطه قبر یکی از عیال های امیر حبیب الله خان شهید است که والده قمر البنات صاحبه خانم والاحضرت شاه محمود خان غازی میباشد، این قبر یک مرتبه سنگ خشتی و بازسرآن بصورت صندوق ازسنگ مرمرساخته شده نوشته ندارد .

۴ قبر دیگری در پهلوی آن سنگ پوش است دارای دو لوح در لوح بالای سر کلمهٔ طیبه و بسم الله شریف و اسماءالحسنی مرقوم است و در لوح طرف پای این ابیات،

ایدریغ از حادثات گردش چرخ کبود — ای فغان ازسانحات عالم پر انقلاب
وه چه اجسام بزرگان خوردکرد، زیرخاک — وه چه فرق تاجدار انسوده شدزیر تراب
حیف حیف از دور چرخ پیرنیلی فام شد — این عفیفه صالحه مستورهٔ عالیجناب
مریم ایام بلقیس زمان سارهٔ سیر — این خدیجه خوی حور اطینت حور زین حجاب
اختر افلاک تمکین و شکوه و قدر وشان — گوهر بحرین فخر و رفعت و ستر و نقاب
آفتاب چرخ عز و جاه و زیب و احترام — بدر افلاک بزرگی خاور عصمت مآب
سرو نوخیز گلستان جلال و سلطنت — غنچهٔ نشگفته گلزار عز و احتجاب
آنکه از مهر نثار مقدمش از آسمان — مهر و مه شد طبل بار آورده ماه نو رکاب
بنت سردار معلی جاه عالی منزلت — خسرو عالی محمد اعظم مالک رقاب
یوم جمعه از ربیع اولین بیست و دوم — همچو مهر خاوری خاور نهان شد در تراب
ارسواد ظلمت آباد فنا دلتنگ شد — رفت سوی جنت و طوبی لهم حسن المآب
شد بعمر ۲۲ ساله زعمر خویش سیر — خوش ایام ترقی اول عهد شباب
تا که در زیر تراب این مهر انور شد نهان — دارد احبابش فغان یالیتنی کنت تراب

باقی ابیات وسمه درزیر گل فرو رفته کشیدن سنگ دشوار بوده صرف نظر شد .

مزار همسر شاه محمود افغان

این مزار بطرف شمال وقریب بزیارت جانباز گنبد پست پخته کاری که رو بخرابی آورده وخوابگاه ابدی یکی از ملکه ها ی باانام ونشان افغان میبا شد .
این ملکه افغان حرم خاص و همسر با وفا ی شا ه محمود هوتکی فا تح اصفهان است که کا رنامها ی درخشان او اظهر من الشمس وا بهر من الامس میبا شد
این شاه کشور کشا پسر بزرگ میرویس خان هو تکیست ، میر و یس خـا ن کسیست که تسلط صفویها را از قندهار محو ومعدوم ساخته قندهار را استقلال کامل بخشیده بعد از هشت سال زمامداری میرویس خان برادرش پادشاه شدولی این شاه جدید بافارس عهدی بست ، شاه محمود این عهد را که صدمه باستقلال افغانستان وارد میکرد پسند نکرده ، بعد ازیک جنگ باابدالیان هرات در سنه ۱۱۳۳ بکرمان هجوم کرده آنشهر را اگرچه فتح کرد ولی بباعث شورش قندهار معاودت نمود ، سال بعد یعنی ۱۱۳٤ ه ق بانیروی سوار وپیاده خود دلیرانه از کرمان گذشته و به یزد آمده بسوی پایتخت آنوقت که اصفهان بودروی آورده باوجود هرگونه مدافعه و مقابله شهرهای بین کرمان واصفهانرا تسخیر کرده افواج فارس را درگلون آباد شکست فاحش داد وبعد از هشتماه محاصره اصفهانرا شجیعانه فتح و تصرف نمود ؛ چنانچه جوناس هنری انگلیس دربارهٔ برخورد دو سپاه و فتح درخشان افاغنه چنین مینوسد :
«آفتاب تازه در افق پدیدار شده بود که دولشکر با دقتی که از خواص این موقع وحشت انگیز است پدیدن یکدیگر ایستاده بودند.
سپاه فارس با درخشان ترین زیورهای درباری خود را مزین ساخته از شهر بیرون آمده بود چنانکه گوئی بتماشای یا بجشنی میروند نه بمیدان جنگ ، گرانبهائی ورنگا رنگی سلاح ولباس وزیبائی اسپان وزروجواهریکه برخی ازاینها را پوشانیده بود، وشکوه سرا پرده های لشکر ، همه اینها اردوگاه فارس را اجلال وباشکوه وآراسته جلوه میداد .
ازانسو گروه کمتری از جنگجویان که خستگی وتابش آفتاب رنگ شانرا دگرگون ساخته وپوست شانرا سوزانده بودانتظا رمیکشیدند ، لباس شان باین

۷ متصل باغچه زیارت قبرستانی است که فعلاً ویرانه شده دوسنگ قدیمه بالای دو قبردران موجودهمه‌اطرافیکی‌آن‌لشم‌وصفا ودرطرف‌پای‌آن مرقوم است :
«تاریخ وفات‌المرحوم المغفور مستو علی‌ابن خواجه بلبک خان‌سنه۹۶۱»
سنگ دیگر آن دربالایش کلمهٔ‌طیبه‌بخط کوفی معلوم میشودودیگرنوشته هایش محو شده درحصه نگارش نام ،نوشته‌ها معلوم میگردداما ازخواندن برآمده .
بالاتراز ینجا بالای قبردیگری هم یک سنگ کهنه است منقش وبساطرافش آیة الکرسی مرقوم طرف پای‌تاریخ وفات خوانده میشود و دیگر آن ازخواندن برآمده .

۸ درسمت مغرب زیارت‌دریک بلندی‌قبریست‌که صندوق سنگ، مکعب مستطیل دارد درسطح طرف پای‌مرقوم است« تاریخ‌وفات مولانای المرحوم المغفور مولانا درویش‌محمدابن‌المولانا الخطیب المرحوم مولینا .... محمدطاب الله ثراه وجعل‌الجنة‌مثواه فی الشهر المحرم سنه ثمان و سبعین و ... مائه»

۹ دریک‌احاطهٔ علیحده‌بطرف شمال زیارت قبرپروانه‌خان نائب سالار است‌که‌در عصر امیرعبد الرحمن خان مقام عالی واعتبارکافی‌داشته تاریخ وفاتش یوم شنبه ۳ ذیحجه ۱۳۱۰میباشد ولوحی‌حاوی براببیات زیادداردکه مهجورشاعرآنوقت سنه فوتش را ازکلمه غشی برآورده .

۱۰ بطرف مشرق، جنوب احاطه زیارت، سردابهٔ و بالای‌آن سنگیست‌باین عبارت «بتاریخ دوم جمادی‌الثانی۱۰۹۴بودکه سیادت پناه میرابوالفتح بن میر عبدالغنی ازاولاد حضرت میر سید امیرکلال رحلت نمود»

۱۱ قبرستانی بصورت خامه درزیرزیارت بنا یافته دارای‌پنج قبر است در یک قبربالای سرسنگی نصب وبسم الله شریف وکلمهٔ طیبه وآیة الکرسی واین عبارت دران مرقوم است:
«هذامرقد پیر طریقت استادشریعت‌فقیرسالک درویش‌تارک سیادت‌نسب مولینا و مرشدنا جناب میرصاحب علیه‌الرحمه»

طرف دوم:

ای سروسایه از سر ما بر گرفتهٔ
خود رفتهٔو عالم دیگر گرفتهٔ
ای خاک تیره دلبر ما را عزیز دار
این نور چشم ماست که در بر گرفتهٔ

لوح دیگری بالای سرقبر مذکوره نیز هست که شکسته ولی از پارچه‌های شکسته اش آیات بینات قرآنی خوانده میشود .

* * *

نزدیک گنبد مذکوره یک قبر دیگر است که دو لوح سنگ دارد. در لوح بالای سر کلمهٔ طیبه و آیات قرآنی و در لوح طرف پا چنین مرقوم است.
«وفات مرحومهٔ مغفوره بی بی زاینب بنت مرحومی حاجی الحرمین حاجی رسول غلجائی هوتکی شاه عالم خیلی بتاریخ سیم شهر ربیع الثانی از دار فنا بدار بقا رحلت نمود سنه ۱۲۱۹ »

زیارت پنجهٔ شاه

در سمت جنوبی شهدای صالحین بدامنهٔ کوه موضعی باین شهرت واقع و دارای سبزه و اشجار و گل بته هاست و گنبدی دارد که تقریباً تا ۶۰، ۷۰سال قدامت خود را نمایندگی میکند . در دیوار سمت مغرب گنبد سنگی بدیوار نصب است نشان پنجه در ان حک شده. درین نزدیکیها متصل گنبد یک مسجد خورد و برندهٔ مختصر هم ساخته شده .

در صحن پیش روی گنبد مردگانرا دفن کرده اند و بطرف مشرق صحن مذکور عمارت حرابه ایست ؛ آب کمی از موضع بعیده درینجا می‌آید .
نعش مرحوم آزادرا درهمین قبرستان دفن کردند که بالای جنازه و دفنش حاضر بودم بعد یکسال پسر موصوف چندبیتی بغرض لوحی برایش از من خواست ولی ندیده ام که لوحی گرفته اند و ابیات را نوشته اند یاخیر اما بیاد بود آن شاعر ابیات ذیلا مرقوم .

سفر دراز باندازهٔ کهنه و پاره پاره شده بود که بسختی آنهارا از سرما محفوظ مینمود ، زینت اسپان شان تنها از چرم و برنج بود و هیچ چیز دیگر درخشان ندا شتند مگر نیزه و شمشیر »

این پادشاه نامی افغان در ۱۲ شعبان ۱۱۳۷ هـ ق در سن ۲۸ سالگی در پایتخت اصفهان در حین تاجداری و فرمانفرمائی پدرود زندگی نموده پسرعمویش اشرف شاه بر اورنگ شاهی فارس متمکن گردید.

این ملکه افغان که در فارس شمع روشن بزم محمود نامدار بوده بعدازبسربردن ۳۳ سال بماتم مفارقت و اندوه مهاجرت آن شوهر تاجدارخود چشم از زندگی بر بسته و بخاك پاك وطن عزیز خویش بخوابگاه ابدی غنود

در لوح سنگ منقوش و مزینی که بالای تربت او ست بدو طرف چنین ترسیم و ترقیم یافته :

طرف اول :

بتاریخ ۹ شهر رجب یوم سه شنبه ۱۱۷۰ بی بی صاحب بیگم بنت کامران زوجه شاه محمود رحلت نمود .

چو بی بی صاحب از عالم سفر کرد
از ین ماتم شفق در خون نشست است
بعصمت نور چشم کامران بود
که خاك تربتش عنبر سرشت است
بایران شمع بزم شاه محمود
کنون بالین او در خاك خشت است
چو شد واصل نشان او بجستم
که جز تخم نکو نامی نکشت است
بجنت حور با روی بقا گفت
مکان و سال تاریخش (بهشت است)

عدد (بهشت است) ۱۱۶۸ میشود ، روی بقا (ب) و عدد ش (۲) جمله (۱۱۷۰)

طرف دوم:

ای سروسایه از سر ما بر گرفتهٔ
خود رفتهٔ و عالم دیگر گرفتهٔ
ای خاك تیره دلبر ما را عزیز دار
این نور چشم ماست که در بر گرفتهٔ

لوح دیگری بالای سر قبر مذکوره نیز هست که شکسته ولی از پارچه‌های شکسته اش آیات بینات قرآنی خوانده میشود.

* * *

نزدیک گنبد مذکوره یک قبر دیگر است که دو لوح سنگ دارد. در لوح بالای سر کلمهٔ طیبه و آیات قرآنی و در لوح طرف پا چنین مرقوم است. «وفات مرحومهٔ مغفوره بی بی زلیخ بنت مرحومی حاجی الحرمین حاجی رسول غلجائی هوتکی شاه عالم خیلی بتاریخ سیم شهر ربیع الثانی از دار فنا بدار بقا رحلت نمود سنه ۱۲۱۹»

زیارت پنجهٔ شاه

در سمت جنوبی شهدای صالحین بدامنهٔ کوه موضعی باین شهرت واقع و دارای سبزه و اشجار و گل بته هاست و گنبدی دارد که تقریباً تا ۶۰، ۷۰ سال قدامت خود را نمایندگی میکند. در دیوار سمت مغرب گنبد سنگی بدیوار نصب است نشان پنجه در ان حک شده در بین نزدیکیها متصل گنبد یک مسجد خورد و برندهٔ مختصر هم ساخته شده.

در صحن پیش روی گنبد مردگانرا دفن کرده اند و بطرف مشرق صحن مذکور عمارت حرابه ایست : آب کمی از موضع بعیده درینجا می‌آید.

نعش مرحوم آزادرا در همین قبرستان دفن کردند که بالای جنازه و دفنش حاضر بودم بعد یکسال پسر موصوف چند بیتی بغرض لوحی برایش از من خواست ولی ندیده ام که لوحی گرفته اند و ابیات را نوشته اند یا خیر اما بیاد بود آن شاعر ابیات را ذیلا مینگارم

سفر دراز باندازهٔ کهنه و پاره پاره شده بود که بسختی آنهارا از سرما محفوظ میمود ، زینت اسپان شان تنها از چرم و برنج بود و هیچ چیز دیگر درخشان ندا شتند مگر نیزه و شمشیر »

این پادشاه نامی افغان در ۱۲ شعبان ۱۱۲۷ ه ق در سن ۲۸ سالگی در پایتخت اصفهان در حین تاجداری و فرمانفرمائی پدرود زندگی نموده پسر عمویش اشرف شاه بر اورنگ شاهی فارس متمکن گردید.

این ملکه افغان که در فارس شمع روشن بزم محمود نامدار بوده بعد از سر بردن ۳۳ سال بماتم مفارقت و اندوه مهاجرت آن شوهر تاجدار چو دچشم از زندگی بر بسته و بخاك پاك وطن عزیز خویش در خوابگاه ابدی غنوده

در لوح سنگ منقوش و مزینی که بالای تربت او ست بدو طرف چنین ترسیم و ترقیم یافته :

طرف اول :

بتاریخ ۹ شهر رجب یوم سه شنبه ۱۱۷۰ بی بی صاحب بیگم بنت کامران زوجه شاه محمود رحلت نمود .

چو بی بی صاحب از عالم سفر کرد
از ین ماتم شفق در خون نشست است
بعصمت نور چشم کامران بود
که خاك تربتش عنبر سرشت است
بایران شمع بزم شاه محمود
کنون بالین او در خاك خشت است
چو شد واصل نشان او بجستم
که جز تخم نکو نامی نکشت است
بجنت حور با روی بقا گفت
مکان و سال تاریخش (بهشت است)

عدد (بهشت است) ۱۱٦۸ میشود ، روی بقا (ب) و عدد ش (۲) جمله (۱۱۷۰)

قبر میان صاحب

این زیارت بسمت شمال زیارت جانباز واقع و دارای دو احاطه است که در احاطه اول ابتداء عمارتیست آهن پوش ومتصل باآن برای مسجد و درین اطاق مناسبیست در صحن این عمارت چاه آب و حوض و کردهای گل و چند درخت و گلدسته ها میباشد در احاطه دوم مسجد بهاری و زمستانی و اطاقهای متعدد داست.

اسم میان صاحب میا عبدالکریم میباشد چه از اهل هند بوده یا بوده؟ در آنجا مدت زیاد بسر برده و از صوفیان طریقهٔ قادریهٔ شریف کسب و سلوک کرده و بکمال رسیده بعرض ابزواگیری وارد کابل گشته و رمانی بعزلت میرفته و از مزارات آنجا استفاده مینمود.

بالاخر شهرتی پیدا کرد و تشنگان تصوف ایشان رجوع کرده از زلال علم وعرفان و فضل وکمال شان بهره ور میشدند ویکی بعد دیگر دست ارادت بایشان میدادند و بارشادات و هدایات شان طی طریق معرفت میکردند و رفته رفته چندین کس از طرف شان خلیفه مقرر گشته و در عزنی وکابل برو ش سلوك ایشان ارشاد خلق الله مینمودند که معروفترین خلیفهٔ ایشان جناب ملا علا م نبی صاحب بود که مردی عالم ومتقی وعارف وصاحب حالات مجرد انه و فضائل بزرگ وسجایای عالی و نیز امام عمر امام و خطیب مسجد جامع گذر عسالان که مشهور بمسجد میان شیخ احمد است بود.

میان صاحب را بعد از وفاتش نظر بتمائل طبع شان که در ین جا دیده میشد بخاك سپردند و مدفن شان همین عمارت آهن پوش احاطه اول است ولی خلفا و مریدان و مخلصان شان در کابل و غزنی از مسالك شان پیروی داشته وباقتضای خود شان همه ساله عرس حضرت محبوب سبحانی غوث صمدانی سید عبدالقادر جیلانی رحمة الله علیه را گرفته و علاوه عرس بخود میان صاحب نیز میگرفتند خصوصاً خلیفه علا م نبی صاحب در همین چمن هر سال در دهه دو عرس بزرگ انجام میداد که بسیاری از مخلصان و علاقه مندان شان در ان شرکت

دورگردون که ندارید هنری جز بیداد
تازه داغی بدل اهل هنر بازنهاد
برد ازمجمع اربـاب سخن مردی را
کـه در اقسام سخن دستـرسش بود زیـاد
صاحب شهرت در علم وکمال و دانش
اعنی آن (میرمحمد علی خان آزاد)
حیف ازان طبع صفا آه ازان طینت صاف
کـه چو گنج در و گوهـر بتهٔ خاك فتاد
یـا الهی ز کـرم عفـو گناهانش کـن
یـا رب از رحمت خودد ار روانش راشاد
سنهٔ فوت ورا گـریـه کنان طبـع خلیـل
گفت چون نـور ز (چشم بلغا) رفت آزاد
۱۳۷۶ - ۱۳ = ۱۳۶۳ ه‍ ق

* * *

در زیراین محوطهٔ مشهور به پنجهٔ شاه چهار سنگ صندوقی مکعب مستطیل میباشد که باقی اطراف همه مزین با یات قرانی است .

سنگ اول : طرف پا : نام مرقوم نیست اما سنه واضحاً نهصد و هشتاد مرقوم است

سنگ دوم : طرف پای : « درین سنگ مزار بی بی مرجان داده تا معلوم باشد » جز همین عبارت مبهم چیز دیگر ازان یافته نشد .

سنگ سوم : طرف پای : « تاریخ وفات المرحوم المغفور خواجه درویش بن خواجه سعدالدین محمد الخراسانی فی سنه ۹۱۱ نهصد و یازده

سنگ چهارم : طرف پای : « وفات مرحومه فاطمه جان بنت خواجه صدر الدین ۹۱۰

قبر میان صاحب

این زیارت بسمت شمال زیارت جانباز واقع و دارای دو احاطه است که در احاطه اول ابتداء عمارتیست آهن پوش و متصل با آن برای مجاور بن اطاق مناسبیست در صحن این عمارت چاه آب و حوض و کردهای گل و چند درخت و گلدسته ها میباشد در احاطه دوم مسجد بهاری و زمستانی و اطاق های متعدد است.

اسم میان صاحب میا عبدالکریم میباشد چه از اهل هند بوده یا بوده در آنجا مدت زیاد بسر برده و از صوفیان طریقهٔ قادریهٔ شریف کسب و فیض کرده و بکمال رسیده بعرض از واگیری وارد کابل گشته و زمانی بعزنی رفته و از مزارات آنجا استمداد میمنود.

بالاخر شهرتی پیدا کرد و تشنگان تصوف ایشان رجوع کرده از زلال علم و عرفان و فضل و کمال شان بهره ور میشدند و یکی بعد دیگر دست ارادت بایشان میدادند و بارشادات و هدایات شان طی طریق معرفت میکردند و رفته رفته چندین کس از طرف شان خلیفه مقرر گشته و در غزنی و کابل بروش سلوک ایشان ارشاد خلق الله مینمودند که معروفترین خلیفهٔ ایشان جناب ملا علام نبی صاحب بود که مردی عالم و متقی و عارف و صاحب حیات مجرد اند و فضائل بزرگ و سجایای عالی و امام عمر امام و خطیب مسجد جامع گذر عسالان که مشهور بمسجد میان شیخ احمد است بود.

میان صاحب را بعد از وفاتش نظر بتمائل طبع شان که درین جا دیده میشد بخاك سپردند و مدفن شان همین عمارت آهن پوش احاطه اول است ولی خلفا و مریدان و مخلصان شان در کابل و غزنی از مسلك شان پیروی داشته و با قتدای خود شان همه ساله عرس حضرت محبوب سبحانی غوث صمدانی سید عبدالقادر جیلانی رحمةالله علیه را گرفته و علاوه عرس بحود میان صاحب نیز میگرفتند خصوصاً خلیفه علام نبی صاحب در همین حصه سال در دهه دو عرس بزرگ انجام میداد که بسیاری از مخلصان و علاقه مندان شان در ان شرکت

دورگردون که ندارد هنری جز بیداد
تازه داغی بدل اهل هنر باز نهاد

برد ازمجمع ارباب سخن مردی را
که در اقسام سخن دسترسش بود زیاد

صاحب شهرت در علم وکمال و دانش
اعنی آن (میرمحمد علی خان آزاد)

حیف ازان طبع صفا آه ازان طینت صاف
که چوگنج در وگوهر بتهٔ خاك فتاد

یا الهی ز کرم عفو گناهانش کن
یا رب ازرحمت خوددار روانش را شاد

سنهٔ فوت ورا گریه کنان طبع خایل
گفت چون نور ز (چشم بلغا) رفت آزاد
۱۳۷۶ ۱۳=۱۳۶۳ه ق

* * *

در زیر این محوطهٔ مشهور به پنجهٔ شاه چهار سنگ صندوقی مکعب مستطیل میباشدکه باقی اطراف همه مزین با یات قرانی است.

سنگ اول: طرف پا: نام مرقوم نیست اما سنه واضحاً نهصد و هشتاد مرقوم است

سنگ دوم: طرف پا ی: « درین سنگ مزار بی بی مرجان داده تا معلوم با شد »
جز همین عبارت مبهم چیز دیگر ازان یا فته نشد.

سنگ سوم: طرف پای: « تاریخ وفات المرحوم المغفور خواجه درویش بن خواجه سعدالدین محمدالخراسانی فی سنه ۹۱۱ نهصد و یازده»

سنگ چهارم: طرف پای: « وفات مرحومه فاطمه جان بنت خواجه صدر الدین ۹۱۰

گنبد خلیفه صاحب

نزدیک زیارت میان صاحب گنبدی نو بنا یافته و بیرونش رنگین و جالب نظر است در داخل این گنبد مدفون خلیفه محمد اکبر صاحب است که غالباً از هذه السنه ۱۳۷۸ ه ق ۱۷ ، ۱۸ سال قبل وفات نموده‌اند.

این بزرگوار در بزازی و سگری کابل دکان خورده فروشی داشته مرد با خدا و نیک اخلاق و از طرف یکی از صاحبان طرق عالیه خلیفه بوده است در راوا خر مرید ان هم در حصص کمری و شوکی پیدا کرده بودند.

بعد از وفاتش مریدان و اخلاص کیشان این گنبد را بنا نموده و سنگی بالای مزارش ترتیب داده اند که در علوم ظاهر و باطن و جمع کمالات یگانه بوده و مثال این عبارت مبالغه آمیز بسیار در آن درج است.

چون در خوب آدمی و خلیفهٔ طریقه بودن و حسن خلق شان جای شک نیست اما این مدحت مبالغه آمیز مخلصان برای دیگر وقت ممکن است تمام مزارات این جای را تحت الشعاع ایشان قرار دهد بنابران اینقدر تذکر میدهیم که معلومات عامی شان ابتدائی و قدرت خواندن شان در فارسی خوب بوده است چون عبارت سنگ همه غلو بود سوادنکردم و تکرار مینمایم که مرد با خدا و صاحب سلوک و ساعی در راه تصوف و صاحب ریاضت و مجاهدت بوده اند . و یکی از خوشبختی های آنمرحوم است که خلف الصدق . مخلصان بعد از رحلتش همه ساله در ماه رمضان المبارک یک ختم قرآن مجید در تراویح بالای قبرش مینمایند .

گنجینه سنگهای پریشان و متفرق

این سنگهائیست قدیمی که اکثر بواسطهٔ سیل و یا ویران شدن مقابر و غیر آن از بالای قبرهای مربوطه خود جدا شده و متفرق در هر گوشه و کنار افتاده‌اند.

۱ ـ بسمت مشرقی مقبرهٔ میان صاحب در یک قبرستان تپه نمایان صمد و قی ساخت سنگ مرتبه دار کلان مستطیل است طرف فوقانی منقش ، باقی اطراف با آیات قرآنی ، طرف پا این عبارت :ـ

رفتی و درد و داغ تو ام یادگار ماند   صد حسرت از تو در دل امیدوار ماند
آنکس که بود آرزوی جان زدست شد   این جان زار مانده ندانم چه کار ماند

مینمودند، آبادی این زیارت تماماً از طرف خلیفه غلام نبی صاحب شد . بلکه اضافه از همه کاریزی حفر کرده و آب آن را بذریعهٔ بلول در ینجا آورده بود که تا زمان حیات خودش درست بود و آب وافر و خوشگوار می آمد زیرا چا ه این بقعه بسیار عمیق است ، و احاطهٔ دوم را قابل گذاره و بود و باش یک جمیعت ساخته مسجد و تابه خانه وغیره ضروریات آنرا کامل ترتیب کرده بود .

چون حیات خودش بصورت تجربد بود از جملهٔ مریدان و مخلصانش مردم جدیدالاسلام نورستانی بوی بیشتر گرویده بوده ودائم ا لوقت خدمتش راهم انجام میدادند وآنهارا اولاد خود میگفت وبنای این عمارت رانیز برای گذاره آنها مانده بود که درزمان حیاتش زیست داشتند و بعد وفاتش بقرار تملیک و وصیتش با آنها مفوض است .

خود خلیفه صاحب ٤٥ سال قبل ازهذه السنه ١٣٧٧ ه ق برحمت ایزدی پیوسته ودر همان مقبره پهلوی مرشد خود دفن شد .

از خلیفه صاحب ، یکی مخلصین زیاد ، که معروفتر همه جناب ملا احمد جان غزنوی که مدت ٤٠ سال قاضی ابتدائیهٔ محکمهٔ کابل بوده وبکمال پاکنفسی انجام وظیفه داده وده سال قبل از هذه السنه وفات کرده)و دیگر کتابخانه بزرگی وهمین عمارت زیارت باقی مانده و بس .

عمارت متعلق مردم نورستانی شد و کتابخانهٔ خود را که وقف نموده بود و تحت ادارهٔ قاضی صاحب بود یکدفعه دزدی شد و البته آنچه باقی مانده طلاب علوم درهمان مسجد از ان استفاده میکنند :

حضرت خود میان صاحب واز خلیفه صاحب یکی هم سنگی ندا رند .

معلومات فوق بنده نسبت به میان صاحب شنیدگی و نسبت خلیفه صاحب دیدگی است خدای تعالی ارواح شان را بکرم خود شاددار اد بمحمد وآله الامجاد .

۸ بطرف شمال زیر زیارت جانبار پهلوی یک احاطهٔ خرابه سنگ مکعب مستطیل دیگر نیست که هر طرفش مزین به آیات قرآنی و کلمهٔ طیبه و طرف یا چنین مرقوم است: تاریخ وفات المرحوم المغفور محب علی بن خواجه گدافی شهر صفر ۹۲۲.

۹ در ظهر گنبد خلیفه صاحب مرقد ملا محمد اعظم خطیب است که از علمای عهد امیر عبدالرحمن خان و خطیب بسیار شیوا و فصیح و حق گوی و در حق گوئی خود بی هراس بوده، میبا شد که بعد از فوتش مربوطین مدلوحی برای لوح قبرش از بنده خواهش چند بیت نمودند و در سنگی خورد در انجا مرقوم است.

خطیب و عالم و عامل محمد اعظم آنکه — قدم خلاف ره شرع تا که از ادنماند
صحیفه نود و ششم کتاب حیات — به بیست و ۲۷ هفتم شعبان چو برکشا نماند
خلیل سال وفاتش رقم نمود دو طور — (هزار و سه صد و شصت آه آن جوا ندماند)
۱۳۶۰ ه ق

مدفن شیخ احمد گرد آنس

۱ این مدفن در وسط گنبد سه الع و زیارت میان صاحب واقع و دارای گنبد پخته کاری است بدیوار سمت مغرب گنبد (از طرف بیرون) تخته سنگها بطور زینه نصب است که توسط آن در بام گنبد میتوان بالا شد (غالباً بمراعات پاک کردن برف آن است) دروازهٔ این گنبد سنگی یک پاره ایست، در درون گنبد طرف قبله محراب هم دارد، بدیوار طرف شمال یک چراغدان مخصوص قبور نیز ساخته شده. در میان گنبد چهار قبر است سه قبر لوحی ندار دیک قبر که لوح سنگی دارد چیزی دران تحریر نیست.

در کتاب عمدة المقامات تذکرهٔ ششم از منتخب چهارم که ذکر خلفای حضرت عروة الوثقی فرزند سوم حضرت قطب ربانی مجدد الف ثانی رحمة الله تعالی علیهما را مینماید از ین بزرگواران در صفحه ۳٤۱ چنین نام میبرد: «صوفی مشهور بصوفی پاینده طلاء کابلی و صوفی عبدالرؤف مشهور بصوفی پاینده کرباس کابلی» و در صفحه ۳۲٦ در ضمن خرق عادات و تصرفات حضرت عروة الوثقی چنین می آرد: «از صوفی پاینده طلاء کابلی منقول است وقتیکه این مخلص را مجاز نموده رخصت فرمودند بعرض اقدس رسانیدم که مشیخت

تاریخ وفات مرحومهٔ مغفور و مسمٰی ... سلطان ... در هژدهم شهر جمادی الاول سنه ۱۰۸۰ بود که از دار فنا بدار بقا رحلت نمود.

۲ - از دیك مقبرهٔ میا ں صاحب در یک قبرستان ... دیگر سنگ صندوق نماسی مکعب مستطیل خورد یست، طرف سر اعوذ بالله و بسم الله شریف، طرف فوقانی کلمهٔ طیبه، طرف پا این عبارت مرقوم است :-

تاریخ وفات میا نخیرك ... فی شهر جمادی الاول ... تسعین و ثمانمائه

۳ - در احاطهٔ قبر عبدالخالق تاجر یک صندوق نماسنگ خورد دست، طرف فوقانی کلمه طیبه، سه طرف آیات قرآنی، طرف پا : تاریخ وفات مرحومهٔ مغفوره ... خورد بنت جعفر عطا رکابلی سنه ۹۰۱

۴ - در زیر زیارت جانباز نزدیك یك عمارت قدیمه که دیوارهای خرابه و محراب مسجد آن هنوز هم باقیست یك صندوق نمای کهوار ... سنگ منقش است. بالای سر آیات قرآنی، طرف پا: هذا مرقد المرحوم المغفور ... احمد بن جمال الدین سنه اربع وتسعین و ثمانمائه

۵ - قریب سنگ مذکور (بفاصله تقریباً پنجاه قدم) صندوق نما سنگی از زیر خاك کشیده شد که بیکطرف آن مسطور است: تاریخ وفات سلطان خواجه حسین قلی میرزا سنه

۶ از ان سنگ تقریباً چهل قدم دورتر صندوق سنگ مکعب مستطیل کلاں یست طرف سر آیهٔ کریمه (کل شیء هالك الا وجهه) طرف فوقانی بخط کوفی چهار جا (الله) جل جلاله طرف پا: تاریخ وفات مرحوم مغفور ... عباس ابن عبد الله شیخ خوارزمی سنه ۵۱۱

چون تاریخهای مذکره عموماً نهصد و چند بوده اند یحتمل تاریخ سنگ مذکور نیز (۹۱۱) باشد و زیر عدد نه بمرور سالها پریده حال به پنج مشتبه می شود و یا حقیقتاً (۵۱۱) باشد؟ زیرا خط کوفی و طرز خط عربی و اسم ... دلالت بر قدامت آن میکند و اینکه تحریرات از مغشوشیت محفوظ مانده و بسهولت خوانده میشود برعایتیست که زیر گل مدفون بوده .

۷ در پهلوی آن سنگ دیگری نسبت با ن خورد هم است که بدیگر اطرا فش کلمهٔ طیبه و آیات قرآنی معلوم میشود وطرف پا وفات مرحوم مغفور ...

متقیه از اهل عصمت ها به عالمه

فضاله، فیاضه، ریاضیه، ادیبه، ناظمه

راستگو، حق جو، نکوخو، قدردان آبرو

فرد نسوان از زمان خویش بی بی فاطمه

صرف تعلیم و تعلم نقد عمر خود نمود

تا قوایش بود برحال و وجودش سالمه

طبعش از مهمان شگفتی چون مزاج از بوی خوش

در رخ محتاج هم مکین و خندان دائمه

از کمال خلق نکرد ز غیبت و در حضور

می نمودی از همه کس احترام لازمه

غرق ذکر و فکر و اوراد و وظائف روزها

در دل شبها بعمر خود نبودی نائمه

روز جمعه نزد هم از ماه مولود شریف

شد بجنت در سن هشتاد و هفتم عازمه

مصرعی از سال فوتش زد رقم کلک خلیل

(لاحق حور الهی باد و حسن خاتمه)

۱۳۷۵ ه ق

زیارت سه اخو (سه الف)

این زیارت در وسط شهدای صالحین واقع است و گنبد نهایت عالی و زیبا به پخته کاری تمام از خشت پخته و چونه و گچ دارد که مرور دهور هم در ان جزجزئی نقصانات صدمه زیادی نرسانده، تنها مجاور رخانهٔ که متصل سمت مشرقی گنبد در خارج داشت خراب شده که سقفش از بین رفته و دیوارهای خرابه نمایش باقیست. در بین گنبد پنج قبر دارای سنگ های خیلی متین و اعلای مرقوم و منقوش بسی زیبا موجود است که تفصیل آورده میشود، خارج گنبدش احاطهٔ وسیعیست که بسنگ مرمر سفید آراسته بوده و تا چهل، چهل و پنجسال قبل هم بیشتر آن از بین نرفته بود و در یك سنگ کلان که آنهم سفید و در بین سنگهای دیگر در زمین نصب

را خرج خانقاه میباید واین درویش بجز نام خدا چیزی ندارم امر فرمودند که صوفی قدری کاغذ سرخ وسفید بسیار تجسس نموده پارهٔ کاغذ سرخ وسفید بخدمت حضر نمودم بدست مبارك خود ازان کاغذ با اوی روپیه واشرفی مدور قطع نمودند ولعاب دهن مبارك خود آلوده بدست بنده دادند روپیه واشرفی شده بودند بخاطر فقیر خطور نمود که اگر این تصرف به بنده عنایت شود خوبتر خواهد بود، ازین روپیه و اشرفی. بمجرد این خطور امر نمودند که این تصرف بشما عنایت نمودم بشرطیکه زیاده از احتیاج نکنید بعده هر وقت که محتاج میشدم کاغذ سرخ را مدور نموده بلعاب دهن می برآوردم اشرفی میشد واگر کاغذ سفید را می برآوردم روپیه می‌شد و این تصرف او مشهور بوده لهذا ملقب بصوفی پاینده طلاء کابلی شده بود — که : لیک صوفی پاینده کرباس نیز ازهجا زان ایشان بوده در وقت رخصت با و پارهٔ کرباس عنایت نموده بودند وفرمودند که درین کرباس برکت است صوفی مذکور مدت عمر خود از آن کرباس میفروخت وخرج مایحتاج خود مینمود واز کرباس هیچ کم نمی‌شد تا انقضای مدت حیات او بعد ارتحال صوفی مذکور همان کرباس را تکفین او نمودند وصوفی مز بور مشهور بصوفی کرباس پاینده بوده (۱)

۲ در وسط راه حضرت تمیم رض و زیارت میان صاحب قریب با حاطه گنبد شیر سرخ یک سنگ صندوقی خوردموجود است که بالای سر کلمه طیبه و بطرف پا این عبارت مرقوم است :

«تاریخ فوت جناب مرحوم محمد محسن سنه احدی وستین وتسعمائه»

۳ مرقد ملمهٔ دینات :

باستوای گنبد خواجه کرباس نزدیك گنبد سه الغ قبرستانی است و دران قبرستانی قبر این مرحومه که از عالمات درجه اول نسوان مملکت و از نخستین افراد معلمات مکاتب نسوان میباشد واقع و بسنگی بالای مرقدش بابسمله و کلمهٔ طیبه این ابیات اثر طبع نگارنده تحریر است :

---

(۱) از این مضمون واضح شد که در ضمن این چهار قبر قبر این دو نفر نیز میباشد وهردو از باریافتگان فیوضات و علمای حضرت عروة الوثقی رح میباشند .

نهصدو چهل و یک » در حاشیه و سطح سنگ : « بلعنت خدا گرفتار شود آنکس که طمع بفروش این سنگ کند. »

۴ـ سنگ قبر چهارم که بالای سر سه قبر مذکور است ، مضمون طرف پای : « تاریخ وفات مرحومه آق بیگم بنت سلطان الغ بیگ غازی مرحوم سنه ۹۱۲ » دیگر اطراف سنگ چیزی نوشته ندارد.

۵ـ سنگ قبر پنجم که بالای سر سه قبر مذکور است سطح فوقانی منقش ، دیگر اطراف آیات مبارک قرآنی ، طرف پای : تاریخ وفات مرحومهٔ مغفوره فخر النسأ بیگم حضرت بنت سلطان الغ بیگ غازی سنه ۹۱۱

عندالاقدام نگارش این کتیبه ها از اتفاقات حسنه بدیوان حضرت خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی برخوردم که در یکی از بزرگترین کتابخانه های کشور است ، این کتاب بخط زیبا و دلکش خطاط معروف سادات علی المشهدی مذهب و مجدول تحریر یافته که نمایش چشم را نور و طبع را سرور می بخشد، و در صفحهٔ آخر آن نویسندهٔ نامورش می نگارد « باهتمام جناب عمارت مآب امیرشمس الدین محمد کوکلتاش بدارالسلطنه هرات در تاریخ عشرین شهر ربیع الثانی سنه ست وتسعین وثمانمائة (۸۹۶) من الهجرة النبویه صـ تحریر شد »

ونیز در ذیل آن مرقوم است « در مشهد مقدس در سنه ۱۲۹۸ تصحیف و تذهیب شده » چون تحریر کتاب مذکور یکی از آثار گرانبها و یادگارهای مهمه است که باهتمام همین امیرشمس الدین محمد مدفون مرقد سوم گنبد هذا مهیا شد که در سنه ۸۹۶ تحریر کتاب مذکور و بپایان انجام پذیرفته و در سنه ۹۴۱ یعنی ۴۵ سال بعد شیراز؛ کتابت جا نشین گردیده.

مزار میر هاشم آقا

تخمیناً یکصد و پنجاه قدم پائین بطرف شهر از زیارت سه آغا ـ قبر مرحوم میرمحمد هاشم خان است که وزیر مالیه و شخص صاحب نسب و خیراندیش بود بالای مزارش دیوارچه ساخته شده وسنگی وران دیوار نصب و این ابیات قاری عبدالله خان مرحوم در آن تحریر است . .

و بصورت (اغر) بجای آن عمیق کنده شده بود که ممکن است از ذخیره آب جهت پرندگان و یا کدام احاطه دیگر بوده باشد، مگر از دو ... بهمان سبب شهرت این مزارات به اغر شده است که نگارنده آنرا بکثرت دیده بودم و خوب بیاد دارم، ولی حالا آن سنگ وجود ندارد و سنگهای فرش احاطه نیز ... سه چهار سنگ آن که بصورت نمونه مانده است باقی آن تماماً از بین رفته، وجه دیگر شهرت این نام ممکن است از احاطه الغ ها بوده باشد که چون اولاده سلطان الغ بیک غازی دران مدفون و اسمای شان مرقوم است بکلمه الغ را از قرب به صورت اغر تلفظ نموده باشند و بزبانها بهمین نام کسب شهرت کرده، بهر وجه باید این گنبد را طوریکه در سنگهای بالای قبر هایش مرقوم است مقبره الغ ها شناخته و مضامین مندرجهٔ سنگهای قبر شانرا در ذیل ملاحظه نماید:

درین این گنبد کلان پنج قبر است که سه قبر پهلو به پهلو دارای سنگهای کلان مرقوم و منقوش مکعب مستطیل، و دو قبر بالای سر قبر های ثلاثه با سنگهای خورد مکعب مستطیل مرقوم و منقوش میباشد که بدین تفصیل است.

۱ ازطرف مغرب گنبد در سنگ اول :

بسطح فوقانی : کلمهٔ طیبه و اسمای مبارك حضرت نبوی صلی الله علیه وسلم وائمه و صحابه رض جانب سر و دو پهلو آیات بینات قرآنی .

طرف پا : تاریخ وفات امیر المرحوم المغفور امیر جلال الدین ویسل الی الله ابن المغفور المرحوم امیر محمدا لمغول طاب الله ثراهم روز جمعه پنجم ماه مبارك شعبان المعظم سنه خمس و تسعمائه (۹۰۵)

۲ سنگ دوم : سطح فوقانی :- کلمه طیبه و اسمای نبوی ص وائمه و صحابه رض ، طرف سر و پهلو آیات بینات قرآنی .

طرف پا : تاریخ وفات امیرزادهٔ مرحوم مغفور امیر شیر محمد کوکلتاش ابن امیر الامرا و اعظم تکه یسل فی یوم الخمیس من شهر ذی القعده سنه ست و تسعمائه (۹۰۶)

۳ سنگ سوم : بالای سر : کلمه طیبه ، باقی اطراف آیات بابرکات قرآن عظیم الشان .

طرف پا : وفات امیر شمس الدین محمد ابن شیر محمد کوکلتاش فی تاریخ

ابن(امیر سعید)سید حیدر خان ابن امیر شاه مراد ملقب بمعصوم غازی ابن امیر دانیال خان میباشد که در سال دهم سلطنت آنمرحوم امارت بخارای شریف از طرف کفار روس استیلا و خودش بصورت مهاجر فی سبیل الله بخاك همسایه محسن و مسلم خود افغانستان پناهنده شده و بعد از انقضای بیست و سه سال زیست درین خاك اسلامی بعمر ٦٤ سالگی روز شنبه ٩ ثور ١٣٢٣ شمسی مطابق پنجم جمادی الاول ١٣٦٣ هجری ندای ارجعی را لبیك و چشم از دنیای فانی پوشیده حقتعالی روحش را در جوار رحمت خویش جا دهد آمین ؛

خارج کند درجوار مزار شاه مردان صرف راست سیاوش از مهاجرین بخارا است که قبر حاجی بدرالدین تاجر لوحی دارد واین ابیات در آن تحریر است :

حیف آن مرد با وقار و امین
رفت در خاك زین جهان حزین
کرد هجرت هم او ز ملك بخار
سوی افغانستان مرجع دین
گرچه او زاغنیا شد محسوب
صفت فقر داشتی زجبین
کار و بارش همیشه بود محمود
در صباح و رواح و هم پیشین
آخرا لامر چون بحکم قضا
رفت از این سرای محنت و کین
بهر فوتش بمعاسم فکرت
گفت پیر خرد مرا بیقین
چل و یك کرده کم بگو قربت
جنت وخلد و حاجی بدرالدین
١٣٦٩ هجری

میر هاشم وزیر نام آور | آنکه گردد بنام نیکو یاد
آنکه بود است چون نظام الملك | در امور محاسبه استاد
آنکه بود از نجابت نسبی | سید نیکخوی پاك نهاد
آنکه چل سال از عنایت عزیز | در سر خدمت وطن بنهاد
ناگهان درجمادی الاول | رفت از تنگنای بی بنیاد
شست وسه گر چه عمر یافت برفت | هم به یکدم ازین خراب آباد
خامه زین غم الف کشیده و گفت | (جای او در ریاض مینو باد)

۱۳۴۹-ا=۱۳۴۸ ه ق

مزار غلام محی الدین خان

این مزار در وسط راه زیارت حضرت تمیم (رض) قریب قبر میر محمد هاشم خان است.

بالای قبر بصورت منار علامهٔ ساخته شده و در ان سنگ نصب و معرفی این شخصیت را بتمام مینماید و ما حصل آن این است:

این مرد افغان در قندهار متولدشده و خدمات زیاد کرده آخر آمدیر دار المعلمین بود رزمرهٔ جمعیت جان نثاران اسلام بوده وفاتش روز چارشنبه ۲۸ ذی قعده ۱۳۴۹ ه ق مطابق ۱۱ اسد ۱۳۰۰ ش میبا شد.

بروز مرگ که روز وصال یارانست
کسیکه دست من آندم گرفت یار آنست

مزار شاه سابق بخارا

دربین راه وسط شهدای صالحین قریب گنبد سه الغ کنبدی بنا یافته و دربین گنبد مرقد شاه موصوف است که در صندوق سنگ فراز مرقدش این عبارت مرقوم میباشد:

واین حظیرهٔ پرالم حامل قبضه خاك امارت وفخامت بنیان سیادت پناه پادشاه هفتم واخیر سلسله مانغیته بخارا شریف اعنی جناب عالی مغفور امیر سید عالم خان ابن مرحوم امیر سید عبد الاحد ابن امیر سید مظفر خان ابن امیر سید نصر الله خان

که تفصیل حال و معلومات آثارش را از صفحات دریافته میتوانند جسدشریفش پهلو قبر و زدر وسط شهدای صالحین مقابل خانهٔ سادات بخاک سپرده شد چندی بعد وزارت جلیله معارف قبرش را سنگ مرمر ساختند، چون در موقع وفات جنابش موزونان مراثی و قطعات تاریخ سروده و دلنشین ترتیب سنگ از بین همه آثار موجوده قطعهٔ ذیل را که تراوش طبع فقیر بود انتخاب و باطراف سنگ های قبرپوش ارقام فرمودند . وهو هذا :

های های زبی ثباتی دوران بیوفا	واحسرتا زکجروی چرخ پرجفا
ازسیل مرگ هستی او راز پا فگند	هرکو فگند رخت اقامت درین سرا
قاری یگانه عالم ودانشور وطن	آن شاعر شهیر وخدا جوی و پارسا
آنمرد فاضلیکه بهفتاد وپنج سال	چون مهباوج علم وادب بود پر ضیا
آنمرد متقی که ز هرعلم وفضل بود	پر بهره مند و فیض رسان بر شه وگدا
زین باغ شد چو بلبل طبعش گرفته دل	افتاد در سرش هوس گلشن بقا
درروز جمعه بیست و چهار ربیع دو	پوشید چشم خویش ز دنیای غم فزا
بی گفتگو بلبل طبع لطیف او	با قاریان عرش معلاست همنوا
چون سال رحلتش ز قلم خواستم نوشت	(سبحان کند بلبل بقاری جنان عطا)

۱۳۶۲ ه ق

مرقد میر حبیب الله

این قبر بفاصله چهار متر پائین از قبر قاری مرحوم در تابی صورت گرفته زیرا وفاتش در هشتم برج اسد ۱۳۳۵ بوده اما قبرش را پخته و بقدر یکنیم مترا ز زمین بلند بسنگ خشتی و بطور چبوتره بپایه های خشت پخته جدید ساخته اند و سر آن را با هن چادر پوشانده لوحی سنگی بان تحریر و نصب کرده اند که اشعار ش از جناب شائق جمال است و معرفی مرحوم را میدارد که اینک بمصداق ... کلمهٔ طیبه عیناً آورده میشود :—

فغان کز گردش چرخ ستمگار	بجای آب خون از دیدگان رفته
عن از بیداد گردون داغ داغم	که از جورش چها بر این و آن رفته
کنون میر حبیب الله مرحوم	چو نور از پیش چشم دوستان رفته

گنبد دو یتیم

در وسط راه حضرت تمیم (رض) قریب سه الغ و متصل بمزار شاه بسار ایکی است قدیمه و خورد و پخته کاری که دیوارهای آن رو بخراب بیست، در بین گنبد یک قبر و سر قبر یک صندوق سنگ مکعب مستطیل که خیلی زیبا ساخته شده میباشد بدیگر اطراف آن کلمه طیبه و آیات قرآنی و بطرف پاچنین مسطور است:

« تاریخ وفات هر زه دو یتیم مغفوری مراز ابن مغفوری خوجه سلام ابن مغفوری خواجه احمد برکت سنه غازی جهان »

اگرچه از مضمون سنگ چیز صحیح معلوم نمیگردد لاکن کدام پر یدگی و یا نقص دیگری هم درسنگ وجود ندارد که اشتباه رو دهد مگر ظاهر به سنگ و گنبد اهمیت صاحب قبر معلوم داراست.

مزار ملک الشعرای مرحوم قاری عبدالله خان

مرحوم یکی از اجلهٔ علمای باعمل و خدا جوی و صاحب دل روشن و رقیق و چشم تر بود در نظم و نثر فارسی استاد بود در سنه ۱۲۸۸ ه ق در خاندانیکه حفاظ و علما بودند پا بعرصهٔ وجود گذاشت پدرش حافظ قطب الدین نام داشت، قاری پس از حفظ قرآن مجید بتحصیل علوم پرداخته و حسب ذوق بنز اسرائی آغاز کرد و در علوم ادبی بیشتر توجه گماشت، در اوائل هنگامی که اعلیحضرت حبیب الله خان شهید هنوز بپاد شاهی نرسیده بود امام نماز پنجگانه اش بوده، ازان بعد در زمرهٔ معلمین وزارت جلیلهٔ معارف وظیفهٔ تعلیم و تالیف کتب درسی را به عهده گرفت شرفیاب حرمین شریفین شده و خط نستعلیق را زیبا مینوشت، شهرت علم و فضل و نظم و نثرش زود ترقوس صعودی خود را پیموده در قطار سخنوران معاصر امتیاز و استادیش مسلم شد، در قصیدهٔ فتح کابل که طورمسابقه طرح شده بود از همگان گوی سبقت ربوده و بمرتبهٔ ملک الشعرائی نائل گشت، آثار منظوم و منثور و برخی از تراجمش بطبع رسیده که اگر از هر یک آن نام ببریم بطول می انجامد.

بالاخر بتاریخ روز جمعه ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۶۲ ساعت ۱۱ و پانزده دقیقه عالم فانی را وداع گفت و در مجلهٔ جوزا و سرطان ۱۳۲۲ و سنبله ۱۳۳۱ ه ش آریانا و بعد آنهم چندین بار سوانح مفصلش در روز نامه ها و مجلات انتشار یافت.

مرید با اخلاص بی‌بی فاطمه

(اعداد کلمهٔ جان و (ریاض جنان جا نمود) را که جمع نمودم حاوی همانا سنه ۱۲۷۳ میشود)

۳ـ از مرید •

آه بی‌بی فاطمه رفت از جهان — با کمال عصمت و دین پروری
داشت اندر فقر و تقوی شغل بس — بود در جمع زنانش مهتری
جان فدای جان محمد کرده بود — مرشدش بود آنجناب از سروری
شافعش یارب بروز حشر کن — حضرت زهرا که باید برتری
یکهزار و دو صد و هفتاد و پنج — بود کوشد زینجهان سرسری

این را هدهٔ مرحومه عالمه و شاعره هم بوده که بعقیدهٔ نگارنده دو چیز مثبت آن میشود

۱ـ در سنگ خوردی که بطرف پای بالای همین مرقد اوست چنین مرقوم میباشد :

«از گفتار خود بی‌بی»

«خداوندا ز دست نفس و شیطان — بعصیان روزگار م شد بپایان»
«کنون در ماندهٔ و حیران و زارم — ز رحمت دستگیرم شو بغفرانه»

۲ـ در یکی از یاد اشتهای فاسهٔ مرحومه بی‌بی فاطمه معلمهٔ بنیات که در صفحات مابعداز مشار الیهانیز یاد کردنی میباشم مرقوم است که این رباعی را بی‌بی فاطمه مریدهٔ ملاجان محمد شهید در تحسر طفلک برادر خود ساخته :

طفلیکه چو جان خویشتن داشتمش — بل دوست تر از جان ببدن داشتمش
بردش زکنارمن زمان ـ وته خاك — ای خاك چنان دار که من داشتمش

از اتفاقات در سنگی خورد بالای قبر طفلی درجوار مزار حضرت تمیم رضی‌این رباعی را دیدم اما ورق اندك در الفاظ آنها وجود دارد و از روی سنگ هم معلوم میشود که نسبت زمان اینمرحومه آن سنگ قدیمتر باشد پس وا ضح میگردد که در همان رباعی اصلاحاتی وارد نموده و اصلاحات مرحومه هم مثبت مقام عالی او در شعر شناخته شده میتواند، رباعی مندرجهٔ سنگ این است :

طفلیکه چو جان عزیز میداشتمش — یک لحظه جدا زخود نمیداشتمش
من پرورده ام و زمانه اش برد بخاك — ای خاك چنان دار که من داشتمش

بیگانه سید عالی نسب بود	ز نسل واعظ آن قطب زمان رفت (۱)
بملک جاودان زین دار فانی	چراغ روشن این خاندان رفت
ز پیرا سپخار بود ش خلافت	طریق نقشبندی را بجان رفت
بعمر شصت آرو ح بجا بست	براحت منزل باغ جنان رفت
هزار و سه صد وسی بود و پنج	که در برج اسد هشت از جهان رفت
الهی روح او خوشنود باشد	که فیضش بر تمامی مخلصان رفت
بشان هم عزیز و مهربان بود	چسازم آن رفیق مهربان رفت

مزار ملاجان محمد شهید و مخلصه اش

این دو مزار قریب باغ لطیف ، متصل و طرف مشرق راه عام شهدای صالحین ، یک احاطهٔ خورد است در وسط احاطه دو قبر است که اول آن ازملاجان محمد و ثانی از بی بی فاطمه میباشد طوریکه معروف است ملای موصوف از طبقه علما و روحانیون ریاض بوده و دریکی از غزوات که هات افغان با انگلیس نموده اند باجمعی از مریدان خود شامل بوده و بالاخره بشهادت رسیده و درینجا دفن شده آبادی مزارش از طرف همان مخلصهٔ اوشده که خود او نیز دو سال بعد مرشد خود داعی اجل رالبیک گفته وقرار وصیتش زیر قدم مرشدش دفن شده مضامین لوح پیرو مریده علاوه بر کلمهٔ طیبه و آیات بینات قرآنی قرار ذیل است:

۱ ازخود مرشد :

جنید زمان جان محمد ز دهر	برون رفت با ذکر و فکر و سجود
تجرد سرشتی که در زندگی	بد انگونه بودی که گوئی نبود
بجز حق نمید ید سرو علن	بحق داشت پیوسته گفت و شنود
بپاس نفس داشت سعی تمام	در اثبات حق بود و نفی وجود
بسر رفت عمرش بصوم و صلوات	بدی روز و شب درقیام و سجود
ز سال وفاتش چو پرسد کسی	تو گریش بروح محمد(ص) درود
چو جان داد آنگاه باجان خرد	بگفتا ریاض جنان جا نمود
	-۱۲۷۳-

---

(۱) مراد از واعظ میرواعظ صاحب عالم معروف است که در مزارات کند ر بارها بذکر مختصر شان برخواهید خورد ، ناگفته نمانند که فاصلهٔ چهار پنج متر دور تر ازین قبر یك قبری دارای طوغیست میگویند قبر پدر میر واعظ مرحوم است

مزار خلیفهٔ قادری

اندکی دورتر از گنبد مذکور بطرف بالای قبری پخته و یک سنگ هموار دیگری است بالای سر سنگ مذکور بخط [illegible] العلماء حروفی کلمه طیبه تحریر شده و بدیگر طرف این بیت:

همیشه در دیدهٔ بینا [illegible]

زیر خاک آمده این دیدهٔ بینا چه غمی

بدیگر اطراف هم نوشته‌ها بود لکن پریده است، بطرف فوقانی سنگ بخط کلمهٔ طیبه و بیت مذکور بخط جلی و مقابل آن حک شده.
«مرحوم مغفور خلیفه غلام محمد قادری یکشنبه سیم ربیع الاول ۱۳۱۸» از خط و سنه مذکور معلوم میشود که در سنگ قدیمی نام و سنه را از بالا نوشته اند

مزار خلیفهٔ نقشبندی

بفاصلهٔ ۴۰ یا ۵۰ قدم آنسوتر قبر حاجی غلام محمد است که از خلفای [illegible] صاحبان اردك غزنی بوده و همچنان سر رشته ریاضت را میکشید و بالا آخر از حضرت ضیاء المعصوم مجددی نیز هم خلافت حاصل کرده و تا آخرین نفس حیات سرگرم طی طریق معرفت بود. ممر معیشت از صحافی و کتابفروشی میشد و [illegible] هم داشت و دو کلید شانه ساز، مکملاً پل رسیده در سنه ۱۳۶۰ هق درگذشته، چون مرشد اول و نایبش طریقهٔ [illegible] نقشبندیه داشتند بعدار [illegible] این شهرت را گرفته مزارش بدیوارهای خامه احاطه شده سنگ و نوشته ندارد.

باغ لطیف

این باغ متصل طهر بالاحصار قدیمهٔ کابل در آغاز شهدای صالحین از طرف کرنیل عبداللطیف خان بنا یافته، کرنیل عبداللطیف خان ولد محمد خان (۱) زاده شیر محمد خان قوم مهمند مسکونهٔ قلعه شیر محمد خان (۲) شالیج غزنی و در بین برادران مردی متصب دوست و خوش معیشت و دارای رتبه کرنیلی و مشهور به کرنیل لطیف بود کرنیل لطیف درزمان جوانی وقتیکه امیر محمد افضل خان هنوز بامارت نرسیده از طرف پدر خود امیر کبیر دوست محمد خان فرمانفرمای کل صفحات ترکستان

(۱) درمجله سال ششم شماره هشتم آریانا ضمن تذکر منصور غزنوی برادر کرنیل لطیف از ین خاندان تذکر داده ام

(۲) قلعه مذکور موسوم بنام همان شیر محمد خان است که جد وی میباشد

گنبد مشهور به میر مشهدی

در روضهٔ اول که داخل شهدای صالحین میشویم اولین گنبدی که بالا منهٔ کوه بنظر می خورد گنبد خرا به ایست که سقف و دیوار سمت مغرب آن کامل خراب و یکطرفش نیم خرا به بوده در وسط گنبد سنگیست صندوقی ، طرف فوقانی منقش، دیگر اطراف مزین با آیات قرآنی، طرف پا این ابیات مرقوم است :

اختر برج حیا خورشید گردون وقار
رفت چون خورشید سوی عالم دیگر برگشت
سال تاریخ وفاتش شد عیان چون عقل گفت
شد نهان خورشید سال نهصد و پنجاه و هشت

در بیرون گنبد بسمت مشرق صندوق سنگ مرتبه دار کلان موجود است سطح فوقانی منقش ، نوشته های دیگر اطراف بریده ، تحریری طرف پا یان پا : — وصاحبه خانزاده زبیده بیگم بنت میر رستمداری تاریخ ۹ جمادی الثانی بود که با تمام رسید لعنت خدا و رسول خراب کنند ، گرفتار کناد»

بطرف مشرق قبر زبیده بیگم مذکوره دو لوح سنگ طویل کلان منقش، ... پشت وروی سنگها تماماً کنده و تراش شده که ممکن خواندن نیست، بیکطرف سنگ پایان پا به بسیار زحمت همیقدر خوانده شده توانست :

تاریخ وفات میر رستمداری

میر صاحب کمال دانشمند
آنکه زو نکته قضا نشنهفت
بود بیدار چشم دانش او
آخر الامر زیر خاک بخفت

قرار بیان مجاور ، این قبر از میر مشهدی است و قبر میان گنبد خرابه از خانمهای ... نوشته های سنگ ظاهر میسازد که میر رستمداری یکی از خانوادگان جلیله بوده خودش با عیال و اولادش در اینجا مدفونند .

قبرستانی امیر محمد افضل خان

در قلعهٔ حشمت خان(۱)

این قبرستانی در بین زمینهائیست، که حالا زراعت میشود، قلعه و عمارت آن از بین رفته که جز دیوارهای خرابه چیز دیگر از ان باقی نمانده. خود مقبره باندازهٔ دو فت از زمین بلند و فرش بسنگ مرمر است و کتاره های سنگی دارد، پیش رویش مسجدی بود که حالا تنها محراب آن با دو سه دیوار از هم ریخته باقیمانده در ین قبرستان قبور ذیل است .

۱ قبر خود امیر محمد افضل خان.

بالای این قبر یک سنگ صندوق نمای کلان منقش است که اطراف آن دو مرتبه سنگ گرفته شده و بدینطریق بران تحریر است ـ

هوالرحمن

دریغ و درد که رفت از جهان بعالم جان
شهی که در همه شاهان بخود نداشت نظیر
یگانه گوهر بارگزئی اژاد که بود
مهین سلالهٔ نام آور امیر کبیر
امیر اکرم اعظم محمد افضل خان
که صیت نام بلندش بدهر گشت شهیر
خداش اجر جمیلی دهد که در همه عمر
زوی نبود کس آزرده از صغیر و کبیر
بچنگ ببر اجل رفت خسروی که مدام
بزور بازوی تدبیر بست گردن شیر
شکست باد اجل گرچه نخل عمرش را
ولیک نام نکو ماند زو بعالم دیر
زخوان نعمت او عام و خاص بهره گرفت
مگر که طینت او ز آب فیض بود خمیر

(۱) اگرچه اینموضع بنام قلعه حشمت خان شهرت نامدارد اما آنرا قلعهٔ هم شمندخان هم میگویند، عمارات آن که حاضراً بصورت قلعه کهنه بنظر می آید از بنای عصر امیر محمد افضل خان مرحوم است .

و امیر عبدالرحمن خان پسرش سرافسر و جنرال عسکری آنجا مقرر بود رتبهٔ کپطانی داشت ، بعدار فوت امیر کبیر مرحوم که اعلیحضرت امیر شیرعلی خان پادشاه شد در اول عبد اللطیف خان در توپخانه حضور کمیدان و بعد چندی کرنیل مقرر شده تا حین جلوس ضیاؤالملة والدین امیر عبدالرحمن خان بهمین منصب میزیست .

همینکه امیر عبدالرحمن خان بامارت رسید در اثر کلانی نمکش عبدالقادر خان و عبداللطیف خان و پسر بزرگ عبداللطیف خان عبدالسلام خان را محبوس نمود که هرسه نفر یکی بعد دیگری از سنه ۱۳۰۶ ه ق الی سنه ۱۳۰۸ در حبس پدرود حیات گفتند و در حوالی همین باغ دفن شده اند که حالا قبور شان مشخص است .

کرنیل اطیف خان گرچه طوریکه موقتاً در یافت از شمالی غزنی بود ولی در شوربازار کابل سکونت داشت که گذری باسم (کرنیل اطیف) تاحال موسوم و مشهور است

کرنیل مرحوم این باغ را در هنگام کرنیلی خود ساخته که یکی از نمونه های ذوق ویست ، باغ مذکور منقسم بچند مرتبه بوده که هر کدام تخصیص داشت ، ارهت (دولاب) کلانی درحصه او اینش که بلند تر از همه مخصوص بود و تمام باغ را آبیاری میکرد ساخته ، مسجدی هم بنا کرده به دکهای اطراف دیگری شهر و ریاستی ، مرکز تفریح مردم شهر از طرف عصر قرار گرفته بود و در تمرین نقش ابیاتی بلهجه عوام سروده بودند که زبان زد عامه مردم بوده دکهای احمله است .

همو شرشره او ، همو کش کدن گدو ، مخدا باغ اطیف است .

گرچه بعدار فوتش بفحوای اینقول میرزا صائب رح (مرا ثیه اگر صاحب نیست ویرانیست معمارش) باغ و صفائی ترتیبات و زیبائی آن برباد رفت اما تاعصر امیر حبیب الله خان شهید سنه ۱۳۳۷ ه ق هم ارهت مذکور آباد بوده آب میداد و فی الجمله بعضی مردم استفاده ترکاری از زمینهایش میکردند ، عابرین از آبش وضو ساخته در مسجد ش اداء نماز مینمودند ولی از آن ببعد رفته رفته ویران شد که حال تقریباً از ۱۵ ۱۶ سال است مساخ قرار گرفته مگر قصابانیکه از میدانش کار میگیرند بترمیم مسجد آن نیز همت گماشته اند .

چون موضع معروف و آغاز شهدای صالحین بود باین مقدار شرح معرفی آن خودرا مکلف دیدم .

• در سنگ قبر مرحوم سردار غلام علی خان :

هرکس که در قلمرو ملک جهان بود
سد ان یقین که تیر قضا را نشان بود

نگرفت کام خویش کس از دهر بی ثبات
چندین هزار سال اگر کامران بود

افسوس و صد دریغ که از صرصر اجل
سروی فگنده شد که نه در بوستان بود

ناکام و نامراد جوانی که در جهان
بی ار بهار و باغ جوانی خزان بود

شهزادهٔ جوان جوانبخت کز غمش
جاری سرشک از رخ پیرو جوان بود

سردار نامدار غلام علی که خوش
از حسن خلق او دل خلق جهان بود

در حلم و در شجاعت و در جود و در سخا
کس همچو او ندیده که دراین زمان بود

این ضیاء ملت و دین آنکه خسروی
چون او ندیده اند در افغانستان بود

او همچو تیر رفت ولی مادرش ز غم
همچون هلال لاغر و پشتش کمان بود

صد حیف از جوانی او کز جهان برفت
هرکس شنید روز و شب او در فغان بود

جستم چو سال هجری شمسی ز پیر عقل
گفتا بگو (غلام علی در جنان بود)
۱۳۰۰

چون سال هجری قمری خواستم بگفت
(والی نوجوان برحمت حق شادمان بود)
۱۳۳۹

زبعد ماتم آن شاه دل زعیش بکن
حساب سال وفاتش ز ختم دران گیر

کتبهٔ الحقیر میر عطامحمد فوشنجی، عمل محمد زمان

بقرار جمله (ختم دران) که در مصرع اخیر مادهٔ تاریخ تعیین شده سنه وفات (۱۲۹۵) میشود (اگر دل ز عیش بکن) را در نظر گرفته دل از ان کسر کنیم چندان در مصرع اول اینصورت تصریح نیست و باز هم عدد سنه فوت را پوره نمیکند. اما امیر ممدوح در سپیده دم شب جمعهٔ ازماه جمادی الثانی ۱۲۸٤ ه ق پس از یکسال و پنجاه و چند روز پادشاهی بعمر ٥٤ بدرود حیات گفته و سراج التواریخ نیز مؤید آنست، گویندهٔ شعر در استخراج تاریخ طوریکه باید مهارت تام نداشته در تاریخ فوت که وصاحت داده شد اشتباهی نیست. خلیلی

۲ در لوح فراز قبر والدهٔ ضیاالملة والدین مرحوم مقوراست.

«وفات مرحومهٔ مغفورهٔ علیین آرامگاه جناب عصمت مآب والدهٔ ماجدهٔ پادشاه مبرور اعلیحضرت ضیاالملة والدین امیر عبدالرحمن خان بن مرحوم امیر محمد افضل خان بن مرحوم امیر دوست محمد خان دربار بارکزائی محمدزائی بتاریخ یوم دوشنبه ۲۳ ماه جمادی الثانی سنه ۱۳۰۳ از جهان فانی بابتعالی نمود اللهم اغفرها، حسب الحکم شهزادهٔ آزادهٔ معارف پرور معین السلطنه سردار عنایت الله خان فرزند ارشد اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان پادشاه محبوب القلوب افغانستان ابن اعلیحضرت ضیاالملة والدین مرحوم بتاریخ سنه ۱۳۳۲ لوح سنگ هذا کنده شد»

۳ در لوح بالای قبر حرم ضیاالملة والدین مرحوم تحریر است:

«وفات مرحومهٔ مغفورهٔ جنت آشیان حرم محترمهٔ خاقان مغفور اعلیحضرت ضیاالملة والدین امیر عبدالرحمن خان، والده جنت مکان جناب عالی سردار غلام علی خان مرحوم، بتاریخ یوم پنجشنبه ۲۹ شعبان المعظم ۱۳٤٥ هجری مطابق ۱۵ حوت ۱۳۰۵ بدار بقا شتافت.»

۴ در سنگ قبر این مزار ابیات ذیل مرقوم است:

دریغا زانکه سرو قد شاهزاده بیگم را — بوقت میوه سموم اجل نمود خزان
گلی بخاک مذلت ز شاخ عزت ریخت — که شد گلاب غم از چشم روزگار روان
نهال نورس باغ امیر با تدبیر — مهین سلالهٔ افغان محمد افضل خان

۵ در سنگ قبر مرحوم سردار غلام علی خان :

هر کس که در قلمرو ملک جهان بود
میدان یقین که تیر قضا را نشان بود

نگرفت کام خویش کس از دهر بی ثبات
چندین هزار سال اگر کامران بود

افسوس و صد دریغ که از صرصر اجل
سروی فگنده شد که نه در بوستان بود

ناکام و نامراد جوانیکه در جهان
بی بار بهار و باغ جوانی خزان بود

شهزادهٔ جوان جوانبخت کز غمش
جاری سرشک از رخ پیر و جوان بود

سردار نامدار غلام علی که خوش
از حسن خلق او دل خلق جهان بود

در حلم و در شجاعت و در جود و در سخا
کس همچو او ندیده که در این زمان بود

ابن ضیاء ملت و دین آنکه خسروی
چون او ندیده اند در افغانستان بود

او همچو تیر رفت ولی مادرش ز غم
همچون هلال لاغر و پشتش کمان بود

صد حیف از جوانی او کز جهان برفت
هر کس شنید روز و شب او در فغان بود

جستم چو سال هجری شمسی ز پیر عقل
گفتا بگو (غلام علی در جنان بود)
۱۳۰۰

چون سال هجری قمری خواستم بگفت
(وان نوجوان برحمت حق شادمان بود)
۱۳۳۹

ز بعد ماتم آن شاه دل ز عیش بکن
حساب سال وفاتش ز ختم در ان گیر

کتبهٔ الحقیر میر عطامحمد قوشچی، عمل محمدزمان

بقرار جمله (ختم دران) که د مصرع اخیر مادهٔ تاریخ تعیین شده سنه وفات (۱۲۹۵) میشود (اگر دل ز عیش بکن) را نظر گرفته دو اران کسر کنیم چندان در مصرع اول اینصورت تصریح نیست، باز هم عدد سنه فوت را پوره نمیکند. اما امیر ممدوح در سپیده دم شب جمعه ازماه جمادی الثانی ۱۲۸۴ ه ق پس از یکسال و پنجاه و چند روز پادشاهی عمر ۵۴ در گذشت و حیات گفته و سراج التواریخ نیز مؤید آنست، گوینده شعر در استخراج تاریخ طوری که باید مهارت تمام نداشته در تاریخ فوت که وضاحت داده شد اعتنا نمی نیست. خلیل

۲ درلوح فرار قبر والدهٔ سیا و الدولة والدین مرحوم مسطور است.

«وفات مرحومهٔ مغفورهٔ علیین آرامگاه جناب عصمت مآب والدهٔ ماجدهٔ پادشاه مبرور اعلیحضرت ضیا و الملة والدین امیر عبدالرحمن خان بن مرحوم امیر محمدافضل خان بن مرحوم امیر دوست محمد خان در بارکزائی محمدزائی بتاریخ یوم دوشنبه ۲۳ ماه جمادی الثانی سنه ۱۳۰۳ از جهان فانی انتقال نمود اللهم اغفرها، حسب الحکم شهزادهٔ آزادهٔ معارف پرور معین السلطنه سردار عنایت الله خان فرزند ارشد اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان پادشاه محبوب القلوب افغانستان ابن اعلیحضرت ضیاء الملة والدین مرحوم بتاریخ سنه ۱۳۳۲ لوح سنگ هذا کنده شد»

۳ در لوح بالای قبر حرم ضیا و الملة والدین مرحوم تحریر است:

«وفات مرحومهٔ مغفورهٔ جنت آشیان حرم محترمهٔ خاقان مغفور اعلیحضرت ضیا و الملة والدین امیر عبدالرحمن خان، والده جنت مکان جناب عالی سردار غلام علی خان مرحوم، بتاریخ یوم پنجشنبه ۲۹ شعبان المعظم ۱۳۴۵ هجری مطابق ۱۵ حوت ۱۳۰۵ بدار بقا شتافت.»

۴ در سنگ قبر این مزار ابیات ذیل مرقوم است:

فغان که سرو قد شاهزاده بیگم را	بوقت میوه سموم اجل نمود خزان
گلی بخاک مذلت ز شاخ عزت ریخت	که شد گلاب غم از چشم روزگار روان
نهال نورس باغ امیر با تدبیر	مهین سلالهٔ افغان محمد افضل خان

یازدهم شهر ذی‌قعدة الحرام سنه ۱۳۱٦ هجری بداربقا شتافت اللهم غفرها، حسب الامرشهزادهٔ اجل افخم جناب معین‌السلطنه‌سردار عنایت الله‌خان‌فرزندارشد اعلیحضرت سراج‌الملة والدین امیر حبیب الله خان پادشاه ممالک افغانستان بن اعلیحضرت ضیاؤ الملة والدین مرحوم بتاریخ ۱۳۳۲ لوح سنگ هذا ساخته شد» ؛

۹ قبر محمدسلیمان پسر مرحوم سردار عبدالمجیدخان پسر امیر حبیب الله خان‌شهید که ازطرف مادرنواسهٔ سردار علام علی خان فوق الذکر (۵) میشود وبه آغاز جوانی درگذشته نیز درینجاست که‌تاریخش این است :

« زمیزان بود روز سیردهم　　　هزارسه صد و بیست وچهارم
۱۳۲٤ ش = ۱۳٦٤ ق »

۱۰ یک قبر–ور دی است که بسیار زیبا–ساخته شده و دارای این ابیات است :

چرا برشاهزاده‌شمس‌الدین چنان　　　زمانه اینهمه نامهربان شد
پی تاریخ اوماه از میان رفت　　　کسوف شمس درعالم عیان شد
۱۳۰۰

عدد ماه که ٤٦ میشود از عدد جملهٔ مصرع اخیر که ۱۳٤٦ میشود برآورده شده

قبور قرب وجوار قلعهٔ حشمت خان

۱ بالای تپهٔ متصل قلعهٔ حشمت‌خان که حالادرزیرآن خانه های بسیارآباد شده بالای قبری سنگیست که درسرآن کلمهٔ طیبهٔ خوانده میشود ودیگر اطرافش صفاست ونوشته ندارد طرف پای چنین مرقوم است :

« تاریخ وفات مرحوم مغفور . . .　　یوسف ثانی . . . . .
. . . . سنه ۹۵۸

۲ دربین یک چاردیواری قبرستانی، دربین آن‌طارم چبوتره پایه‌هاوآهن پوش‌ساخته شده دو قبر بزرگ دران بنا یافته‌که یکی‌نوشته ندارد ویکی دیگرآن که نوشته دارد قبر حاجی عبدالخالق‌تاجر ولد مرحوم عبدالعزیز خان‌حکیم میباشد که روز جمعه ۱٤ ذیحجه مطابق ۱۲جدی ۱۳۲۰ش بعمر ٦۲ وفات کرده .

دو بالای سر کلمهٔ طیبه و در سنگ روی سینه آیة الکرسی شریف بخط ثلث مرقوم است و در آخر طرف پای :

«کان وفاته یوم خمیس ۲۹ شهر رجب سنه ۱۳۳۹ سن سی و یک سالگی کتبه و نظمه شیخ محمد رضا»

کسانیکه این خط هنرمند چیره دست را ندیده باشند از همین سنگ هم دو سه نوع خط زیبایش را مطالعه میتوانند.

۶_ در لوح قبر سردار حفیظ الله خان :

«وفات مرحوم مغفور شهزادهٔ رضوان وساده سردار حفیظ الله جان بن پادشاه مبرور اعلیحضرت ضیاؤ الملة و الدین امیر عبدالرحمن خان بن مرحوم امیر محمد افضل خان درانی بارکزائی بتاریخ یوم یکشنبه دوم ماه ربیع الثانی سنه ۱۳۱۳ جهان فانی را وداع نمود، حسب الحکم شهزادهٔ جوانبخت معارف خواه معین السلطنه سردار عنایت الله خان فرزند ارشد اعلیحضرت سراج الملة و الدین امیر حبیب الله خان بن مرحوم اعلیحضرت ضیاؤ الملة و الدین بتاریخ سنه ۱۳۳۲ لوح سنگ هذا کنده شد»

۷_ در لوح مرقد مرحومه بی بی مرواری :

«وفات مرحومهٔ مغفورهٔ خلد آشیان علیا جناب بی بی مرواری حرم محترمهٔ امیر کبیر مرحوم امیر محمد افضل خان مرحوم بن امیر دوست محمد خان درانی بارکزائی محمدزائی بتاریخ سنه ۱۲۹۲ از جهان فانی بدار باقی شتافت، حسب الحکم شهزادهٔ جوانبخت ترقی خواه معین السلطنه سردار عنایت الله خان فرزند ارشد اعلیحضرت سراج الملة و الدین امیر حبیب الله خان بن مرحوم اعلیحضرت ضیاؤ الملة و الدین بن مرحوم امیر محمد افضل خان بتاریخ سنه ۱۳۳۲ لوح سنگ هذا ساخته شد»

۸_ در سنگ قبر همشیرهٔ ضیاؤ الملة و الدین مرحوم :

«وفات مرحومهٔ مغفورهٔ جنت آشیان بی بی شاه بو بو همشیرهٔ خاقان مغفور اعلیحضرت ضیاؤ الملة و الدین امیر عبدالرحمن خان بن امیر محمد افضل خان بن مرحوم امیر دوست محمد خان درانی بارکزائی محمد زائی بتاریخ یوم یکشنبه

آغاز جبه کهنه

۱ـ زیارت بابا چل گری

این زیارت در شروع شهدای صالحین در بلندی که دو طرف آن راه قرار گرفته قبری است تقریباً بطول چهل زرعه اکثر آنرا بابه چهل گزی مینامند و بعض لعل جبهٔ بلند کمال ، برخی عقیده دارند که مزار اکثر شهدا که بچهل نفر میرسند درهمین قبریکه چهل زرعه یا بیشتر خواهد بود بهمینصورت قرار گرفته ، بهر وجه مورد احترام مردم است ، در فراز آن آثاری پیداست که سابق ملحق به آن مسجد خورد هم بوده چراغدان ودیگر آثارش تاحال روشن است ، در بن سه چهار سال درخود مزار و دیوارهای دو طرفه اش اندك مرمت کاری نیز شده .

۲ـ متصل دیوار خرابهٔ قدیمه که بالای سر همین قبر طولا نیست تقریباً سی سال میشود سه صندوق نما سنگ مکعب مستطیل اززیر خاك وگل برآورده شده که سنگ های خیلی خوشنما وباین ترتیب و عبارات میباشند .

سنگ اول (ازطرف مغرب) بالای سر منقش ، سطوح باقی اطراف منقش ومزین به آیات قرآنی ، سطح طرف پا : بخط فارسی :

شهید خنجر عشقم بخوناب دل آلوده
بخاکم همچنان پرخون درآرید و مشوئیدم

بخط عربی : تاریخ وفات امیرعلی قورچی ابن قل علی ۹۱۰

سنگ دوم : سطح طرف سر منقش بوده ز دو دهشده ، سطوح فوقانی و طرفین ، مزین به آیات قرآنی ، سطح جانب پا : تاریخ وفات امیرالمرحوم المغفور امیر ابولحسین قورچی ابن امیرقل علی ..... سنه معدوم واثری ازان دیده نشد ؛

سنگ سوم : طرف سر آیات قرآنی ، دیگر اطراف منقش ، طرف پا : تاریخ وفات المرحوم المغفور امیر علی یار ابن امیرالمرحوم امیرعلی قل سنه ۹۲۳ احتمال میرود هرسه باهم برادر بوده اند ، در سنگ سوم که اسم پدر خلاف دوسنگ دیگر امیرعلی قل آمده آنهم غالباً ازطرف نویسندهٔ سنگ شده باشد که درلوح سنگها اکثر حروف وکلمات را مقدم ومؤخر مینویسند و در ان زیبائی خط و گنجایش عبارت وکلمات را ملحوظ مینمایند .

۳ نزدیک باین قبرستانی بهمین طور قبرستان دیگریست که در ظهر گنبد خلیفه محمد اکبر صاحب میباشد و دران دو قبر است یک قبر دارای سنگ صندوقی که بیکطرفش آیة الکرسی شریف و دیگر طرفش ابیات حاوی فوت عبدالخالق تاجر بحمای لکه دار بعمر ٤٧ در سنه ۱۳٦۳ میباشد .

۴ متصل به آن قبرستانی ساخته شده که مرحوم دوکتور محمد رسول وما ولد محمد یوسف خان ولد رحیمداد خان قوم صافی که در ۲۷ جدی ۱۳۲۷ وفات کرده درآنجا مدفون است و سنگی هم بالای قبرش حاوی عبارت فوق نصب است.

۵ نزدیک به آن قبری داخل همانطور چبوتره نمای خورد بسنگ مرمر ساخته شدگیست که بسم الله شریف و سورة اخلاص بایک آیة مبارکه دیگر در آن درج و این عبارت مسطور است .

« عبد الرب خان ولد مرحوم دکتور ملا ابوبکر خان بتاریخ ٤ ثور سنه ۱۳۲۱ بعمر ۲۲ بمرض سل وفات کرده » .

زیارت شاه طاؤس

نزد یک بالاحصارزیرکوه ازدیک بچهار ده معصوم درآخر سمت مشرقی شهرکابل دریک احاطه که(بعضی دیوارهای آن خراب شده) یک گنبد پخته کاری است، درمیان گنبد دو قبر(یکی کلان و دیگری خورد)میباشد لوح وکتیبه ندارند .

قراربیان مجاور اسم شان شاه طهماسب خجندی ملقب به شاه طاؤس است، درصحن احاطه چند نهال وگل بته است ، متصل احاطه طرف مشرق یک مسجد نیز هست که ترمیم طلب شده .

سردروازهٔ احاطه سنگی نصب و بخط خوش نستعلیق دران مرقوم است :

گ-ابن حاجی رضا بودی نجف   نوجوان صالح وهرد حلیم

از پی تعمیر شاه طاؤس مست   شد نجف، بخشا گناهش یا کریم

روزمحشر جستنش بخشا ز لطف   ده نجاتش یارب از نار جحیم

اوستا چون سنگ تهداب بنهاد   گفت بسم الله الرحمن الرحیم

سال تعمیرش بسی از آرزو   هر زمان جستم بجوا ز طبع سلیم

سرزید حاجی عمرا فرو دوگفت   شد بنای خوب از عهد قدیم

۱۲۳۶

معلوم میگردد که مسجد واحاطه را در ثانی نجف نام مذکور آباد کرده امازیارت قدیمی است خطاط این کتیبه با وجود خط زیبای خود جحیم را با های هوز نوشته اما خطش نهایت خوب است

قبراحمد علی خان رئیس اردو

درمحادی طرف قبلهٔ زیارت شاه طاؤس فراز بالاحوی قبرستا نیست که تقریباً ازبیست سال باینطرف بصورت متین وشایسته بسنگ کاری بنا یافته ، درین قبرستان خود رئیس مرحوم برادرش علی احمد خان و والدهٔ شان مدفونند ، بالای یکی ازین قبور سنگی دارای تحریرموجودندار دنظر بملحق رئیس اردوازخود وی تذکرداده میشود :-

احمد علی خان پسرکلان عبدالواحد خان ولد سردارمحمد رفیق خان لودین

زیارت چهارده معصوم

در زیر کوه ما بین شهر کابل و بالاحصار واقع و دارای احاطه ایست که دیوار های آن ویران شده ، درسمت جنوب احاطه عمارت نه ۹ دانه ارسی منقسم بدو حصه است (پیش خانه و پسخانه) پیشخانه آن مسجد میباشد و پسخانه را پایه های برنده نما از ین خانه نه ۹ دا نه ارسی تشخیص داده ، در وسط آن کتاره مشبک مثمن سرپوشیده گنبد نما قرار یافته ، در میان گنبد نمای مذکور سه صندوق نما سنگهای خورد پهلو به پهلو و در سطح فوقانی سنگ اول مرقوم است : صالح بن امام موسی کاظم و . . . .

زند هر کس بغیر از آل او ... برگردد شکسته بال او

درسطح فوقانی سنگ دوم : علی اصغر بن امام محمد باقر

بطرف فوقانی سنگ سوم . کلمهٔ طیبه ، سید جمال الله بن میران . . . . .

درسمت مشرق عمارت مزبور چند خانه ویران و نیم آباد میباشد .

برسردو از هٔ احاطه ، سنگی نصب و دران مرقوم است : «سنه یکهزار و دوصد شصت وشش بود که ظهور زیارت مزار فیض آثار جناب سید علی اصغر معصوم بن امام محمد باقر و مزار فیض آثار جناب سید صالح بن امام موسی کاظم و مزار فیض آثار جمال الله بن میران بن محمد رضوان الله اجمعین، باشارهٔ معصومین ولی محمد بن گل محمد قندهاری یک سقاءخانه و یک چاه آب به نیاز امامهاو معصومین باتمام رسانده بهر نیت رمادکه ساخته شده حقتعالی قبول گرداناد .»

این زیارت که بنام نامی آن ذوات عالیدرجات افتخار یافته از وی تاریخ و کتب ثبوتی ندارد سنگ سردر واز ه که کاملا سوادشده تاریخ بنای آنرا روشن میسازد ، سنگ های صندوقی نما که تذکار یافت وقتاً که بروشنائی شمع و دقت تمام ملاحظه شد احتمال میرود که در سنگ های قدیمه این اسمای مبارك ثانیاً تحریر یافته باشد با آنهم چون نزد عوام شهرت تامی دارد چیزی گفته نمیشود

اما نا گفته نباید گذاشت که بعد از بانی اول قرار شنید گی یکنفر ارزنان که باین زیارت علاقه داشته نیز درینجا مصارف گزاف نموده یعنی دیوار های احاطه را تماماً ترمیم کرده و باز آنهمه را چونه وگچ گرفته و برسر چونه وگچ رنگ آمیزی و نقاشی خوبی کرده که حالا هم دردیوار های باقیمانده طرف بیرون ، این اثر اعلی آشکار است .

زیارت شاه شهید

این زیارت نزدیک به پل مستان و چمن حضوری واقعست که درین سال ها کارتهٔ جدیدی متصل به آن روی کار آمده و مشهور بکارتهٔ شاه شهید میباشد اسم صاحب مزار (شاه ابو اسحاق ختلا نیست) که مو اینجامی رح هم قصهٔ ازوی درسلسلة الذهب خود می آرد . مشهوراست که دریکی ازغزوات داخل پیکار بود در حدود ده افغانان حملهٔ دشمن سرش را از تن جدا کرده وسرش درآنجا افتاد (که حالا در ده عیرچک ده افغانان هم بنام وی زیارتیست و همه را عقیده بران است که سر همین شهید بزرگوار است) وتنش روان بوده درین حصه که حالاز یارتست مردم ملتفت شده گفتند ببینید تن بیسر جنگ میکند ، بعد از التفات مردم وگفتن این حمله تن هم بخاك افتاده وتاحال زیارتگاه خواص وعوام است (تفصیل درین باره تحت زیارت خواجه اسحاق هم خواهم نوشت زیرا این مرد وزیارت را همه کس یکی میدانند) فعلا بالای مزارسنگ وکتیبه نیست ، گنبدی عالی دارد ، دورقبر کتارهٔ چوبیست ، روی قبر چونه کاری میباشد که رنگ سنگ نما شده ، علاوه برگنبد زیارت ، عمارت مختصری برای مجاورین وغیره هم دارد ، باغچه وچیری زمین نیز متعلق زیارت است . درداخل گنبد ، عظیم الله خان (که درعصر سراجیه ترجمان انگلیسی ودردورهٔ امانیه سفیر افغانی درایطالیا بوده) وچند تن دیگررا درین سالها دفن کرده اند دراطراف زیارت و باغچه اش اکثر مردم اعزه مدفونست .

بیرون گنبد مابین احاطهٔ مقبره یک گنبد دیگرهم است که گنبد خواجه ها میگویند ، صاحب این مرقدو خواجه ها ئیکه درسرای خواجهٔ کوهدامن مدفن شان زیارت معروفست ونام آنموضع هم ازنسبت آنهاسرای خواجه شهرت یافته برادرانند ویا وابستهٔ قریب ؟ خواجه با بوی سرای خواجهٔ را هم درین سالها به آنجا دفن کرده اند زیرا این خواجه های حاضرهٔ سرای خواجه خود هارا ازنژاد همین خواجگان میدانند .

این زیارت خارج احاطهٔ خود مسجدی هم داشته که در قدیم آباد ودرین نزدیکها رو بانهدام گذاشته بود ، از هذه السنه ۱۳۷۸ هـ ق تقریباً پنجسال قبل مسجد مذکور

است که در عصر اعلیحضرت امیر شیرعلی خان مرحوم بنام و مقام رفیعه میزیسته ، احمد علی خان از عصر ضیاؤالملة و الدین شامل کاربوده و در عصر اعلیحضرت امیرحبیب الله شهید هم با مورات بزرگ اشتغال داشته در عصر امان الله خان بعد از یک دوره کار هاوزیر مختار افغانی در جرمنی و در اواخر رئیس بلدیه کابل مقرر بود ، در دورهٔ محمد نادرشاه شهید هم اولاً معین وزارت دربار وباز چندی نائب الحکومه مزارشریف بود و آخر بحیث رئیس اردو بوزارت دفاع ملی شمولیت داشت، خود او و برادر و والده اش از مریدان حضرت ضیاء معصوم مجددی مشهور بحضرت صاحب چارباغ بوده اند .

با لاخر شام چارشنبه ۲۶ ذی‌حجه الحرام ۱۳۶۳ ه ق بعمر ۶۳ بمرض سکتهٔ قلب وداع زندگی نموده بتجلیل تمام درینجا دفن شد .

مزار قطب حیدر

این مزار درسمت جنوب بالا حصار واقع و ازاحاطهٔ دور آن معلوم میشود که سابق گنبد پخته کاری داشته که حال بعض دیوارهای آن باقی مانده وگنبد از بین رفته روی قبر صندله گرفته شده لوح سنگی ندارد و بمأخذی را جع بحالاتش برنخوردیم جز همین شهرت از شخصیت او چیزی فهمیده نتوانستیم اما نزد عموم مزارش محترم ونامش گرامیست .

مزارشه شهید ازسر بنا کرد
ز لطف حق حصول اش محسنین شد

چو سرکاری نمود الله وردی
مدنگار شر امیر المومنین شد

رساندش چون بإتمام ازسرسعی
تو گوئی همچوفردوس برین شد

پی تاریخ چون ارشاد فرمود
سرانجامش زمحجوب حزین شد

چوکرد او مشورت باعقل ناقص
بگفتا باظم تاریخ این شد

(بتاریخ سنه یکهزار ویکصد و هشتاد وسه هجری بود که تمام شد سنه ۱۱۸۳)
ملحق باین زیارت:

۱ قبریست تقریباً پنجصد قدم جانب جنوب شاه شهید درپهلوی جوی املاك متعلق زیارت شاه شهید دارای سنگ مکعب مستطیل که طرف بالای سر و دیگر اطرافش مزین با آیات قرآنیست بطرف پای این عبارت مرقوم:
«تاریخ وفات المرحومه المغفوره دولت بخت خواجه شعبان سنه ۹۲۵»

۲ قبریست تخمیناً سه صد قدم بعید بطرف مشرق زیارت مشهور ریکهزار و یک نام و صندوق سنگی بالای آنست که باسنگهای طرف پابهمه اطرافش اسمای باریتعالی مرقوم میباشد اما نام وتاریخ درآن مرقوم نیست

۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

بپول دختر مرحوم میرزا محمدعمرخان سرهنگی سردار نصرالله خان نائب السلطنه
مرحوم که در حیات خود :
وصیت نموده که سازند مسجد
از و آنچه مانده است از جنس زیور

تعمیر جدیدشده -
آبادی حاضره زیارت در عصر احمد شاه بابای غازی صورت گرفته و سه سال
قبل از وفات آن پادشاه نامی انجام پذیرفته که کتیبهٔ سر دروازه مرقوم بسنگ
حاوی آنست و عیناً نقل میشود :

چو احمد شاه بر روی زمین شد
در اقلیم ظفر مسند نشین شد
چو پا را در رکاب اشهب آورد
فلک گفتا که اقبالش قرین شد
بعصرش شیر و آهو یکجا خورند آب
که در عالم نهیبش اینچنین شد
بغمرا و سما افتد تزلزل
چو از راه غضب چین بر جبین شد
عدو ویران ره چون آب بنشست
چو در روز نبردش دل بکین شد
شرف از بسکه دارد آستانش
مکان بوسهٔ خاقان چین شد
چو نور احمدی بر چهره دارد
از آن رونق ده اسلام و دین شد
غلام خاصه اش یاقوت خان است
که تعمیر مزارش یقین شد
چو در راه خدا گردید سالک
کمند مقصدش حبل المتین شد

حضرات کرام قدس الله ارواحهم پیش نهاد شاه ابدالی راچون نیازمندی تمام داشته قبول فرموده بافغانستان تشریف فرماگردیدند ، خدمت ایشانرا طبع روان هم بوده گاهگاهی اگرتوجه بنظمی میفرمودند درغایت علو ست ادا میفرمودند یک غزل شان درحمد ایراد نمود می آید :

ای خاروخس حمد تو پیوسته بیانها | عاجرشده ازحمدوثنای تو زبانها
ازنام توا ندر صدف سینه توان یافت | دری که بود مخزن اسرار نهانها
گردرهٔ اینمر حله دریافتنش نیست | بیهوده مرس تا زخیا لند گما نها
بیچونی ذات توکه بگوید که بود چون | هرچند باملااست بوصف تو فغا نها
ناید بزبان شمهٔ از ذات قدیمت | ممکن نتوان یافت چو واجب به نشانها
آنیکه بخلوتکدهٔ اسرار تو ره یافت | شدغیرت توحیدتو اش مهرز بانها
ازبسکه بود درهوس حمد و ثنایت | بیتاب تر از کلک فقیراست زبانها

حضرت ایشان بعمر هشتاد و سه سالگی رسیده در کابل بوصال حضرت باری مشرف شدند بتاریخ دوازدهم محرم بعث سید البشر (ص) سرور از نکر دیدند بیرون شهر کابل بر تپه مشرف بر چمن در دامن پشته مرنجان شرقی بلدهٔ مدکور آسوده اند احمد خان نورزائی که ازمخلصان خاص ایشان بود بنای مزار فیض آثار ایشان نمود واعلیحضرت تیمور شاه پادشاه درانی باغیکه قریب بمزارشان مسمی بگلاب باغ بوده در صرف مزار ایشان گذاشت ، الیوم مزار مبارک ایشان مرجع خلائق است بزار و یتبرك مادهٔ تاریخ وفات شانرا چنین یافته اند :

ها ف از غیب نعره زد بدلم | قطب دوران برفت از عالم

هفت فرزند از ایشان خلف شدند ، اکبرشان حضرت قدوة سالکین میان شاه بیگ (رح) بودند که مسند ارشاد حضرت ایشان به آنها تعلق داشت و از علوم ظاهری و باطنی بهرهٔ کامل داشتند و درد یار بارکند مسند ارشاد بوجود ذیجود شان مزین بوده و فرزندوم شان میان شاه نواز که صاحب ارشاد بودند و اکثر ایام حیات شان در بدخشان سپری گردیده و در اواخر ببخارا تشریف بردند و آنجا رحلت کردند پنج فرزند دیگر شان میان علیم الله ، میان نعمت الله میان حرمت الله ، میان عباس ، میان الیاس اند که همه ایشان از علوم ظاهری و باطنی حظ وافر داشتند .

زیارت حضرت جی صاحب

۱ـ این زیارت در سیاه سنگ (ملحق به کارته شاه شهید حالیه) که اکنون هم مسجد و مجاور خانهٔ دارد واقع است .

درین زیارت مزار خود حضرت جی صاحب و بعض مربوطین شان و اکثر اعزه میباشد که اولاً به معرفی خود جناب باستناد عمدة المقامات مؤلفهٔ حضرت شاه محمد فضل الله (رح) و تذکره نواری مولفهٔ حضرت میانشاه نواز (رح) و ثانیاً بذکر مزارشان پرداخته، بعداً از بعض مزارات دیگر هم تذکر میدهیم .

الف شخصیت موصوف :

حضرت قطب الاقطاب واقف اسرار لی مع الله حضرت شاه عزت الله قدس سره مشهور بحضرتجی صاحب سیاه سنگ کابل، فرزندخامس حضرت غوث الاحباب سرمست باده مکتوم حضرت شاه غلام محمد معصوم قدس سرها لاقدس در اواخر قرن ۱۱ هجری در شهر سرهند جنت مانند تولد گردیده علوم ظاهری را در مدرسهٔ مجدد اعظم که از مدارس بزرگ دار الارشاد سرهند بود فرا هم گرفته و تحصیل معارف باطنی را طبق معمولات طریقهٔ عالیهٔ مجددیه از والد ماجد خویش و برادر بزرگ شان حضرت قطب الارشاد حضرت شاه غلام محمد رحمة الله علیه حاصل نموده بولایت خاصهٔ محمدی مشرف گردیده و باعلی درجات کمال فائض شده بودند، جهانی از ایشان منور شده معاملهٔ ارشاد شان عالمگیر بود خلفای شان طرق جاری دارند خدمت ایشان بر اساس مصطلحات حضرات صوفیه مرتبهٔ مداریت داشتند، سخا و کرم شان منت بر اهل زمانه نهاده بوده، همت عالی شان بنوعی بود که دنیاو مافیها در نظر شان حکم متاع غرور داشت اگر بالفرض تمام دنیا بایشان تعلق میداشت آنرا بیک کس میدادند هنوز از عطای خویش محجوب میبودند، درجهاد نانک پرستان که در اوده هیانه درزمان محمد شاه ثانی واقع گردید شرکت فرموده در اعلای کلمة الله و اضمحلال آن باطل پرستان سهم بارزی گرفتند و از طرف والد ماجد خویش ملقب بناصر الدین گردیدند، و از زمانیکه اعلیحضرت احمدشاه غازی ابدالی بسرهند شریف رسید ، حضرت ایشانرا باد و برادر شان حضرت قطب الارشاد شاه غلام محمد رحمة الله علیه و حضرت قیوم جهان شاه صفی الله قدس سره به آمدن افغانستان دعوت نمودند چنانچه

۵ . : . . : . شده زو یاد گار در عالم
۶ یا الهی بدار پش بامان حق اصحاب سرور عالم
۷ ها تف غیب نعره زد بدلم قطب دوران برفت از عالم

سنهٔ رحلت درکتب تصریح نشده ودرین دو لوح هم بعد دمر قوم نیافته امامادهٔ تاریخ سنگ اول را که سنجیدیم بد ینقرار شد :

اعداد جملهٔ داد داد ۱۸
» تمام مصرع دوم ۱۱۸۸ } سنهٔ ۱۲۰۶

مادهٔ تاریخ سنگ دوم را که مراد همان یک مصرع اخیرا ست که سنجیدم ۱۲۰۳ شد .

چون درین مادهٔ تاریخ این دو سنگ سه سال فرق موجود است بصورت یقین گفته نمی توانیم که کدام آن صحیح است اما جای شک نیست که درهمین سنوات است بنابرین تاریخ وفات شاهانی راکه در عصر ایشان بوده و درکتب مذکور است درینجا می نویسم :

۱ـ وفات اعلیحضرت احمد شاه بابا درسنه ۱۱۸۶
۲ـ » » تیمور شاه » » ۱۲۰۷

نظر به سنوات وفات این دو پادشاه همعصر وکتیبه های فوق الذکر مسلماً یا در سنه ۱۲۰۶ ویا درسنه ۱۲۰۳ بوده است وهمین سنوات از مضمون بالا که ولادت را در اواخر قرن ۱۱ تذکر داده نیز ثبوت می پیوندد .

۲ قبری است زیر پای مرقد حضرت تجی صاحب که قرار شرح کتب بوضاحت معلوم است که قبر احمدخان نورزائیست اما لوحی ندارد .

۳ طرف غرب مرقد، قبر علام عمرجان پسر سوم حضرت میان عبدالباقی صاحب برادر زادهٔ حضرت تجی صاحب پسر شاه صفی الله صاحب است که لوحی ندار دفعلاً لوح دومین خود حضرت تجی صاحب بالای برروی گذاشته شده .

۴ بطرف غرب قبر بالا، قبر حضرت مختار جان نوادهٔ حضرت ضیا معصوم مجددی مشهور به (حضرت صاحب چاردباغ) متوفای ۱۳۳۷ هـ ق میباشد که درکابل وفات نموده وبخواهش اعمام و برادرانش قطعهٔ انشاد نمودم و بخامهٔ خود درسطح فوقانی سنگ مزارش که از بهترین سنگها بصورت خوبی ساخته شده و بابسملهٔ شریفه وکلمهٔ طیبه نوشته ام که قطعهٔ مذکور این است :

ب: صورت مزار وکتیبه های آن

مزار مبارك در وسط احاطهٔ زیارت واقع است وسنگها که در بالای مزار است سه مرتبه دارد در سطح بالای سنگ همیقدر مرقوم است «زیارت مبارك شاه عزت الله صاحب مجددی ملقب بحضرت تجی صاحب» لاکن این سنگ را مخلصی در همین پنج شش سال در فابریکهٔ حجاری ونجاری کابل ساخته ، لوح سنگ قدیمه اش شکسته و حاضر[؟] دو پارچه آن موجود وبالای سر نصب است و این اشعار دران مرقوم :

. . . .

۰ عزت الله مرشد کامل نماند

دستگیر عاجزان و آن رهبر صدق و صفا
در طریقت پیر واو کز ره منزل نماند

بسکه خوان لنگر او بود دائم رو بکار
نا امید از درگهٔ او هیچگه سائل نماند

شیوهٔ او را داو؟ بودی هم آغوش سپهر
یکقدم زین بحرگاهی جانب ساحل نماند

در قبوض وبسط امر معرفت مکشوف بود
پیش عام او شنیدم نکتهٔ مشکل نماند

. . . .
. . . .

جستم این جاهز زهاتف سال فوت آن ولی
درزمان فکری به پیش عقل او هائل نماند

در جوابم ناله بر پا کرد گفتا داد داد
حیف مثل وی بکابل دیگر اهل دل نماند

این لوحه . . . . . درسنه ۱۲۱۶ کرد مهر علیخان میرآخور .

لوح دیگری که درآنهم شکستگی رو داده و بالای قبر دیگر بست بقراریکه در فوق تحریر یافت از مضمون کتب واضح میگردد که آنهم از مزار خود شان است . این ابیات دران مرقوم است :

مرقد نائب سالار عبدالوکیل خان

مرحوم درسنه ۱۲۵٤ ه ش درقریهٔ کانتوای نورستان تولد شده ، در عصر ضیاؤالملة والدین برتبهٔ جیدن داخل عسکری شده و در عصر امیر حبیب الله خان شهید برتبه کندک مشری و غند مشری رسیده و بعد آن در سنه ۱۲۹۷ ه ش برتبهٔ جرنیلی و در سنه ۱۲۹۹ برتبهٔ فرقه مشری و در سنه ۱۳۰٤ ش بر تبهٔ نائب سالاری ترفیع کرده و مصدر خدمات برجسته و اخذ نشانها شده بود ، درسنه ۱۳۰۸ ش از حضور اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید بهمان رتبه عز تقرر حاصل کرده و خدمات لا ئقه بظهور رساند ، درعین وظیفه بتاریخ ۱٤ اسد ۱۳۰۹ در منطقهٔ باغ عارق کوهدامن بدرجهٔ شهادت نائل شده و نسبت قدردانی از خدام صادق در مقبرهٔ خاندان سلطنتی در تپهٔ مرنجان بخاك سپرده شد و بپاس قدر از خدماتش آبدهٔ یادگاری درحصهٔ دهمزنگ (سریکارت) بنا شده بنا یافت.

زیارت خواجه ظهیر ، خواجه خورد مکی ، ضیاؤالدین محمد

قبور این هرسه بزرگوار دربامدی متصل سرك و مسجد و دکانها و جوی قریهٔ بینی حصار واقع است : —

۱ خواجه ظهیر ده لوحی سنگی بالای سرش نصب است و بیکطرف آن کلمهٔ طیبه مرقوم و بطرف دیگرش این عبارت . « تاریخ وفات حضرت خواجه ظهیر:

گفت باهمنفسان خواجه ظهیر	بعد مردان اگرم یاد کنید
هر یك ار فاتحهٔ تا اخلاص	هر نفس روح مرا شاد کنید
خواستم سال وفاتش گفتا	دم آخر . . . یاد کنید »

لوح دیگری بطرف پاهم دارد که این ابیات دران مرقوم است :

ای همنفسان هلاك میباید شد	زین واقعه درد ناك میباید شد
تاریخ وفات خواجه ازروی ادب	خوش گفت خرد که (خاك میباید شد)

بحساب جمل جملهٔ (خاك میبایدشد ۹۹۲) میشود اما در سنگ عددی مرقوم نبود.

۲ خواجه خورد . لوحی بالای سردارد که شکسته و چیزی از ان استنباط نمی شود درلوحیکه که بطرف پایش میباشد چنین مسطور است :

«هذا مرقد المرشد الکامل العالم العامل الفاصل المفضل کاشف الحقائق مظهر الدقائق الواصل الی جوار الملك الرکی مولنا خورد المکی سنه ۹۷۰»

صاحب تقوی ودانش حضرت مختا رجـان
عارف حقـانی و زاهل مجدد بیگمـان
زادهٔ شهزاده جـان پور ضیـا معصوم کو
بود پیرکـامل و صـاحب تصرف درزمـان
با حیـا وبا ذکـاء وبـا خـدا وبا سخـا
با وفـا و با صفا ، روشندل وروشن روان
با همه اعمال نیـک وجمله اوصاف بزرگ
با همه حسن سـلوك و بـا دل آئینه سـان
چارم ماه صیام آخـر بسن سـی و هفت
ناگهـانی شد روان سوی بهشت جاودان
گشت اولادو عیال واز خود و بیگـانه را
در غمش از چشمه های چشم جوی خون روان
یـا الهـی از طفیل رحمة لـلعـالمیـن
مرغ روحش را بباغ قدس بخشـا آشیان
زد رقم سال وفاتش در جمل کـلـک خلیل
(یارب ار جودت عطا فرما بوی حادر جنان)
۱۳٦۵ ه ق

۵ قبردیگری موسوم به خواجه محمد پارسای مجددی پسرشاه عبدالرحمن ا بن حضرت شاه بیگ بزرگترین فرزند حضرتجی صاحب است لوحی ندارد .

٦ قبر محمد نعیم‌خان نائب سالاراست ازسنگ آن نمایان میشود که بعمر ۸۰ بتاریخ ۱۰ صفر ۱۳٦۰ وفات کرده .

۷ قبر محمد رحیم مهمندی است که ۳۷سال بهآستان حضرتجی صاحب خدمت نموده بالاخره بعمر ۹۲ درسنه ۱۳۰۳ ش فوت کرده .

۸ قبرمرحوم سکندرخان ابن پر دلخان لوینابـ هم دراینجاست و به سنگ خوردی ، نامش دران ارقام یافته علاوه برین قبور زیادی درخود احاطه زیارت و بیرون احاطه است که به همجواری حضرتجی صاحب افتخاراً مدفن گزیده اند ، خدایتعالی گناهان همهٔ شانرا به رحمت خود عفوفرماید .

خواجه دین فضیل وا صل حق　　شد زو نیا چو در بهشت برین
وحلتش هست (عارف سرمست)　　نیز فرما (فضیل واصل دین)

۱۱۱۱　　۱۱۱۱

باز فرما (مکرم احیا ر۱۱۱۲)　　سال تاریخ آتشه حق بین

قبرستانی اطباء

درسمت شمال پائین تپهٔ مرنجان مقبرهٔ اطبای معروف کابل است ، در ین مقبره تنها قبرمیرزا عبدالواسع خان لوحی داردکه آنهم بواسطه خامه بودن درز مین فرورفته و برای خواندن و سواد برداشتن اززیرکشیده و باربجایش گذاشتم این سنگ بصورت محرابیست درقسمت فوقانی آن ضرور آیهٔ ازآیات بینات قرآنی و روز وماه وسال وفات مندرج بوده که متاسفانه حک شده تنها یوم جمعه دران دیده میشود ، باقی ابیات کتیبه است که سواد شد ، اما مناسب دیدم از دیگر اطبای شهیر مدفونین این مدفن هم نام برده و مختصر[۲] بذکرشان پرداخته ودر ذیل نام این مرحوم کتیبه اش را هم نقل نمایم .

قبور اشخاص ذیل درینجاست

۱ میرزالعل محمدخان متخلص عاجز ابن پیرمحمد خان که طبیب اعلیحضرت تیمورشاه بوده وعلاوه بر طبابت دراقسام شعر یدطولی داشته و دیوان جامع و ضخیم از خود بیادگار گذاشته ،

از وی دو پسر یکی میرزا عبدالواسع خان و یکی میرزا عبدالقادرخان و سه صبیه مانده بود

۲ میرزا عبدالواسع خان متخلص واسع پسر موصوف طبیب اعلیحضرت امیرکبیر دوست محمد خان واعلیحضرت امیرشیرعلی خان بوده یک پسرو یک دختر بود یوانی بحجم ۱٤۹ صفحه هر صفحه ۱۲سطر بارسالهٔ در فن طب از وی مانده ودرآخر دیوان غزلیات ، ترجیع بند طولانی هم در۱۸ صفحه دارد که بیت ترجیع آن این است :—

قل هوالله واحد و احد　　صمد لم یلد ولم یولد

۴ ضیاؤالدین محمد . کتیبهٔ که در اوح سنگ بالای سراست چنین میباشد :

«ضیاء الدین محمد خواجهٔ روشنضمیرما
که مردم خاك راهش رابجاروب مژه میرفت
ازین دنیای فانی چون رخ ... نهضت آخر
خرد تاریخ فوتش را (ضیاء الدین محمد) گفت

قدوقع وفات المرحوم المعمور المبرور المذکور فی شهر رمضان المبارك سنه ۹۹۵» کلمهٔ (ضیاء الدین محمد) که هم اسم جناب است وهم در بیت مذکور مادهٔ تاریخ قرار گرفته نیزمتضمن عدد (۹۹۵) میشود .

زیارت وحی صاحب

این زیارت در قریهٔ بینی حصار بطارف غرب سرك عمومی ودکانهاپهلوی جوی واقع ودارای شهرت وعلامات روشن است دور قبر کتارهٔ چوبی واحاطهٔ مقبره (که چند قبردیگر هم نمودار است) دیوار خامه دارد ، احاطهٔ مذکوره تخمیناً ۱۰×۱۰ متر میباشد دولوح دارد در لوح طرف سر کلمهٔ طیبه و نقوش است در لوح طرف پا این عبارت مرقوم «تاریخ ..... خواجه محمد ... حی

شد خواجه وحی آنشه دین ارعالم جسم سوی جانان
آن ختم سخنوران خوشگوی دان پیشرو طریق عرفان
بهر تاریخ سال فوتش شد عقل ضعیف من شتابان
درگوش دلم زعالم غیب یا پاك ضمیر گفت رضوان»

عدد جملهٔ (یاپاك ضمیر) بحساب جمل (۱۰۸٤) میشود .

درکتاب خزینه الاصفیامسطوراست : «اسم شان خواجه محمد فضیل قادری نوشاهی که ازاعاظم احباب حاجی محمدشاه است و درکابل سکونت داشته بجهت کسب معرفت وارد هند شده چندی بنوکری عالمگیر اشتغال نمود ، بعد ازان ترك علائق کرده شرف مریدی حضرت نوشاه را حاصل نمود ، سوز وگداز ، وجد وشوق ، جذب وذوق بهمرسانید ، پس از تحصیل شرف خلافت بوطن مراجعت کرد ، در کابل ملقب بوحی بود» از خرق عادات وکمالاتش تفصیلاتی خاده وفاتش را باقوال صحیح درسال (۱۱۱۱) یا (۱۱۱۲) تصریح وابیات ذیل را ذکر نموده :

طبیب بوده و در زمان خودها از اطبای بانام وشهرت نیک بوده اند و همه در همینجا دفن اند الامیرزا عبداللطیف خان که در شهدای صالحین در حصهٔ بلندی راه زیارت حضرت تمیم رض مقابل خانهٔ سادات و مرقد قاری ملک الشعرا در پهلوی دختر خود مدفون است و بالای مرقد دخترش لوحی مرقوم بشعر اثر این نا چیز است.

منجمله میرزا عبدالرشید خان طبع شعر هم داشته و رشید تخلص میکرده و در ساختن قصیدهٔ ولیعهدی سردار عبدالله جان ابن امیر شیرعلی خان نیز سهیم بوده وکتیبهٔ لوح مزار میرزا عبدالواسع خان هم از طبع اوست. میرزا عبداللطیف خان هم علاقهٔ مفرط بشعر داشته وعواض تخلص میکرد اما بر حسب اتفاق گاهگاه اندك شعری میسرود

٦ میرزا محمد ابراهیم خان از اطبای حاذق وسرآمد زمان خود بوده و لـوادهٔ دختری عاجز مرحوم میشد در عهد امیرعبدالرحمن خان و امیرحبیب الله خان شهید خدمت طبابت خاندان شاهی وغیره را انجام میداد،

وعلاوه برمهارتی که در فن طبابت داشت بشعر هم ذیعلاقه بود و اشعاری در فارسی و عربی دارد و امروزهم اولادش از طبابت و شاعری بهره وافی دارند

معلومات مدفونین این مقبره قرار فوق است

نا گفته نماند که در عصر سراجیه و امانیه یکی از اطبای معروف مولوی محمد اکبر خان طبیب بوده که از دست رس کافی بفن وحسن اخلاق باتمام طبقات محشور وبهمه جا مشهور بود، ولی از ین خانواده نبوده بلکه پسر خلیفه محمد امین صاحب بود که مقبرهٔ شان در زیر خواجه صفاست و خود موصوف بمرض وباء در استالف داعی اجل را لبیک گفته و در همانجا دفن شده است لزوماً باین توضیح پرداخته شد

سواد کتیبهٔ لوح مزارش

آنکه ازمن یوتی الحکمة خدایش برگزید | بر حکیمانز مانده در همه روی زمین
رایتش افراشت در عالم بعلم معرفت | کرد ازعلم گمانش فائض علم الیقین
گشت چون علم الیقینش حاصل از امداد حق | شد منور دیده اش از سرمهٔ عین الیقین
شد چو از علم الیقینش کحل مازاغ البصر | دل گرفت ازعالم و پیوست باحق الیقین
گر زمانه خون خون بگرید دور اقش میسزد | کـه زاده مادر ایام فرزندی چنین
سال مولودش (غلام واسع) عبدالواسعش | اسم محضه بودباداو اسعش یار و قرین

۱۲۰۸

سال فوتش را زپیر عقل میجستم رشید | باافعان در دنائک و نالهٔ زار و حزین
هاتف غیبی فگند از حلم سر آنگاه گفت | جنت فردوس باداجای او تا یوم دین

۱۲۸۳ هـ ق

۳ میرزا عبدالنادر خان پسر دوم میرزا لعل محمدخان، وی طبیب امیر محمدافضل خان بوده و ازوی چهار پسر و میرزا عبدالواحدخان، میرزا عبدالفتاح خان، میرزا عبدالنبی خان میرزا عبدالغنی خان مانده بودند.

۴ همین هر چار پسر موصوف طبیب نامی عصرخودها بوده در عهد ضیاءالملة والدین امیر عبدالرحمن خان و سراج الملة و الدین امیر حبیب الله خان شهید و بعدآنهم تاحینیکه طب یونانی رائج بود طبیب حضور شاهان و معالج مردم وطن بوده بنام نیک طی زندگانی نموده یکی بعد دیگری درین محوطه بخاک سپرده شده اند که منجمله چند بیت از قطعه مرحوم قاری عبدالله خان ملک الشعرا که تاریخ وفات میرزا عبدالنبی خان است آورده میشود.

مسیحای زمان عبد النبی خان | که نام او به نیکی برزبان رفته
چو از هشتاد افزون زندگی کرد | نگوئی نقد عمرش رایگان رفته
بساط طب یونان درنوشتند | چو از بین این طبیب مهمان رفته
خودش شاد ان و خرم رفت لیکن | زمرگش محشری برخاندان رفته
بسال چهارده سوم از محرم | هزار و سه صد شصت از جهان رفته

۱ میرزا عبد الرشیدخان و میرزا عبدالسمیع خان ابن دونفر طبیب پسران یک دختر و میرزا عبدالشکورخان و میرزا عبدالصمد خان پسران دیگر دختر عاجز مرحوم بودند که هر یکی شان میرزا عبدالقدوس خان و از دیگر شان میرزا عبداللطیف خان

بیک گولهٔ توپ آتش فشان شد ‌ ‌ ‌ تن نرگک نسرین او ارغوانی
بهین جوانی چو شد کشته ناگه ‌ ‌ ‌ بتاریخ گفتم (دریغ جوانی)
۱۲۸۴

سنگ مذکور از بین رفته وحالا وجود ندارد

زیارت مشهور به سید محمود

این زیارت را برادر سید مهدی آتش نفس میدانند متصل است بطرف شمالی قلعهٔ جنگی

بالای قبر یکه قرار اظهار مردم منسوب بخداوست یک لوح کلان مکعب مستطیل میباشد که در سطح فوقانی آن کلمهٔ طیبه. بالای سر و دو طرف دیگر آیة الکرسی و دیگر آیات شریفه و طرف پا چنین مرقوم است.

«وفات امیر ال[illegible] فی بیرا بن احمد یک[illegible] در تاریخ نهصدوچهل وچهار ازهجرت»

...

پهلوی قبر موصوف قبر دیگریست که در اطراف لوح سنگ مکعب مستطیل بالای قبر آیات شریفه قرآنی و طرف پا چنین مرقوم است.

«تاریخ وفات مرحوم [illegible] [illegible] ابن امیر علی قلی [illegible] نهصد و سی و هشت»

در همین مقبره لوح سنگ مکعب مستطیل دیگری دیده شد که در دیگر سطوح لوح آیات کلام [illegible] طرف پا چنین مرقوم [illegible]. «تاریخ فوت آغه سکی بنت آغا [illegible] (۹۵۰) میباشد»

زیارت بی بی ماهرو

این زیارت بسمت [illegible] تپهٔ قریهٔ [illegible] بی بی ماهرو سمت واقع میباشد قبر [illegible] چهار دیوار [illegible] محیط است لوح سنگی ندارد قرار بیان مردم موصوفه همشیرهٔ سید مهدی آتش نفس است.

خواجه حضور

این زیارت در سمت جنوب [illegible] قریه بی بی ماهرو واقع است بالای قبر لوح سنگ مکعب مستطیل است [illegible] اطرافش را آیات قرآنی مزین و طرف پا چنین مرقوم است. تاریخ وفات [illegible] سنه ۱۱۱۰

زیارت سید مهدی آتش نفس

این زیارت را حالا میدان طیاره احاطه کرده درخود زیارت یک لوح سنگ شکسته دیده شد که آیات بارکات قرآنی دران مسطور است تاریخ و اسمی دران مذکور نیست امادرجوار زیارت بیرون از سردابه سنگی بصورت صندوقی به بسیار نقش و نگار زیبامرتبه دار ساخته شده بطرف بالای سرکلمه طیبه و بدو طرف دیگر آیة الکرسی شریف مرقوم و همه اطراف آن بنقش های بسیار نفیس وگوناگون آراسته و بطرف پای این عبارت مرقوم است :

« درتاریخ ۹٤۷ جناب مغفرت ماب محمدی بن سیدخواجه غفرالله ذنوبهما ازدار فنا رحلت نمود »

غالباً گمان میرود این سنگ از مزارخود سید مهدی (رح) باشد که اصل اسم محمدی بوده وشهرت مهدی گرفته باشد زیرادلیلی ندارد که این زیارت باین شهرت و احراز مقام روحی که دربین مردم دارد سنگی نداشته باشد و مزارد یگری درآنجا دارای چنین سنگ باشد علاوتاً زیارت دیگری که به اسم سید محمود است هم اورا برادراین میدانند درینجا هم احتمال میرود که نام یک برادر محمد و از دیگر محمود بوده باشد ؟ اما این حرف حدسی است .

طوریکه مشهور است جناب شان مدتها درهند بسربرده وازعرفای آنجا مخصوصاً طریقه چشتیه کسب فیوض کرده وباز بوطن مراجعه نموده درگذرشوربازار حوالیه سکناء پذیرشد . مخلصان مسجدی هم درجوار اقامتگاهش ساختند که تا حال بنام مسجد سیدمهدی شهرت دارد گنبد مشبک حجری مزارحضرت امیرخسرورا دردهلی ازابنیهٔ مخلصانه اش میدانند

ازبرکات انفاس شان خصوصاً درباره اطفال سخن بسیار است چنانچه اطفال که دوچار کبود سرفه میشوند بمزار شان میبرند و از خداى تعالى صحت شانرا ببرکت نفس ایشان درخواست میکنند وموثر واقع میشود .

* * *

قبرسردارفیض محمد خان بن امیر کبیرکه درمحاربهٔ بسا صیاق العلة والد بن درسلطنت امیرمحمد افضل خان درحصه پنجشیر بضرب گلوله توپ کشته شد درینجا بود واین ابیات دران منقور :

در همین مدفن دو نفر دیگر بالای مرقد ایشان خواهر و مادرش را در اینجا دفن کرده اند

بهر حال این معلومات درباره مزار یاد شده حاصل شد تمام متکی بشهرت واظهار مردم ... فرق است

مزار حاجی قلندر

این مزار در ساحهٔ شمالی تپهٔ مرنجان واقع است، طول قبر تقریباً ۷ متر و عرض آن سه متر بوده بر سنگهای زیاد کار شده بالای قبر دیده شد دیگر کدام لوح و مرقدهٔ مطلوب دیده نشد و وجود ندارد. بالای سر قبر یک چراغ خانه محرابی تعمیر شده است در پایان تپهٔ مذکور مقابل مدفن حاجی قلندر به مسافت تقریباً دو صد قدم مسجد و احاطه مختصری پیدا شد. چند قبر و چند درخت وگل بته ها در احاطه دیده شد. قبریکه در دهن دروازهٔ احاطه است (قرار اظهار مردم) قبر خلیفهٔ حاجی قلندر است.

در اوسط طرف جنوبی تپهٔ مرنجان (بیک مقبرهٔ عام) نزدیک سرک دو لوح سنگ مکعب مستطیل دیده شد که در بالای سر یکی آن مرقوم است « تاریخ وفات مرحومی خواجه محمد زرین بن خواجه عبد المؤمن سر دیوان سنه ۹۹۳» بطرف یمین ویسار آیة الکرسی شریف مرقوم میباشد.

در سنگ دیگر بالای سر کلمهٔ طیبه و بدیگر اطراف آیات مبارکه قرآنی مرقوم است و بواسطه شکستگی و بریدگی نام و سنه از آن معلوم نشد

مزار خلیفه حجی شهید

بطرف مشرقی سرک عام متصل بازار بی بی ماهرو قبریست که بخلیفه حجی شهید شهرت دارد مردم خیلی بوی معتقدند اما لوح وسنگی ندارد و جز همین شهرت نزد مردم نیز کدام معلومات راجع بوی نیست .

مزار میر سید علی سرمست

در ما بین بارکهای میدان طیاره مزاریست بهمین شهرت بدون کدام لوح سنگ اما گنبد آن جدید آباد شد .

تاج مزار

بسمت شمال قریهٔ مذکور واقع است وبالای قبراو سنگ مکعب مستطیل موجوداست که دران آیات قرآنی است و ...ب خوانده نمی شود بیکطرف آن (تاریخ مرحوم المغفور) بوده اسم و تاریخ از ان فهمیده شده نتوانست سبب آنکه خوانده شده نتوانست قدامت و پوسیدگی حصه های تحریری سنگ است.

شاه همدان

این زیارت در قریهٔ رلاه باغان واقع ولوحی بر ان نصب و این ابیات در بالای سر مسطور است:

میرخورد از جهان برفت جوان	حق کند در بهشت ماوایش
در حلیمی وحسن خلق وسلوک	کس نبودی بعهد همتایش
وه که از تند باد سخت اجل	شد برنج ونصب چو اعضایش
از بدن کرد ناگهان پرواز	طائر روح عرش پیمایش
زیرا ین تود مغاک افسوس	شد نهان روی ماه سیمایش
جستم از پیر عقل تاریخش	غرق حیرت بشد سراپایش
چون سر از بحر غم کشید بگفت	(باد در خلد دائما جایش)

شاه همدان در محوطه میباشد که دیوار های آن خراب شده و چند نفر سادات ذکور واناث وچند نفر عام نیز در محوطه مذکور مدفونند که از لوحه های بعض آنها از وفات شان ۸۰ الی ۹۰ سال گذشته مصرع اخیر (باد در خلد دائما جایش) را که حساب نمودم (۱۲۰۵) شدکه حاوی بر فوت صاحب لوح باشد

چون شاه همدان از ابیات مفهوم نگردید ازمردم درصدد تحقیق شدم، بعضی گفتند این زیارت بسیار قدیمی است سابقاً مجاوری درینجا بوده که سنگهای قبر را اتلاف کرده، مضمون ابیات سنگ وشهرت مزار نیز باهمدیگر مباعدت دارند غالباً سنگ دیگر قبری را لوح این مزار کرده اند، از ریش سفیدان که درصدد تحقیق برآمدم دو سه نفر معمرین اظهار داشتند: حینیکه حضرت قطب صمد الی (میرسید علی همدانی) رحمة الله علیه در کابل وگاهی در پغمان توقف داشتند صاحب مزار هذا خدمت سرتراشی آن وجود معظم را کرده و مو های سرشان را

چون بسیار گل آلوده وچرکین بوده دیگر ابیات آن خوانده نشد اگر شسته میشد ممکن بود دیگر ابیات آنهم خوانده میشد .

قبر را سطح تخمیناً ٤×٧متر محاط و سطح را دیوار پستی محیط است .

چند چیز مثبت قدامت سنگ مذکور است اول طرز نوشتهٔ ثاث آن . دوم اسم ذات باریتعالی در دوسه جای آن بخط کوفی است . سوم طرف علیای سنگ بمرور روهود و مساس مردم خیلی سودگی پیدا کرده . چهارم اسم وشهرت این زیارت که بکلمهٔ جمع معروف است احتمال بمزار چند بن بزرگوار میرود .
و الله اعلم

زیارت میان داؤد

این مزار بفاصلهٔ دو صد قدم یا بیشتر از مزار میان شیخ احمد طرف گذر درخت شنگ دوره در وسط کوه محادی گذر فرملیها است کدام گنبد آبادی وکتیبه ندارد . خود قبر هم بدون تزیینات خاصه ساده و بمساحت میباشد . یک دو درخت ا غوان که متصل و بجوار آنست بالای شیره [illegible] اما خیلی مرجع عوام و بیشتر زیارتگاه زنان است .

زیارت حضرت میان شیخ احمد

این زیارت در [illegible] الابرج [illegible] ارگان [illegible] الله خان مرحوم وگند [illegible] واقع است [illegible] یک گنبد داشت وگل خانه اماحتین هبا شد در بن آن [illegible] مرقد [illegible] زیگر [illegible] مزاقدسا [illegible] شد مکر [illegible] وجود ندارد [illegible] از بن [illegible] بزرگ معرفی نما ند

درمکتوب ٥٥ ٢ حصهٔ چارم دفتر اول حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی رحمة الله تعالی علیه که به ملا محمد طاهر لاهوری صادر یافته دراخیر شرح ارقام یافته میان شیخ احمد فرملی از محاسب چون در جوار شما واقع است التفات وتوجه درباره مشار الیه مرعی خواهند داشت ؛

علاوه در گنبد یک مجاور خانهٔ خورد هم داشته که بمرور زمان خراب شده و مجاورین آن جا لاپیشهٔ سقائی دارند وازجا ئب خورد ها آباد نموده درا ب گذاره مینمایند

زیارت خلیفه جی

در ما بین قریهٔ بی بی ماهرو واقع است لوحی دربالای سرمزین به آیات قرآنی دارد و لوحی هم بطرف پا که مرقوم باین عبارتست : والحکم لله و فات مرحومی معفوری حقائق و معارف آگاه مجمع کمالات صوری و معنوی خلیفهٔ فیض ماب قطب الاقطاب و غوث الاحباب حضرت میان غلام حسین چیو صوفی گل محمد از دارفنا بدار بقا رحلت نمود سنه ۱۱۹۰

زیارت سید میر جان

درسمت جنوبی قریهٔ بی بی ماهرو قبری در بلندی باین شهرت واقع و بدیوارهای مد ور خامکاری ویران شده محاط است ، درسر قبر صندوق سنگی مرتب بسه مرتبه بنقش های نیکو مزین میباشد بطرف سر کلمه طیبه و بطرف پا سه مصرع مرقوم و باقی آن نا تمام مانده است و آن سه مصرع اینست :

چون زدنیا رفت سید میرجان ... شد ببهشت جاودان ماوای او

سال تاریخ وفاتش را خرد

بطرف مشرق مقبره مسجدی بوده که ... د یوار صحن آن هنوز ... سنگ مرمرکاری منقش ظاهر است و باطراف مقبره سنگهای منقوشه زیاد موجود است ازپایه ... میشود که در اول بسیار محال بوده و حالا به ... در بین مردم شهرت این زیارت سید مهدی جان است

مردان غیب

درسمت شمالی اخیر تپهٔ مرنجان ... قرار ... ساکنین قریب زیارت ، ایشان پنج برادر بوده ... یکی خواجه زنبور ، (در ترناب او دخیل) ... یکی خواجه غارولی (درده سبز) و دیگر خواجه مسافرولی ... لوح سنگ چهارپهلوی مستطیل شکل است ، در سه طرف آن ... مرقوم است .

ای اهل دل که میگذری برمزار ما ... .

. . . . آخر بباغ عمر خزان شد بهار ما

اما مکن دریغ بسا خلاص و فاتحه ... تکبیر یا دعاست زخلق انتظار ما

. . . .

زیارت ابدال وقبرستانی میرزا محمد عمر خان

۱ مزار خود ابدال

در بالا کوه قریب سنگ کش ها محاذی گدرقاضی مزاری است خرابه که معلوم می شود وقتی آبادی پخته داشته طوعهای کهنه بالایش نصب است مردم میگویند برادر میان شیخ احمد صاحب است که زیارت خود اونزدیک باینجاست وعلیحده می آید امادر سنگها ئیکه بالای مزار مذکور راست باآنکه سنگهانیز قدیمه است چیزی و صاحب ندارد بلکه اریک سنگ که یک بیتش خوب خوانده شده توانست چنین بود :

فوت آن صاحب عصمت مآب نهصد و شصت و سه آمد والسلام

غالباً سنگ از دیگر مزار است که بالای این مرقد گذاشته شده، بهر وجه مزار نزد مردم محترم است

۲ قبرستانی ملحق بوی

ملحق باین مزار چاردیواری کلانی استکه مجاورخانه هم دارد و قبرهای زیاد درآن موجوداست طرف مشرق این چاردیواری گنبدی است دربین گنبد چهار قبر است بدین تفصیل :

قبراول : از میرزا محمد صدیق خان است که برادر کلان میرزا محمد عمرخان و مرد دانشمند و بامعلومات خصوصاً در تاریخ بوده، برحسب اتفاق دوسه شعر هم در حیات خود سروده غالباً در سنه ۱۳۴۳ ه ق وفات کرده لوح ندارد

قبردوم : ازخود میرزا محمد عمرخان است که شهرت حسن سلوک وخوش اخلاقی وبسااوصافش هنوز هم درمحیط وطن پهن است، سنگی زیبا بخط خوش بالای مرقدش باین عبارت نصب است : ورب اغفروارحم وانت خیرالراحمین ۵

واین حظیره عالی آرامگاه غفران مآب میرزا محمد عمرخان بن مرحوم میرزا مصطفی شاه خان است، که پس از تحصیل علوم دینیه وکمالات دینویه ورسیدن بمراحل رشدیه داخل امورات سلطنتی گردیده نظر بذکاوت فطری ولیاقت ذاتی خویش یکی از رجال امور واشخاص باشان وشرافت افغانستان شمارشده خدمات مهمه از قبیل ریاستهای امور تحریریه وحسابیه ومستوفیت ولایت مزارشریف واخیراً سرمنشی حضور مغفور مرحوم سردار نصرالله خان نائب السلطنة

مسجدی هم در پهلوی خود دارد که بحالت فعلی خود خوب است و ترمیمات آن شده و در ان ادای ... مسجد جامع کالا ... که در ... هم مشهور به مسجد میان شیخ احمد صاحب ... حیات ... نزدیک بان اقامت داشته و ادای پنجگانه را ... میکردند ... باین یا ساعی ... مذکور داشته در قرب و جوار ... قبرستان ... است از پنجسال است یکمرا اطهار ... که نسباً منسوب ایشانه ... موجود است که مفصل سوانح ایشان ... موفق ... اولاً یکدفعه از ... که ... باشد ...

در گذر قاضی

درگذر قاضی فیض الله خان در بین خانهٔ مرقدی بود و احترام میشد در ثانی آن خانه را حضرت نور المشایخ مرحوم که در ان گذر اقامت داشتند خریده در حریم مسجد داخل کردند که احاطهٔ علیحده و متصل و مربوط بمسجد هم گفته می شود درین احاطه کتابخانهٔ خود را ترتیب داده بودند و سه چهار اطاق برای بود و باش طلاب و مدرس با یک گلخانه و تشناب و غیره ساخته بودند که این قبر در صحن آن احاطه واقع شده

مردم مو سفید آن گذر که حالا فوت شده اند صاحب مرقد برادر میان شیخ احمد ونامش را میان محمد طاهر میگفتند بعد از انکه حضرت صاحب موصوف در قلعهٔ جواد اقامت پذیر شدند عمارات این محوطه متعلق امام مسجد و غیره مریدان و مخلصان شان میباشد پرداختی بمرقد نبوده و نزدیک بانهدام بود درهذا سنه خلف الصدق آنمرحوم محمد ابراهیم المجددی موسوم به ضیاء المشایخ مرقد را تجدید فرمودند که به سنگهای پخته و خشت و چونه ساخته شده و حالا از خطر انهدام برآمده و مورد احترام مردم است

قبر چهارم : این قبر از دومین دختر میرزا محمد عمرخان است .

چون بعد از فوت پدر و کاکا و خواهر وفات کرده کسی بر قبرش سنگی نساخته اما فوتش ساعت هشت و نیم صبح روز دوشنبه چهاردهم شهر شعبان المعظم ۱۳۷۵ مطابق ۶ حمل ۱۳۳۵ بوده همین مرحومه قرار وصیت خواهر خود میکوشید مسجدی بنا نماید تا بالاخر مسجد شاه شهید را که مرمت طلب شده بود مرمت بعد از فوتش دو وصیت دارائی او آباد کرده خدا تعالی قبول کند .

قبر پنجم : این قبر برادر بزرگ میرزا محمد عمرخان و خارج گنبد در همان چاردیواری است ولی قریب گنبد . قبر مذکور پخته کاری شده و اطرافش همه سنگ مرمر است در سنگی کلان که فراز قبر است این کتیبه زادهٔ طبع شاعری این فقیر درج است .

معین مالیه میرزا محمد اسلم خان	بلند همت و فرخنده خوی و عالیشان
فرید دهر بفن حساب و علم امور	وحید عصر بترتیب دفتر و دیوان
بکار قوم و وطن صرف تا عمر نمود	بپاک نفسی بیحد و صدق بی پایان
بعد ز پیری خود چون ز کار دست کشید	گرفت دامن طاعات ایزد سبحان
طواف خانهٔ یزدان لامکان [illegible]	شد از خلوص عقیدت بعین شوق روان
چو حج فرض خدا او [illegible] را بجا آورد	دگر ببست دل خود به ملک و مال جهان
بمحض مرضی ایزد بخویش و بیگانه	گرفت شیوهٔ جود و سخاوت و احسان
ز سال عمر چو هفتاد و پنج گل بچید	بسر زدش هوس سیر گلشن رضوان
دمیکه بود رباب [illegible] بلند کرد ندا	نمود طائر روحش به آن چمن طیران
هزار حیف که از وی نماند فرزندی	اگرچه ماند ز خود نام نیک جاویدان
خدا ببخشدش از فضل و جود و رحمت خود	بحق شاه رسل افتخار کون و مکان
جلیل روز و مه و سال رحلت او را	تو (رقم) کشیده بگو (بیست و هفتم شعبان)

۴۴-۱۴۱۶ سنه-۱۳۷۲ ه ق

افغانستان وظیفه دار شده ادوار ماموریتهای خود را بکمال عدالت و دیانت بسر برده متاسفانه در ۲۲ رمضان ۱۳۵۳ هجری قمری بسن ۶۹ سالگی جهان فانی را پدرود گفته به رحمت ایزدی پیوست «اللهم اغفر ه مغفرة و اسعة» چون در فتوت وشجاعت و اخلاق حسنه و خصائل حمیده یگانهٔ عصر بودند آرزومجبوبیت شان بقلوب همهٔ طبقات جا گرفته و از ارتحال خود سینهٔ عموم علاقه مندان را مجروح و متألم گردانده اند. این برادر کهترشان میرزا محمد اسلم که بانی این بقعه است از زائرین و واردین تمنا میدارد که روح مرحوم مغفور را بخواندن فاتحه واخلاص و دعای عفو و غفران یادو شاد فرمایند.

مرحوم یکی از رجال نامور و زبده و عالی همت عصر خود بوده سوانح وی طولانی است بهمین قدر عبارت لوح مزارش اکتفا شد.

قبر سوم: قبر میرزا محمد عمر خان است که قبر او هم سنگی بوده وی نقش ماست ودر اطرافش این ابیات از طبع این فقیر مرقوم است.

در بالای سنگ بعد از بسم الله شریف و کلمهٔ طیبه:

خفته درین خاك بی‌سر و هاجری … مگذر از وی بی دعای مغفری

در اطراف سنگ :-

چو میرزا محمد عمر خان نامی … با خلاق و جود و هنر در امور

ازو ماند فرزنده میر سه دختر … بسوی جنان شد ازین دار فانی

بزرگس لقب بی بی گل عقد بوده … بمیرزا فنا پیشهٔ بیباك محصور

ز تقدیر ایزد زباغ حیات نیس … بمانده ولی یادگاری ز خواهر

در دنیا نه پیدا و پسند مانکی … در فتنا رسول ز عصای مقصد ز

زبعد دو سال از جهان دست دیده … بتاریخ سنسنت غضفر المظفر

سیه شد جهان بر سر خواهران … که بودی بچشمش به از مهر خاور

وصیت نموده که سارند مسجد … هر آنچه از و مانده از جنس زیور

خدا یش ببخشد باین حسن نیت … با عزاز تصحاب و (رض) آل (رض) پیمبر ص

خلیل اینچنین سال او تش نوشتم … (بود لطف حق پرده ساز ش بمحشر)

۱۳۶۸ ه ق

قطب دوران شیخ عصر ایشان ملا ... دان

رو به سوی جنت الفردوس از دنیای دون

چون ... ساله ... ا ... داشت

همه این عالم ... معنی بود زین عالم برون

بود ره زو ... باب ... حق

داشت ... دائم سر ... اف و نون

شارع ... شریعت ... طالب

... ساله ... را رهنمون

رفت و ... ادام

... ز دلها ... خون

... زار ... ادام

... از حد فزون

سال تاریخ وفا ... از ... ست

. . . . . .

مصرع اخیر ... را شامل

۳ – نزدیک بوته قبر دیگری است ... طرزی دارای دو لوح که نوشته های هر دو لوح پرانده شده تنها در لوح طرف پاسه مصرع از تراش باقیمانده و هو هذا: یادل پر حسرت از دار و ... حرف ...

... تنمی ... این میرزا خان ... یاد

در اسب در ان ... زاری ... زوی

دیگر همه ابیات را بی انصاف ... نموده

۳ متصل روی قبری است دارای سنگ ... کلان لیکن همه نوشته هایش تراشیده شده

٤ در همانجا بالای یک قبر صندوق سنگیست که از سه طرف آن آیات قرآنی بد قت و مشکل خوانده شده میتواند اما نوشته های جانب فوقانی و طرف پا بواسطه مرور زمان بالکل از خواندن برآمده

قبر ملا فیض خان بانی مسجد از بکان

ملا فیض خان مرحوم یکی از مردان حق جوی و عارف چراد طبیعت بود . مسجد ازبکان که متصل سه دکان عاشقان و عارفان (ن ح) و اقع است از ابنیهٔ وی است ، امـا باینطور که مسجد از سابق بنام مسجد دو از ده امام و خور د بوده ، وی آن را و سعت داده و تجدید نموده چند اطاق برای طلبهٔ علم دینی نیز بنا کرده برای مصارف طلاب و مدرس و مصارف خوده مسجد و ملا امام و غیره آن بتاریخ ۱۰ رجب المرجب سنه ۱۲۰۶ اوقاف تعیین نموده که وقف نامه اش فعلاً نزد ملا محمد طاهر امام مسجد موجود است

اوقافش حاوی سه قطعه املاک و یکنیم حجر طاحونه و اقع سر آسیاب و نیم باب دکان واقع چته دوم علیمردانخان و یکقطعه باغ الگوری و اشجاری واقع گذرکوهدامن است این مسجد بعد از وی هم تجدید شده معلوم نیست از طرف که؟ امـا بـ ل عـایـدات اوقاف در ان کمک کرده و از آبادی موجوده اش تقریباً هفتاد سال میگذرد

درین مسجد علاوه برجای نماز خوانی بهاری و زمستانی اطاق های زیاد هـم وجود دارد که اکثر طلبه و یا اهل علم در ان سکـنا پذیر میباشند ، مصارف طلبه و د لـو چـاه و غیره مسجد و ی هم از در ک عایدات طاحونه اش میشود دیگر اوقـافش بر اغالبـاً کسان متصرف شده اند بهر حال خدای تعالی اجر تعمیر مسجد و تعیـین اوقـاف را علی الدوام برحمت خود بر وی ارزانی فرماید .

حالا که مختصری فوق لزوماً نگاشته شد بنگارش قبر خود او و دیگر قبور متصله اش میپردازم :

این قبور نزدیک بزیارت عاشقان و عارفان و حضرات مجددی در راه طرف جنوب که قریب مسجد از بکاست و اقع میباشد .

۱ ـ در قبر خوده ملا فیض خان دو لوح سنگی منقش و مزین است ، از لوح طرف سر یکطرف که منقوش است بر حال خود است طرف دیگر آن که آیات بینات بوده از طرف کسی حک شده لوح طرف پا یکجانب منقش در جانب دیگر این ابیات مرقوم است .

حضرت میان عبدالباقی در علوم ظاهری و کمالات باطنی طی مدارج عالیه فرموده از اجلهٔ مرشدان نقشبندیهٔ مجددیه محسوب بودند
ایشان میفرمودند : —
اول : « مراقبه آنست که خود را در ظاهر و باطن از امور منهیه نگهدارند »
دوم : « بهترین اعمال برای نجات از عذاب آخرت جهاد فی سبیل الله و خدمت بخلق الله است »
حضرت میان غلام صدیق مجددی کتابی بنام مقامات العارفین و حضرت محمد صادق المجددی کتابی بنام حیات باقی راجع بحالات شان نگاشته‌اند که هر دو کتاب طبع شده ارباب علائق از ان دو کتاب تفصیل سوانح شان کسب معلومات نموده میتوانند علاوه بر فضائل صوری و معنوی صاحب طبع موزون و دیوان مکمل اشعار هم بوده اند که در پایان امروز چی از اثر طبع لطیف شان را هم می‌آرم .
بالاخره بسن ۹۳ داعی اجل را لبیک گفته و در اینجا بخاک سپرده شدند .
لوح سنگ بزرگ منقش بالای مزار شان از طرف محمد علم‌خان غازی ترتیب یافته که یکطرف باسماء الله شریف مزین است و بدیگر طرف آن این کتیبهٔ زادهٔ طبع جناب سردار غلام محمدخان طرزی افغان مرحوم که از اخص مخلصان و مریدان بود منقور میباشد وهو هذا :

آه و صد آه از جفای گردش گردون — الحذر از کینهٔ زمانهٔ فانی
حضرت باقی چو انقلاب زمان دید — کرد ازین خارزار قلب مکانی
بود وجود شریف مجود ظاهر و باطن — مظهر فیضان حق بفیض رسانی
سینهٔ بی کینه اش ز علم لدن بود — پر ز گهرهای شاهوار معانی
سالک راه سلوک حق بریاضت — کاشف رمز لطائف دوجهانی
طبع سلیم‌مش ببستن در مضمون — برده ز آب روان گرو بروانی
ثانی باقی مسابود بهر اسم — زانکه بد او ثانی مجدد ثانی
زائر بیت الله بود از سر اخلاص — عالم و محدث برحق ز فیض سبحانی
طائر روحش ز دامگاه جسد رفت — تا بسر سدره شد بپسال فشانی
بیست و یکم از مه وفات نبی (ص) بود — روز سه شنبه گذشت قطب ربانی
طرزی افغان بسال رحلت او گفت — (مرشد باقی حی مجدد ثانی)

۱۲۸۷

زیارت میدان

بحصه جنوبی سه دکان عاشقان و ماریخ که چهارچقرك مقابل مسجد ملا رحمت خان مرحوم شده زیارت میدان قبرستان است از مزار خ و از دیوار دو بصورت خانه نشیمن معلوم میشود در ان هفت قبر بالا سنگهای افتادگی است که در هر هفت مذکور آیات بینات قرآنی خوانده میشود اما در سه آن ها اسم و تاریخ فوتی مدفونین مذکور هم خوانده شد که قرار ذیل است.

۱ تاریخ وفات مرحوم المغفور بیگ ابن اسما سلطان علی متفکر سنه ۹۵۸

۲ تاریخ وفات مرحوم المغفور جوان آغا بنت بیگ سنه ۹۴۴

۳ وفات امیر زاده حسن بیگ ابن شکر بیگ قوچین تاریخ سنه نهصد و سی و دو و همین قدریکه از روی تحت خوانده شد ترقیم یافت که ممکن است که در اموات دیگر هم چنین اندازه هم خوانده شد بتوانند.

مقابر حضرات مجددیه

این مقبره در باغچه ایست که چند درخت، چند خانه برای رهایش مجاور و یک مسجد و یک گنبد و احاطه دارد و محاذی زیارت عاشقان و عارفان با اتصال بالاجوی میبا شد.

در وسط باغچه چو بتره مانند کلا نیست که صحنش فرش سنگ مرمر و اطراف آن از چوب کاری و تزئینات شده در داخل آن قبر حضرت میان عبدالباقی صاحب است که فرزند هشتم حضرت شاه صفی الله صاحب مشهور قیوم جهان میباشند و از طرف مادر نسب شان بحضرت شیخ الاسلام احمدجام زنده پیل قدس سره منتهی میشود، جنابش بسن ۱۴ بوده که پدر بزرگوار شان رحلت کرده و در همان سن بشرف خلافت بهره ورشده صاحب ارشاد و مرجع مخلصان بودند،

حضرت قیوم جهان ابن حضرت شاه غلام محمد معصوم ثانی ابن شاه محمد اسمعیل ابن شاه محمد صبغة الله ابن عروة الوثقی حضرت محمد معصوم سومین فرزند حضرت غوث صمدانی مجدد الف ثانی قدس سره میبا شند.

بقربانت شوم گردسگان درگهت گردم
دگر مپسند زین بدتر ذلیل اربابِ یما درا
برا از رحمت نارت بکف شمیر غیرت کن
بلالت را بگو تا باز خواند جمله یاران را
بچار اطراف عالم حیش مدد از کرم بفرست
ابو بکر تقی و عمر فاروق و عثمان را
بسروقت اسیران و غریبان خراسانی
بلاگردان شه بفرست حیدر شیر یزدان را
که ننگ خاندان بر ذمهٔ مخدوم شان باشد
بلی غمخواری موران بود لازم سلیمان را
زند رد و عم اگر ترك ادب را مرتکب گشته
بفرما عفو جرئت های ناقص پریشان را

درین چوب ترنمای مذکور که در وسطش خود حضرت میان عبدالباقی صاحب دفن است قبر ذیل میباشد :

بطرف غرب آن فرزند بزرگش حضرت حاجی غلام حیدر که بکمالات ظاهری وباطنی فائز بود و لت ارشاد از حضرت والد خویش نائل بوده و قطعات ذیل در تاریخ وفات شان است

اول : — از جناب مرحوم سردار محمد عزیز خان

فغان از فتنه ات ایچرخ دولاب	چه بیداد از تو بر عالم عیان رفت
چراغ دودمان خواجه باقی	دریما آه و افسوس از میان رفت
زاولاد محمد دگوهری بود	هزاران حیف از کف رایگان رفت
غلام حیدر اسم مسمایش بود	سن شصت و هفت از اینجهان رفت
ربیع الاول از مه هفده هم بود	که مرغ روح او زین خاکدان رفت
شب یکشنبه وهنگام مغرب	ازین دنیای فانی پر فغان رفت
خطاب ارجعی آمد بگوشش	بسوی روضهٔ رضوان روان رفت
روان عارفان از تن برون شد	سرور جسم وجان عاشقان رفت
عزیزا ز بهر تاریخ وفاتش	بنزد پیر عقل نکته دان رفت

قطعهٔ ذیل از جناب مرحوم سردار محمد عزیز خان ... شمس الدین خان
نیز در تاریخ رحلت ایشان است که از اخص مریدان بوده اند .

آن سپهر قدس را بدر منیر — وان کلام سرحق را ترجمان
هادی راه حقیقت با یقین — کاشف رمز دقیق نکته دان
واحد عشق و نازربیع اول بعصر — ... بود ...
زین جهان بیوفای بی ثبات — شد بسوی عالم ... روان
آه آن شاه طریقت برگزید — از فراقش ...
وز برای سال تاریخش عزیز — ... طبعش ...
رخت لیلی کرده در بر زین عزا — ... اقدس ...
سر کشیده از کل بگفتا برگذشت — (قطب برحق آفتاب عارفان)
۱۳۰۷ ... ۲۰ ... ۱۲۸۷ هـ ق

این عریضه ایست که باستان حضرت سید الشهداء ... و سلام منظوم وتقدیم نموده اند و بطور نمونهٔ کلام آورده میشود :

صبا برو در مدینه ده خبر آن شاه شاهان را
که جز وی نیست دیگر پیشوائی اهل ایمان را
تحیات و سلام بعد ...
سرا ندر آستانش نه بجان ... عریان را

الا ای سید عالم ضیای دیدهٔ آدم
ز کفر آمد بسر ما تم مر اهل علم و ایقان را
گروه امتانت از نفاق و ظلم نفس خود
شده مغلوب و استیلا ست اهل کفر و طغیان را

بهند وسند استیلای کفر وکافران باشد
کنون خواهند تسخیر بخارا وخراسان را
خصوصاً کافران بحیای قوم افرنگی
که در مکر وحیل شاگرد خود دانند شیطان را

سال فوتش ندیم کرد طلب		ازدل ناتوان و اندهگین
بر کشید آه و گفت شد ببهشت		مرشد و مقتدای اهل یقین
۱۳۰۵

عدد مصرع اخیر ۱۳۱۱ میشود و عدد آه که شش است چون از ان کشیده شود سنه رحلت ۱۳۰۵ برمی آمد ، اما جمله شد ببهشت قرار اصول تاریخگوئی خلاف محل واقع شده زیرا بقرار اصول اعداد اینجمله هم شامل عدد مصرع اخیر شناخته میشود لیکن در ینجا اینجمله دخلی در اعداد نگرفته بهر وجه عدد سنه بصورت یقین ۱۳۰۵ میباشد

۳ خارج چوبتره قبری از حضرت محمد عمر شهید فرزند حضرت غلام صدیق ولد حضرت محمدادریس مشهور بمیان قاضی است و ایشان فرزند حضرت میان غلام حسین صاحب مشهور بحضرت جی قندهار اند که ایشان فرزند شاه غلام محمد صاحب میباشند که احوالات شان در عمدة المقامات به تفصیل است این ابیات در لوحی مرقوم است :

بخوان از صفحهٔ امکان سواد من علیها فان
که هر کل شیء ها لک الا وجهه دانی
چه باشی همچو گنجشکان بسعی آشیان بستن
درین کاخیکه باشد خوابگاه بوم ویرانی
چسان بو المغفرا ئل صاحب دل عارف کامل
محیط علم ، دریای کرامت قطب ربانی
محمد عمر آنکو یافت نامش از دو شه بهره
که بودی نسبتش باهردو روحانی وجسمانی
شهید از بهر حق شد زان چه بهتر بودی شبهت
سرا سر سر دید ار است دید چشم قربانی
بلیل بیست و هفتم از رجب یعنی شب معراج
عروج لا مکانی کرد از ین دهلیز فانی
چو بودی شامل حالش نظرهای خدا صدیق
سزا باشد که در تاریخ او (منظور حق) خوانی
۱۳۰٤

بقیوم جہان چون داشت پیوند — خرد برخانۂ آن عالیمکان رفت
خطاب آمد فگن (ریب و) بتاریخ — بگو (قیوم ثانی زین جہان رفت)

۲۱۸ — ۱۵۲۳-۲۱۸سنه ۱۳۰۵

دوم : ز جناب آقا سید احمد خان متخلص اثیم

امام شرع هدی مقتدای اهل سلوك — که خلق را بخدا رهنما و رهبر بود
قوام ملت و دین حضرت ولی الله — شۂ سریر ولایت غلام حیدر بود
براه صدق و صفا همچو حضرت صدیق رض — بشرع دین متین چون جناب عمر رض بود
حیا و حلم و ادب داشت همچو ذی النورین رض — بجود و علم و سخاوت بسان حیدر رض بود
شمیم خلق عظیمش چه نافه ها که نداشت — مشام عالم از انفاس او معطر بود
کلام صاف و روان بخشش از لطافت طبع — بذوق اهل سخن همچو آب گوهر بود
بشد ز دار فنا رهسپار ملك بقا — که این متاع اقل نزد او محقر بود
اثیم آثم عاصی که از رۂ اخلاص — یکی ز سجده جبینان خاك آن در بود
ز فکر سال وفا تش شبانگهی تا صبح — باین خیال سرا و بجیب اندر بود
ندا رسید ز کرو بیان که تاریخش — همین بس است که گو ولی (غلام حیدر) بود

۲ طرف شرق متصل مرقد حضرت میان عبدالباقی صاحب فرزند دوم شان که مراتب سلوك را از خدمت والد خود بآخر رسانیده متمکن مسند ارشاد گردید وبعمر ۶۳ در ۵ جمادی الثانی برحمت ایزدی پیوست قطعۂ ذیل از طبع جناب عبد الغفور ندیم مرحوم در تاریخ شان میباشد که در ثانی انشاء نموده و در لوح سنگی تحریر و فراز مرقدش نصب است

آه از گردش زمانۂ دون — داد از جور چرخ فتنه کمین
آسمان میسزد اگر ز شفق — دامن از خون دل کند رنگین
گل گلزار عمر فاروق رض — در حدیقۂ گلشن محمد دین
محرم راز حق (غلام صدیق) — سالك مسلك هدی و یقین
آفتاب جہان و قطب زمان — نور حق آنکه تافتش ز جبین
عارف ذات و روشناس صفات — یافته بهره از زمان و از زمین
دلش از نام نقشبند بسه — کنده صد نقش معرفت بنگین
کرد پرواز طائر روحش — چون از ین خاکدان بعلیین

متصل مسجدو آهن پوش احاطه دور دست که در آن حضرت محمد یوسف خان دفن میباشد تعلیم طریقت را ازجنا ب حضرت ضیاء معصوم صاحب مشهور بحضرت صاحب چهارباغ داشت با ین کار نپرداخته اوقات را بوظائف کثیره واورا د صرف میکرد و بعمر (۵۲) از عالم فانی چشم پوشیده از قطعه تاریخیکه حضرت عبدالسلام جان اثیم پسر فاضل و بزرگش انشاد نموده دو بیت ذیل آورده میشود.

گفت تاریخ ارتحالش اثیم — اول لیل هفتم رمضان
پی سالش کشید روای) و نوشت — (در بهشت برین نمود مکان)

۱۳۸۴-۱۷ سنه ۱۳٦۷

متصل بان قبر صوفی آغا ست که کتیبهٔ ذیل را نگارنده در دوتش نگاشته ام

صوفی غلام سرور شیخ مجددی — آن گوشه گیرو بیطمع ازمردم زمان
در بیستم جمادی الاول بعمر شست — پوشید چشم همت ازین تیره خاکدان
در مصرعی زسال وفاتش خلیل گفت — (شد سرفراز از عفو الهی در آنجهان)

۱۳۷٦

در همین باغچه بطرف مغربی زیارت حضرت میان عبدالباقی صاحب مقبرهٔ دیگری بصورت چار دیواری پخته کاری که بالایش گنبد پوشیده شده بنایافته که در ان قبر جناب مرحوم حضرت غلام قیوم صاحب پسر حضرت غلام صدیق صاحب پسر حضرت میا عبدالباقی صاحب و حضرت فضل محمد شمس المشائخ صاحب پسر بزرگ شان است درون این مقبره قبور دیگری هم از نسوان این خاندان است اما این دو قبر به پنجره های چوبی و منقش و سنگ های نر شته مزین است در آغاز تعمیر این عمارت که بالای قبر حضرت غلام قیوم صاحب از طرف شمس المشائخ و نور المشائخ دو پسر بزرگوارش بنا یافته بود قاری مرحوم که ثانیاً ملقب بملک الشعرا شدند این ابیات را در تاریخ آن سروده اند:

همایون روضهٔ عالی بنائی — که گردد از درش حاصل مرادات
مزار نخبهٔ آل مجدد رح — که میتابد برو نور سموات
مزار شیخ قیوم جهانی — بزرگی صاحب کشف و کرامات
درودیوار اوجمعیت آور — بنایش قبلهٔ ارباب حاجات

۴ بطرف مغرب مقبره یک چوب تره خورد آهن پوش وجود دارد که کتار چوبی داشته و درآن مرقد حضرت عبد القدیر صاحب فرزند غلام حیدر صاحب مرحوم میباشد

موصوف مراتب سلوك را از دوالد خود طی نمود ولی بااز ساد طالبان کم میپرداختند جناب آقا سید احمد خان اثیم درتاریخ وفات مرحوم قطعه ذیل را انشاد نموده است.

هادی راه طریقت سالک سالک سلوك
مقتدای شرع و ملت حضرت عبدالقدیر
دردریای حقیقت معدن علم وحیاء
مخزن نور و ضیا آئینهٔ مهر منیر
ظاهرش از نعمت الفقر فخری مفتخر
باطنش مستغنی از انعام سلطان و امیر
آه و افسوس آنکه شد ازاین جهان بی مدار
سوی دار الملک باقی آنشهٔ گردون سریر
سال فوتش را همی جستم من از پیرخرد
هاتف غیبم بگفت آن مرشد روشن ضمیر
بسکه آداب شریعت داشتی مد نظر
حامی دین محمد خوانداندیش برنا و پیر
لفظ حامی بر فزا و سال تاریخش بگو
(درمقام قرب ماوای میان عبد القدیر)
۱۲۶۷+۵۹ سنه ۱۳۲۶

۵ متصل این چوب تره بطرف جنوب یک آهن پوش خوردیست که درآن حضرت میان عبدالاحد صاحب فرزند دوم حضرت غلام حیدر صاحب مدفون هستند تاریخ وفاتش راقاری عبد الله خان ملک الشعراء درین بیت خلاصه نموده است

سال وصلش ز عقل جستم گفت پیر عالم زد سر دون رفته
۱۳۱٤

نظر باعداد سنه که بهند سه مرقوم یافته و درصحت آنجای هیچ شبهه و اندیشه نیست از روی الفاظ که سنجیده میشود دو عدد فرق موجود است اما در جائیکه سنهٔ اعداد واضح است تردیدی وارد نمیگردد و همان ۱۳۲۹ سنهٔ صحیح و بلا اشتباه است.

۲ کتیبهٔ اوج شمس المشائخ که علاوه برکمالات عرفانی حافظ قرآن عظیم الشان و صاحب طبع موزون هم بوده و در شعر که گاهگاه میسرودند (بدیع) تخلص میکردند:

دامگاه هوا نشست جهان | از چه هر کس در و بود خوشدل
زندگانی او متاع غرور | فرصت او حیات مستعجل
رفت از ین [illegible] | هادی راه و مرشد کامل
پیشوای [illegible] | فیض عامش بپیروان شامل
شیخ [illegible] شمس مشائخ [illegible] | پیر حق بین و عارف واصل
روز سه شنبه [illegible] | رحت بربست چون از ین محمل
خامهٔ اشک [illegible] | رفت ای وای مرشد کامل

۱۳٤۳

مصرع اخیر بهاده حاوی سنهٔ مذکور قمری است

• • •

خارج این کتیبه و بیرون چهاردیوار [illegible] و احاطه چهار دیوار یهای خورد که مدفن [illegible] قرار [illegible] حضرت میا ن عبدالباقی صاحبه مزارات [illegible] که اکثر آن کتیبه ندارند و از بعضی [illegible] بمعلومات ثبت شده در نگاشتم علاوه برآنها [illegible] است بفرمایش غفران مآب نور المشائخ صاحب کتیبه مرقوم شد [illegible] است که درعین جوانی فوت شده و دیگر [illegible] این مضمون [illegible] مرقوم است:

و تاریخ وفات [illegible] فخر الحاج [illegible] حضرت ناصر الدین ملقبه به جانان [illegible] رحمة الله علیه سنه ۱۳۰۱ ق ه درباقی [illegible] کثر مخلصان و مریدان ذیعلاقه [illegible] که کتیبه دارد آورده می شود:

بسبر این مقام فیض آید | اگر موفق کند سیر مقامات
چو شد انجام این تعمیر در اکش | ز فرزندان آنصاحب اشارات
پی تاریخ تعمیرش سرودم | (زیارت جای ارباب مناجات)
۱۳۳۰ هـ ق

اکنون بتسوید ابیات لوائح مذکور میپردازم :

۱ از حضرت علام قیوم رحمة الله علیه از طبع حضرت شمس المشائخ پسر نخستین شان .

ز وصل سرور اهل یقین و قطب زمان
سپهر را ز شفق خون دل بسر آمد
بسوخت قرصهٔ مهر و گداخت جرم قمر
چنانچه رونق خاور چو باختر آمد
زگریه چشم کواکب علیل رنج رمد
ز نوحه گوش ملا ئک بچرخ کر آمد
بلند سیر جایی که مرغ روحش را
ز حد فرش الی عرش زیر پر آمد
قوام ملت و دین و ضیاء شرع مبین
که کحل دیدهٔ خاصانش خاك در آمد
جناب حضرت قیوم کاستان ورا
ز فخر بوسه کنان شمس و القمر آمد
کشید رخت به بستانسرای علیین
چو بی ثباتی گیتیش در نظر آمد
بگفت ملهم غیب ای بدیع روح شریفش
چمان بسوی جنان چونکه ره سپر آمد
نهاد افسر فردوس را و رضوان گفت
مجدد مأة را یوم المحشر آمد
۱۳۲۹

چون یک سطر زیرگل بود خوانده شده لهذا نوشته نشد. اما واقعهٔ سردار موصوف با سردار حیات الله خان عضد الدوله و سردار عبدالمجید خان دریک وقت بوده که آنها یکی در ۷ صفر دیگر در ۱۳ صفر ۱۳۴۸ هـ ق قتل رسیده اند تاریخ شهادت این مرحوم نیز دران وقت است.

بیرون دروازهٔ احوطهٔ مذکور یک سنگ صندوقلمای خورد بسیار کهنه است که دیگر اطرا فش تراشیده شده بالای سر آیهٔ مبارکهٔ (کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال والاکرام) وطرف پا و تاریخ وفات محمد اکبر خان بن محمد رفیع سنه احد وثمان ۱۰۰۸ هجری همینقدر چیز دیگر فهمیده نشد.



مزار قاضی میرسید قاسم خان است که ابیات حاوی بی ثباتی دنیا و مناجات

۱ — دران مندرج است وتنها نامش واضح بوده تاریخ ازان معلوم نمیگردد؛
وازجملهٔ ابیات مندرجه این یك رباعی ازانجا آورده میشود:

گر منفعلم زجرم بسیار از تو | نومید نیم بهیچ کردار از تو
خواهی تومرابسوز وخواهی بنواز | من از تو وجنت از تو ونار از تو

۲ — درین مزار نیز ابیات مناجاتیه است اما درلوح طرف پا این ابیات مرقوم:

حسر تا درد ادریغ از دهر دون | صدفغان از جور چرخ واژگون
ایشیك آقاسی عطاء الله خان | خیمه زد زین منزل فانی برون
باب او آقاسی میرداد خان که بود | خوی ذاتش برون از چند وچون
ناگهان یوم دوشنبه از ... | گشت سیراب او زجنات عیون
بیست ودوم ازمهٔ سعد رجب | شد روانش زین عالم سرنگون
زین الم بشکست دلها همچو میم | قد احبابش زغم خم شد چو نون
چون شهید عشق شد درراه قدر | باد حضرت صاحب او راهنمون
خواستم تاریخ فوتش را که بود | شصت وسه سال او زین دنیای دون
سر برآورده امید آنگاه گفت | به که ازلطف یاغفور آید برون

۳ — درحصهٔ زیرپای حضرت قبرسردار محمد عثمانخان است:
اصل قبر بسمنت پخته کاری وچوبتره نما ساخته شده لوحی بطرف سر دارد که
یکروی آن سفید ودر دیگر روی آن آیة الکرسی شریف مرقوم است ولوحی
طرف پا دارد متضمن این مضمون بلد و طرف خود:
سردارنام دار سردار محمد عثمانخان مرحوم ولد معصوم سردار محمد عمرخان
قوم جلیلهٔ محمد زائی که یکی از رجال بزرگ افغانستان بوده مجمع دوارجات
قیمتدار خود دراچه در دورهٔ نائب الحکومگی قندهار و منزل شریف که درآوان
ریاست دارالعلوم وریاست شوری درخدمت دین ودولت اسلام شریفه
بسرور سالیده ...
.... بزمان انقلاب بخانمانسوز افغانستان از دست ظلم پرست
دزد خونخوار سفاك بیباك بچهٔ سقو شهید راه حقا نیت گردیده روح پاکش
از هوای عالم فانی پرواز ودر فضای عالم جاویدانی و راحت آباد جوار حق
گزین گردیده. وانالله وانا الیه راجعون!

واللهم اغفره وارحمه برحمتك یا ارحم الراحمین؛



متعلق صفحة ١٠٧

زیارت عاشقان و عارفان

درسمت جنوبی شهرکابل به نشیب کوه شیردروازه متصل ببالاحصار حوت، وازیر مشهور این حصه زیارتگاهی نایافته که بعاشقان و عارفان شهرت دارد. راجع به این دو مرد بزرگ تشریحاتی که داده شده میتواند بدو تفصیل ذیل است : (۱)

۱ــ اکثریه معتقد بر آنند که از جمله صحابه کرام (رض) میباشند که در قطار عساکر اسلام حین فتح کابل حضور داشته وبشهادت رسیده اند .

۲ــ تاجائیکه معلومات بدست آمده وپاورقی مجله سال سوم ادبی کابل صفحه ٤١ شماره (۱۲) مصدق آنست دوات عالیدرجات موصوف که شهرت تامه (عاشقان وعارفان ، دارند بدون واو عطف هم مستعمل است ، نام عاشقان خواجه عبدالسلام ونام عارفان خواجه عبدالصمد است ، که در تزک بابری وآئین اکبری هم بهمین اسم ذکر شده اند ، هردو باهم برادر و پسر انخواجه جابر پسر حضرت شیخ الاسلام ابواسمعیل خواجه عبدالله انصاری قدس سره که درسنه ۳۷٦ درهرات بعالم هستی پانهاده و درسنه ٤٨١ بهمانجا عالم فانی را وداع گفته مزار فیض آثارش زیارتگاه باعظمتیست ، میباشندو درعهدعین الدوله

---

(۱) پیش ازانکه خوانندگان گرامی ازشخصیت این بزرگواران اطلاع کماهی حاصل کنند بهتر دیدم مسبوق باشند که باین نام زیارتی درمحال لهوگرد وطن عزیز نیزوجود دارد که ذیلاً وضاحت داده میشود.

درقریهٔ کرم آبهٔ چرخ بطرف مشرق درمابین تاراروخانه های مردم دومزاریست موسوم به (عاشقان وعارفان)مرقد اولین را که عاشقان وخواجه عبدالسلام میدانند نخست مسجدی دارد دربین مسجد درواره ایست که بزیارت داخل میشود، عمارت اینجا چوب پوش وخام کاریست در صحن آن مرقدیست دارای سه مرتبه، مرتبهٔ اول سنگهای مرمر پر نقش است ، درمرتبهٔ ثانی سنگهای منقش وبخطوط کوفی تحریری درمرتبهٔ سوم سنگ علیحده ء است که قرارازین دومرتبه گذاشته میباشدو باآیات)متبرکهٔ قرآنی بخط عربی مزین است .

امامسنگهای دومرتبهٔ تحتانی بخط کوفی مرقوم و شکسته است که پارچه های شکسته را بشکل باهم وصل کرده اند واکثرنوشته ها زیرگل شده خوانده نشد .

مرقد دومین را که عارفان و (خواجه عبدالصمد) میگویند بفاصلهٔ پنجاه قدم دورتر ازین عمارت مزاریست بکل آداسته ودر بلندی بطرف راه عام واقع وطوقی بالای سرش نصب است ، باغچهٔ توتی هم درالحاق خود داردکه وقفی است .

بهرام شاه غزنوی پسر مسعود ثالث ابن ابراهیم بن مسعود اول بن سلطان محمود متوفای ۵٤٤ بخواهش او به غزنی آمده اند و بعد چندی بکابل توطن گزیده این خطهٔ خوش آب و هوا را پسندیده خواستند باذن آن پادشاه غفران پناه بطور دوام بمحل اقامت افگنند که موافق بمیل شان درینجا جان بجان آفرین سپرداند چنانچه میرزا صائب تبریزی رح که در اواخر عهد جهانگیر بعزم هند از اصفهان برآمده از راه هرات بورد کابل گردیده چندی به نزد ظفر خان حاکم کابل گذرانیده از عزت و احترام دیده چند قصیده در مدحش سروده در تشبیب یکی از آن از شهر شهیر کابل و بعض مناظر دلکش و تاریخی آن صفت نموده در ضمن آن باین بیت خود ماحصل مرام مذکور را واضح میبخشد :

«خوشا وقتیکه چشمم از سوادش سرمه چین گردد»

«شوم چون عاشقان و عارفان از جان گرفتارش»

صورت عمارت حاضره اش که فعلاً وجود دارد بدین اصول است یک باغچه حوض دار حاوی بر چند درخت ، و بطرف مغرب باغچه خانه ایست آراسته بسنگ مرمر و در وسط خانه قبر برادر کلان ، و دور قبر از صحن خانه تا سقف پنجره شبکه کاری و سقف بالای قبر آهن پوش است ، سمت جنوبی این خانه مسجد جامع دو منزله میباشد که پس از ویران شدن مسجد سابقه اش ۳۵ سال قبل از طرف عبدالرحمن خان پسر ملک داد محمد خان کوهستانی مرحوم تعمیر شد

مرقد برادر خورد از صحن باغچه ۹ پته زینهٔ سنگی بالا شده اطاق برنده نمائی دارد که ازین اطاق داخل دهلیز طولانی میشود ، دو طرفهٔ دهلیز ارسیهای متعدد و آخر دهلیز اطاق خورد کشکان نما و بطرف دست راست آن دروازه اطاقیست که در وسط آن قبر برادر خورد بوده اینهم از صحن خانه الی سقف ، دور قبر پنجرهٔ چوبی مشبک دارد و بالای قبر آهن پوش میباشد ، زینهٔ ابتدا و صحن برنده و دهلیز و داخل مقبره همه از سنگ مرمر است ، فراز دروازهٔ دهلیز موصوف سنگی نصب و این ابیات دران مرقوم و محکوک است :

در زمان خسرو جم احتشام   کش مسلم ملک هفت اقلیم شد

شاه محمود آنکه از فضل اله   زیب تخت و رونق دیهیم شد

خان عالیجاه جمشیدی نسب   آنکه نام نیکش ابراهیم شد

شاید صاحب این مرقد کسی باشد که قاعهٔ فاضل بیگ چهار دهی بنامش شهرت دارد، ما هٔ تاریخ سال وفاتش را «خواجهٔ بهمت ۱۰۶۲» یافته اند.

۴ در لوح سنگ طرف پای دیگر قبر در یکطرفش این ابیات مرقوم است :

داد از دست جفای چرخ کجرو تارداد
زانکه یک گل زین گلستان خرم و خندان نماند

هر کس آمد چند روزی زندگانی کرد و رفت
هیچکس اینجا بکام خویش جاویدان نماند

نوجوانی را ز پای افگند اکنون کز غمش
روح و راحت پیر و برنا را بجسم و جان نماند

برد نخل باغ اکبر خان برابری کز و
باغبانرا در بغل جز میوهٔ حرمان نماند

اسکه رفت و بر لب تاجیک و ترک از فرقتش
حرف و صوتی غیر صد ناله و افغان نماند

سال فوتش هو امتم پیر خرد بیتاب شد
ز آتش حسرت نمش در دیدهٔ گریان نماند

آه آهی کرد بیرون از دل و آنگاه گفت
نونهال نور س اکبر، علی مردان نماند

۱۲۰۹

بدیگر طرفش این عبارت :

وتاریخ وفات مرحوم مغفور عالیجاه رفیعجا یگاه علی مردانخان بن عالیجاه رفیعجایگاه عمدة الخوانین العظام اکبرخان جارچی باشی ۱۲۰۹.

علیمردانخانیکه حمام رگذری در کابل بنامش موسوم و بساختن چته معروف است، و افسانه های سنگ ها سی بد، منسوب میگردد وفاتش در سنه ۱۰۶۶ هـ ق روی داده و در لاهور مدفون است بغرض رفع شبهه تحریر شد.

۴ در دیگر قبر در یک لوح منقش طرف پای این ابیات است :

این حواجه که، خفت ست از ورطهٔ زیست | از دبروی بچشم رحمت نگریست
تاریخ و فاتش ز خرد پرسیدم | «صد حیف ز خواجه میر» گفت و بگریست

۱۰۶۵

چون بنای عاشقان و عارفانش	دل ز توفیق حق تصمیم شد
کرد حاصل زین بنا اجر عظیم	در جهان زانرو اجب التعظیم شد
حبذا از روح این عالی بنا	کش زخوبی رازم تقدیم شد
گلشنش از بس هوای جانفزا	چون دم عیسی ... داز ... شد
حوضش از صافی آب خوشگوار	آبروی کوثر و تسنیم شد
از پی کسب ضیا بر درگهش	جبهه ساخورشید از تعظیم شد
بانیش حاجت روا شد از دعا	مستجاب الدعوه زین تکریم شد
از پی تاریخ اتمامش نوید	عطه و ... درلهجهٔ تفهیم شد
پیر عقلش گفت از الطاف قدیر	بانی این کعبه ابراهیم شد
۴۴۲	۷۸۶ = سنه ۱۲۲۶ ه ق

از ابیات فوق واضح است که تعمیر عمارت موجوده درسنه ۱۲۲۶ که بحساب جمل نیز عبارت بکنیم مصرع بیت خیر از حذر الطاف قدیر مصرع اول باتمام مصرع ثانی محتوی بر آن است در سلطنت علیحضرت شاه محمود ابن اعلیحضرت تیمور شاه سدوزائی درانی بصورت حوبی شده چنانچه از ابیات مذکوره ترتیب حوض و عبره زیبائی آن واضح میگردد .. اینهم بشوت می پیوندد که ساق در ان نیز عمارت شایان و بسزائی داشته چنانچه مصرع ثانی بیت دهم از ترمیم آن متذکر است.

گرچه نسبت باین دو عارف بزرگ زائد بر مگرش فوق معلومات بدسترس نگارنده نمیباشد ، اما معلوم میشود که از نقطهٔ نظر عام و روحانیت شخصیت مهمی را در افغانستان احراز نموده اند چنانچه از همین ملحوظ است که از قرون متمادی تاحال رجوع مردم بیحد باین مزاراست و بسی نامداران وطن مانند علما و مشایخ و سرداران و غیرهم مقابر خودهارا که جوایگاه ابدی و منزل دائمی نوع بشر است در قرب و جوار این دو عارف شهیر اختیار نموده اند ، اینک بعضی از حظائر متصله و مربوطهٔ آنرا که در عصر خود دارای شهرت و مقامی بوده اند تذکار مینمائیم.

الف — مقابر متصلهٔ زیارت :—

۱ در لوح سنگ طرف پای یک قبر این ابیات مرقوم است :

منبع جود خواجه فاضل بیگ	روی همت زسوی عالم تافت
سال تاریخ او نپافت کسی	خرد نکته دان که موی شگافت
برد ، ره چون بهمت خواجه	آخر از (خواجهٔ بهمست) یافت

کتارهٔ چوبی است نه ارحی دارد نه کتیبهٔ ، بعد از فوتش دومین پسرش ملا عبدالشکور خان قاضی القضاة شد مگر تشکیلات مملکتی رنگ دیگر گرفته وزارت عدلیه بروی کار آمد و محاکم ثلاثه در تمام ولایات تعین و قضات متعدد تقرر یافتند

چون وجود ملا خان ... خان عالم و حتی قاضی سعدالدین خان از علمای نامی وقضات مشهور ، صاحب تصنیفات و تألیفات نظم و نثر بوده اند و آثار گرانبهائی از هر کدام شان باقیمانده که در زمانهٔ حیات شان تمام ثروت و دارائی و جایداد و املاک وغیره و غیره حتی ... و در حدود ... دوازده هزار نسخه کتاب هم میگذشته را باشت گرفتند اما بطبع نسخهٔ از تألیفات شان نپرداختند تا آن آثار دستخوش مفقودیت نگشته و سبب احیای نام آن نام آوران میشد .

نگارنده در ذیل ... همین یك قبر انهدام یافته لازم ذمت خود دیدم که همینقدر از هر یك شان تذکار نموده و بخشایش شان را از خدا میخواهم .

۵ در لوح طرف پا . قبر میرزا زاهد :—

میرزا زاهد آن فرشته صفات — ترك دنیا نمود از همت
رفت آن یادگار آل رسول (ص) — خون روان شد ز دیدهٔ امت
حرم روضهاش برای طواف — گشته بیت الحرام از حرمت
آمد از روی معجز قرآن — سال تاریخش آیت رحمت ۱۰۵۹

میر محمد زاهد هروی صاحب حاشیهٔ زاهدیه بر شرح مواقف وشرح رسالهٔ قطبیه وحاشیه بر شرح تهذیب محقق جلال‌الدین دوانی ، تحصیل علوم را از پدر خود ... لاهور نموده ، در عهد شاه جهان محرر وقائع کابل و در عهد عالمگیر بمنصب عسکری مقرر شده بعد از آن بصدارت کابل منصوب بود تا اینکه در سنه ۱۱۰۱ فوت و در مزار عاشقان وعارفان دفن شد ، مهر تمش درقه ... عالیه به محقق هروی است

مزار شی درهمین حصص است اما سنگی بران نبود که طور یقین شناخته میشد چون مدفنش همین جاست تذکرهاش را متصل به میرزا زاهد لزوم دیدم تا اگر خود آن مرحوم ذکری بوده و یا صاحب این مزار اشتباه رو ندهد زیرا وی شخص باشهرت دیگری است و صاحب این مزار شخص دیگری اما جای تردید نیست که مزار او هم در همین قرب وجوار است .

درزیر جملهٔ ماده تاریخ ۱۰۶۵ مرقوم یافته ولی از سنجش ۱۰۶٤ میشود .

۴ درلوح سنگ طرف پای یك قبر ابیات چندی مسطور است که تاریخ آن معلوم نشد بیت اول لوح مذکور چنین است :

مربی الفضلا بود خان ملاخان   معین دین محمد سعید هردوسرا

گرچه این لوح درزمین فرو رفته و حماقدرش از خاك بیرون است که خوانده شد ، لاکن شخصیت صاحب این مرقد و اولاد و احفادش که از اجل علما و قضات مملکت در ادوار طولانی بوده اند با کثر هموطنان پوشیده نیست و تاجائیکه بنگارنده معلوم است ذیلا تذکر میدهم :

الف : خود موصوف ملامحمد سعید بن آخندزاده ولد ملا محمد اسمعیل خان آخندزاده قوم بارکزائی است که در سلطنت اعلیحضرت شاه محمود سدوزائی ملقب به «خان ملاخان» ، قاضی القضاة افغانستان مقرر بوده و یکصد و بیست سال عمر کرده و پس از فوت جسدش در بینحا دفن شده است ، سجع مهرش چنین بوده :-

محمد سعید از فضل حق مسرور شد
قاضی القضاة از اشفاق شاه محمود شد

ب : ملا عبدالرحمن خان پسر بزرگ و ارشد موصوف ملقب به خان علوم که بعد از فوت پدر قاضی القضاة افغانستان مقرر شده و بعمر ۸۵ در اواخر سلطنت امیر عبدالرحمن خان در شیوکی فوت کرده و تابوتش را با مرا میر موصوف با عز از تمام در شهر آورده و در بینحا پهلوی پدرش دفن نمودند .

این بیت سجع مهرش بوده :

تاقیام رکن ملت از امیر با فراست   عبد رحمن قاضی القضات شرع نو راست

ج : ملاسعدالدینخان پسر خان علوم موصوف در سنه ۱۲۵۲ ه ق تولد یافته بعد از دور هٔ تحصیل هشت سال قاضی قندهار و ۱۹ سال نائب الحکومهٔ هرات بود در اوایل پادشاهی اعلیحضرت امیر حبیب الله خان شهید ۱۳۳۷ ه ق به قاضی القضاتی افغانستان تقرر حاصل کرده و شانزده سال این خدمت را انجام داده بالاخره در لیل شنبه ۱۳ محرم الحرام ۱۳٤۸ هقمری در قریهٔ شیوکی رحلت نموده در صحن مسجد قلعهٔ نشیمن خود دفن گردید ، قبرش در انجا دارای

۹ کتیبهٔ لوح قبر طرف پای نواب محمد زمانخان (۱) چنین است :

افسوس و آه و ناله زبیمهری فلک
وا حسرتا که از کف صبرم عنان برفت
نواب ذیوقار از این کهنه خاکدان
با جیش صدق و توبه چو روح روان برفت
آن غازئی که اردم تیغش بگاه رزم
چون بسمل طپیده بخون دشمنان برفت
کرد آنچنان محاربه با کافر فرنگ
کاوازمرحبا به نهم آسمان برفت
ناگاه صرصر اجل از تند باد مرگ
سرو قدش فگند ز پا و روان برفت
رفت آن در یگانه بصد حسرت ارجهان
بل آب و رنگ از رخ در الیان برفت
برد آنچنان بجود و کرم در جهان مثل
کز دهر نام حاتم طی را زنشان برفت
واسع ز سال رحلت او از من حزین
آرام و صبر و طاقت و تاب و توان برفت
عقلم کشید آه و دل از صبر کند و گفت
درد اکز این زمانه محمد زمان برفت

نواب مذکور پسر نواب اسد خان و برادر زادهٔ اعلیحضرت امیر دوست محمد خان است که در سلطنت شاه شجاع سدوزائی اهالی او را بسر داری و ریاست خود ها برافراشته و باطاعت او گردن نهاده باعسا کر دشمن شجیعانه مقابله نمودند که تفصیل آن در کتاب سراج التواریخ مشرح است ، گویندهٔ کتیبه میرزا عبدالواسع خان طبیب است ، عدد مصرع اخیر قطعه (۱۲۷۱) میشود که چون عدد آه و دل صبر که (ب) است و هر دوی آن هشت میشود ازان وضع شود عدد (۱۲۶۳) سنهٔ فوتش مطابق ذکر سراج التواریخ می برآید.

(۱) نواب کلمه ایست که درانوقت بجای رتبهٔ نائب الحکومگی مروج ومعمول بود .

۶ در لوح طرف پای قبری این ابیات است :

شد میرجهان و جود و اخلاق ... آن در حلم و حیا چه آبا

زین غمکده رخت بست و خون شد ... از فرقت او دل احبا

هاتف تاریخ فوت او گفت ... با داش بهشت جا و یداز خدا

۱۰۸۳

۷ در لوح سنگ طرف پای قبری ابیات چند مرقوم بود و از آن چنین مستفاد میشود که درویش محمد پسر قاضی فیض الله خان بتاریخ دو شنبه ۲۰ ربیع الاول وفات یافته است بیت آخر که محتوی سال است چنین میباشد .

عمر افسوس خورد و گفت دریغ ... سال فوتش دریغ کرد عیان

کلمهٔ دریغ که (۱۲۱٤) میشود ما دهٔ تاریخ سنهٔ فوت او ست .

۸ در لوح طرف پای قبر دیگری چنین مرقوم :

« شب جمعه ۲۷ ماه رمضان المبارك سنه ۱۲۱٤ بود که مرحومی مغفوری ملا نورمحمد والد عالیجاه رفیعجایگاه قاضی القضاة ملا فیض الله خان معلم سلطان جنت مکان تیمور شاه ز دار فنا بدار بقا رحلت نمود »

این دو مرقد که بنمبر ۷ و ۸ تحریر شد با یك مرقد دیگری که باسم قاضی نعمت الله لوح دار دو ابیاتی دران در ج است اما حصهٔ تاریخش بر هم شده هر سه پسران قاضی فیض الله خان مرحوم اند که بمعلمی و رتبهٔ وزیری اعلیحضرت تیمورشاه نایل بوده ، گذر قاضی و باغ قاضی در کابل وقلعهٔ قاضی در چاردهی باسم او شهرت دارند ، گذر قاضی واقعست در جنوبی شهر قدیم کابل تحت حصهٔ کوهیکه بین شیر دروازه وکوه بالا برج میباشد و تا کنون هم بعض خاندان در ان گذر است که بنا بر مرحومی اثبات نسب مینمایند در اطراف مسجدیکه خود مرحوم بانی او بوده خانه های شان است ، باغ قاضی نیز بطرف جنوب شهر کابل به نشیب حصهٔ آخرین کوه شیر دروازه پایان سرك عام بفاصلهٔ تخمین سکث صد متر از زیارت عاشقان و عارفان بطرف مشرق دور و ملحق بقنطرهٔ ازبین رفتهٔ ملا فیروز است ، قلعه قاضی بطرف مغرب چهاردهی بشش کروه بعد مسافه از شهر کابل واقعست و فعلا در انجا زیارت با برکت عمدة السادات والعرفا سید عبدالعظیم صاحب ، مشهور به شاه آقا شهرت تمام داشته دارای عمارت جدید پخته کاری میباشد .

گوینده شعر میرابو طالب خان است ، ماده تاریخ مصرع اخیر که عددش ۱۲۷۳ میشود و سرجان که حرف ج و عددش ۳ میباشد چون ازان وضع شود (۱۲۷۰) سال فوت باقی میماند .

• • •

علاوه برین مزارات ، اکثر قبرهای دیگر نیز دارای سنگ های منقش و کتیبه هاست اما بالعموم یك یك حصه سنگها زیر گل و خاك شده اند که معرفی و تاریخهای فوت صاحبان مرقد را بوجه خوب نمی توانند زیرا اگر از زیر گل و خاك کشیده شوند بخود قبره دیگر قبرها نیز از یکش ضرر وارد میشود بنابران از انها صرف نظر کرده و از جمله قبرهای نوساخت که بیشتر از حالهای و برخی از ثروتمندان است نیز منصرف شده ، اولاً تنها بذکر مختصر حافظ محمد حسن که قبرش معلوم دارد بدون کتیبه است ، و ثانیاً بنگارش کتیبهٔ لوح سنگ مزار مرحوم داکتر عبدالعزیز خان که یك عمر خدمت صحی در وطن کرده و با عام و خاص بحسن خلق رفتار داشت و بالاخره ، فات نموده و مزارش خیلی بصورت خوب و پخته کاری از طرف پسرش ساخته شده و ابیات آنهم از طبع این فقیر است می پردازم:

۱۱-۱ قبریکه بصورت عادی و ساده آبادست و هرکس آنرا می شناسد قبر جناب حافظ محمد حسن ولد ملاصالح محمد قوم ترکی است که از حفاظ جید و با تقوی بوده ، مرحوم از لحاظ همین شهرت بواقع خود در تمام عمر امام مسجد ارگ شاهی بود و شاهان عصر باستثنای ختم قرآن شریف در نمازهای تراویح میشودند، چنانچه امیر حبیب الله خان شهید ۱۳۳۷ ق ه که در چند سال آخر حوت ختم قرآن کریم را در نمازهای تراویح با جمع کثیر مردم شهر در مسجد عیدگاه آغاز نموده و برای همه از باب نماز [illegible] طعام مکلف (۱) هم تهیه میشد که

(۱) در یکی از شبها امیر شهید میر عبدالواحد خان را که در زمرهٔ مصاحبانش میبود فرستاد تا یکنفر را از بالای سفره مهمانان شهر بیاورد ، موصوف که در موضع طعام خوری عامه داخل شد حاجی میرزا عبدالعزیزخان (انگریزمین) را دید ، و با خود برد چون حاجی موصوف بحضور پادشاه رسید امیر صاحب از وی پرسید که در طعام موجودهٔ همه شبه چیزی کمبود هست ؟ اگر باشد بگوئید که آماده شود امیر دیده گفت هرچیز موجود است مگر یك چیز ، گفتش آن چیست ؟ بجواب گفت : (شکر) امیر صاحب را گفتارش بسیار پسند افتاد و شکر را مکرر بزبان آورد .

چون ذکر طعام را مکلف نمودم نوشتن این سطور را هم مناسب دیدم . خلیل

١٠ کتیبهٔ لوح قبر نواب جبارخان (١) که سراج التواریخ تولدش را سنه (١١٩٧) و عمرش را ٧٣ و فوتش را درسنه ١٢٧٠ و مدفنش را همینجا مینگارد :

شادی چه ممکنست درین ماتمی سرا
تا چادر سیه بسر ماست آسمان
چون نقطهٔ مدار فلک نعش مرده است
در مرده خانه چون بزید زنده شادمان
نواب مستطاب ذوالمجد والکرم
جبارخان محامی دین سرور سران
پشت و پناه عاجز و مسکین و بینوا
جود و کرم نمود از زاده توامان
از عالم مقدس آوازا رجعی
بشنید و رفت طائر روحش سوی جنان
شد در بحر مکرمت از رحلتش یتیم
شد بی ثمر درخت سخاوت ازین زمان
افسوس و آه و ناله که مهر سپهر جود
در ابر شد نهان و نماند از ضیا نشان
یارب بحشر با دلربای محمدی ص
بر فرق او ز تابش خورشید سایه بان
کردم سوال سال وفاتش ز هاتفی
طالب به آه و ناله با چشم خون فشان
برداشت از میانه سر جان نخست و گفت
جبارخان نمود میان جنان مکان

١٢٧٠

(١) نواب جبارخان برادر اعلیحضرت امیر دوست محمد خان است ، قلعهٔ نمه پسرجه درچهل ستون ازوی بوده وقلعهٔ جبارخان طرف جنوبی انچی باغبانان چهاردهی باراضی زیادی از وی بوده که حالا برخی ازان متعلق بملکیت جناب عبدالرب خان پسر مرحوم حاجی عبدالرزاق خان عالم شهیر میباشد ، قلعهٔ غنی خان که زراعت مدت چندی درانجا بوده ساخته پسر بزرگ وی غنی خان است که چندی حاکم دیرهٔ اسمعیل خان بوده و در جنگ رنجیت سنگه نیز عهدهٔ سر لشکری داشت .

بهر تهجد چو خواست، تا نماید وضو — تاگه ز منزل فتاد، کرد بر ضوان سفر
حجت خوشبختیش بس که شدش بدرقه — طاعت یزدان پاک، در سفر پر خطر
ای صمد بی نیاز، ای احد کارساز — از کرم اور انواز، وز گنهاش گذر
نعمت از حد فزود، وبست بکیف و چون — قسمت ای کن کنون حشر مع خیر البشر
روز و مه و سال فوت، بشت ز ملک خدا — (پنجم ماه رجب کرد بجنت مقر)

۱۳۶۵ هـ ق

ب مقابر منفصلة؛ زیارت عاشقا ن و عارفا ن

الف: بطرف مغرب زیارت راهی که میباشد پهلوی این راه باغچه ایست موسوم بمقبرهٔ سردار غلام حیدر خان منقسم بدو حصه که از دیدن دروازهٔ کهنه و مجاور خانه ها و مسجد و غیره اثرات باقیماندهٔ آن معلوم میشود که در اول تعمیر خیلی خوبی داشته، مشاهیر عمدهٔ مدفونین این قبرستان بد ینقرا راست .

۱ - کتیبهٔ لوح سنگی طرف پای قبر سردار غلام حیدر خان که والی عهد امیر کبیر دوست محمد خان بود .

فنا نکه با ز عمدان شد مصیبت بجهان — که دادر وی زمین را ز اشک در طوفان
در پنج سلطنت آن امیر دولت کبری — هزار حیف که شهزادهٔ عظیم الشان
فروغ کوکبهٔ دودمان نورانی — که هست کوکب دری نشان عالی آن
سپهر معدلت و جود و رحمت و رافت — پناه لشکر اسلام و ناصر ایمان
فلک سرادق و خورشید چتر و کیوان بخت — سکندر آیت و کی پاسبان و جم دربان
قمر رکاب و ثریا جناب و عرش سریر — ملک سپاه و قدر قدرت و قضا فرمان
ظهور سلطنت الغازی نصیر الملک — ولی عهد امیر کبیر گردون شان
امیرزادهٔ سردار قدسی دیدار — سپهر رتبهٔ عالی غلام حیدر خان
بروز بیستم ذیقعده انحرا میش — بیوم جمعه و از سوی روضهٔ رضوان
ز لطف شافع امت بروز حشر بود — فریق رحمت و غفران حضرت یزدان
شوی چو طالب سالش همین بگوی که حق — (نمود جاین شه عالی بهشت جاویدان)

سنه ۱۲۷۴ بسن چهل و یك سالگی

مصرع اخیر بدون تفاوت حاوی سنه وفات است.

ازطرف عصر در چمن حضوری بانتظام شایسته روی دستر خوانها وسینی های مسی ترتیب میدادند و مردم بعد ادای نماز شام که معیت شاه ادامیکردند بدون تفریق درویش و غنی بسر سفره رفته و صرف طعام و چای نموده سپس درعیدگاه میرفتند و موکب پادشاهی هم بوقت معین میرسید و با جمعیتی که نفری طعام خورده آنجا و نفری که طعام بخانهٔ خود ها خورده و خصاص برای نماز می آمدند تقریباً بیك لك نفر میرسید ادای نماز خفتن و تراویح میشد و داند و هرشب سه سیپاره خوانده و درشب ده هم ختم میکردند ، هم امام نماز همین حافظ مرحوم بود، و برای فتح دادنش چندین حافظ جید چون حافظ حضر محمد وحافظ خدابخش و امثال ایشان نیز در عقب جای محمدو می داشتند و این ختم درچندسال جریان داشت که در سه چهار سال آن این فقیر نیز شرف شمول حاصل کرده بودم ودر آنهمه سال ها بیك فتحه هم ضرورت نیفتاد الا که یکدفعه بوی فتحه دادند ولگرفت بعد فراغ نماز رجوع بقرآن عظیم الشان نمودند سهو از طرف فتح دهندگان بود در همان وقت امیر شهید فرمود که اگرد یگری از حافظ محمدحسن درحفظ قرآن مجید جیدتر میبود چون نام این حسن است نام او را احسن میگذاشتم ، علاوتاً مرحوم در تقسیم آیات رکعات یك مهارت و دور اندیشی دیگری را هم بخرج داده بود که موضعات سجدات تلاوت را در پائین قیام هر رکعت آورده وسجده تلاوت را درركوع ادا میکرد ، زیرا نفری زیاد بودند اگر باینطور مراعات نمیکرد بلا شبهه باین تعداد کثیر سهو و اشتباه واقع میشد ، گرچه این تفاصیل دریجا آنقدر ضرورت را ایجاب نمیکرد اما بنابرحسن معرفی مرحوم نگاشته شد ، آخرالامر این حافظ جید و صاحب تقوی که بسیار مردم شهر ما مقتدی وی بوده اند بعمر ۷۳ لیل پنجشنبه ۱۵ ربیع الاول ۱۳۶۱ جان بجان آفرین سپرده وجسدش درینجا بخاك سپرده شد، خدایتعالی بعفو وبخشایش خود شادش داراد، بمحمد و آله الامجاد.

۱۲-۷ بعد از بسم الله شریف وکلمهٔ طیبه :—

داکتر عبدالعزیز ، مرد فرشته سیر	صاحب اخلاق خوش ، منبع علم و هنر
پیرو ذیل صدق ، خوگر صدق و صفا	مخزن زهد و تقا ، خوش نهت و ناموز
مدت طی نمود مدتی پنجاه سال	در وطن از صدق دل بیطمع سیم و زر

آن آفتاب صبح سعادت که فیض او / چون فیض آفتاب کران تا کران گذشت

آن بانوی سرادق عصمت که بارها / فرق بلند همتش از فرقدان گذشت

آباد کرد هرچه بعالم خراب بود / تا خود ازین خرابهٔ محنت نشان گذشت

واصل ز پیر عقل خردمند سوال کرد / تاریخ فوت او چو ازین خاکدان گذشت

باغ نعیم و سایهٔ طوبی و پای خلد / بگرفت سال رحلت و ازین و آن گذشت

عدد (باغ نعیم) ۱۱۲۳

« (سایهٔ طوبی) ۱۳۳

« (پای خلد) ۲٤

۱۲۸۰

سنهٔ فوت همین (۱۲۸۰) هویدا شد سراج التواریخ هم همین سال را قید کرده اما جملهٔ ازین و آن گذشت بطور اشاره سال تذکار رد و بطور مصرع پرکن واقع شده .

واقعهٔ فوت و کتیبهٔ قبر سردار محمدعلی خان مرحوم

در حالیکه سردار محمد امین خان از برادر خود اعلیحضرت امیر شیرعلی خان آزرده خاطر بود در قندهار بنای شورش گذاشته و طرفین بمقابله آماده شدند ، چون امیرشیرعلی خان از قلات گذشته وضع کجباز را لشکرگاه قرار داده با آراستن صفوف لشکر پرداخته بود سردار محمد علی خان که جوان خوشگل زیباء بلندبالائی بود تن بسلاح آراسته چار آینه در کشیده خود آهنین برسر نهاده و شمشیر حمائل ساخته در زیر پشتهٔ حیدر کجباز بخدمت پدر حاضر شد ، امیر او را دیده گفت چنان تن بآلات حرب آراستهٔ که گویا خود را آماج کلوله خصم ساختهٔ میباید تغییر لباس کرده داخل میدان کارزار شوند تا خصمت نشناسد ، فوراً تبدیل لباس کرده از حضور پدر دور تر سرپا ایستاد ، چون منظورش مصالحه و ترك مقاتله بود پس از آن سردار محمد عثمان خان را بحضور پدرش بود فرستاده و او را طلبیده خواب خویش را که دیده بود چنین بیان کرد که دو سگ گزنده حمله کرده هر کدام از یك پایم گرفته مرا میدرند ، و نیز گفت که تمام سپاه از شدت محاربه شب خسته اند اگر ترك مقابله امروز را از امیر استدعا نمائی ، امیر شیرعلی خان که این مطلوب را از سردار محمد عثمان خان استماع نمود فرمود محمد علی را آهنگ جنگ نیست ، سردار محمدعلی خان ازین سخن بخود پیچیده پیش دوید و زمین ادب بوسیده

کتیبهٔ لوح طرف پای قبر سردار سیف الله خان پسر امیر کبیر .

آه از جور زمان داد از جفای آسمان   زانقلاب روزگار و کینهٔ اختر فغان

هر که در بزم جهان یکدم بکام دل نشست   مرگ شد در مجلس گیتی روزی میهمان

ساقی ایام زهر دهر میکند آخر بجام   منعم آفاق خوانش مینهد آخر بخوان

بر دل عالم جهانی را بحسرت چرخ پیر   کز فراقش خاك بر سر میکند پیر و جوان

رفت ناکام از جهان شهزادهٔ کز فرقتش   روز و شب دارند یکسر فرقهٔ افغان فغان

اختری در خاك شد پنهان که مهر طلعتش   داشت صد طعنه از خوبی بماه آسمان

آفتاب عمر ماهی شد زوال اندر کمال   از غمش خورشید گردون مد شرر دارد بجان

گوهر درج هنر پور امیر نامور   جوهر تیغ ظفر سردار سیف الله خان

داد همت داد در میدان جنگ از نام نیك   گوی سبقت برده در مردانگی از همگنان

با برادر در خدمت آنچنان بعد از پدر   کاختر از فرط صداقت در رکابش داد جان

(۱) بر اصل از پی تاریخ ذکر دم سوال سال او   بود در فکر سخن کاندر جواب ایم ناگهان

از سر مهر و وفا حوری ز جنات الخلود   سر برون آورد و گفتا شد مخلد در جنان (۲)

شهر محرم سنه ۱۲۸۲

۳ـ کتیبهٔ سنگ صندوق قبر والدهٔ ماجدهٔ اعلیحضرت امیر شیرعلی خان مرحوم

آه از جفای چرخ ستمگر که بارها   بر پادشاه و بنده و پیر و جوان گذشت

هر گل که شد شگفته بگلزار کاینات   با داغ دل چو لاله ازین گلستان گذشت

هر دل که از تنعم گیتی نشاط یافت   آخر برنج و غصه و محنت ز جان گذشت

از محنت زمانه چگویم که تا چه حد   بر مردم زمانه خصوص این زمان گذشت

خورشیدی از قبائل افغان غروب کرد   کافغان صد قبیله ز هفت آسمان گذشت

ماهی ز پشت پرده بخرگاه خاك خفت   کز بام چرخ آه دل دوستان گذشت

گنج حیا خدیجهٔ عهد یکه نام او   نتوان ز پاس خاطر او بر زبان گذشت

ام امیر شیرعلی خان که در صفا   یکتن نگفت ثانی او در جهان گذشت

---

(۱) و اصل میرزا محمد نبی خان دبیر ضیاء الملة والدین بود که در ۱۴ شوال ۱۳۰۹ فوت شده

(۲) مادهٔ تاریخ را که (شد مخلد در جنان) نشان داده مطابق (۱۲۸۶) است کدام اشاره هم ندارد که عدد چهار کسر شود اگر سر جنات الخلود بر آورد منظورش بود باشد هم عدد چهار نیست بلکه سه میباشد اما واضح است که در شهر محرم سنه ۱۲۸۲ فوت کرده سراج التواریخ هم شاهد این ادعاست .

الهی شفیعش تو باشد به یوم	شود (شافع حشر حسب المراد)
ز دار فنا چون بدار بقا	شد و (داغ هجران بدلها نهاد)
شمر سال تاریخ آن شهریار	بحسرت از خرد (لب بپاسخ کشاد)
بشد چون محمد ز ...	محمد علی (در جنان است شاد)

۱۲۸۲

چون پنج بیت اخیر بواسطهٔ شکستگی سنگ آن بدست نیامد و مواد اصلی آنرا نیز یافته نتوانستم بناءً آن ابیات را خود بگذارده تکمیل نموده کلمات پیوند دادگی خود را در ضمن آن مصاریع بین قوس گرفتم تا اصل و پیوند واضح باشد، مصرع اخیر بدون کم و زیاد حاوی بر سنهٔ فوت است که (۱۲۸۲) باشد:

• قبر سردار محمد عظیم خان برادر امیر دوست محمدخان که در جنگیکه بار انجیت سنگه در اوائل سال ۱۸۲۳ ع در حوالی نوشهرهٔ پشاور نموده در میدان جنگ زخمی شد بانی مجروح از پشاور بجلال آباد آمده، از انجا روانهٔ کابل شد، در راه بعمر ۳۸ در کوتل لته بند فوت کرده جسدش را بکابل آورده و در پنجا دفن کردند لوح بزرگی بخط زیبای نستعلیق بالای مرقدش نصب و این ابیات در متن و حاشیهٔ آن درج است :-

متن

سوی یار باقی ازین خاک رفت	محمد عظیم آن جهان وداد
لشکر و لشکرشکن والا گهر	جوادی جوان‌بخت نیکی نژاد
زامداد حق تا شهنشاه و سعد	بفیض ازل رابط این بلاد
بماند و غم داد جان از جهان	پدر رفته با درد دل نامراد
ببخشش گناهان وی یا صمد	ز احکام رحمت بیوم التناد
یکی ز مصارع چو گیری شمار	پی جمله را هست این اتحاد
چو پرسند از سال فوتش بگو	بخلد برین ایزدش جا دهاد

حاشیه

هزار و ده و صد بود یاسی و هشت	گزین سکه شد بخیرا لبلاد
پس از توبه با جیش صدق و صفا	سفر کرد سردار روشن نهاد
سر سرفرازان و گردن کشان	محمد عظیم بزرگی نهاد
سپهدار و لشکرکش و ملک گیر	امیر نکورای با عدل و داد
زیارت بپا از جمله درانیان	امیری بایین شان و شوکت نژاد

عرض کرد که آمادهٔ کارزارم و بجان منت دارم که جان بقدمت سپارم، داخل میدان جنگ گشته رو بجانب سنگر سردار محمدامین خان نهاده چون از سخن و طعن امیر خونش بجوش آمده بود بیباکانه با سردار محمدامین خان درآویخت، از دو سو نائرهٔ جنگ شعله ور گشته خونریزی زیاد بعمل آمد و سردار محمدعلی خان بضرب شمشیر سردار محمدامین خان بگلولهٔ تفنگ روز عاشورا(۱) سنه ۱۲۸۲ درهمین معسکر کجباز داعی اجل را لبیک گفتند. هیئت سردار محمدامین خان را بقندهار برده در احاطهٔ خرقهٔ مطهره مدفون ساختند ونعش سردار نامدار محمدعلی خان را بامر امیر پدر اجلال در بیرون مقبره بخوابگاه ابدی سپرده شد .

کتیبهٔ لوح طرف پایش این است، ولی افسوس که پارهٔ ازان شکسته و ابیات آخرین آن بصورت کامل تسوید شده نتوانست :

هزاران دریغا که رفت از جهان — محمدعلی سرور شیرزاد
سرافراز تاج و سزاوار تخت — خداوند جود و خداوند داد
خدیو بر و مسند بخت و دلیر — که مانند او دهر زمانه نزاد
بطالع جوان و بتدبیر پیر — به تیر و تبر [illegible] بهمت قباد
سهی سرو بستان شیرعلی — امیر جهان داور خورش نژاد
بعهد جوانی که بیست و سه بود — ز باد فنا نخلش از پا فتاد
فدا کرد جان در رکاب پدر — که رحمت بران گوهر پاک باد
تنی رفت در خاک تیره که دل — نمیخواست بر وی وزد تند باد
رخی شد نهان در نقاب بقا — که بودی جهان فنا را مراد
دریغا ازان فرد نیرو و برز — دریغا ازان دست بست و گشاد
دریغا ازان طلعت همچو ماه — که مهرش بدی بندهٔ خانه زاد
بهشت ار جهان، در بهشت عدن — خدایش مقامات عالی دهاد
الهی کند فائضش از کرم — به آمرزش (خویش رب العباد)

(۱) گرچه سراج التواریخ واقعه را بروز عاشورا تذکار نموده اما اصل واقعه بروز سه‌شنبه ۱۱ محرم‌الحرام سنه ۱۲۸۲ واقع شده چه در اکثر کتب مردم آنوقت یادداشت نموده اند که بملاحظهٔ اینجانب رسیده و از زبان اکثر موسفیدان هم شنیده شده

۱۰ قبر محمد قاسم خان ابن سردار محمد سرور خان ابن سردار محمد عمر خان ابن سردار محمد عظیم خان که در بن نزدیکیها قرار شده هم بسنگهای خشتی ساخته شده و لوحی دارد که [illegible] و تذکر میدهد که مدت العمر خود را بخدمات مملکت بصداقت گذرانیده و بتاریخ ۱۶ شوال المکرم ۱۲۷۳ بعمر ۵۷ داعی اجل را لبیک گفته

۱۱ قبر زوجهٔ [illegible] لوح بزرگیست که همین سه بیت ذیل از ان خوانده شده توانست و دیگر حصه لوح زیر گل است :

آه آه از چرخ گردون ستمگر آه آه — داد داد از دور مهر و ماه و اختر داد داد

زوجهٔ [illegible] — کانچنان مستوره در این عصر از مادر نزاد

دخت [illegible] خان [illegible] — [illegible] علی گهر از والده والا نژاد

۱۲ از کتیبهٔ طرف [illegible] امیر محمد [illegible] پسر امیر کبیر تنها همین یک بیت بیرون مانده و دیگر [illegible] :

سال ز [illegible] امیر محمد [illegible] — اکنون ز پیش دیدهٔ احباب شد نهان

۱۳ کتیبهٔ دو [illegible] همین مقبره بالای قبر پست .

(اول) شاه جهان [illegible]

آنکه [illegible] نبودی هیچکس همتای او

آن [illegible]

[illegible] آئینه [illegible] سیمای او

[illegible]

[illegible] رعنای او

نخل عمرش شد خزان [illegible]

[illegible] نظر از دیده [illegible] وای او

[illegible]

[illegible] تا بیو رسید در [illegible] شد بجای او

شد جهان [illegible] برعقل [illegible]

[illegible] سال [illegible] وای او

۱۲٦٤

چون در فکر تاریخ فوتش شدم [illegible] داد
ازین چارده مصرع متن لوح [illegible] چارده [illegible] داد

از ابیات حاشیه برهن میگردد که هر مصرع ابیات متن حاوی [illegible] است والحق چنان میباشد اما در بعضی مصارع [illegible] توضیح میشود :
در مصرع ۲، ۳، ۱۳، ۱۴ یک کاهش، در مصرع ۵ هفت [illegible] در مصرع ۶ [illegible] عدد
در مصرع ۱۰ سی و یک عدد کسر [illegible] مصرع [illegible] هم [illegible] تفاوت
بیشتر است واضح میگردد که برای شاعر [illegible] بود [illegible]
در جملهٔ اعداد محسوب است غالباً آن را [illegible]
مذکور موجب تردد بود چون در شعر [illegible] شاعر [illegible]
کلام حدس زدم که از شاعر شهیر و طبیب [illegible] میرزا [illegible] محمد خان
عاجز است که در انز [illegible] برای صحت این ابیات مستجوی
[illegible] دیوان [illegible] را پیدا کردم که [illegible]
هم در آنجا [illegible] افتاده اما کاتب [illegible] تحریر [illegible] در قطعه از اول
را بحرف ذال [illegible] دراینه [illegible] نوشته بوده
بناءً [illegible] را نگاشته [illegible] کتیبه [illegible] مغفرت
خواسته وعلاوتاً [illegible] شاعر را [illegible] تاریخ [illegible] میکنیم.
ناگفته نماند که [illegible] تاریخ [illegible] ۳۸ سال [illegible] فوتش را
بهمین سنه ۱۲۳۸ دانسته است .

٦ از کتیبهٔ طرف پای قبر سردار محمد [illegible] ولد سردار محمد [illegible]
چنین مستفاد شد که [illegible] ٦٥ سالگی [illegible] ۱۲۹۰ [illegible] اجل
را لبیک گفته .

۷ از کتیبهٔ طرف پای قبر [illegible] سردار محمد [illegible]
استنباط شد که [illegible] تاریخ [illegible] شوال [illegible] ۱۳ [illegible] .

۸ قبر سردار محمد هاشم خان [illegible] اعلیحضرت [illegible] نیز درین
مقبره است اما از لوح آن بجز اسم چیز دیگر [illegible] لوح مذکور
زیاد بزمین فرو رفته .

۹ مدفن امیر بیگم بنت اعلیحضرت امیر [illegible] محمد خان مرحوم نیز درینجاست
لیکن از سنگهای قبر مذکور [illegible] جز اسم چیز دیگری خوانده نشد .

«غلام محمد خان مرحوم ۵ قوس ۱۳۱۵»

گر بپرسی ز من این مدفن کیست ؟ قبر دانشور نیکو سیر است
اینکه در زیر لحد پنهان است در هنر نابغهٔ دوران است
عالم و فاضل نیکو سیری ملکی بود بجلباب بشری
کرده تحصیل علوم دینی یک سر موی نبدش خود بینی
بر بسا علم که عارف بوده این ز خدام معارف بوده
گشته از رحمت این پاک نهاد بوطن مکتب صنعت آباد
از همه با هنران برتر بود در فن رسم پروفیسر بود
بود صاحب هنران را استاذ خط سرمشق بارژانگی داد
سوخت از رشک روان بهزاد قلم از دست رفائیل افتاد
وصف این فضل ورسام شهیر کی تواند قلم من تحریر
ایدریغا که چنین نام وری زبده و فرد سراپا هنری
در تهٔ خاک لحد خوابیده رخ خود را به کفن پوشیده
گرچه خوابیده کنون زیر لحد نام او زنده بود تا بابد

خدمات هنری این مرحوم در وطن فراموش ناشدنی است و یادگارهایش جاودانی اما متاسفم که سوانح مزارش تذکر حالش مختصر، بود حاضراً معلومات شخصی نگارنده محدود است

۲ در لوح قبر دیگری که متصل بقبر پروفیسور مرحوم است این ابیات و عبارت مسطور میباشد :

ای اهل حیات مرگ را یاد کنید خود را ز غم زمانه آزاد کنید
چون میگذرید بر سر تربت ما باید که بیک فاتحه ام شاد کنید

* * *

ای مرگ چه خانه ها که ویران کردی در ملک وجود غارت جان کردی
هرگوهر نایاب که آمد بجهان بردی و بزیر خاک پنهان کردی

تاریخ وفات مرحوم مغفور الله یارخان قرملی بیست و هفتم شهر ذی قعدة الحرام هزار و دو صد و بیست و چهار بود که از دار الفنا بدار بقا رحلت نمود .

(د و م)او گل گلزار عفت حدقهٔ چشم حیا
بد جهان بیگم عفیفه با وی عصمت پناه

پاك طینت ایکه سیرت خوب خصلت، خوش مزاج
بر ده گوی حسن، خوبی در جهان از مهر، ماه

امة الخاتون جست رشك حور ان بهشت
ثانی بلقیس و مریم با وی صاحب کلاه

جلوه گر، در مهد عفت همچو آب اندر گهر
کامران بر تخت عظمت بود چون رچرخ ماه

از غم دوران نخورده هیچگاه آسیب حار
شاد و خندان بر دهر م همچو گل در صبحگاه

ناگهان از ها تف غیبی ندای ارجعی
زد صماخ گوش هوشش از معالی بارگاه

کوس رحلت زین جهان زه برزد آن محمل نشین
رفت از چشم جهان بین زود چون نور نگاه

تیره و تار یک شد زین غم زمین و آسمان
مهر و ماه و مشتری بنشسته بر خاك سیاه

یا الهی از طفیل فاطمه بنت رسول ص
ز آب رحمت پاك سازش دامن از لوث گناه

۱٤ در لوح قبری چنین مرقوم است .
وفات مرحومهٔ مبرورهٔ رضوان مکان خدیجهٔ الدوران بی بی جان بنت صداقت نشان محمد تقی خان اردیلی بتاریخ سوم شهر محرم سنه ۱۲٦۰

❋ ❋ ❋

ناگفته نماند که این سه قبر در احاطهٔ ظهر زیارت عاشقان و عارفان متصل به قبر داکتر عبدالعزیز خان مرحوم که نمبر ۱۲-۲ میباشد بودند و در آنجا از قلم مانده بود لزوماً درینجا آورده شد .

۱ قبر مرحوم غلام محمد خان پروفیسور رسامی، که مشار الیه اصلاً از ساکنین میمنه بوده و متوطن کابل شده و این فن را بانتهای کمال رسانید . شاگرد ان زیاد و آثار بس باقدر هنری از خود بیادگار گذاشته قبرش بسنگ وسمنت ساخته شده و لوحی بالای سرش نصب است واین ابیات در آن مرقوم :

حدیث سلوك و مقامات گفتی   بطبق احادیث و تفسیر قرآن
مقامش کلات نصیر و یکبا بل   سوی موطن اصلی آمد شتابان
محمد رحیم آن امین الملك   که تملیك او داشت ملك دل و جان
بخدمتگذاری قدم ساخت از سر   بجان منت افزود درین طرفه احسان
زیك اربعین بیش در شهر کابل   نبودش زمان توقف ز دوران
از آنجا بمنزلگهٔ عاقبت شد   ز دنیای بی عاقبت شاد و خندان
درین عصر چون او فقیری نبوده   بهند و به سند و بایران و توران
ازین در رهجا تکیه بالا گرفته   ز هر شهر تا ماه آمد مریدان
ز عین عنایت ز فرط کرامت   بصدر بهشتش دهد جای یزدان
بتاریخ سال وفاتش ز تنجیم   سروش سما بند هاتف که گریان(۱)
بریز آب چشم و بگو سال فوتش   میان عزت الله شبلی دوران (۲)

۲ ـ بطرف جنوب مرقد فوق الذکر داخل احاطهٔ مدفن امین الملك دارای دو لوح سنگی است، لوح طرف سر مزین بکلمهٔ طیبه و آیات بینات قرآنی و بعضی ابیات، لوح طرف پای این ابیات .

دریغ و حیف که عالم ترا بجان جهان رفتی   هزار افسوس از شاق لکویت کز میان رفتی
رحیم خان امین الملك کز دنیای دون آخر   برای صحبت حوران بفردوس جنان رفتی
لقای حضرت حق داشتی منظور کز عالم   کشیدی پا و برکندی دل و دامن تکان رفتی
هوای گلشن خلد برین در خاطرت ره یافت   که برکندی بکلی دل ز اسباب جهان رفتی
وزیر از دست اعدا شربت تیغ اجل نوشید   تو هم دل خون ازین عالم بجسم ناتوان رفتی
چو از باد اجل نخل وجودت سرنگون گردید   بصحن باغ شیون شد که سرو از بوستان رفتی
بزیر خاك غبرا گوهر ذاتت چو شد پنهان   عیان شد ماتمت اندر میان دوستان رفتی
ز بس نیکی که با سادات میکردی بمال و جان   با میر نبی مرسل آخر زمان رفتی
درین وادی ندا و بهر تاریخ تو بیرون گفت   که چون بلبل دل از خون پر ز طرف گلستان رفتی

عدد حروف کلمهٔ (دریغا ای وای) که ۱۲۴۹ میشود مادهٔ تاریخ سال فوت است :

۳ ـ بطرف شمال آن داخل احاطه مرقد جلندر خان است که دو لوح دارد کتیبهٔ لوح

(۱) گریان عدا ابا تخلص شاعر است
(۲) عدد مصرع اخیر (۱۲۴۷) میشود عدد آب که ۳ باشد چون از ان کم شود ۱۲۴۴ سنه وفات باقی میماند .

در پهلوی این قبر، قبر دیگریست که سنگ یکمر تبهٔ قبرش را پوشیده و بالایش سنگ صندوق نما ئیست ، علاوه بر تسمیه و کلمهٔ طیبه شش بیت در ان درج است که این دو بیت ازانجا آورده می شود .

قنبر علی خان تا جسر شهر مزار | بگذاشت جهان بسن هشتاد و چهار
حق بخشدش از طفیل شاه لولاک ص | ز حرمت چار یار ص و آل اطهار رض
سال قمری ز رحلتش گفت .. | (در جنت امید شد آن نیکوکار)

۱۳۷٤ ه ق

ب :- طرف مغرب زیارت عاشقان و عارفان متصل مقبرهٔ سردار غلام حیدر خان و غیره سردار ان باغچه ایست مشهور به (باغچهٔ شترشاه) که وجه تسمیهٔ این اسم مجهول است در وسط این باغچه احاطهٔ خوردیست که پوشش آن خراب شده و علامهٔ ارسیهای چار طرف آن باقیمانده بعضی ستونهای سقف و ارسی آن نیز از بین رفته درین احاطه مزار یکی از عرفای وطن میان عزت الله صاحب است بامزار محمد رحیم خان امین الممالك و مزار جلندر خان که از عمدهٔ مخلصین و مریدانش میباشد در خارج احاطه که داخل باغچه است دیگر مزارات نیز از اولاد و مخلصین آنعارف هستند که ذیلاً به تسوید الواح خودوی و مریدان و منسوبانش که لوائح تربت شان با قیست میپردازم :

۱ مزار خودوی که در وسط احاطه است دو لوح دارد لوح بالای سر مزین است بکلمهٔ طیبه و اسماءالله شریف و آیات بینات قرآنی و نقش های زیبا و ابیات بسیار که از انجمله است

ای بدر ما ندگی پناه همه | کرم تست عذر خواه همه

در لوح طرف پای بیك جانب آن این بیت است .

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق | ثبت است بر جریدهٔ عالم دوام ما

جانب دیگر لوح

میان عزت الله صاحب که بادا | چو اصحاب تقوی مصاحب بغفران
سیادت چو مهر از رخش بود روشن | نجابت ز سیماش چون ماه تابان
صحیح النسب سید و در حسب هم | چو اجداد خود مرجع اهل عرفان
بحکم شریعت رموز حقیقت | با هل طریقت شده معرفت دان

سیزده بود از مهٔ شوال چون | کرد طیران روح او زینجا بناز
شدخرین در لجهٔ حیرت غریق | تا برآورد گوهری از بهر راز
ملهم اسرار داد ش این نوید | (غم مدارید) بهر او تاریخ ساز

۱۲۹۹

۵ پهلوی احاطهٔ (میان عزت الله صاحب) بطرف مشرق قبریست که لوحش چنین کتیبه دارد :

میان غلام رضا آنکه عارف حق بود | بسینه علم و بدل داشت خاص نور رضا
پدید در دل او ر از حال و آینده | عیان بآینهٔ خاطرش رموز مضی
بره فقر همیبود در مقام سلوك | محب خاص علی رض پیرو امام رضا
بگوش جان چو شنیدار جعی الی ربك | زعین صدق و بقین شد رضا بامر قضا
بشد مجرد و بشتافت در حریم وصال | بیافت ارگل رو یش ریاض قدس فضا
ز پیر عقل حسن سال رحلتش جستم | ندا رسید که دریافتکن زنور رضا

مادهٔ تاریخ (نور رضا) ستکه ۱۲۵۷ میشود .

٦ بطرف مغرب احاطه قبریست کالوح خوردی مرقوم باین عبارت دارد .

الحکم لله — وفات مرحوم میر منور علی شاه ابن محمدعلیشاه ابن میاں عزت الله بتاریخ ۲۰ شهر ذی حجة الحرام چهار ونیم ساله بود که از دار فنابد ار بقا رحلت نمود سنه ۱۲۷۱ .

۷ قدری دورتر از احاطهٔ مذکور داخل باغچه بطرف جنوب قبری دارای دو لوح بوده لوح بالای سر مزین بکلمهٔ طیبه وآیة الکرسی و ابیات مناجات وکتیبهٔ طرف پا چنین است .

« تاریخ تولد مغفوره بی بی فخری جهان بیگم صبیه عبدالعزیز خان حرم سردار عطا محمد خان درانی بامیزائی درسنه ۱۲۱۲ هجری شده ٦٤ سال در ینجهان فانی گذرانیده مرغ روحش از قفس تن ملول گردیده درسنه ۱۲۷٦ هجری قفس جسد فانی را شکستانده بر حمت بیغایت الهی پروازکرده در جهان باقی آشیان گرفت »

درین مقبره علاوه بر مزارا تیکه کتیبهٔ الواح شان مرقوم گردید بعض مزارات دیگر نیز میباشد که نگارش الواح آنها از وم دیده نشد .

طرف پای چنین است :

پرحذر باش ای دل از نقد پر حق / پنبهٔ غفلت بر دار از گوش جان
تا نوالی کوش افند رو احق / تا نمانی دور عذاب جاودان
چون جلندر خان ایاسید از عهد م / نورچشم آن مه لقای دلستان
هر که دید طلعت آن ماه رو / میگرفت انگشت حیرت در دهان
اب والاشان او عبدالمجید / بود از نسل رحیمداد شی عیان
گر بزاد مادر هر اینچنین / کی بدی از دیگری نام و نشان
داغ گرد یده است ماهی تا بماه / حیف کان گوهر تلف شد رایگان
یك گلش نشگفته از باغ مراد / شد بهار عمر او تا گه خزان
از قضا پیك اجل چون در رسید / از برمن در ربود شل ناگهان
رحت هستی بست و رفت الله ز عدم / درجوار رحمت حق شاد مان
مرغ روحش چون ز تن پرواز کرد / رفت و برخود ساحت در جنت مکان
از عمیم لطف خود یا رب تو هی / در صف حوران خلد ش آشیان
از عطای خویش نومید ش مکن / یا الهی عفو کن تقصیر آن
هر چه گویم من ز اوصافش کم است / جای آن دارد که گردد داستان
صبر آئین کن بقرآن و انگر / آیهٔ انا الیه را بخوان
ما دهٔ تاریخ آن نیکو سیر / پس افکر میشمردم هر زمان
ها تفی داد م نوید از غیب و گفت / بود با حور او بجنت شد روان

تعداد حروف تمام مصرع آخر (۱۲۵۲) میشود که حاوی سنهٔ فوت است :

٤ — طرف شمال احاطهٔ مذکور قبری دارای دو لوح بوده لوح بالای سر مزین بکلمهٔ طیبه و آیة الکرسی شریف و ابیات مناجات و کتیبهٔ لوح طرف پای این است

رفت بیگم صاحب از این خاکدان / سوی حق چشم تر و دل پر ز آز
آن خدیجه خوی پاکیزه سرشت / نوجوان صالحه عصمت طراز
بست بر خود روزن عیش جهان / شد برویش روضهٔ جنات باز
چون ندید این دهر فانی را ثبات / سوی عقبی شد فراهت زین مجاز
نحل باغ خان عالی مرتبت / درد را نی غلام احمد که باز
قوم فوفلزائی و مختار لقب / صاحب رای و فهیم و کار ساز

گذاشت عالم فانی را و بباقی کرد | بسوی روضهٔ رضوان اله و دنقل مکان
ربیع الاول بیست و دوم بیکشنبه | ازین جهان فانشد بسوی خلد روان
شدی چو طالب سالش بگفته زین اصل شد | بقرب عفو الهی برحمت سبحان

۱۲۷۸

از کتیبهٔ قبر سومین چنین مستفادشد

وفات بی بی همای بیگم بنت سردار پیر محمد خان ۱۵ شعبان سنه ۱۲۸۰

کتیبه قبر چهارمین این است :

فغان از گردش چرخ ستمگر | کز و هرگز نلدید م خاطری شاد
رتند باد اجل افگند است گیسا | قدی کز وی خجل شد سرو آزاد
نهال نخل باغ حوا لی | عفیفه بی بی مریم جهان شاد
صبیه شاه محمد خان با فر | فلک زین غم دلش را داغ بنهاد
بهفده سال عارض شد حسا قش | قضا بیار جهی را او رضا داد
بماه از ربیع اول اما | برو ز جمعه اش در خاك جاداد
اگر جوئی ز من تاریخ فوتش | هزار و سه صدو هشت آر بیاد

۲ ملحق باحاطهٔ زیارت :

احاطهٔ و سیعی است که (بی بی فاطمه) مشهور به (فاطوجان) معروفه به آ قا جان) بنت اعلیحضرت امیر دوست محمدخان و بعضی اقارب شان مدفونند تاریخ وفات بی بی فاطو جان موصوفه روز چارشنبه ۸ جمادی الاول سنه ۱۳۴۹ هـ ق است این مرحومه که از یکطرف دختر پادشاه وطن بوده از طرف دیگر صاحب علم و هنر در خط نستعلیق مهارت تام داشته و در شعور با سواد بود بقدر دانی است خدایش بیامرزد .

۳ طرف شرق بفاصلهٔ دو صد قدم باستوای این زیارت قبرستانی اجدادی نگارنده است که حالا جای عالی در ان نمانده بالای قبر جد بنده کدام کس از دوستانش درا زمان اوحی ساخته که ابیاتش این است :

شاعر و منشی و محاسب فرد | صاحب الجود و بخشش و احسان
زبدهٔ نسل شیخ احمد جام | ذوا لفضل میرزا محمد جان
آنکه در حسن خلق و حق جوئی | بود در عهد خود و حید زمان

زیارت بابای غوری

الف : خود این زیارت

از مزار عاشقان و عارفان بطرف مشرق بفاصلهٔ تخمیناً سه چار صدقدم در دامنه کوه زیارتیست مشهور به بابای غوری . این زیارت حاوی یك احاطه دارای مقابر زیادی بوده در میان احاطه قبریست که چند وق سنگ آن مکعب مستطیل دارد ، بالای سنگ مذکور یک سنگ قدیمی گهواره نما مانده شده که بطرف پای آن چنین مرقوم است .

و تاریخ وفات مرحوم مغفور بابا او غاز الله ... ابن محمود ترکمان سنه ۱۱۳ سنه این مزار قابل تأمل است که ... تحریر عدد ... از قلم انداخته شده ؟ دیگر معلومات راجع بشخص این مزار ... نیست اما از مردم خیلی محترم است و در داخل محوطه مذکور قبر های ... خشتی مرتب شده ، از حاجی عبدالحمید تاجر معروف کابل و برادر شهیدش عبدالعزیز پسرش وغیره خانوادهٔ وی است .

ب ، ملحقاتش

۱ نزدیک بطرف غربی این زیارت احاطه است دارای مقابر زیاد که ازانجمله از چند قبر که اکثر دو لوح دارد کتیبه هایش نقل میشود .

کتیبه اولین قبر :-

دردا و حسرتا که ز بیمهری سپهر	شد منخسف باوج جوانی مهٔ تمام
آن نوگل یگانه سرد او حقوق تمن	اعنی مهین محمد علی خان مهر فام
مهر وی و نیکخوی چو سلطان علی کرد	ماوا وجا ، بیا رگه وادی السلام
تا ریخ سال رحلت او زا ثر حزین	میکرد جستجو ز خود با صد اهتمام
پای نیا رکرد برون بهر رحلتش	زینگونه در قم که بهشتش رحق مقام
	۱۲۹۶

کتیبه دومین قبر

ز حادثات تو ای چرخ فتنه بار افسوس	ز انقلاب تو ای دهر کینه جوری فغان
بلند مرتبه خورشید اوج جاه و جلال	سپهر کوکبه سردار معدلت بنیان
سماء حشمت و شوکت محیط عز و شرف	رفیع مرتبه سردار پیر محمد خان

سیزده بود از ماهٔ شوال چون | کرد طیران روح او زینجا بناز
شد خربن در احهٔ حیرت غریق | تا برآورد گوهری از بهر راز
ملهم اسرار داد ش این نوید | (غم مدارید) بهر او تاریخ ساز

۱۲۹۹

۵ پهلوی احاطهٔ (میان عزت الله صاحب) بطرف مشرق قبریست که لوحش چنین کتیبه دارد:

میان علام رضا آنکه عارف حق بود | بسینه علم و بدل داشت خاص لورر ضا
پدید در دل اوز ازحال و آینده | عیان بآینهٔ خاطرش رموز مضی
برای فقر همیبود در رفع مملوک | محب خاص علی رض پیرو امام رضا
بگوش جان چو شنیدار جعی الی ربك | زعین صدق و بقین شد رضابامر قضا
بشد مجرد و بشتافت در حریم وصال | بیافت ارگل رویش ریاض قدس فضا
زپیر عقل حسن سال رحلتش جستم | ندا رسید که دریافت کن زلور رضا

ماده تاریخ (نور رضا) ست که ۱۲۵۷ میشود.

۶ بطرف مغرب احاطه قبریست کلوح خوردی مرقوم باین عبارت دارد.

الحکم لله — وفات مرحوم میر منور علی شاه ابن محمد علیشاه ابن میان عزت الله بتاریخ ۲۰ شهر ذی حجة الحرام چهار و نیم ساله بود که از دار فنابدار بقا رحلت نمود سنه ۱۲۷۱.

۷ قدری دورتر از احاطهٔ مذکور داخل باغچه بطرف جنوب قبری دارای دو لوح بوده لوح بالای سر مزین بکلمهٔ طیبه و آیة الکرسی و ابیات مناجات و کتیبهٔ طرف پا چنین است.

« تاریخ وفات مغفوره بی بی فخری جهان بیگم صبیه عبدالعزیز خان حرم سردار عطا محمد خان درانی بامرزائی درسنه ۱۲۱۲ هجری شده ٦٤ سال درینجهان فانی گذرانیده مرغ روحش از قفس تن ملول گردیده درسنه ۱۲۷٦ هجری قفس جسد فنی را شکستانده برحمت بیغایت الهی پرواز کرده در جهان باقی آشیان گرفت »

درین مقبره علاوه بر مزارا تیکه کتیبهٔ الواح شان مرقوم گردید بعضی مزارات دیگر نیز میباشد که نگارش الواح آنها از وم دیده نشد.

بعد ۷۸هفتاد و هشت سال حیات | زین جهان شد بنام نیک روان
سال فوتش سروش غیبی گفت | (حق عطایش کند بخلد مکان)

۱۳۱۹

حضرت قبله گاهی میفرمود در وفات پدر خود در بمبئی بر طبقهٔ رسمی دولت بودم پنجسال بعد که آمدم همین سنگ بر مزارشان بود مفهمیدم کدام یك از دوستان صمیمی شان ساخته باشد .

٤ متصل بمرقدجدامجد مزار قبله گاه فقیر است که تاحال موفق بساختن لوح مفصل نشده و از مرثیهٔ که در وفات مرحوم سروده بودم این چهار بیت را در سنگی خورد کنده و بالای قبر گذاشته ام که قبر غلط نشود امید است بزودی بتهیهٔ لوح لائقی موفق شوم .

ابیات مندرجه سنگ :

جناب قبله گاه بنده میرزا فضل احمد شان

که عمرش شد بدینداری ز فضل ایزد منان

بنظم و نثر بس ماهر ادیب و فاضل و شاعر

بهنگام بیان ساحر بتأثیر سخن طوفان

بعمر شصت و نه آنجو هر فضل و شرف راهی

ازین دنیای فانی گشت سوی ملك جاویدان

خلیل از سال ترحیلش شنید از غیب اینمصرع

(بود آرامگاه او بقرب رحمت سبحان)

۱۳٦۰ ه ق

۵ در همین نزدیکی بالای قبری سنگی است دارای نقوش و تحریر اما مرور زمان فرسوده اش نموده کـه قابل خواندن نیست طرف دیگر آن که در زمین بوده و شسته و پاك کرده شد این ابیات دران مندرج است .

گر من گنه روی زمین کردستم | لطف تو امید است که گیرد دستم
گفتی که بروز عجز دستت گیرم | عاجز تر ازین مخواه کاکنون هستم

• • •

گذا شت عا لم فا نی ... ما قی کرد — بسوی روضهٔ رضوان اندر و دنقل مکان
ربیع الاول بیست و ... بیکشنبه — ازین جهان فناشد بسوی خلد روان
شدی چو طالب ... شد — بقرب عفر الهی برحمت سبحان
۱۲۷۸

از کتیبهٔ قبر ... چنین ... شد

و فات بی بی ... بیگم ... دار پیر محمد خان ۱۵ شعبان سنه ۱۲۸۰
کتیبه قبر چهار ... این است :

... — کز و هر گز اند یده م خاطری شاد
... — قد ی کز وی خجل شد سرو آزاد
... — عفیفه بی بی مریم جهان ساشاد
... محمد ... — فلک زین غم دلش را داغ بنهاد
... — قضا چون ارجعی را او رضا داد
... — در و ز جمعه ... در خاک جاداد
... تاریخ ... — هزار و سه صدو هشتاد ربا یاد

۲ ملحق باحصهٔ ... پارت ...

... (طو جان) معروفه (آ قا جان)
... محمد خان و بعضی اقارب شان مدفونند تاریخ وفات
... روز چارشنبه ۸ جمادی الاول سنه ۱۳۴۹ ه ق است
این ... از طرف دیگر صاحب علم و هنر
و در ... و ... بقدر دانی است خدایش
بیامرزد .

۳ طرف ... این زیارت قبرستانی اجدادی نگار لده
است ... قبر ... بنده کدام کس از دوستانش
... این است .

شاعر و منشی و محاسب فرد — صاحب الجود و بخشش و احسان
زبدهٔ نسل شیخ احمد جام — ذوالفضل میرزا محمد جان
آنکه در حسن خلق حق جو ... — بود در عهد خود وحید زمان

زیارت بابای غوری

الف : خود این زیارت

از مزار عاشقان و عارفان بطرف مشرق بفاصلهٔ تخمیناً سه یا چار صد قدم در دامنه کوه زیارتیست مشهور به بابای غوری . این زیارت حاوی یك احاطه دارای مقابر زیادی بوده در میان احاطه قبریست که صندوق سنگ آن مکعب مستطیل دارد ، بالای سنگ مذکور یك سنگ قدیمی گهواره نما هم نصب شده که بطرف پای آن چنین مرقوم است .

« تاریخ وفات مرحوم مغفور بابا شاه غلام الله پسر ابن محمود ترکمان سنة ۱۱۳ » سنه این مزار قابل تأمل است گمان میرود در تحریر هنگام نقر ارقام اشتباه شده ؟ دیگر معلومات راجع بشخصیت این بزرگوار نیست اما نزد مردم خیلی محترم است و در داخل محوطه مذکوره قبرهائی بزرگ وار خشتی مرتب شده اند از حاجی عبدالحمید تاجر معروف کابل و برادرش شهید شیر احمد آغا پسرش و غیره خانوادهٔ وی است .

ب . ملحقاتش

۱ نزدیك بطرف غربی این زیارت احاطه ایست دارای مزار زیاد که از انجمله از چند قبر که اکثر دو لوح دارند کتیبه هایش نقل میشود

کتیبه اولین قبر :-

دردا و حسرتا که ز بیمهری سپهر	شد منخسف باوج جوانی مهٔ تمام
آن نوگل یگانه سرو ارم قدی	اعنی متین محمد علی خان مهر فام
مهر وی و لیکخوی چو سلطانعلی که بد	او را چو جان برادر که والدی السلام
تاریخ سال رحلت او را ز رحم زین	میکرد جستجو ز خود با صد اهتمام
پای نیاز کرد برون بهر رحلتش	زینگونه زد رقم که بهشتش رحق مقام

۱۲۹۶

کتیبه دومین قبر

ز حادثات تو ای چرخ فتنه بار افسوس	ز انقلاب تو ای دهر کینه جوی فغان
بلند مرتبه خورشید اوج جاه و جلال	سپهر کوکبه سردار معدلت بنیان
سماء حشمت و شوکت محیط عز و شرف	رفیع مرتبه سردار پیر محمد خان

زیارت سیدمرد

این زیارت در زیر کوه شیر دروازه نزدیک سرك بالا جوی عقب خانهای چنداول گنبدی است کلان درمیان گنبد چهار صندوقه سنگ مکعب مستطیل مرتبه دار و (قرار بیان مجاور) زیر گنبد سردابه است ، سه سنگ پهلو بپهلو و یک سنگ پا یان پای آنها میباشد ،

۱ ازسنگهای پهلو بپهلو سنگ وسطی ، کلانتر بوده و در بالای سر آن کلمهٔ طیبه ، طرف دو ما نــی منقش ، طرف راست وچپ آیة الکرسی شریف بخط خوش ثلث ، طرف پا بخط فارسی کنجوش قلم نمیباشد چنین تحریر است :

آن میر مؤید پسندیده صفات ‌ ‌ ‌ ‌ ره هر علم بر علا داشت کمات

چو نقطع نظر کرد ز اقالیم حیات ‌ ‌ ‌ ‌ در نهصدو پنجاه و دو میافت رفات

۲ سنگ طرف چپ که ازسنگ وسطی کمی خوردتر است بدیگر اطراف آن آیات قرآنی و طرف پا بفارسی قلم چنین مرقوم است :

آن امیر حی کـه مارا بود از وصد افتخار

رفت در قرب جوار رحمت معبود حی

از سقا هم ربهم آمد ندا درگوش جان

درکشیده از شهادت شربت لا جرعه وی

خواستم تاریخ از بهر شهادت گفت عقل

از شهیدان میرود سلطان محمد دولدای

۹۳۵

بقرار سنجش هم حروف مصرع آخر بتمام متضمن ۹۳۵ بحساب حمل میشود

۳ طرف راست سنگ وسطی ، سنگ بسیار کلان بوده میاله میباشد ، بالای سر و طرفین مزین بایات قرآنی و در حاشیه های طرفین برسم الخط قدیمهٔ بخاراییها ماننده بفارسی نوشته دارد لیکن خوانده نشد ، بطرف پا چنین مرقوم است :

بقیهٔ صفحهٔ ۱۳۲ ‌ ‌ آنکه جان بخشیدو روزی رادر چندین لطف کرد

هم ببخشاید چو بخشد استخوان پیند مرا

جای تأسف است که همانطرف سنگ که نام و تاریخ داشت بکلی خورده شده نتوانست .

بعد ۷۸ هفتاد و هشت سال حیات — زینجهان شد بنام نیک روان
سال فوتش سروش غیبی گفت — (حق عطایش کند بخلد مکان)
۱۳۱۹

حضرت قبله گاهی میفرمود در وفات پدر خود در بمبئی به طیفهٔ رسمی دولت بودم پنجسال بعد که آمدم همین سنگ بر مزارشان بود نفهمیدم کدام یك از دوستان صمیمی شان ساخته باشد .

۴ متصل بمرقد جد امجد مزار قبله گاه فقیر است که تاحال موفق بساختن لوح مفصل نشده و از مرثیهٔ که در وفات مرحوم سروده بودم این چهار بیت را در سنگی خورد کنده و بالای قبر گذاشته ام که قبر غلط نشو دامید است روزی بتهیهٔ لوح لائقی موفق شوم .

ابیات مندرجه سنگ :—

جناب قبله گاه بنده میرزا فضل احمد خان
که عمرش شد بدینداری ز فضل ایزد منان
بنظم و نثر بس ماهر ادیب و فاضل و شاعر
بهنگام بیان ساحر بتأثیر سخن طوفان
بعمر شصت و نه آنجو هر فضل و شرف راهی
ازین دنیای فانی گشت سوی ملک جاویدان
خلیل از سال ترحیلش شنید از غیب اینمصرع
(بود آرامگاه او بقرب رحمت سبحان)
۱۳۶۰ ه ق

۵ درهمین از دیکی بالای قبری سنگی است دارای نقوش و تحریرامامرور زمان فرسوده اش نموده که قابل خواندن نیست طرف دیگر آن که در زمین بوده و شسته و پاك کرده شد این ابیات دران مندرج است .

گر من گنه روی زمین کردستم — لطف تو امید است که گیرد دستم
گفتی که بروز عجز دستت گیرم — عاجز تر ازین مخواه کاکنون هستم

* * *

نظریه

درین گنبدی که چهار صندوق سنگ قرار دارد فوق دیده شد دو سنگ کلانتر آنها از روی دقت واضح میگردد که همان تحریری حدپای (که مرادنام باشد) و بخط فارسی مرقوم است دوثانی شده ، بچند دلائل : ۱ تمام تحریرات آن بخط فارسی ثلث است واین بخط لهجهٔ فارسی ۲ از باقی بودن علامات فتحه وکسره که بعد از حک شدن اصل خط ثلث آن فتحه وکسره را حک نکرده اند که درعین تحریرات فارسی در انجا باقیمانده ومعلوم دار است ۳ طریق کندن و صفا کردن متن تحریرات این سنگ نهایت زیبا ست واز ین حصه برخلاف آن ممکن است سنگها راسنگ تراشان پیشتر ساخته و برای فروش آماده مینمودند وباز هرکسی برای قبر میت خود خریده در طرفهای اسم و تاریخ فوتی را در ثانی حک میکرد ؟

«تاریخ وفات مرحومهٔ مغفوره او مان آغا بنت جناب ... امیر سلطان محمد دولدی سنه ۹۳۵ »

٤ سنگ طرف پای سه سنگ مذکوره : طرف فوقانی منقش، باقی اطراف مزین بایات مبارکهٔ قرآنی ، طرف پا چنین مسطور است :

«تاریخ وفات مرحوم المغفور .... باقی خوانده نشد .

پهلوی گنبد مذکور یک احاطهٔ خورد و یکدست خانهٔ علیا و سفلی دارد که خانهٔ علیای آن سه دانه ارسی میباشد ، در احاطهٔ مذکور قبر آقا سکندر مجذوب (که لوحه سنگ ندارد) و قبور زیاد دیگری هم میباشد ، کبوتر خانه و مجاور خانه نیز دارد .

* * *

از این زیارت بطرف مغرب تقریباً (٦۰ قدم) دورتر (جانب شمالی راه) سنگ صندوق نمائیست دو تکه یکرنگ و یکساخت که متصل بهم گذاشته شده ، کلمات طرفین عبارات عربی و آیات قرآنی بوده (مقصد بخوبی مفهوم نمی شود) بطرف فوقانی ، جانب سر کلمهٔ طیبه و بسطح جانب سر « توفی الامیر الاعظم امیر سنجری ابن شیر نوغا . »

سطح جانب پا : « تاریخ وفات المرحوم المغفور قاسم علی ابن امیر مرحوم خواجه خالدار سنه ۹۵۱ »

ازجوی بالا جوی بالا نر زیر کوه شیر دروازه (ازسنگ دو تکهٔ مذکور تقریباً ۷۰ قدم بعید) صندوق سنگ مکعب مستطیلی است : طرف سر : قل کل یعمل علی شاکلته . صدق مانطق ، طرفین راست و چپ آیة الکرسی شریف ، طرف فوقانی نقش و قال الله تعالی کل من علیها فان و یک حصه تراشیدگی و پریدگی ، طرف پا : و فی فی سابع عشرین جمادی الاول سنه ۸۹٤ اسم او معلوم نشد

ایضاح :

سنگ دو تکهٔ مذکور ازاینکه هردو تکه یک موافق و یک ساخت و رنگ است احتمال میرود که یک صندوق سنگ مکعب مستطیل بوده شکسته است وازینکه بالای سر یک اسم و طرف پا دیگر اسم است ، چون غالباً اسمای اموات بجانب پا مرقوم میباشد مظنه میرود که هر دو تکه جانب پای دو نفر بوده بهم وصل گذاشته شده باز هم خداجل شانه بهتر میداند .

گنبد پیر اکرم خان

در دامنهٔ کوه شیر دروازه محاذی زیارت عاشقان و عارفان گنبدی است از سنگ وگچ و چونه منقسم بدو حصه یک حصه مسجد و میان حصهٔ دیگر قبر صوفی پیر اکرم خان است نام صاحب مرقد صوفی شیر محمد است که سردار محمد اکرم خان پسر امیر دوست محمد خان بوی اخلاص مزید وارادت داشته چون سردار موصوف دارای شهرت بود وبانی این مسجد ومقبره هم اوست بناء شهرت بنام پیروی گرفته و بعضی مردم (قبر صوفی) هم میگویند ولی بیشتر بهمین نام مشهور است ، کتیبهٔ که در سنگ مرقوم یافته بالای محراب مسجد نصب و بدینقرار است : —

این روضهٔ منور پرنور باصفاست	این منزل شریف نظرگاه اولیاست
این مسجدیست سجده‌گه اهل معرفت	در دهر اهل غرض را ازین دراست
صوفی صاف شیر محمد ولی حق	کز ما سوا بریده وپیوسته باخداست
او صاف او نه حد زبان بشر بود	تحت قبای حق بود حق برین گواست
بانی این بناز سر صدق ومهر وفضل	سردار محمد اکرم باجود باعطاست
جستم ز عقل رخصت تاریخ این بنا	گفتا بکن که مرقد صوفی باصفاست

۱۲٦۲

احفاد این صوفی باصفاو عارف راه خداوجود داشته بلکه صاحب خانقاه میباشند ازانها راجع بسوانح ایشان مکرر تقاضا کردم وعده داده اما بوعده ایفا نکردند . قبر سردار موصوف خارج مقبره درهمین جا که زمین هموار کرده شده تقریباً در پهلوی پیش واقع است اما سنگی ندارد .

* * *

در پایان این دامنه کاریزی است متصل بکاریز قریب بزیارت عاشقان و عارفان قبرستانی که در آن آبا واجداد مرحوم عبدالغفور ندیم وخود او مدفون اند از دیگران لوائح دارد اما ازخود ندیم ندارد ، این مصرع قاری مرحوم حاوی سنه فوت اوست (داشت رونق منزل دل از ندیم ۱۳۳٤ ه ق) .

قبر شیخ محمد رضا

این مرد صاحب کمال در هر علم و فن معلومات و دسترس کاملی داشت، در اقسام خط ماهر بود، قریحهٔ شعری و معلومات تاریخی و اطلاعات نجوم و غیره را هم بوجه خوب داشت.

آثار فنی و علمی از وی بسیار مانده خواهد بود، اما آنچه واضح است یک جنتری اختراع اوست که) برای دائم کار میدهد ولی معلوم نیست حالا بکجاست؟ دیگر کتابی بنام (نزهت الالواح) ثبت اکثر لوائح مزارات غزنیست که نقل لوح را بصورت خود لوح بر داشته وحالا این کتاب درموزهٔ کابل است، همچنین کتاب دیگری درتفصیل و تعریف سکه ها تالیف اوست که نوع سکه را بصورت خودش اگر در طلا بوده بورق طلا عیناً صورتش را ساخته و درصحائف کتاب طوری نصب کرده که گمان میرود خود مسکوک است واگر در نقره بوده در ورق نقره بهمان صورت ترتیب کرده که حالا این اثر او هم درموزهٔ کابل است.

قبرش در محاذی زیارت سیدمرد طرف جنوب که راه عام فیمابین فاصل است احاطهٔ خوردی بسنگ عادی کشاده شده و خود قبر بسنگ رخام تعمیر یافته و درسنگ بالای قبر آیة الکرسی شریف بخط ثلث و بلوح بالای سر این ابیات بخط فارسی ارقام یافته:

شیخ محمد رضا نابغهٔ نامور — عالم کامل صفت فاضل نیکو سیر
خط خوشش هر کجاهست بچندین رقم — بود در انواع علم مطلع و بهره ور
جنتری دائمی ساخت که ایام ما — ماضیه بدهد نشان ز آتیه گوید خبر
در سنهٔ یکهزار و سه صد و شصت و یکم — پیا از ده صفر کرد ز دنیا سفر

بخورد رار گک کابل می ، بگر ان کاسه پی دربی

که هم کوه است و هم دریا و هم شهر است و هم صحرا

زاید برین چیزی نیافته ام ، تاجائیکه افواهات است و مردم شهرعزیز ما حکایه مینمایند بسه روایت است :

۱ ـ جمعی عقیده دارند : که خواجه صفا وخواجه وفا که حالا به (خواجه روشنائی کسب شهرت نموده) و تخمیناً دو صد متر ازمدفن خواجه صفا پائین تر و بدامنه کوه یک گنبد خورد سنگ پوش ، ر میان گنبد قبری بدون لوح است و چشمهٔ آب جاری هم دارد ازجملهٔ افواج صحابه رض میباشند که حین فتح کابل بشهادت رسیده اند .

۲ ـ بعضی میگویند خواجه صفا خاك روب ، وخواجه روشنائی چراغـدار همان افواج اسلامی بوده اند .

۳ ـ عدهٔ خبر میدهند که هردو ذوات پسران حضرت شیخ الاسلام خواجه عبد الله انصاری پیر هرات رح واعمام حضرات عاشقان و عارفان که پسران حضرت جابربن شیخ از ند ، میباشند واینها همـه غیر مستند بـوده بیشترجنبهٔ افسانـوی وفولکلوری دارند . »

این مقام دلکش و زیبا درسابق نیز عمارات مختصری داشته ، اما عمارت نظر ربا و عالی و سرك های مارپیچ آن که بعد از طی ، هشت دوره نائل باصل عمارت میگردد درعهد امیر حبیب الله خان شهید تعمیر شده وتاریخش را ذوقمندان بملاحظهٔ کثرت ار غوان آ. موضع (ارغـوان اینجا ۱۳۲۳ ه ق) یافته انـد وتاریخ تعمیرش درسنگی که باول مرحله بنظر بینندهٔ میخورد واز طرز خط میرهن میگردد بـقلم خطاط معروف آن وقت میرزا محمد یعقوب خان مرحوم تحریر ونقر شده بدین عبارتست « هذا بقعه موسوم بخواجه صفا نظرگاهیست بانزهت و صفا و نظاره است خوش آب و هوا ، درزمان سلف چنانچه شاید درآبادی وتعمیرآن پرداخته چند حجرهٔ که از سنگ و گل ساخته بودند آنهم مخالف اسلوب هندسی بوده بواسطهٔ امتداد زمان رو بخرابی و ویرانی آورده بود . از آنجا که همت والا نهمت شهریار عدالت قرین اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان درالی بارکزائی محمد زائی همواره مصروف آباد السی ملك

خواجه صفا

این مقام عالی وزیبا واین محل نظرفریب ونزهت افزا، که در وسط کوه شیردروازه با رتفاع تقریباً ۲۶۰ - ۲۷۰ متر از سطح کابل واقع است مدفن یکی از بزرگواران است که بهمین اسم (خواجه صفا) شهرت دارد.

در کتب راجع باحوال شان چیزی بنظر نگارنده نخورده و کدام تتبع هم ندارد مختصر تذکاری که در تزک شهنشاه بزرگ مغل اعلیحضرت ظهیرالدین محمد بابر بادشاه تحت وقائع ۹۰۸ راجع باین حصص کابل میباشد و آنهم نامی از خواجه صفا نمیبرد چنین است «درجانب جنوبی قلعه و شرقی شهر کابل یک کول (۱) کلانی افتاده گرداگرد او یکمیل شرعی از دیاک میشود و از شهر کابل بکابل سه چشمهٔ خورد برآمده دوی از ان در نواحی گلکنه (۲) است بر سر یک چشمه خواجه شمو نام مزاری است (۳) و در چشمه دیگر قدمگاه خواجه خضر است، این در گشتگاه مردم کابل است، یک چشمه دیگر روبروی خواجه عبدالصمد است (٤) خواجه روشنائی میگویند، از شهر کابل یک پنی گاهی جدا شده آمده عقابین میگویند ازینها جدا شده یک کوه خورد دیگر افتاده ارگ کابل بالای این کوه است، قلعه طرف شمال ارگ است این ارگ غریب مرتفع و خوش هوا جای واقع شده این کوه کلان (۵) بسه اولانگ دیگر سیه سنگ، سونک (٦) قورغان و چالاک باشد مشرف است، تمام اینها زیر پایند، اولانگها در محل سبزی بسیار خوب مینماید در بهار باد شمال هرگز کم نیست، باد پروان میگویند، در ارگ بطرف شمال از خانه ها دریچه دارد بسیار خوش هواست، ملامحمد طاهر معمائی در تعریف ارگ کابل یک بیت باسم بدیع الزمان میرزا بسته وی خوانده بیت :-

---

«۱» مراد از چمن جبه کهنه است که تا بیبی مهار امتداد داشته.

«۲» مراد ازین گلکنه خندق دهن جبه کهنه خواهد بود؟

«۳» احتمال دارد چشمهٔ زیارت جانباز باشد زیرا اسم محضه اش را خواجه شمس الدین میدانند خواجه شمو مخفف آن باشد.

«٤» مقصود از مزار حضرت عاشقان وعارفان علیهما الرضوان است، زیرا اکثر محققین اسم حضرت عارفان را عبدالصمد و از عاشقان را عبدالسلام دانسته اند، در آئین اکبری که عبدالصمد بخواجه روشنائی تذکار یافته نیز مدال این خبر است.

«۵» اولانگ چمن است.

«٦» سونک، سمونک، قورغان، چالاک، مراد از چمن ده خداداد و چمن وزیر خواهد بود.



مربوط صفحة ١٤٠

و ملت افغانستان خاصه آبادی بقاع خیر بوده میباشد ، در آبادی این بقعه امر فرمودند ، بموجب امر جلیل القدر اعلیحضرت همایونی بتاریخ ۳ ماه ربیع الاول سنه ۱۳۲۳ هجری آغاز بنا در ۱۷ ماه شوال المکرم سنه ۱۳۲۳ موصوفه اتمام آن شده این سطور بطریق یادگار درین سنگ زینت ارتسام یافت ،

این عمارت حاوی بر چهار مرتبه و بطول ۱۷۰ قدم مهیا شد از طرف علیا بحصهٔ شمال مرتبهٔ اول یک اطاق کلان جانب شرق دارای یک ارسی دروازهٔ ودو گلکین وطرف شمال یک دروازه در آمده . نه طاق موجود یک یک دروازه موجود و تماماً مکمل و آباداست و در حصهٔ آخر آن مسجدی مهیا شده ، در مرتبهٔ دوم آن بطرف حصه آخر حظیره این مرد با شهرت است که بطور اطاقی آباد و دروازه هم دارد ، و باتصال آن جای رها یش با غبان ، مجاور بن آن بنا یافته است . در مرتبهٔ سوم مذکور محل چشمه آب است که دائماً بقدر پنج سانتیم و در اوائل بهار باندازهٔ پانزده سانتیم جریان دارد ، مرتبه چهارمش تنها گلکاری واشجار است لیکن بهر چارمرتبه مذکور بطور صفه سطح هموار ی وجود دارد که پیش روی آنها بکنارهٔ چوبی آراسته است . سه مرتبه علیائی یکی بدیگر بواسطه زینه راه دارند امامرتبه چهارمین بجز راهیکه سرك ادنئ آن منتهی میشود ، واز همین طرف هر چهارمرتبه یکی بدیگر وصل میگردند و راه عمومی هر چهار مرتبه است دیگر راه و زینه ندارد . این مقام دلپذیر از یکطرف بآب وهوای صاف وشسته و فضای وسیع و فراخ و از طرف دیگر بزیادت اشجار ارغوان که همین حصه و اطرافش ارغوانزار انبوه این کوه پاسند گفته میشود خیلی جالب انظار و کشندهٔ دلهای اهالی بطرف خود است ، علاوه براشجار ارغوان که از سالیان دراز غرس شده و صورت طبیعی را بخود گرفته در خود این محل اشجار دیگری بکثرت وجود دارد که از جمله درختان بادام میباشد و در وقت شگوفهٔ خود چندان جلب انظار میکند که مردمان کامل ابدا خودداری نمیتوانند ولی یکدفعه طی این ارتفاع را نکنند بمسافهٔ دوصد قدم بالاتر کبوترخانه نیز از خشت پخته عمیر یافته که بمتصل آن اطاق گدام دانه کبوتران نیز آباد شده ، و درسابق کبوتران زیاد در آن آشیان داشته و گدام دانه از دانه پر میبود و پرورشیه بمصرف آنها میرسید حالا کبوترخانه و اطاق دانه شان بر جای

ولی کبو رود اندر ان وجود ندارد .

میلهٔ خواجه صفا همه ساله از آغاز برج حمل الی برج جوزا دوام دارد، و چایخانه ها حصه بحصه از دامنهٔ خواجه صفا الی حد خواجه روشنائی و فروتر از ان برپا بوده دکانها و انواع نمایشات ملی و بازیچه های اطفال موجب مسرت تماشاچیان و تفریح کنندگان را فراهم مینماید، علاوه بر همه چیز یکه بیشتر سبب هجوم مردم بآمدن اینجا میگردد وسعت نمایش آن است که تقریباً تا حدود دوازده کروهی اطراف شهر را بناظرین نشان میدهد که در موسم بهار زمین آن از سبزه چون صحن بهشت بفرش زمردین آراسته و درختانش از برگ و بار چون حوران جنان بقبای استبرق پیراسته است، قریب شام که وقت تنویر چراغهای شهر است ازین مقام رفیع روشنی چراغهای برق، شهر کابل را بصورت یک آسمان پرستاره در نگاه ناظرین جلوه میدهد خصوصاً درین چندسال که فراز کوه هم برق برده شده و بنده در ضمن مقالهٔ از رئیس بهار و آقای غلام محمد خان فرهاد که باریاست بهار و ال در ریاست برق هم دخالت داشتند تقاضا کرده ام که درینجا نیز برق آورده شود و بعد از نشر همان نوشته بلا معطلی دوازده چراغ درینجا برده شد، خاص برای استفاده ازین منظرهٔ بدیع اکثر کسانی که از هوای فرح بخش و تماشای اراضی سرسبز و شاداب تحت انظار اینجا مستفیض شده اند ادای نماز شام را در مسجد شریف آن نموده سپس فرود آمده نظارهٔ نظرفریب شهر نورانی و مزین بچراغهای خود را از مغتنمات دانسته شادان و تازه دماغ آهسته آهسته بطرف خانهٔ خود روان میشوند . (۱)

«۱» اتفاقاً از دو سه نفر اهالی پنجشیر شنیده ام که در بین دو آب پنجشیر که بطرف درهٔ پنجشیر رود درهٔ خاواک میرود زیارتی بنام خواجه صفا موجود است و سنگی هم دا . که این دو بیت از تحریر سنگ بخاطره شان بوده .

در میان دو آب خواجه صفا ست — منزل و جای او بعرش خدا ست

گرد برگرد خواجه مردانند — چون بلا را ولی بگردانند

مصحف یاد داشت ثبت افتاد

زیارت بابای خوردی علیه الرحمه

این زیارت از زیارتهای خیلی باشهرت کابل و مرجع عموم وگذری بنام قاضیش موسوم و در همان گذر زیارتش دارای مجاور خانه و احاطه کلانی است در مابین احاطه عمارت خوردی و در وسط آن مرقدحوضش محاط بکتاره چوبی بوده لوح سنگ ندارد و دیوار این عمارت صورت محراب این زمیباشد ، شخصیت این جناب روشن نیست

قرار بیان ولی محمد ولد ملا امین محمد شریف متولی : بابای خوردی برادر بابا ولی صاحب و بابای غوری و بابای کیدانی و سید میباشند اما این نسبتها بی اساس است وبعضی جناب موصوف را بابای سماسی هم حدس زده اند ولی جز اشتباه چیزی نیست زیرا بابای سماسی همان عارف امیست که پیر حضرت میرکلال و ایشان مرشد حضرت شاه نقشبند رحمته الله علیهم میباشد و قدمی در ین خاك نگذارده و مرقدش هم در وطنش آشکاراست.

درین اوقات مرقد حضرت بابای خوردی را شخصی بسنگهای مزین و زیبا تجدید بنا کرده و از بنده خواهش کرد تا در ان چیزی بنویسم از عدم معلومات خود عذرخواستم مجاور یادداشتی از شخص دیگررا چندی بعد برایم ظاهر کرد که بنام بابای سماسی چند بیت برای آن انشاد کرده بود جداً از او شتن آن ابیات مانعش شدم بهر حال با آنکه معرفی جناب شان را بتفصیل موفق نشده ام در مقام روحانی و شخصیت عرفانی شان جای حرف نیست که از سالیان دراز مرجع اخلاص هموطنان است خدا کند بنده یا کسی دیگر از هموطنان بمعلومات بوره در بارهٔ شان موفق شویم .

درین احاطه پهلوی خانهٔ زیارت موصوف حاجی میرزا محمود خان که در عصر امانی چندی وزیر مالیه بود و از مریدان حضرت صاحب چاربا غ (ضیاء المعصوم مجددی) میباشد حجرهٔ خوردی ساخته و دیوار خانهٔ زیارت را برداشته هرد و خانه را یکی ساخته و پسرش که فوت شد در آنجا دفن کرده وخودش را هم در همینجا دفن نمودند سال رحلتش درین جمله مندرج است (عاقبت محمود رفتی ۱۳۶۱ ه ق)

قبر حاجی شهنواز خان برادر ش نیز در نزدیك وی است ، مرحوم قاری ملك الشعرا

خواجه روشنائی

نام صاحب این مزار [illegible] خواجه صفا
پائین دامنهٔ کوه [illegible] دارد
چشمهٔ آب جاری در [illegible] کرده
در ضمن خواجه صفا از [illegible] ثابت شد.

پایان این مزار در ابتدای [illegible] سنگ و سمنت
ساخته شده و از [illegible] بسم الله شریف
و کتابهٔ [illegible]

بود قبر خواجه [illegible]   [illegible] مقیم
مزاری [illegible]   [illegible]
گذشتند [illegible]   [illegible]
در آخر به بیت [illegible]   [illegible] نعیم
شد آگاه از سال [illegible]   ([illegible])

۱۳۰۷ هـ - ق

از خدا غفران به آن مرحوم خواه　　از طفیل بهترین پیغمبری
آنکه ذات اشرف والای اوست　　ذات بیرنگی نشان را مظهری
تا نماید مرغ روحش آشیان　　در بهشت خلد با کرّ و فری
روز و ماه و سال نقلش را خلیل　　زد رقم در بیت حیرت آوری

همچو بلبل طرف گلزار شد
هژده ماه محرم زد پری

۱۳۶۷ ه‍ ق

متصل دیوار سمت قبله زیارت از قبر پست و بالای آن سنگی صندوقی مسطح طرف سر مزین با آیات قرآنی و باقی سطوح منقش و بسطح طرف پا مرقوم:
«تاریخ وفات خواجه نور الحق فراش بن گل خواجه ۱۲۰۱»



استخراج [illegible] تاریخ [illegible] چون [illegible]

[illegible] را [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

متصل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از طرف

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ارادت

وجود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شد که

در ۶۷ بیت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نوشته اند :

در دل این [illegible] [illegible]   [illegible] [illegible] گستری

[illegible] [illegible]   [illegible] [illegible] پیکری

[illegible] [illegible]   [illegible] [illegible] [illegible] عطری

[illegible] [illegible]   [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]   [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]   [illegible] [illegible]

از [illegible] [illegible]   [illegible] [illegible]

کس [illegible] [illegible]   [illegible] [illegible]

این در [illegible] [illegible]   [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]   [illegible] [illegible]

[illegible] می‌شناسد [illegible]   [illegible] [illegible]

گاه گوید [illegible]   [illegible] [illegible]

گاه گوید [illegible]   [illegible] [illegible]

گاه میگوید [illegible]   [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]   [illegible] [illegible]

گاه میگوید [illegible]   [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]   [illegible] [illegible]

از [illegible] [illegible]   چون [illegible] [illegible]

از خدا غفران به آن مرحوم خواه — از طفیل بهترین پیغمبری
آنکه ذات اشرف والای اوست — ذات بیرنگی انشان را مظهری
تا نماید مرغ روحش آشیان — در بهشت خلد با کرّ و فری
روز و ماه و سال نقلش را خلیل — زد رقم در بیت حیرت آوری

همچو بلبل طرف گلزار عدن
هژده ماه محرم زد پری

۱۳۶۷ هـ ق

متصل دیوار سمت قبله زیارت از قبر پست و بالای آن سنگی صندوقی سطح طرف سر مزین با آیات قرآنی و باقی سطوح منقش و بسطح طرف پا مرقوم:

«تاریخ وفات خواجه نورالحق فراش بن گل خواجه ۱۲۰۱»



استخراج تاریخ فوتش را چنین نموده.

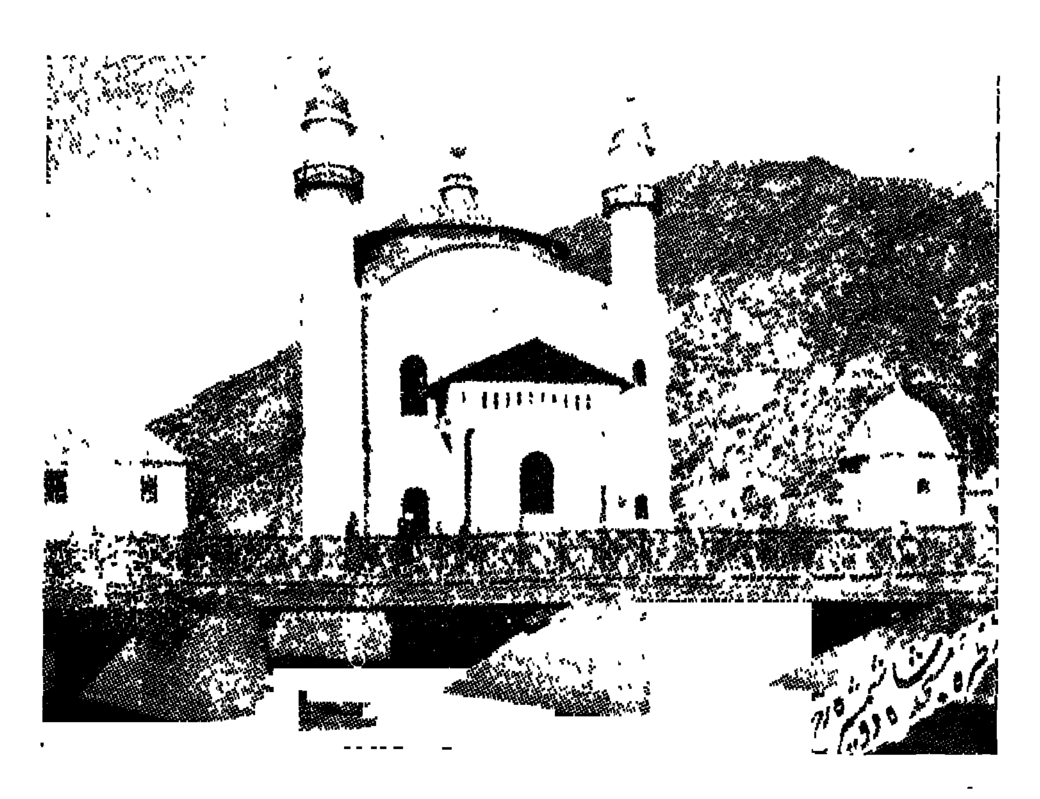
سنه را برکشید خامه و گفت | شهنواز از پی بسرا در رفت

متصل بهمین مقابر گوشهٔ عابدین درایں قبر دختر جوان حاجی شهنواز خان از طرف شوهر آن مرحومه تعیین شده و قبر زیبائی ساخته و بر آن لوحی بخط خوش افراخته و چون در عین جوانی فوت کرده مرثیهٔ برایش ازینجانب تقاضای زیاد شد که در ٦٧ بیت نوشته بودم و از انجمله این ابیات را در سنگ نوشته اند:

در دل این خاک خفته گوهری | گوهری از مهر و مه رخشان تری
خانم باعفت عبدالکریم | نخل باغ عصمت و سیمین بری
دختر حاجی محمد شهنواز | خوش جمالی خوش گلی خوش منظری
از قضا مسموم شد در سن سی | از خطای چارهٔ چاره گری
نامراد و از جهان نادیده کام | با دل پر حسرت و چشم تری
طفلکی را مرده زاد بعد از آن | رفت از دنیا چو باد صرصری
از بهار و باغ عمر او نماند | آه یک گل نی پسر نی دختری
کس بمرگ خانمی کم دیده است | غصه ور چون شوهر او شوهری
این دو ان همفکر و همسن بوده اند | گوئی مشتق بوده انداز مصدری
بوده اند از اتحاد و دوستی | آن یکی آئینه دیگر جوهری
بر سر خود می شناسد همچو شمع | آتش سودای او را افسری
گاه گوید ای (ثریا) بی رخت | میخ چشم من شده هر اختری
گاه گوید آه (گلجانم) کجاست؟ | تا چو بلبل سر کنم شور و شری
گاه میگوید چرا از گرد و خاک؟ | بر رخ زیبا کشیدی چادری
بر فکن این چادر و بنما مرا | آن رخ بهتر ز گلبرگ تری
گاه میگوید چو می آید بخویش | آنچه من دیدم نبیند کافری
یا الهی مرگ دختر و عروس | باز در عالم نبیند مادری
از کسوف قبر یارب دور باد | چون رخ او باز مهر انوری



مربوط به صفحه۱۴۶



مر ، ط به صفحه ۱۴۶

زیارت شاه دوشمشیره (علیه الرحمه)

مرقد این ذات مبارك (که تاکنون شخصیت بزرگ و معظمش بصورت یقین باین ناچیز واضح نشده) از آغاز پرتو اندازی دین مبین اسلام در وطن عزیز ما الی حال واجب الاحترام و مرجع خاص و عام است ، مسجد یکه مقابل مزار موصوف است هم نخستین عبادتخانه ایست درین خاك که مطابق رسوم آنوقت خود اعراب بهرجا مقیم میشدند در او این وهله خصوصاً متصل مزار شهدا بنا میکردند . البته شك نیست که از انوقت تاحال این مسجد مبارك چندین بار انهدام یافته وتجدید شده چنانچه عمارت دو منزله پخته کاری زیبا و متین حاضره اش در عصر شاه سابق امان الله خان از طرف والده اش ملقبه سراج الخواتین در سنه ۱۳۰٦ هـ ش انجام یافته که درسنگی تذکر آن تحریر و بطرف شرقی دیوار طرف بیرون نصب است خود زیارت بفاصله عرض یک جاده عمومی در ینوقت موسوم بجادهٔ احمدشاهی که بین مسجد و مزار است در حصه بلندی واقع و دارای احاطه وسیعیست ، درین احاطه گنبد پست و در ان گنبد دو قبر دارای صندوق سنگهای مزین و زیبا ، در بالای صندوق سنگ اول دریك تخته سنگ (ازطرف مغرب) مرقوم است : بسم الله الرحمن الرحیم . و این بقعهٔ مبارکه که آثار تعمیر سابقهٔ او از باعث طوالت ایام منهدم گردیده بود در زمان فیض اقتران خلیفة المسلمین اعلیحضرت حامی دین مبین امیر حبیب الله خان سراج الملة و الدین دام ظلال حمایتهم علی رؤس المسلمین که اکثراً مسجد های شریف و قبور اهل الله حنیف در شهر های متعلقه خداداد شان تعمیر و بناهای جدید عالی یافته است کمترین خدمتگار ان صادق شان محمد حسین مستوفی الممالك که از برکت تربیت مبارك اعلیحضرت سرفراز بوده ام و بهمجواری بقعهٔ مبارکه مفتخر بوده ام این تعمیر جدید را نمودم و ببرکت ارواح شریف این آرام یافتهٔ بقعهٔ مبارکه ترقی دوام سلطنت اسلامی را بدعای عمر پادشاه معظم ممدوح خواهانم تحریر شهر ربیع الاول سنه ۱۳۳۳ هجری .

این سنگ مرقومه را تقریباً ۱۷ سال قبل که دیده بودم طوریکه تحریر شد بالای قبر اول بود در یک دو سه سال بعد آن در وقتیکه مرحوم دوست محمد خان ازبك رئیس حجاری بود سنگهای این مزار را تجدید نمود که

حالا سنگهای بسیار اعلی بالای مزار بصورت ساده نصب و آنسنگ مرقومه در دیوار بیرونی گنبد نصب میباشد .

قبر دوم صندوق سنگ دارد ولی چیزی در المرقوم نیست .

دریک تیکهٔ برنجی که سر یک توغ در زیارت نصب است چنین مرقوم میباشد :

« روضهٔ انور حضرت لیث بن قیس بن حضرت عباس فاتح ثانی کابل یعنی نواسهٔ عم حضرت رحمة للعالمین علیه الف الف تحیه شهید سنه ۸۱ هجری قمری بدر یافت، جسد مبارکش را جناب عبدالرحمن بن اشعب که بمعاونت او از غزاین علی العجاله رسیده بود درین بقعهٔ حنیف مدفون گشت »

چون بنام قیس پسری از حضرت عباس رضی الله تعالی عنه شنیده نشده بود از متولی زیارت مستفسر شدیم که این مضمون درین پارچه برنج بکدام وقت ارقام یافته گفت : « در عهد ضیاؤ الملة و الدین شخصی در ماشینخانه کنده است » همچنان شخص دیگری گفت که امیر عبدالرحمن خان ضیاؤ الملة و الدین وقتیکه حمام شاهی را بنا کرد (که حالا بالکل از بین رفته و اثری از ان وجود ندارد) بیشتر سنگ های آن از سنگ مزارات بوده اما از مزار بعضی مشاهیر که سنگش آورده میشد عوض سنگ همینطور یک پارچه برای شناخت آن در برنج نوشته و بسر توغ آن نصب میکرد چنانچه واقعاً بهمین صورت پارچهٔ برنجی در مزار حضرت تمیم (رض) نیز وجود دارد و الله اعلم بحقیقت حال .

نظر بارتباط موضوع صاحب این مزار دو سه صفحه از یک مقالهٔ بناغلی حافظ نور محمد خان را که در ص ٤٥ شماره سوم سال اول مجلهٔ ادبی کابل مورخه ۱۵ اسد ۱۳۱۰ درج است بغرض معلومات مطالعه فرمایان این صفحات مناسب دیده ذیلاً می آرم :

اولین دفعه فتح کابل بدست اعراب:

« درسنه ۲۸ یا ۳۲ که زمان خلافت حضرت سید نا عثمان رضی الله عنه بود »
« مسلمین بسرکردگی عبدالرحمن بن سمره بن حبیب قریشی از راه غزنی »
« برکابل حمله آوردند اینوقت کابل کو شالی شخصی بود که اعراب آنرا در »
« تواریخ (اعرج) نام برده اند. اعرج بالشکر خود که قوای معاونت از هند هم »

« و تلفات رساند که قایای مسلمین در علاوه همه بعدات هفت لك در هم برای »
« کابل شاه داده و خود را زنده کشیدند »

« فتح دوم اعراب »

« دوسال بعد ازین یعنی در ۸۱ هـ ۷۰۰ م عبدالملك یك فوج کثیر التعداد را »
« بسر کردگی عبدالرحمن بن اشعث برای فتح کابل و انتقام از رتبیل شاه نامزد »
« فرمود چون این لشکر مانند سیل جوشان و خروشان رو بکابل شد رتبیل »
« هراسان شده بالای اهالی شهر و تمام قشون بسرعت تمام گرداگرد شهر »
« دیواری را (۱) بنیاد نهاده و آنرا با برج مستحکم و خندق محکم استوار گردانید »
« این پادشاه کابل در عین زمان عیاش هم بوده و بسیار زنهانگاه میداشت »
« چون قشون اسلام سیستان و بست و قندهار را فتح کرده »
« بغزنی رسیدند خود عبدالرحمن برای فتح غزنی معطل شده یك عده از فوج »
« خود را تحت اداره لیث بن قیس بن حضرت عباس (رض) یعنی نواسهٔ کاکای حضرت »
« رسول الله صلی الله علیه وسلم برای فتح کابل پیشتر فرستاد این عسکر چند گاه دور از شهر »
« رسیدند و متصل لشکر ... از تیر اشها برای جنگ تقسیم کرده خوردش فراغت »
« نشست اما دیری نگذشت که مسلمین چند موضع دیوار را از حد معبر دهمز نگ »
« سوراخ نموده و بغلبه داخل شهر گردیدند در ینوقت آنچنان جنگ شدید »
« واجراگردید که یك بردگر فرق نمیتوانستند . »
« واگر در همین فرصت جناب عبدالرحمن که از جنگ و فتح غزنی فراغت یافته »
« بمدد نمیرسید مسلمین تماماً بشهادت میرسیدند اما چون جناب عبدالرحمن رسید »
« شهر تماماً تسلیم گردیده و رتبیل بقلعهٔ گردیز گریخت عبدالرحمن چنانسالیث »

« (۱) این دیوار ها همانست که تا حال بالای کوه ها آثار آن باقیست اگر از اهالی »
« شهر درباب بانی این دیوار ها پرسیده شود میگویند آنرا (زنبورك) شاه »
« تعمیر نموده و بلافصل از ظلم و اجحافیکه در وقت بنای آن کرده تفصیل میرانند »
« ما هم که می بینیم زنبورك رتبیل ، زنتبیل ، زمبیر ، اینها همه تحریف یکدیگر »
« اند ومعلوم میشود که صحیحاً بانی این دیوار هم کیست که یکی ازین نامهارا »
« داشته اینکه میگویند دیوار مذکور را چغتائیان ساخته اند و یا چها نگیرو یا »
« نادر افشار غلط خواهد بود زیرا در وقت چغتائیان کابل سرحد بوده و در وقت »
« دیگرها اینطور مهمی که باعث دیوار ساختن گرد کابل شود پیش نشده ممکنست »
« اینها دیوار شهر را هر یك بنوبهٔ خود مرمت کرده خواهند بود »

« داشت بیرون شهر جنگ کرده بعد از شکست داخل شهر گردید ، عبدالرحمن »
« هم شهر را محاصره کرده و در این کار بحکم پافشاری کرد ، ده سپاری »
« از سپاه کابلشاه را عرضهٔ تیغ ساخت ، زنها و فرزندان شانرا اسیر گرفته مال »
« یک ملیون درهم طلا و خراج بر وی قبولاند ، شهر و قلعه اعرج هم دستگیر »
« گردید ، بحضور عبدالرحمن آمده زبان را بدو مسلمان گردید »
« وقتاً که شهر فتح گردید ، شاه مسلمان شد ، عبدالرحمن تمیم بن ... »
« قیس و جبیر رض را باچند نفر صحابه برای تعلیم فرائض و آداب اسلامی »
« در کابل گذاشته رفتند » (۱)

« چون بپایان فتح کابل شهادت حضرت امیرالمومنین عثمان رض بمیان آمده »
« واعرج شاه هم فوت گردید جیپال نام که بعد از وی شاه کابل شده بود از »
« شهادت حضرت ذی النورین و جنگهای مدافع خلافت استفاده کرده ، از »
« تادیه خراج ابا نموده ، حضرت تمیم و جبیر را با اصحاب معیت وی در »
« موضعیکه حالا بشهدای صالحین مشهور است در شب عاشورا بشهادت رسانید »
« (رضی الله عنهم) ، گرچه از طرف اعراب بعد از این چندین لشکرکشی دیگر هم »
« بر سر کابل شده اما مثل این لشکرکشیهای اول مشهور نبوده ، و چنان معلوم »
« میشود که بجهت اختلال در بار مقام خلافت اگر از طرفی کابل را گرفته »
« اند بپایان آنرا از دست داده ، و حتی بعضاً بشکست فاحشی دچار هم شده اند »
« مثلاً در سنه ۶۹۸ ع ۷۹ هـ که زمان عبدالملک مروان است حجاج بن یوسف ثقفی »
« عبدالله بن ابابکر صدیق رض را که در بعضی از تواریخ آنرا عبدالله ابی بکره در »
« بعضی هم یزید بن زیاد مینویسند حاکم سیستان نموده او لشکرها را جمع »
« کرده بآویزهٔ کابلشاه [۲] بعده اینرفت رتبیل Rutbil یا رنتبیل Zuntabeel »
« بن جیپال شاه بود که از سنه ۶۳ هـ تخت کابل بدو رسیده بود ، خلاصه این »
« لشکر بیک حالت بسیار اسفناک شکست خورده و در تنگناهای کابل اکثر آن اسیر »
« و شهید گردیدند چنانچه گفتیم این شکست برای قشون اسلام آنقدر خساره »

(۱) نویسندهٔ معروف ما فاضلی صدقی نیز در صفحهٔ ۲۵ مجله دهم سال دوم آریانا اول عقرب ۱۳۲۳ در ذیل شهرهای آریانا این موضوع را همین طور می آرد .

لطف کریم برسر او کرد سایبان　　هم رحمتش ز شهپر عزت فکند ظل
شرمنده اهل فضل ز خلق کریم او　　صاحبدلان ز جود چو ابر دیش خجل
میکرد کارسازی مخلوق روزها　　شبها بذکر و فکر خدا بود مشتغل
اهل زمان ز فرقت او دردها بجان　　خلق جهان بماتم او داغها بدل
گفتند خویش و قوم که بودند شاد و خوش　　یارب ببزم عیش چرا مرگ شد مخل
آمد ز جانب ملك الموت این ندا　　رو کن بملك باقی دار فنا بهل
امیدوار رحمت رب کریم باش(۱)　　هرچند دل ز شرم گنه داشت منفعل
در روز شنبه از رمضان بیست و هشت بود　　نزدیك شد بحق ز جهان گشت منفصل
یکشنبه اش بخاك سپردند دلدو ساختند　　قبرش بقبر شاهد و شمشیر متصل
تاریخ فوت او طلبیدم ز عقل گفت　　رحمت بود نصیب کریمان زناده دل

۲ـ قبریست دارای دو لوح سنگ، لوح بالای سر آیات بینات قرآنی و چند بیت و بلوح سنگ جانب پا مضمون ذیل مرقوم است:
« وفات مرحومهٔ مغفوره جنت مکان خلد آشیان بی بی خدیجه بیگم بنت مغفور حاجی محمد رضا بتاریخ ۲۵ صفر مظفر سنه ۱۲۸۳ »
۳ـ قبریست که لوح سنگ طرف سر مزین بآیات قرآنی و القاب اش و لوح سنگ طرف پا مشتمل بر چند بیت و بلوح سنگی که بالای قبر (بطور افقی) میباشد ابیات ذیل بخط خوش مرقوم است:

آه کان اختر سپهر وقار　　اوفتاد از سما بروی زمین
شد کسوف آفتاب زندگیش　　آنکه بودی بپاك فلك تمکین
بهزاران هزار حسرت و آه　　شد بخاك سیه چو گنج دفین
معدن لطف و مخزن اخلاق　　مردفرزانه قاضی قطب الدین
داغ بنها د بر دل احباب　　بلکه بشکست ظهر صدر الدین
جمع گشتند برسر نعشش　　حمله یاران چو خوشهٔ پروین
کرد تکرار با حمله مختار　　آنکه آمد بشان او یاسین
کز رهٔ لطف و رحمت و احسان　　ساز ماوای او بخلد برین
از خرد سال فوت او جستم　　. . . . . .
سر و پای الم فرود و بگفت　　را بگان شد ز دست قطب الدین

«۱» ممکن در تحریر سهو روداده اصل مصرع چنین خواهد بود «امیدوار رحمت رب کریم بود»

«را که در این جنگ شهید گردیده بود در موضعیکه حالا بشاه دو شمشیره معروف»
«است دفن کرد و این جناب چون در آن روز که شدت حرب بود بهر دو دست شمشیر»
«میزد لذا بشاه دو شمشیره مشهور شده اند»
«جناب عبدالرحمن بعد از این واقعه تمام (معابد) در مساجدها و هنود را که در دو»
«طرفه دریا آباد بود خراب کرده تنها یك در مسجد را که در پایان کوه و دو حلاهم»
«است بحال خود گذاشت و این مسجد را در پهلوی مشهد جناب لیث»
«شاه دو شمشیره اعمار فرمود (۱)»
«پس از آن جناب عبدالرحمن در موضع شهدای صالحین گند کرده و جسد»
«حضرت تمیم (رض) و جبیر (رض) که تا آنوقت در تپهٔ خوابا سلامت مانده بود دا»
«شناخته و معروف نمودند اما دیگر جنابان معیت ایشان شناخته نشدند در ینوقت»
«کدام خبری بجناب عبدالرحمن [illegible] سید سپاه سیار [illegible] اتخاذ کرده و بطرف»
«سیستان نا حرکت را گذاشت اما در همین حال مورد غضب حجاج واقع گردیده»
«باز زنتبیل که بعد از تخلیهٔ اعراب کابل را مجدداً متصرف شده بود بتفصیلی که»
«در تواریخ تصریح شده ملحق گشت و بالاخره زنتبیل عبدالرحمن را که بعد از»
«شکست و پناهنده شدن در دست بکابل آورده بود در سنه ۷۰۳ م برای حجاج»
«فرستاده در عوض هفت سال از ادای خراج معافیت گرفت و عبدالرحمن»
«هم خود را از بام انداخته هلاك ساخت»

* * *

اکنون که تفصیلات مذکوره را محض معلومات بخش تمهید برای تحریر جناب
نویسنده ها [illegible] ذکر داشتیم بازهم رجوع کرده ملاحظها ظاهر میکرم [illegible] بقیه ریکه
بیرون گنبد است میپردازم

۱- در احاطهٔ زیارت خارج گنبد قبری دارای دو لوح سنگی است لوح جانب سر
دو طرفه مزین بکلمهٔ طیبه و آیات قرآنی و لوح طرف پا این ابیات مرقوم :

آن زنده دل کریم چو افتد ز آسمه کل (۲)   آز او گشت و اندر پیه ند جسم دل

«(۱) این مسجد که حالا مسجد شاه دو شمشیره معروف است و این مسجد بست که در کابل [illegible]»
«بنا شده عمارت آخری آن از نصیرالدین همایون بن بابر شاه بود که آنرا در دوره»
«امانی تجدید نموده اند»
«(۲) فاما در تحریر مصرع سهو واقع شده ممکن چنین باشد»
«آن زنده دل کریم چو از قید آب و گل»

دریا بمیان، کوه دو سو، سبزه بهرسو   جان تازه ز نظارهٔ این کوه و کمر کن
از سبزهٔ نو خیز زمرد صفت او   اعمی نظرا فعی اندوه و کدر کن
بر طارم فیروزه‌، ش روشن او بین   از سینه غبار الم و غصه بدر کن
از فیض نسیم خوش و جانبخش شمالش   دل تازه و مشکین نفس ای جان پدر کن
در بارگهٔ شاه دو شمشیره بهر دم   از فیض عجب سیر دنیای دگر کن
شو حلقه ز تعظیم چه شاتم بحر یمش   دیوار و درت را چو نگین یکسره زر کن
خورشید ز تکریم ببوسد عتباتش   نظارهٔ این کار به هنگام سحر کن
از مسجد فرخنده، و گلدستهٔ زیباش   ای پرخرد افزایش انوار بصر کن
این هست نخستین اثر مقدم اسلام   خود را چو مؤرخ ز روایات خبر کن
آنگاه بسی حرمت و بس قدر شناسی   زین معبد باعظمت و تاریخی اثر کن
اشجار و، گل باغی و، خوردروی بهرسوی   نظاره ازین مرکز با شوکت و فر کن
از عکس گل و لالهٔ این قطعه بدریا   سیر عجب از خلطیت آب و شرر کن
جاده است چو مه صاف و فضا همچو فلک پاک   هنگام تماشا زادب پای ز سر کن
در سه شب مخصوصهٔ هر ماه درینجا   نظارهٔ کیفیت انوار قمر کن
تصویر مه افتد چو بدریاش، تصور   آغوش صفای صدف و طفل گهر کن
در وقت خزان نیز درین گوشه تماشا   صد رنگ گل و باغ بهر برگ شجر کن
در موقع برفست نمایش به ازینش   آن وقت هم این صفحهٔ خوش، زیر و زبر کن
از کثرت موتر که درین جاده روانست   از رفتن عمر آگهی ای نیک پسر کن
در مسجد آن آی و دوگانه بیگانه   از شکر ادا، با ادب و دیدهٔ تر کن
زان شکر به کام و دهن جان و دل خود   لبریز حلاوت صفت تنگ شکر کن
گلزار جهان نیست چو سر منزل جاوید   پیش از همه زین باغ چو گل فکر سفر کن
بو شد چو خلیل از چمن دهر نظر را   از دیدن این، یادی از آن خسته جگر کن

〰〰〰〰〰〰〰

۴ قبریست دارای صندوق سنگی مرقومه اش این است [illegible] وفات [illegible] حاج میرزا محمد حسین خان مستوفی الممالک ابن عبدالقادر خان ۲۰ صفر المظفر ۱۳۳۳

۵ قبر حاجی صاحب درویش است که بسنگ های [illegible] مرمر [illegible] و خود قبر را آراسته اند و اطرافش از [illegible] و پایه ها ساخته و [illegible] شده شد، در لوح بالای قبر شیء گسترده نصب است و بسم الله شریف [illegible] آیهٔ لا تقنطوا این ابیات [illegible] رقم یافته :

فریاد و آه [illegible] از جور روزگار — گر با چشم [illegible]
شاید که حال [illegible] دنیا [illegible] — [illegible] ز بیداد [illegible]
دنیا بچشم اهل محبت [illegible] شد — [illegible] شد [illegible]
مارا بدرد و داغ جدائی [illegible] — آن [illegible] عصر [illegible] زمان
یعنی جناب حاجی [illegible] درویش آنکه بود — [illegible] علم معرفت [illegible]
اسم [illegible] برگزیدهٔ حق بود [illegible] — [illegible] از محمد [illegible] نام شان
واقف ز [illegible] وحید آنجناب — هم [illegible] عیان
دلها اسیر خلق [illegible] — [illegible] وضع [illegible]
دانا و نکته [illegible] و آدم شناس بود — [illegible] زبان
از دست جور چرخ ستمگار سنگدل — [illegible]
در سینه [illegible] عشق [illegible] — [illegible]
هستند اگر [illegible] زندهٔ جاوید [illegible] — [illegible] بیان
در بیست و هفتم مه [illegible] — [illegible]
شایق بخون دیده رقم کرد و داغ شد — [illegible] زجهان

۶ قبر بابا محمد جان است که مجاور [illegible] زیارت [illegible] سنگها [illegible] سفید ساخته شده [illegible] دیگر [illegible] حالا [illegible] .

* * *

چون موضع مذکوره از حیث [illegible] جات [illegible] دلپسند و [illegible] جالب نظر و کشش خاطر است بود چند بیت [illegible] در بارهٔ آن انشاد نموده ام که در اینجا آوردن آن ابیات مناسب مینماید :—

از جادهٔ احمد شهی یکبار گذر کن — در منظرهٔ شاه [illegible] نظر کن

(۱) در این مصرع کلمهٔ اگر به (اگرچه) خواهد بود در کتابت سهو شده باشد .

مقبرهٔ اعلیحضرت مرحوم تیمور شاه درانی

این مقبره دارای گنبد کلان بلند پخته کاری و واقع باغ عمومی کابل است که اکنون مرکز ریاست بلدیه و وزارت صحیه میباشد .

در وسط گنبد صورت یک قبراست که خشت کاری بوده و اکنون خرابه شده در زیر گنبد سردابه است ومیان آن دو قبراست که این قبرها هم خرابه شده اند : در صورت قبر دا خل گنبد ، و این دو قبر که در بین سردابه میباشد لوحی سنگی نیست اما مبرهن است که قبر خود اعلیحضرت تیمور شاه درانی پسر ارشد احمد شاه بابای غازی دومین پادشاه سلسلهٔ سدوزائی درانی است که روز یکشنبه ۷ شوال ۱۲۰۷ وفات نموده واین گنبد بالای قبرش بنایافته و قبر دیگر از اعلیحضرت شاه شجاع الملک پسر اعلیحضرت موصوف است که باوجود بارگران پاد شاهی و پیش آمد حوادث متواتر دوره شاهی خود دیوان غزلیاتی نیز به یادگار گذاشته وبتاریخ ۲۲ صفر مقتول و در ۲۳ صفر المظفر ۱۲۵۸ در همینجا دفن شده است تفصیل حالات شانرا در سراج التواریخ و کتابیکه بنام تیمور شاه درانی در سنه ۱۳۷۲ ه ق وکتابیکه بنام (درة الزمان) تاریخ شاه زمان درسنه ۱۳۳۷ ه ش از طرف عزیز الدینخان وکیلی فوفلزائی تالیف وطبع شده جستجو میتوانند دراینجا بهمینقدر اکتفا رفت زیرا تفصیل حال آنها بیکمتر از کتاب متعذر است لهذا حواله بکتاب داده شد :

زیارت خواجه شاه محمود

در لب دریای گذر الدرابی بین قلعهٔ حیدر خان و ((پشتنی تجارتی بانك)) قریب بزیارت حضرت شاه و شممیره رح سرای جدید البنای عبدالقیوم تاجر است و در حصه تحتانی سرای یك اطاقی که بمانند دیگر ابنیه سرای تجدید شده دارای دو قبر میباشد که بالای هریك سنگهای متین صندوقی مرتبه دارم نقش برجسته وزیبا بخطوط اعلی وجود دارد بدینقرار :-

۱- قبر اول : طرف فوقانی همه منقوش ، بطرف سر کلمه طیبه ، بدو طرف آیة الکرسی شریف بخط ثلث ، طرف پای این عبارت بخط نستعلیق :-

«تاریخ وفات مرحومی مغفوری خواجه شاه محمود ابن شیخ محمد هروی سنه اثنی و ثمانین و تسعمأة سنه ۹۸۲» .

۲- قبر دوم : طرف فوقانی : طوری معلوم میشود که سنگ سر آن علیحده بوده و نام صاحب مرقد هم در ان بوده باشد و از بین رفته زیرا ناخراش و ناتراش است یقیناً سنگ دیگری در بالای آن بصورت درست بوده است و الا فراز چنین سنگ زیبا را بدینطریق نا درست نمیگذاشتند ، طرف سر کلمه طیبه ؛ در طرف دیگر آیة الکرسی شریف برنگ سنگ مرقد اول ، طرف پای این ابیات مرقوم :-

«نا گاه زتند باد چانسوز اجل | نخل قد خوشخرامش افتاد ز پا»
«تاریخ وفاتش از خرد جستم گفت | کان سروز پا افتاد از باد فنا»

سنه ۹۷۸

اعداد حروف مصرع اخیر مطابق عددیست که در ذیل آن بهندسه نیز نوشته اند.

پدر تیمور شاه شهزادگان را — ز احمد شه شرف بر خسروان رفت
ز نسل شاهرخ شه مادرش را — نسب تا نادر صاحبقران رفت
بجان مادر و اخوان و خواهر — ازین غم رنجهای بیکران رفت
همه اخوان با او ناله گفتند — که این گنج از کف ما رایگان رفت
بزندان عمر و از بیداد اخوان — مکانش بود آخر زین مکان رفت
ندید ایا شادکن در انجهانش — که با اندوه بیحد زینجهان رفت
بگو با آب چشم از سال فوتش — ز دنیا نامراد آن نوجوان رفت

اگر با آب چشم را (باب) خوانده باشد تمام مصرع اخیر جمع کنیم سال فوتش معلوم میشود چه عدد (باب) (۵) و عدد مصرع اخیر (۱۲۱۵) است که مجموعش (۱۲۲۰) میشود و در لوح بالای سر نیز همین عدد صریحاً بهندسه مرقوم میباشد (معلوم است شاعر با برساخته نویسنده با آب نوشته) بهر وجه سنهٔ رحلت بدون تردید (۱۲۲۰) میباشد

ب پهلوی قبر شهزاده نادر قبریست که لوح سنگ بالای سر آن کلان و مزین بکلمهٔ طیبه و نقوش قشنگ میباشد و سر قبر صندوق سنگی بوده و دران مسطور است :

صد هزار افسوس از آن سرور ریاض معدلت
کز جفای چرخ دون از باغ عالم شد برون
آفتاب اوج رفعت حیف شد اندر کسوف
در محاق خاک کرد آن پاک در آخر سکون
او بمصر خلد چون یوسف عزیز و حوریان
چون زلیخا قائل یا لیت قومی یعلمون
زیبد ار صبح افگند در ماتمش بر سر سینه چاک
شاید ار شام از غمش پوشد لباس قیرگون
سرور خاقان نسب قاآن حسب خورشید جود
آنکه زاب تیغ او گردید گردون غرق خون
پور سلطان ابن سلطان سرور گیتی ستان
آنکه از خسرو بدش اندر جهان حشمت فزون

مقبرهٔ شهزاده نادر وغیره

الف - کتیبه های قبر شهزاده نادر پسر تیمور شاه

قبر موصوف در احاطهٔ مقبرهٔ اعلیحضرت تیمور شاه (بیرون گنبد) دارای دو لوح سنگ بوده یکطرف سنگ بالای سر کلمهٔ طیبه و نقوش و بطرف دیگر آن در متن آیة الکرسی و در حاشیه چنین مرقوم است.

و در متن بیست و یکسال گیرا زدار فنا بدار بقا رحلت نموده سنه ۱۲۲۰ این رباعیات که از طبع خود داده ست هم در سنگ مذکور است.

۱. هر چند بشاهزادگی مشهورم | نبود سره برگ سلطنت منظورم
از سلسله نادر و تیمورم لیک | نادر بگدائی درش مسرورم

* * *

۲ هر چند تو نی بسالك اصلاب شراف | در سلسلهٔ حکم بطون الاطراف
تیمور پدر بزنا در مادر شد | نادر بگدا یان ره عشق مسلاف

در سنگ طرف پا:

بیکطرف این یک بیت، یك رباعی بادو رباعی دیگر که از طبع خود اوست:

چون زخاکم بگذری دامکشان | از سرا خلاص الحمد ی بخوان

* * *

آسودگی از جهان فانی مطلب | زین چرخ کبود مهربانی مطلب
هیچست جهان فانی و هر چه درو ست | جز دوست بد هر تانوانی مطلب

* * *

۱- تا چند تو ان بدرد و حرمان بودن | در قید زجور ظالم اخوان بودن
شد طاقت من طاق نجاتی یا رب | زین بیش نمیتوان بزندان بودن

* * *

۲- نادر چه شد ار ز صلب شهٔ تیمورم | وز دودهٔ نادر بجهان مشهورم
گر دوست گدای در خویشم خواند | عار است ز ملك قیصر و فغفورم

* * *

بدیگر طرف سنگ مذکور جانب پا:

فغان کز رحلت شهزاده نادر | فغان مردمان با آسمان رفت
همان شهزاده کز فضل و کمالش | سخنها بر زبان کاملان رفت

زیارت خواجه اسحق

این زیارت ورده غرچك ده افغانان واقع وقبری منسوب بموصوفست : محاط بکتارهٔ چوبی ، پنجره وکتاره راچهاردیواری خورددروازه دار بدون سقف احاطه نموده ، سقف آن عبارت از چیلهٔ تاك و یاك اصله تاك کلان است که سرچهار دیواری را پوشانیده ، واین چهار دیواری مابین باغیچهٔ خوردیست که چند اصله درخت دارد .

سرقبرد و تکه صندوق سنگ خورد سربسرها نهاده شده از سنگ زیرین آیات مبارك قرآنی معلوم می شود درسنگ سرکه (گهواره نما میبا شد) دوسطر زیروبالا تحریر است ، سطرفوقانی بصورت بیسه معلوم می شود اما مضمون مفهوم نشد ، سطرزیرین ، بیکطرف : « هذا روضة المطهر المرحوم المغفور المقبر و عبدالرحمن » بطرف دیگر : « ابن ناصر الدین عبدالله... » مضمون دیگر آن فهمیده نشد . پهلوی کتاره طرف مشرق صندوق سنگیست که طرف سرآیات کریمه وباقی اطراف منقش میباشد ، طرف پا : « تاریخ وفات مرحوم المغفور صالحه سلطان بنت پهلوان دولت مقیم سنه ۹۷۸ »

* * *

از هر حیث واضح میگردد که این سنگها بمزار ارتباطی ندارد ، قرار معلوماتیکه ازاشخاص معمر وخبیر نمودم این زیارت و زیارت شاه شهید که در صفحه ۶۹ ذکر یافته بنام یک بزرگوار شهرت دارد چنانچه تفصیلی از بیان و عقیدهٔ مردم درحصهٔ مزار شاشهید نگاشته ام .

قرار وضاحت کتاب حزلیته الاسرار اصل نام شان شاه اسحاق ختلانی مشتهر بشهید وملقب بخواجهٔ بزرگ است و از بزرگترین خلفای حضرت علی ثانی امیر سید علی همدانی قدس سره است .

اصل شان ترك و از احشام ختلان هستند ، در زمان شاهرخ میرزا چنان بشهادت رسیده اند که جسد مبارکش درختلان مانده وسر مبارك در بلخ و پوست سر ایشانرا پرکاه کرده بکابل آورده اند درکتاب مذکور از پوست شان که بکابل آورده و دفن شد . ذکرمینماید اماواضح نمیگردد که در اینجا باشدیاهمانجائیکه زیارت شاه شهید است .

لائق اورنگ وافسر قابل تاج وسریر
آنکه وصف شان او از حصر وازحد بد برون

سقف گردون پستهٔ پیش قصر اجلالش بسی
سنگ زیرین ستون بارگاهش بیستون

حسن شهرآشوب او افگند درعالم فتور
صد چو مجنو اش گریبان پاره دردشت جنون

مصدر اجلال شاهی مطلع حسن وجمال
مقطع ظلم وتعدی منبع فیض وعیون

عارف سر حقیقت حامی شرع شریف
سالک سلک طریقت واقف راز نکون

دریکحصه ازحاشیهٔ سنگ برای چندبیت جاگذاشته شده احتمال میرود که برای اسم ومقطع وتاریخ بوده (چه از اشعار فوق مفهوم میشود که بقیهٔ آن مانده) ؤ سس یاقائل موفق بتکمیل آن نشده خواهد بود)

ج بپهلوی قبر مذکور قبر دیگریست که لوح سنگ طرف سر ازجانب بالا پریدگی داشته وچنین مسطور راست :

وفات مرحومه مغفوره.....ع لیجناب مخدره زمان... مکان مهرجهان بیگم بنت سلطان جنت مکان رضیه ان آرامگاه تیمورپادشاه درانی سدوزائی بتاریخ شهرشوال المکرم سنه ۱۲۱۱ بود که از دارالفنا بدارالبقا رحلت نمود وبالای قبر سنگ صندوقی هم هست وجاهای ابیات خطوط منقوش بوده چیزی مرقوم نیست ممکن برای شان موقع مساعد نشده

....

سواد لوح که دو طرفه و بخامه عاجزانه ست

صفحهٔ اول که بطرف مرقد است ، بعد از بسم الله شریف که بصورت محرابی راسته وچپه بنوع خط ثلث نوشته شده و کلمهٔ طیبه بخط ثلث است بخط نستعلیق چنین مرقوم است : درصدف این حظیرهٔ گوهر تابناك عرفان ، یعنی سالك مجذوب است که نرا درزادهٔ شاه عبدالعزیز پسر بزرگ شاه ولی الله صاحب معروف دهلوی پسر جناب شاه عبدالرحیم پسر جناب شیخ وجیه الدین فاروقی میباشد ، زمانیکه عمش مسلمانانرا فتوای هجرت از دهلی داد در سنه ۱۲۴۲ ﻫ ق بکابل آمده بعد ۸۷ سال بعمر ۱۱۵ دنیای فانی را وداع گفت .

این مولوی سالك و این عارف مجذوب درآغاز از اهل علم و زهد وتقوی بوده و درین راه مجذوب گشته و درانجام بمرتبهٔ نهائی عرفانی مجذوب واصل ویکی از اعاظم اهل دل گردید ، قطعهٔ ذیل را قبله‌گاه راقم میرزا فضل احمدخان مرحوم دررحلتش سروده :

مولوی صاحب مشهور فقیر مجذوب   شاه عباس بنام وبه نسب عالیشان

هستی ، ثروت وسرمایه‌ئی داشت بهند   ترك گفت آنهمه را گشت باینسوی روان

صفحهٔ دوم لوح ، بعد از سورهٔ اخلاص که در فوق بصورت خط ثلث مدور تحریر شده :

گشت چون وارد کابل پسر ای زرداد   سالها کرد بیك مرکز معلوم مکان

نشهٔ داشت بسر از می مینای علوم   بر کشیدش ز خودی رطل گران عرفان

زانسبب بیخودی وجذب وسکوت وآرام   داشت تابود بمعمورهٔ پر شور جهان

گر نه برصورت دلدار ازل دیده کشود؟   زچه رو بود چو آئینه همه دم حیران؟

همه‌کس معتقد فضل وکمالاتش بود   کرده او قطع علائق ولی از جان وجهان

چون پسند نظر او نشد این دیر خراب   گشت راهی سوی کشور معمور جنان

فضل احمد سنه وروزومهٔ فوتش را   زد رقم (جمعه وپانزدهٔ ماه رمضان)

۱۳۳۰ ﻫ ق

مستدعی عفو ارحم الراحمین و دعای زائرین و راقم سطور محمدابراهیم خلیل ما لی لوح حاجی محمد یعقوب سنه ۱۳۶۶ ﻫ ق

زیارت مولوی صاحب

الف : خود این زیارت :

این زیارت در باغ عمومی که حالا وزارت صحیه و ریاست بلدیه کابل نیز در آنجاست نزدیک بمقبرهٔ اعلیحضرت تیمورشاه درانی در یک احاطهٔ چهار دیواری واقع است و دور قبر کتارهٔ چوبی چوبتره نما میباشد بالای چبوتره آهن پوش است و یکجانب مجاور خانه هم دارد .

تقریباً ۱۷ سال قبل از هذا سنه ۱۳۳۷ بزیارتش مشرف شدم بالای سر مرقد دو پارچه سنگ متصلاً بطور افقی گذاشته شده بود در پارچهٔ اول بسم الله شریف با یک حدیث مبارک و کلمهٔ طیبه مرقوم بود .

در پارچهٔ دوم :

« این بقعهٔ مبارک و این روضهٔ شریف خاص از جناب مولوی با کرامت است همیشه امداد و حمایت مولوی عباس صاحب برای زائرین رسیده میرسد بنابران مقبرهٔ جناب شانرا بطریق یادگار محض لله این کمینهٔ خاق الله پیر محمد سنگتراش در تاریخ ۱۳۰۹ شمسی هجری تکمیل نمودم »

از ان بعد زائرین این زیارت خصوصاً مخصصاتیکه بشرف زیارتش مداومت داشتند ازین ناچیز معلومات شخصیت و تاریخ وفات شانرا تقاضا میکردند تاایکه شخصی یکروز یکقطعه بخط حضرت قبله گاهی (میرزا فضل احمدخان متوفای ۱۳۲۰ هـ ش) برایم آورده گفت حینیکه وفات مولوی صاحب خودم از قبله‌گاه شما خواهش کرده بودم و این قطعه را در تاریخ حاسکه شان انشاد کرده اند . بعد از ان دیگری آمادگی خود را بساختن لوحی ابراز نمود . همانا بنده پس از حصول معلومات کافی در بارهٔ شان قطعهٔ مذکور را با تمصیای به شرح در لوح مذکور نوشتم که بالای سر مزار شان نصب گردیده و اکنون از اوقت ۱۲ ، ۱۳ سال میگذرد و بعداً آن شخص دیگری روی مزار را به پوشهای سنگی زیبا نیز ساخته است .

اما بنده در اوقت تفصیل معلومات مذکور را باستناد دو طرفه لوح تماماً بمقالات جداگانه در شماره ۵۳ جوزای ۱۳۲۶ و شمارهٔ ۷۱ قوس ۱۳۲۷ و شمارهٔ ۷۲ اول جدی ۱۳۲۷ مجلهٔ آریانا شایع کردم .

اکنون درینجا شرح مختصریکه در لوح ارقام یافته می پردازم البته کسانیکه معلومات بالاتر را طالب باشند بمجلات متذکره رجوع خواهند نمود .

سلطنت سلطان ز لحل زندگی ناخورده بر

رفت با صد حسرت و حرمان کنون در زیر خاك

بنت احمد خان بارکزائی آن سردار قوم

آنکه کوس شاهی او از سمك شد تا سماك

سر ز ماتم پیر عقلم از میان چون بر کشید

رفت های افسوس گفتا سلطنت سلطان بخاك

ظاهراً جمله (سلطنت سلطان بخاك) که ۱۳۲۲ میشود مادهٔ تاریخ است که سر ماتم که چهل است چون از ان کم شود (۱۲۸۲) میماند .

۳ــ قبر صاحبزادهٔ نقشبندی است که از خاندان خواجه معصوم میباشد و دو لوح سنگ دارد لیکن حصه تاریخ آن چون زیر خاك بود معلوم شده نتوانست .

ب : از لحاظ مربوطیت باین زیارت .

ناگفته نماند که این مولوی مجذوب وسالك مجذوب دیگری که مراد از باباخان محمد صاحب است و ازمعاریف مجدی بان صاحب کمال وطن میباشد و همه وطنداران خصوصاً آلهائیکه ایشانرا بکثرت دیده اند بسیار مخلص وارادتمند شان هستند وشرح حال وکمالات شانرا بیحد بیان میکنند ، بعض مردم خبیر روابط خیلی مخفیانه هردو را هم قائلند ، گرچه مزارآن سالك مجذوب درگلبهار سمت شمال وطن مربوط حکومت اعلای پروان است .
ولی نسبت ارتباط این دو سالك و علاقهٔ مفرط اهالی کابل بجنابش ازوم دانستم که مضمون لوح مزارش را که اثر طبع اینجانب است بغرض معلومات مختصر علاقه مندان سواد کنم ، کسانیکه بیشتر ازان طالب تفصیل باشند البته بمجلات آریانا که دربالا ذکریافت ودرضمن مقالهٔ این فقیر مشرح تذکر یافته است رجوع خواهند نمود .

سواد لوح بعد از بسمله شریف وکلمه طیبه :

بود این قبر بابا خان محمد — که بودی از مجاذیب سرآمد
بظاهر بی نصیب از دانش و هوش — بباطن بهره یاب فیض سرمد
بهر موقع کمال وخرق عادات — از و اهل بصیرت دیده بیحد
روانش شاد دارد حق تعالی — بجنات النعیم از فضل بیحد
خلیل از سال فوتش درقمر گفت — (بحق واصل شده مجذوب احمد)
١٣٤٥

ج – ملحق باین زیارت

١– پهلوی این احاطه احاطهٔ میباشد که در ان یك کتار : چوبی قبری را احاطه نموده که خاص مضمون لوح سنگ آن این است «وفات مرحومه والدهٔ شهزاده اسدا الله جان زوجهٔ ضیا ءُ الملة والدین ۲۲ شهر صفرا لمظفر سنه ١٣٢٥
٢– نزدیك قبر مذکوره قبریست که کتیبهٔ لوح سنگ طرف پایش این است :

آه و او یلاز چرخ کینه جوی بد سرشت
یکدلی نبود که از جورش نباشد درد ناك

مقبرهٔ ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان

۱ــ امیر معرف شریف نیکه از عمرانات عصر خود او موسوم به (بوستانسرا) بوده
و در بین سالها اولا زیارت خارجه و بعداً دارالمعارف در ان است و آبادی
زمان شاه مدفون است و مسجدی هم در جانب مقبره اش را یافته که حال نیز آباد
است، ادای صلوة در ان میشود.

خود مقبره دارای گنبد و پیش روی گنبد زینهٔ مرمرش سنگ مرمر و از همین
زینه درون بطرف مرقد است که داخل احاطهٔ مرقد هم تمام صحن و خود
قبر به سنگ های مرمر زیبا آراسته شده گیست، کتیبه در دیوار طرف شرقی بر زینه
بر سنگ کلانی بخط زیبای سید عطا محمد شاه آقای وشنحی تحریر یافته که
بدین قرار است:

«حضرت بیچون که بانی گنبد گردون و معمار قبهٔ سپهر نیلگون است شعر:

مقتدری که به آله قدرت مطلق — کرد ز شکل بخار چو گنبد ازرق

نه خشت و نه تیشه معمار زاد و بازار — نه چوب و تیشهٔ نجار را در او رونق

چون بنای عالم عنصری را در خرابی نهاده که میان چرخ چنبری را
بیمدد معلق ز (انشقت السماء فهی یومئذ واهیة والملک علی ارجائها)
در شکست و نشست مساوی عالم آبی و ترابی گردانیده است، بمضمون صدق
مشحون (ذلک تقدیر العزیز العلیم) جناب سلطنت مآب قبله شاه معظم و پادشاه
مظفر مکرم امیر ابن الامیر ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان علیه الرحمه
والغفران آن شاه کشور آگاه که مملکت افغانستان را بعد از ویرانی دولتی و ملتی
و پریشانی مانند نشا پیره در زمانهای عنقریب و بی سامانی عنکرده و کشوری بنحویکه
رعیت و سپاه و اهل مسجد و مدرسه و خانقاه از استیلای ملت و دولت غیر بسان
بنات النعش از هم پاشیده و همه را بحسن تدبیر و قوت رای جهان تسخیر بمانند
پروین جمع، بنور شمع وجود فائض الجود خود شبستان تیره و تار مملکت
را از چراغان اجرای احکام شریعت و امضای قوانین سلطنت و سیاست منور
و فروزان ساخته بعد از مدت سلطنت بیست و دو سال قمری مطابق شب پنجشنبه
دوازدهم شهر جمادی الثانی سنه یکهزار و سه صد و نوزده هجری قدسی، همای
فلک پیمای روح پاک وحش از جهان فانی بهوای عالم جاودانی شتافته، این

قبر بابا محمد سرور خان

این قبر در اتصال سه دکان چنداول که در حین حیاتش منزل و اقامتگاهش در نزدیک آن بود و حالا یکطرفش سرای موترخانه و دیگر طرفش سرای زغال فروشی میباشد واقع است ، دارای احاطهٔ و در یکطرف احاطه گنبدی بود در بین گنبد همین یک قبر است .

قبر موصوف بسنگ مرمر صندوق نما ساخته شده در بالای آن آیهٔ کریمهٔ (کل شیء هالك الا وجهه) و بدو طرفش عبارت ذیل تحریر است .

واین حضیره آرامگاه مرد جلیل الشان نامدار افغان جناب بابا محمد سرور خان مرحوم ابن جناب عطاء الله خان مغفور بن جناب میرداد خان میرو زقوم بارکزائی عمر خان زائیست که دوران حیات خود را بدربار شاهان معاصر بکمال اعزاز در عهده های عالی ایشیك آقاسی و نائب الحکومگی عز افتخار داشته زندگانی خود را در خدمت قوم ووطن صرف نموده اخیراً در زمان شقاوت و بغاوت بنیان انقلاب سقوی در ۱۳ رمضان هجری قمری ۱۳٤۵ (۱) مطابق برج ثور ۱۳۰۸ هجری شمسی چشم ازجهان بی ثبات پوشیده بعمر ۹۰ سالگی داعی اجل را لبیك گفته ازجهان گذشت (انا لله وانا الیه راجعون)

شخصیت مرحوم را بقدر لازم کتیبهٔ قبرش روشن ساخت مگر لزوم می بینم راجع بکلمه بابا که قبل از نامش گفته می شود تفصیلی بنویسم :

والدهٔ علیاحضرت سراج الخواتین همسر نامور امیر حبیب الله خان شهید و والدهٔ امان الله خان دختر شاغاسی شیردل خان لوی ناب همشیرهٔ علا لسی خوشدل خان لوی ناب را بعد از فوت شاغاسی شیردل خان شوهرش بحبالهٔ نکاح خود درآورده بود ، در عصر امان الله خان چون نائب الحکومه هرات بود در فرامین لقب بابا پیش از نامش ارقام می یافت وبهمین لحاظ شهرت بابا را بخود گرفت .

پسرنامورش محمد ابراهیم خان که درثانی رئیس تنظیمیهٔ هرات بود درآنجا فوت و دفن شده دیگر خاندانش درجوار حضرت تمیم رض مدفونند ؛

---

(۱) سنه قمری درآن نوشت (۱۲٤۸) بوده ضرور هنگام تحریر سهو رو داده ۱۳٤۵ صحیح نیست خدا بلد

اینکه آرزومند نبود که گلزار وطن پایمال یك گله وحشیان بشود حیات شریف ومغتنمش در هفتم صفر ۱۳۴۸ مطابق ۲۴ سرطان۱۳۰۸ در زیر پنجه خونخواران جنایت کاران سپری شده وبسرخروئی شهادت بجوار پروردگار خود شتافت ، شبهه نیست چون شهادت بهترین او مغانیست که ازین دنیای فانی به پیشگاه عرش خداوندی پذیرفته میشود ویقینست که درهای آسمان برای ارواح شهدا باز است وفرشتگان رحمت بابال زمردین خرد ارواح پاك وقدسی شانرا درآغوش پذیرائی میگیرند ، اکنون این روح شهید وآزاد که برای سعادت قوم وملت واقامه علم ومدنیت از جسم مغتنم ولساز پروردهٔ خود مفارقت نموده است درآغوش لطف پروردگار مهربان خود با یکعالم بهجت ، نوازش وپذیرائی میشود وخدای پاك که هم حسیب ومنتقم است درین روح مظلوم که بحقا لیك شهید شده است بخشایش وبران پنجه جانی وغاصب که بخون صد هزار بندگان خداوند آلوده شده است سخط وغضب میفرماید خداوند برروح درخاك وخون طپیده اش رحمت فرماید وبرتربت پاك آن گل وریحان برویاند ، درسنگ مقبره وتق نمای بالای تربت بسم الله وسورهٔ اخلاص وابیات تحسر آور ودعائیه وامید دعاازز ائرین بصورت منقوش تحریر است .

پ : قبر سردار عبدالمجید جان :

ساختمانش بطور قبر اول است اما درین قبر دولوح وجود دارد ، در سنگ بالای قبر بسم الله وآیة الکرسی شریف منقور است ودرلوح بالای سر این عبارت هو الحی الذی لا یموت . این مشهد پاك که فرشتگان رحمت درفضای آن بال کشاده ودرپرواز اند آرامگاه پیکر لطیف شهزادهٔ شهید سردار عبدالمجید خان ابن اعلیحضرت امیرشهید ابن حضرت ضیاء الملة والدین مرحوم است که از دست غاصب تخت وتاج سلطنت بچه سقأ نخستین ظلماً حبس وبعد در ۱۳ صفر شهید گشته ، روح پاکش درحوصلهٔ مرغان سبز بهشتی درباغ مینوآشیان گزید وپیکر نازنینش درین حظیرهٔ نزهت فزا آسوده ومنتظر است که درروز بازخواست بدربار عدل الهی عرض، از قاتل سفاك قصاص خویش واستاند وبلکه درین حظیرهٔ پاکیزه طوری بناز ونعمت رحمت غنوده که بحشر خطاب کرده گوید .

حارس عباد الله وحامی بلاد الله امیر ابن الامیر ابن الامیر سراج الملة و الدین امیر حبیب الله بجهة نگهبانی تخت سلطنت پدر مظفر بعون و عنایت الهی عز شانه جلوس نموده استقلال سلطنت آن منظور نظر مرحمت حضرت رب العزت را بطور بق شایسته و سر رشتهٔ بایسته حفاظت و حراست و رعایت و سیاست شد که لله الحمد مملکت آباد و دوستان شاد و دشمنان نامراد و برباد شدند ؛ پس چون پدر را خلافت کنندهٔ بخت پدر دفع آفت ، کنند از جمله ضروریات امور ترمیم قبهٔ علیهٔ مقبرهٔ مغفورهٔ آن پادشاه جلیل القدر بوده که این خانهٔ مغفرت آشیانه در وقت حیات آن مرحوم سلطنت صفات در شمار مواضع نشیمن خاص که نفری معدودی از ملازمان سراسر اخلاص در آن باریاب می‌شده اند بوده ، الحال بعد از تلاوت سورهٔ فاتحه و اخلاص در سنه ۱۳۲۰ شروع بترمیم و استحکام آن شده تبدیل هیئت آنرا از پوشش چوب بخشت پخته و رنگ چج و غیره نموده در جوار آن مسجدی برای جماعهٔ حفاظ کلام الله شریف و باقی مجاورین آن نیز از خشت پخته ساخته ، در سنه ۱۳۲۳ باتمام رسید ، نزول برکات و فیوضات بیت المعمور از مرحمت حضرت رب غفور دران مامول و مسئول است آمین» .

۲ــ قبر سردار حیات الله خان عضد الدوله و سردار عبد المجید خان در حصهٔ آخر جنوبی مقبرهٔ ضیاء الملة و الدین (بوستانسرای زار تمعار ف حاضره) در یک احاطه که از سنگ مرمر کناره های منقش و فرش صحنش هم از سنگ مرمر است این دو قبر بتفصیل ذیل واقع است :

الف : قبر عضد الدوله بقبرپوش صندوقی مرتبه دار که بالایش سنگ صندوقچه های دیگری هم است آراسته شده و بالای سرش لوح علیحده هم دارد . یکطرف لوح به بسم الله و آیة الکرسی شریف مزین، بدیگر طرف آن بعد یک آیهٔ شریفه ابن عبارت تحریر است «عضد الدوله سردار حیات الله خان پسر اعلیحضرت حبیب الله خان شهید برادر اعلیحضرت امان الله خان غازی بود که از آبیاری فضل و دانش در بخاسته از ادمحمدزئی بکمال از ارزو راسته شد و برومند گشته و پس از خدمات برجسته که در راه علم و امنیت افغانستان نموده بود بعد از تسلط حبیب الله دزد که همه موجودات وطن از ظلم و بیداد آن بباد فنا رفت برای

مقبره مجنون شاه و پدر و دو فرزندش

این مقبره در مقابل کوتی ستور (عمارت وزارت خارجهٔ حالیه) در صحن مسجدی که بمسجید مجنون شاه مشهور و قریب صدارت عظمی میباشد وبصورت محاله خوردی بنا یافته واقع است و میان آن دو قبر کلان دارای سنگهای مزین بکلمهٔ طیبه و آیات قرآنی و برخی ابیات است ودو قبر کوچک که درسمت شمالی قرار داشته دو لوح سنگ بر دیوار طرف بیرونی آن دو قبر نصب میباشد که عبارات مندرج هرلوح بترتیب قرار ذیل است.

۱ـ وفات مرحوم حاجی الحرمین الشریفین حاجی هاشم قادری بینوا چشتیه فخریهٔ نظامیه سوم ربیع الثانی ۱۲۶۵ ق »

۲ـ وفات جنت مکان سیادت همراه سید مجنون شاه ولد مرحوم سید حاجی هاشم شاه ۸ ربیع الاول یوم سه شنبه ۱۳۰۵ ق »

۳ـ وفات مرحوم سید محبوب شاه ولد سید مجنون شاه فقیر (درسن پنجسالگی) یوم جمعه ۵ رجب سنه ۱۳۰۵ »

۴ـ تاریخ منظوم :

ز دست ظلم وبیداد فلک داد — که یکدل نبود از وی شاد و خرم
بمجنون شاه این سید هاشم — خدا بخشید فرزند مکرم
نهادش اسم نیکو ناصرالدین — باو میداشت صد لطفی بهردم
بسن چار چون عمرش بسر شد — قضا کردش بخاك تیره همدم
رمضان بیست ویک شد از وفاتش — تاریخ علی پیوست محکم
هزار ودوصد و هشتاد و پنج بود — که فارغ شد ز قید هر دوعالم

اکنون مختصری درپیرامون معرفی شخصیت مجنون شاه حوالهٔ قلم میشود :
اسم سیدمجنون شاه ، سید فخرالدین (مجنون) مشهور بمجنون شاه رح ولد حاجی سیدهاشم شاه رح است ، ولادتش درسنه ۱۲۴۲ هـ ق در ده افغانان کابل شده ، پدرش مرید شاه نیاز رح بوده و بالآخره درطریقه ، قادریه شریف وچشتیه شریف مجاز بارشاد شده وتا آخر عمر در ده افغانان میزیست مجنون از عمر هفت تا بیست بتحصیل علوم پرداخته وتحت توجه پدر بتربیه و علوم باطنی مجاهدت میورزید ولی درایام طفولیت اکثراوضاع جنون از وی صادر میشد

ای حشر خلق را بشکن خواب نیستی — بگذار یک شه [illegible] که [illegible] کشیده الله

در لوح سنگ طرف پا این ابیات مرقوم است!

وه که مه با آرزوی گونا گون — از [illegible] آ[illegible] شید
چه جوان تازه شاخ شمشاد [illegible] — سرو [illegible] افتید
نخل رعنای بوستان شرف — پسر [illegible]
تا مور شاهزاده افغان — [illegible] سعید
بتمنای کام هستی پرورد — د[illegible]ل پرهوس [illegible]
داشته در دل که برخورد از عمر — [illegible]
او بدین آرزو که از قدر — تا [illegible] رسید
فتنه زا، دور فتنه [illegible] — که چنین [illegible]
بی گنه این جوان رعنا را — سقوی آمد [illegible]
نسبی ز شهزاده گیتی شرم نمود — [illegible] لرزید
تا زه شاخ جوانیش بشکست — [illegible]
بیست و دو عمر زود سیرش بود — که [illegible] کردید
سبز ده از مه صفر بوده — که این [illegible]
سال این وقعهٔ الم انگیز — [illegible]
گریه سر کرد خامه و بنوشت — با دلی پر [illegible]

۱۳۴۸ ق ۱۳۰۸ ش

مصرع اخیر بتمام حاوی سنهٔ قمری است و سنهٔ شمسی [illegible] است که تحریر کرده‌ام اشعار از قاری [illegible] مرحوم است.

• • •

نوت : چون بدرو پسران امیر شهید تذکر یافت باید متذکر شویم که [illegible] امیر حبیب الله خان در کله گوش لغمان در ۱۹ جمادی الاول ۱۳۳۷ ق بشهادت رسیده و در جلال آباد دفن شده . چون درینجا از مزارات کابل بحث است از تفصیل صرف نظر نمودم .

مقابر باغچهٔ آخندجی

واقع قول چکان دامنهٔ کوه نو آباد ده افغانان :

۱ - قبر خود آخندجی در میان باغچه ، قبری دار ای احاطهٔ بسیار پست خور دو چراغخانه است قرار بیان مجاورین سنگ مزارش درخود قبر فرو رفته مرحوم از قوم سادات ، عالم ، غازی و مرجع طلاب بوددائم تدریس میکرد ، اصلا از ترکستان است در عهد امیر دوست محمد خان بکابل آمده علاوه بر این معلومات اسم و شهره اش بکسی نبود .

۲ - قبر سردار نصرالله خان ابن ضیاء الملة و الدین امیرعبدالرحمن خان است که درعهد سراج الملة و الدین امیرحبیب الله خان شهید نائب سلطنه و متصدی تمام امور مملکت بود بفهم و فراست و کاردانی وی همه کس قائل میباشد :
این سردار مرحوم علاوه بران که دارای کفایه و لیاقت اداره و پیشبرد امور بوده عالم ، خدا جوی ، حافظ قرآن مجید وخیلی ادب پرور و شاعر نیز بوده است و علاقهٔ خاصی بکلام حضرت ابو المعالی عارف و فیلسوف شهیر میرزا عبدالقادر بیدل رحمة الله علیه داشته ، چنانچه بمبالغ کثیر کتب زیاد آثار خطی آن شاعر بزرگ را جمع کرده و عدهٔ از شعرا و فضلای کشور را بمنزل خود برای ترتیب و ردیف و تطبیق وتفریق نظم ونثر موظف ساخته بالاخر کتاب ضخیمی از منظوماتش را که تصحیح و تکمیل شده بود امر چهاپ داد که بمطبع حروفی ماشینخانه بصفحات بسیار کلان تحت طبع گرفته شد وتا ردیف دال رسید اما زمانه موافقت نکرده و آ لقدح بشکست وآن می ریخت آن ساقی نماند یعنی امیر حبیب الله خان بشهادت رسید و اقتدار سردار موصوف برهم خورده نیست ونابود گردید و کتاب ناتمام مانده کار بجائی رسید که همان تا ردیف دال را فی جلد دو روپیه وسه روپیه میفروختند و بیشتر دکانداران برای پوری ازان کار میگرفتند ولی باز هم این کتاب ناتمام احراز قدر نمود واز قرار فی نسخه ۲۰ افغانی وباز ۳۰ افغانی رفته رفته بصدافغانی خرید و فروش میشد اما حالا سخت کمیاب است .
بهر وجه این سردار علم دوست بزودترین فرصت داعی اجل را لبیك گفته جانب شمال مغرب احاطهٔ باغچهٔ مذکور بخاك سپرده شد و اکنون گنبد

و بدان نسبت پدرش بوی (مجنون شاه) خطاب میکرد و بهمین اسم شهرت یافته ، وقتیکه صاحب علم وارشاد هم شده و سراغ موزونی طبع نیز در خود احساس نموده بشعرسرائی اقدام کرد تخلص خود را (مجنون) گزید .

چون درسن بیست رسید پدرش برحمت حق پیوسته و او بجایش بمسندارشاد نشسته چهل وسه سال خدمت ارشاد طالبان حق را کرده بتاریخ ۸ ربیع الاول سنه ۱۳۰۵ برحمت ایزدی پیوسته در محوطه مسجد خا اقا مخدوم بخاک سپرده شد .

مجنون شاه دیوانی حاوی غزلیات ، مخمسات ، ترجیعات و قطعات که بیشتر مضامین عارفانه دارد وموسوم به (بوستان خیال) است از خود باقی گذاشته که درسنه ۱۳۲۸ ه‍.ق شیخ الهی بخش درمطبع حمیدیه لاهور بتوجه بلبل شاه خلیفه مجنون شاه چاپ نموده علاوه بر ین هم کتب درتصوف دارد مگر درینجا همین مختصر کافیست .



باشی و آخر آ وزیر تجارت بوده در سنگ مرقدش عبار اتی طو لانیست که خلصش این است : وتولد او در سنه ۱۲٦۸ و فاتش ۱۵ شعبان ۱۳٤۸ ق بعمر هشتادسالگی میباشد ، بانی این مسجد و مقبره شیردل خان تاجر پسر مرحوم است که در سنه ۱۳٤۹ ه ق بنا نموده .

٦ــ بطرف جنوب گنبد نائب السلطنة قبر والدۀ سردار امین الله خان امین ضیاء الملة و الدین است که تاریخ فوتش در سنگ سر قبر سنه ۱۳۱۸ ش مرقوم می باشد .

۷ــ بمحاذی گنبد قبر غلام محمد خان در حصۀ بالا ئی باغچۀ مذکور (سمت جنوب) قبری دارای سه لوح سنگ بود ، سنگ بالای سر مزین بکلمۀ طیبه و آیات قرآنی و بعضی ابیات و در سنگ افتادگی سر قبر چنین مسطور است :

« وفات مرحومۀ مغفوره بوبی حمیرا جان بنت سردار محمد یوسف خان ولد مرحوم امیر دوست محمد خان در سن ۱٦ سالگی ۲٤ شعبان سنه ۱۲۹٦ »

بقیۀ لوح سنگ طرف پا :

دارم ار دور چرخ مینا ئی | دل چو مینای باده پرخون ناب
بسر قرآنشسم نشانده سپهر | خونم از دیده میرود چو کباب
قامتم چنگ و مید هد گردون | گوشمالی حسر تم چو رباب
چون ننالم بسال رحلت ها ر | چون نگریم بر نگ چشم سحاب
برد زین حقه چرخ سفله نحاك | لؤلؤئی را که داشت عالم آب
آفتا بیکه رخ نهان میکرد | عمش شام تیره از مهتاب
ماها بیکه داشت عارض او | طعنه بر آفتاب عالمتاب
غنچه در پیش لعل او خاموش | لاله در پیش رنگ او بی آب
یکجهان ناز و یک ملک تمکین | یک چمن حسن و یک بهار آداب
مایۀ عیش و شادی و عشرت | حرمی بخش همچو عهد شباب
نکته رس نکته سنج حرف شنو | همه معنی چو لفظ اهل کتاب
سال او بود دو شش که بهفت | چون مۀ بدر چارده بشتاب
دوش سال و روی آ مۀ او | چستم از پیر عقل چشم پرآب
تیره شد روز روشنش زین غم | چون شب هجر عاشقان خراب
چو بیفردد گفت با طرزی | دورم از آفتاب عالمتاب

خوردی قبرش را احاطه کرده و لوح بلخشی در آن قرار یافته که سال وفاتش را سنه ۱۲۹۹ ش واضح میسازد .

۳- بطرف شمال گنبد متصل دیوار احاطهٔ باغچه قبری دارای صندوقه سنگ سه مرتبهٔ میباشد که خلص کتیبه‌اش این است : «بی بی رحیمه بنت شهریار سعید شهید امیر حبیب الله خان زوجهٔ سردار نامدار سردار عزیز الله خان ولد نائب السلطنه در ۲۹ سالگی بتاریخ شب جمعه ۲۶ رجب ۱۳۵۹ ق فوت شده» .

۴ پهلوی گنبد بطرف مغرب قبر سردار عزیز الله خان دارای کتارهٔ چوبی چوترهٔ خورد آهن پوش است .

لوح سنگی لدار داما ولادتش در دوم ذیقعده ۱۳۱۰ هـ ق مطابق ۲۹ ثور ۱۲۷۳ هـ ش بوده و وفاتش در بیست و دوم ذیعقده ۱۳۵۲ هـ ق مطابق ۱۹ حوت ۱۳۱۲ واقعشده مرحوم در عصر سراج الملة والدین سر کردهٔ سنجش و دو دورهٔ امانی سر کرده احصائیه و نفوس شماری و در عصر اعلیحضرت نادر شاه شهید سفیر کبیر افغانی در ایران بوده .

مرحوم صاحب طبع موزون و حیاتی ادب پرور بود بخلص قتیل شعر میسرود دیوان عبدالغفور ندیم مرحوم را حین سفارت خود در ایران بطبع رسانده این ابیات را مرحوم هاشم شائق برای لوح مزارش انشاد کرده بود .

ایکه اقوام و یار من بوده ید	در زمان از فنا و هم بعده
زینها راز برای من نکشید	آه و افسوس و ناله و رعده
یك دو شعر بلیغ برخوانید	بر مزارم کنید گر رقعهٔ
تا بر ینوجه مستریح شود	تن زا شکنجه روح از بعده
چل و دو سال و بیست روز بدم	منتظر بر نوید این وعده
عاقبت (دم) کشیده آسودم	(شام جمعه بماه ذیعقیده)

۱۳۹۶-۴۴ سنه ۱۳۵۲

۵- پهلوی قبر نائب السلطنهٔ مرحوم دو گنبد نو تعمیر شده که یکی مسجد است و دیگری بالای قبر غلام محمد خان وردك، غلام محمد خان شخص عالم و مشهور بملا و حق جوی و حاجی بوده علاوه بر اینکه پیشهٔ تجارت داشت ابتدا پتجات

میر جها ندار شاه خان حرم امیر عبدالرحمن خان ضیاؤ الملة و الدین دران مدفون است

۱٤ چندقدم دور قبریست بگل حامه ساخته شده لوحی ندارد امامعلوم دار است و همه میدانند که قبر جناب ملاعلی محمد آخند مشهور خلیفه صاحب ده افغانان است ، مرحوم یکی از علما وحفاظ وروحانیون انزو اپسند ومرجع عموم بوده ، طریقهٔ شریفهٔ نقشبندیه را ازجناب ملانجم الدین آخند زاده صاحب هده سبق گرفته وخلافت یافته لیکن مرید نگرفته ، مرحوم ابن ملا فقیر محمد قوم خواجه های کلنگاراهوگرد بود ودرکابل سکنا پذیر شده دائماً در مسجد میرهای ده افغانان طلاب را ازدرس ومخلصان را ازفیض صحبت مستفید مینمود تا آنکه روز پنجشنبه ۱٦ شوال المکرم ۱۳٤۱ بسن ۷۲ داعی اجل را لبیک گفته ودرینجا دفن شد نام نیک و اولاد صالح خودرا بیاد گذار گذاشت درجملهٔ قطعات تاریخیکه موزون طبعان عصر سروده بودند درقطعهٔ مبتلا که یکی ازجوانان خاندان خطبای وطن در انوقت بوده ما:؛ تاریخ (مغفور ابدبادا) بسر آمده است والحق که تاریخ خوبی است امیدکه حسن قبولی هم یافته است

۱۵ــ قبر هاشم شائق افندی مرحوم .

این مرحوم دربدوسلطنت امان الله خان بنام ممثل (نمایندهٔ دولت) ازطرف دولت آنوقت بخارا بدربار کابل اعزام شده درحین اقامت کابلش دولت بخارا از طرف حکومت شوروی اشغال گردید مشارالیه تبعیت افغانی را پذیرفته و در همینجا ماند ، چون مرد عالم وفاضل و صاحب اخلاق حمیده بود درشقوق مختلف معارف کشور داخل کار شده از رهگذر دوستی وآمیزش زیاد باسردار عزیز الله خان (قتیل) دختر آنمرحوم را ازدواج نموده حیات خودرا بشرافتمندی بخدمت عرفانی بسر برده بالاخر ساعت ٦ ونیم صبح روز چهار شنبه ۲۳ سنبله ۱۳۳۳ مطابق ۱۷ محرم الحرام ۱۳۷٤ چشم ازجهان پوشیده درقول چکان که قبرستانی سردار موصوف است قریب مقبر سردار دفن شد ، چون پسری از وی نمانده بود یکسال بعد سنگ های متین مناسب ازطرف عیال و دخترانش برای قبرش تهیه گردید وکتیبهٔ که استاد خلیلی درتاریخ وفاتش نگاشته بود درسنگ های مزارش نگاشته اند چون نـگارنده درانروز وفاتش مرثیهٔ طـولانی

۸ طرف مشرق باغچهٔ آخندجی گنبدیست که میان آن یک قبر کلان و دو قبر خورد بوده بدیوار سمت مشرقی گنبدسنگی بدیوار نصب و دران مسطور است ودر زمان عدالت توامان اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان درانی باکزائی محمد زائی پادشاه خود مختار دولت علیه خداداد افغانستان که قطعهٔ رفیعه برای مقبرهٔ مرحومهٔ مغفوره والدهٔ شهزاده محمد کبیر خان فرزند چهارمین اعلیحضرت همایون والا حسب الامر مودهٔ شهزادهٔ موصوف در یوم یکشنبه ۵ ماه شوال سنه ۱۳۳۱ ق صورت اتمام پذیرفت »

۹ بطرف مشرق گنبد مذکور قبریست که یک لوح سنگ داشته کتیبهٔ خلص آن این است «هذا قبر شیخ محمد صالح افندی شامی دمشقی الاصل در ۸ رجب بجوار رحمت ایزدی پیوست ۱۳۳٦ ق » افندی موصوف خسر مرحوم محمد بیگ طرزی است که از مشاهیر نویسندگان و سیاسیون ممالکت بوده وپس از خدمات ترویج نویسندگی و ارتقای سیاست که مدنی عهدهٔ وزارت خارجه و سفارتها ر اداشت و در راه استقلال وطن بیحد مجاهدات کرده درحین انقلاب داخلی بترکیه رفته و بالاخره در انجا داعی اجل را لبیک گفته و بخاک سپرده شده .

۱۰ درپهلوی همین قبر ، قبر عیال ربیع حکمت بیک (دوکتور ترکی) است که در سنه ۱۳۱۲ ش فوت شده این مرحومه از اتفاقات بقبل خود آتو دهشده یعنی اریکین رانیل می انداخت ریاحبز دیگر رانیل مدو بلباس وجاش اصابت نموده و درهمین حال گوگرد زده کهار یکین را امتحان کند که کار میدهد یانه؟ باوجودیکه نصف النهار بوده بواسطهٔ همین گوگرد بجاش آتش ل شده ، هیچ کوشش دیگران سود نبخشید و بهمین آتش در ظرف یکساعت جان بجان آفرین سپرد

۱۱ بطرف شمال مشرق گنبد مذکور قبر سردار محمد عثمانخان بن سردار صمدخان است لوح مزارش زیاده تر زیر خاک است تاریخ آن معلوم نشد

۱۲ درهمین موضع قبر مسماه راحت سلطان است که لوح مزار او هم زیاده تر زیر خاک رفته معلوم شده نمیتواند

۱۳ کمی دورتر از باغچه مذکور دوگنبد متصل بهم است یکی مسجد و دیگر بالای یک قبر که قبر مذکور لوحی ندارد قرار بیان مجاورین صبیهٔ

پای بند دین و مذهب حافظ قرآن رب
پر ز غیبت بسته لب بیغش داش چون سیم ناب
ره نبودی چون غبار کینه را در سینه اش
خاطرش گاهی نرنجیده ز کس در هیچ باب
چهره اش بر روی مردم چون رخ آئینه باز
طبعش از مهمان شگفته همچو گلشن از سحاب
خدمت یاران بشخص خود بمحفل مینمود
بسکه از خود بینیش چون چشم بودی اجتناب
فیض بردی هر کس از دار الکتاب و صحبتش
سائلان را پر قناعت بخش میدادی جواب
یکقدم گر چه لمو گشت از متانت منحرف
گام میزد در رهٔ نشر معارف باشتاب
بود یکتای زمان خویش باقد دوتا
نور علم از چهره اش میتافت همچون ماهتاب
از حوادث بر جبینش چین نمی آمد پدید
در شدائد صبر میورزید جای اضطراب
با همه وصف شریف و آنچنان طبع لطیف
با همه حسن سلوک و صافی طینت چو آب
هفدهٔ ماه محرم سال هفتاد حیات
بر کشید ایوای از خاک سیه بر رخ نقاب
خاک چون در بر کشید آن گوهر افضال گفت
بحر با یکچشم تر ویالیتنی کنت تراب
بشنو دو قتیکه کان هم کان گهر در خاک خفت
میشودبی گفتگو در آتش حسرت کباب
رفت و لیکن مانده از وی باقیات صالحات
نظم و نثر روح افزا تر ز صد گلشن گلاب

نوشته بودم که در همان روز در جراید شایع شده بود که نبذهٔ مزارش نسبة بمعرفی شخصیت موصوف مختصر است بناء مرثیه و کتیبه را ثبت مینمایم :—

۱— مرثیه

فاضل معروف هاشم شائق عالیجناب
آسمان علم و دانش را درخشان آفتاب

صاحب تصنیف و تالیف و تتبع در علوم
مخزن انواع معلومات چون چندین کتاب

خامهٔ گوهر فشانش مقتدر در نظم و نثر
قوهٔ ذهن و بیانش در مباحث کامیاب

اوستاد دانش و فضل ادب در مملکت
بهره اندوزان فیضش خارج از حد حساب

قدرش افزون نزد ارباب معارف از همه
بوستان علم و دانش را ز بس داد آب و تاب

از طریق قدر خدمتهای عرفانی بود
تا ابد استاد اولاد وطن او را خطاب

مینمودی عرس بیدل را همه ساله ز بس
بود قدر پیشوای ادب بهوشش صواب

آشکارا میشدی هنگام صحبت آنکه اوست
پای تا سر دانش و فرهنگ را مب لباب

بیحضورش محفل اهل ادب بودی خنک
محفل احباب او گرم گردی چون شراب

در گلستان فارا نخل گلشن زیب بود
او ز دیوان محبت بود ورد انتخاب

کوه از درد عزو تمکینش سبک مانند کاه
از بهار خلق لیکش تازه طبع شیخ و شاب

آن نخار ی صحبت گرم و دل پرسوز داشت
نسبتش با اهل شهرت بود چون آب و سراب

زیارت سید صالح

در گذر راجکزائیها ازدیک بگذر چوبفروشی در بین یک خانه رو بطرف راه عام قبری در محوط ایست که یک پنجرهٔ آهنی بطرف راه دارد، لوحی ندارد مردم میگویند زیارت سید صالح است .

زیارت میانجی

در باغ نوب پهلوی جای پسران میرزا ناظر محمد خان مرحوم طرف شمال راه عام احاطهٔ چاردیواری پست خوردی و میان آن قبری دارای کتارهٔ چوبی بدون لوحی منسوب بمیان جی صاحب است

زیارت سید کمال

طرف جنوب راه عام (درگذر ملکور) عمارتی بوده در میان آن قبری دارای پنجرهٔ چوبی مشهور بمزار سید کمال میباشد قراربیان مردم برادر سید مهدی آتش نفس است و پدرشان امام مغربی میباشد (والله اعلم)

* * *

در گذر مسجد سفید شور بازار در قبرستان قریب زیارت موی مبارک قبری دارای دو لوحه سنگ است لوح طرف سر مزین به آیات قرآنی و لوح طرف پا که شکسته و سه پارچه شده حاوی این ابیات است :

۱- وه از ین کج رفتار چرخ خیبری | کو لسد ارد هیچکس را برقرار
آن غلام نقشبند پاک دین | گز امور دنیوی میداشت عار
بود فرزند علی اصغر بدان | هم زاو لا مجددیا دگار
رحمت حق باد بر اجداد او | هم بذات پاک آن عالی وقار
یا الهی بخشش از لطف و کرم | جنت الفردوس در روز شمار
سال فوتش با خرد گفتم چه کرد | گفت میل گلشن دارالقرار

۱۲۱۷

بتاریخ ۲۱ شهر جمادی الثانی ۱۲۱۷

۲ کیتبهٔ لوح شکسته طرف پای قبر دیگری حتی الامکان که خوانده شد بدینقرار است :

. . . . | روح او شاد جاودان دارد
سرو باغ محمد و احمد | لائق بود نش جنان دارد

درس بیداری دهد آثار جاویدش مدام
رفت چشمش گر کنون زین منظر فانی بخواب

خواند در اثنای صحبت پنجروز از مرگ پیش
(۱) بر حریفان مرگ شو بر من زندگی باشد عذاب

گرچه خود آسوده در جنت ولی از فرقتش
سرنگون شد جام عیش اهل دانش چون حباب

حقتعالی عفو تقصیرات‌اش از رحمت کند
سازدش از دولت دیدار شاد و بهره یاب

عزشاه انبیاء (ص) چار یار (رض) و اهل بیت (رض)
دعوت ما را بحقش حق نماید مستجاب

چون برایش مغفرت میخواستم بیحد قلیل
خامه ام زد سال فوتش را رقم (غفران مآب)
۱۳۷٤

لتیپه

خفته اینجا هاشم شائق که در فضل و ادب
قرنها شد ما در گیتی قرین وی نزاد

خانقاه مولوی را آخرین شمع امید
درسگاه بوعلی را او پسین برق مراد

رازدان فخر رازی در امور فلسفه
رهشناس بو حنیفه در مقام اجتهاد

از بخارا تا بکابل و زهری تا کاشغر
چشم ارباب نظر گردید از وی روشن سواد

محفلش صاحبدلان را رهنمای فیض قدس
محضرش اهل نظر را هر کوی ارشاد

تا شود سال وفاتش آفتابی نزد خلق
کلک مرگفت از پی تاریخ او (مغفور باد)
۱۳۳۳ ش

---

(۱) پنجروز قبل از مرگ که بعیادتش رفتم این بیت حضرت بیدل راخوانده بود که مفاد آن بتغییر قافیه در مصرع اقتباس شده :

بسکه بیروی توخجلت کرد خرمن زندگی — بر حریفان مرگ دشوار است و بر من زندگی

در گذر برانچه‌ها متصل بخانهٔ مرحوم میرزا محمد اسلم خان معین وزارت مالیه زیارتیست که قبر و لوح سنگ ندارد اما میان مردم مشهور است که شاه کمال حسین در حیات خود درهمینجا داخل شده باز بیرون برآمده .

در گذر مذکور ... سید حبیب نام قرار اظهار اهل گذر (قبر خواجه حسن خالدار) بوده اما تا حال نامعلوم است . امیر محمد خان نجار باشی که شخص باخبر و ریش سفید است اظهار نمود که قبر را بودم دیده ام صاحب قبر شخص با کرامتی بود که کراماتش در زبانهای مردم است اکنون سر قبر مطبخ ساخته شده .

قدسیان واقف مقامانش | صوفیان جمله زونشان دارد
شد مسمی بشه عطاؤ الله | حور و غلمان خادمان دارد
ما بهجر ان واو بحق واصل | واصلان را خدا لهان دارد
در هزار و دو صد و عشرین سه | در جوار نبی مکان دارد
۱۲۲۳

* * *

در گذر فرملی ها

۱ در بین گذر مذکور بطرف شمال راه قبریست مشهور به (قبر شهید) و مورد اعتقاد مردم مردی عارف و عالم بوده ودر هزاره ها دست رسید. چراغدان گلی بالای قبرش پیدا شد اما لوح و کتیبهٔ ندارد
در سنه ۱۳۳۷ ه ق عم مرحوم میرزا محمد یوسف خان متوفای همان سنه که منزل شان درجوار آن بوداقدام به آبادیش نموده سنگ و خشت پخته وچونه وغیره تهیه کرد ولی اجل امانش نداد وبی آنکه اشیای مذکوره بمصرف آبادی آن برسد تلف وتابود گردید، مگر با همین و ضعیت بیسا ختهٔ خود خیلی از اهالی با قدر است

۲ ـ درهمان گذر درخانهٔ میرزارستم نام قبری در احاطهٔ خرابهٔ چاردیواری بدون لوح مشهور به قبرشاه محمد میباشد:

۳ ـ درگذر شانه سازی بخانهٔ جلال الدین نام در یک اطاق دو قبر یکی از باباصاحب (باباگل محمد) و دیگری از صاحب دین برادراوست.
درسردروازهٔ حولی مذکورلوح سنگ نصب است که کلمهٔ طیبه واسمای چاریارکبار (رض) بخط خوش قدیمه و مضمون ویل بسیار بدخط (کـه غالباً درثانی تحریریافته) مسطوراست:
« بتاریخ یوم چهارشنبه ۱۴ ماه ذی قعدة الحرام بود که باباصاحب ازدار فنابدار بقا رحلت نمود. قوم خواجه زاده سنه ۱۲۹۵ »

* * *

صاز جدش را شفا عنخواه او | یا کریم کردگار ذوالمنن
بوده بن‌میر تقی شاه آنجناب | سید والا تبار هو تمن
درهزار ودو صد و پنجاه وسه | کرد اندر بقعه جنت وطن

کوته فقیرخانه وچاه آب و دیوار های احاطه رو بخرابیست .

* * *

پیش‌روی بالاحصار نزدیک‌سرک‌جدید، زیارت شاه لطیف دریک بلندی بوده، دران بلندی یک درخت‌توت هم است آبادی سابقه اش ویران شده قبر بحال خرابی میباشد لوح‌سنگ ندارد .

* * *

درگذرپروی های کلالی زیارت دیوانه شاه دریک حویلی خورد بوده سه باب‌خانه‌دارد که ورثهٔ غلام‌علی مجاور همین زیارت دران‌سکونت دارند، درسمت شرقی حویلی، قبرمذکوررا کتارهٔ چوبی احاطه‌نموده بالای‌قبر لوحی است که مرقومه اش این است :

« وفات مرحوم مغفور محمد زمان خان ولد امیراحمد خان مردان زائی بتاریخ ۲٦ شعبان ۲۲۹ » معلوم است سنگ از دیگر قبراست .

* * *

درگذرشیربچه های پایان چوك درمیان یک احاطه قبریست که دورش کتاره چوبی‌بوده مشهور به پیرسفیدمیباشد لوحی ندارد :

* * *

مزارات گذر دروازهٔ لاهوری

۱ - درگذر ملامومن بسمت شمال حویلی مسجد چاچه بیلی خانه ایست درآنخانه قبری دارای دو لوح سنگ لوح بالای سر مزین بآیات قرآنی، کتیبهٔ لوح طرف پا این است: -

« وفات مرحوم مغفور چاچه بیلی بن عبدالله بتاریخ ۸ شهر شوال المکرم سنه ۱۲۲٤» چاچه بلی از هندوستان بکابل آمده و در اینجا فوت شده یک قبر خورد پهلوی او ست که میگویند از پسرش میباشد.

۲ - احاطه ایست دارای دو قبر یکی از سید حسن مشهور به (شاه مدار زنده پیر لعل بخش) دیگری از سید حسین مریدش هر دو قبر را درخت تاکی سایبان شده لوح سنگ ندارد بطرف شمال احاطه یک اطاق است در بیرون احاطه مسجدی بوده در حویلی مسجد چاه آب وسیع میباشد.

۳ - از طرف مشرق ابتدای بازار سمت جنوب راه عام زیارت اسمعیل شاه بوده قبر مسقف را کتارهٔ چوبی احاطه کرده لوحی ندارد.

٤ - پهلوی قبر فوق بطرف مشرق یک قبر است که میگویند مدفون آن از مشهد مقدس از دا اسمعیل شاه آمده.

۵ - طرف مغرب قبر اسمعیل شاه قبر ماما فیضوی فقیر مشهور کابلسیت که در عصر امیر عبدالرحمن خان فوت شده این قبر ها در احاطه خوردی بوده دیوارهای احاطه خراب شده در عقب احاطه طرف جنوب لنگر خانه شان بوده که حالا خراب است.

٦ - در بیرون دروازه بطرف جنوب راه مزار سید محبت شاه بخاری میباشد قبر در میان احاطه بوده یک چراغدان سنگی و یک لوح سنگ دارد که مرقومه اش این است:

آه آه از دست بیداد فلک . . . .

چیده چیده ميدهد گلها ز آب — هم گل و هم غنچه و هم یاسمن

هشتم شهر ربیع الاول آن — رفت سوی خلد زین دار محن

سید عالیجناب مولوی — قدوهٔ فخر زمان سید حسن

یارب از فضلت بیامرزی ورا — حرمت جان نبی و وصی پنج تن

مزارات گذر بارانه

۱ احاطه ایست مشهور بزیارت بابا ولی (بعضی بابا اولیا هم میگویند) قبر بابا ولی که نزد اهالی محترم است بطرف مشرق احاطه و دور آن کتارهٔ چوبی میباشد لوحه سنگ ندارد .

۲ متصل دروازهٔ احاطهٔ مذکور قبریست که بر سنگش چنین مرقوم است « تاریخ وفات میر عبد حسین (۱) ابن حاجی حسن ازدار فنا بدار بقا رحلت نمود سنه ۱۰۲۰ »

۳ پهلوی قبر بابا ولی ، قبر میر واعظ صاحب مشهور کابلیست که شخص عالم و متقی و مبلغ و مجاهد و صاحب طبع موزون و بسا اوصاف بوده و واعظ تخلص میکرد اما لوحی ندارد ، بناثر موصوف امروز لله الحمد در کابل بکثرت و با حرمت و شهرت اند مگر چندین مرتبه از هر یک شان تقاضا کردم که سوانح مفصل و تاریخ وفات ایشان رابه بنده بدهند وعده و ادهای وعده نکردند.

٤ متصل آن قبری میر حاجی صاحب پسر ش میباشد که کتیبه آن چنین است :

میر حاجی صاحب آن قطب زمان ‏ ‏ رهنما و مقتدای سالکین
بود یوم شنبه وعید صیام ‏ ‏ کان فروزنده چراغ راه دین
رخت از این سر منزل سفلی ببست ‏ ‏ کرد مسکن در مقام علیین
سال تاریخ وفاتش از خرد ‏ ‏ جست الفت از دل اندهگین
ناگهان از غیب گفت هاتف بگو ‏ ‏ مسکن او باد بر خلد برین

سنه ۱۲۸۲

۵ در همین احاطه قبر میر عتیق الله صاحب پسر حافظ میان جی بن میر واعظ صاحب است ، که بوبوجان حرم بانام و نشان امیر عبدالرحمن خان ضیاء الملة و الدین صبیهٔ همین میر عتیق الله بوده کتیبه لوح مزارش چنین است :

هزار افسوس و وا ویلا دریغا ‏ ‏ چه غم بود اینکه بر خلق جهان رفت
نهال لو بر حافظ جی صاحب ‏ ‏ که بود او میر عتیق الله جان رفت
هنوز ش سن عمر اندر چهل بود ‏ ‏ که آن سرو سهی از بوستان رفت

---

[۱] آیا چرا الف لام تعریف را از قلم انداخته ؟ زیرا باید اسم راعبدالحسین مینوشت

در گنذر سیف الملوك

۱- متصل سرای حفیظ له حان احاطهٔ و درین حاطه مسجد جدیدکه تعمیر نمودگی حفیظ اللهخان بوده در وسط احاطه قبریست که و روی آن عمارهٔ چوبی و بالای آن چوبتره خورد آهن پوش نداشته بالای قبر یك سه جت سنگ وقسمی مکعب مستطیل کلان منقش و سطح طرف سر مزین با آیات قرآنی وسطح فوقانی چهار اسم الله بخط کوفی و بسطح طرف پا نیز مرقوم است «کل شیء هالك الا وجهه ، من دار الفنا الی دار البقا سفر مرحوم المخصوص بعنایت الملك الراجی امیر بهار الدین . . . تسعة و ... ثمانمأة» با سه شاه سطح فوقانی سطح طرف سر و پا بخط خوش ثلث است . این قبر نزد مردم مشهور به زیارت سیف الملوك میباشد

۲- پهلوی آن شش سنگ صندوقنمای خورد و کلان بوده ، از طرف مشرق :

سنگ اول : از سطح طرف سر آیات قرآنی معلوم میشود ، از سطح پا بجز کلمهٔ وفات مرحوم مغفور دیگر چیزی معلوم نمی شود .

سنگ دوم : از سطح طرف سر بخط ثلث آیات قرآن کریم و در سطح فوقانی چهار اسم بخط کوفی ، بسطح طرف پا بخط ثلث مرقوم «هذا وفات صالحهٔ عفیفه زین المستورات نانا بنت امیر المرحوم المغفور میرزا بهادر فی رجب المرجب سنه ۸۸۵

سنگ سوم بجز تاریخ وفات دیگر چیزی که خوانده شده بتواند معلوم نشد .

سنگ چهارم طرف پا «وفات محمد علی ابن ملا پاینده محمد فی تاریخ نهصد و چهل و پنج»

سنگ پنجم باقی اطراف آیات قرآنی و بطرف پا «تاریخ وفات مغفور مرحوم مشتری آغا بنت مولانا در تاریخ سنه سبع وعشرین وتسعمأته

سنگ ششم طرف سر آیات قرآنی ، طرف فوقانی کلمهٔ طیبه ، طرف پا : تاریخ وفات مرحوم مغفور حیدر بیگ ابن باران بیگ فی عشر شهر رمضان سنه ۹۲۰

مزارات گذر دیگاخانه

۱ نزدیک سرای ذغال فروشی مسجدیست که حویلی خوردی داشته در حویلی مسجد یك قبر طولانی دارای کتارهٔ چوبی بدون لوح سنگ مشهور بزیارت سید ازدر میبا شد .

۲ در میدانی بیک احاطه که از زمین با ندازهٔ یک قد بلند است زیارت شاه اسمعیل پادشاه بوده لوحی ندارد .

۳ متصل خانهٔ میرزا احمد جان نام زیارت سخی سرور پادشاه بوده قبرا ومیان گنبدخام کاری است که حال غلطیده ولوحی ندارد مگرمرجع عموم است .

٤ متصل چمن یک بلندی قبرمشهوربزیارت شهید است ، پهلوی آن قبوربعضی شهدای دست رابرت (هنگام استیلای مردم انگلیستان درکابل) میبا شد

در گذر باغ علیمردان

۱ درنورآباد طرف مغرب راه دریك بلندی زیارت جمعه شاه بوده لوحی ندارد.

۲ نزدیك پل باغ علیمردان درداخل جای فتح محمدخان که جای پسرش شیراحمدخان گفته میشدو حالاجای از نبا علی شیرزادو اسه اش میباشد که اکنون نیز براقتصادهستند طرف جنوب راه زیارت سید عبد الله میباشد سنگی بالای قبرش هست که آیات قرآنی ازان فهمیده میشود نه نام ونشان وتاریخ .

۳ نزدیك پل محمود خان ومسجد عید گاه وسرك عام دریك بلندی قبری بوده زیارتگاه عوام است اما لوحی ندارد ومردم هم نامش را نفهمیده اند .

* * *

مدفن سه شهید

درحدود چهار راهی ششدرك درپهلوی هوتل آریانا مدفنیست که دران سه تن ازشهید است سابق بصورت صفه ساخته شده بود، طوغها وبیرق ها داشت ، درین اوقات که زمینهای آن حصه متعلق هوتلها شده رئیس هوتلها بپاس قدردانی شهدای مذکورسنگی درانجا نصب کرده متضمن این عبارت : « اینجامدفن سه تن ازجوانان باشهامت افغان است که درراه : . آزادی مملکت وملت خود بشهادت رسیده اند . جنگ ۱۲۵۵ — ۱۲۵۸ افغان وانگلیس »

نبیند هیچ دشمن یا الهی | غمی کز وی بجان دوستان رفت
پدر را هم غم آن قرة العین | قرار و طاقت و تاب و توان رفت
عیالش را ازین سوادی جانسوز | شرر در بیشه زار استخوان رفت
ز فریاد غلامان و کنیزان | خروش الامان تا آسمان رفت
نهاده سر بزانوی غم الفت | بفکر ماده تاریخ آن رفت
که ها تف ناگهان از غیب گفتا | هزار افسوس کان جان جهان رفت

بتاریخ یوم جمعه ۸ ربیع الثانی سنه ۱۲۸٤

۶ قبر حافظ میان جی پسر میرو اعظ صاحب هم در همین جا ست مگر لوحی ندارد علاوه بران قبور همشیرهٔ (بوبوجان) و میر عبدالرحمن پسر میرعتیق الله که (بسن ۱۲ فوت شده) هم در همین احاطه است .

* * *

درمندوی خربوزه فروشی که حالا بوریا فروشی گفته می‌شود دریک بلندی زیارت اکرم گل است (که از فقرای اوائل عصر اعلیحضرت امیر حبیب الله خان شهید بوده) لوحی ندارد . در هذا سنه ۱۳۳۸ ش که در مندوی مذکور حریق مدهشی رو داد و چار اطراف این زیارت را که در بلندی واقع میباشد آتش گرفت از اتفاقات نیک بخود زیارت و دوکانها وغیره آن قطعاً اصابت نکرد ازان ببعد اخلاص مردم بآنجا افزوده گشت و آبادی هم نمودند ، لاکن در جنب قبر اکرم گل فقیر قبر دیگری هم است مو سفیدان میگویند این قبر یکی از عرفای قدیم است که نسبتاً سیادت داشته بهر وجه این زیارت بآن سید که اسمش معلوم نیست و اکرم گل منسوب است .

* * *

زیارت مشهور به امام زین العابدین

حاوی سه قبر

۱ در کنج سمت شمال شرق قوماندانی کوتوالی سابقه که حالا تعمیرا ش جدید شد ، قبری است که بالای آن صند وقه سنگ کلان دو مرتبهٔ و در اطراف مرتبهٔ زیرین ابیات مبنی بر تأسف و تحسر و سطح بالای سره طرفین آیات قرآنی وبسطح فوقانی هم بعضی ابیات تأسف انگیز و بسطح طرف پامسطور است :

میرترکانز جها ن زود برفت　　از فضای چمن خورد وبزرگ

چون خرد سال و فاتش پرسید　　گفتمش مرد ملک دید ؛ ترك

۷٤۹

۲ پهلوی صند وقه سنگ موصوف (بطرف مغرب) یك صندوقه سنگ کلان که طرف فوقانی و باقی اطراف مزین بکلمهٔ طیبه وآیات قرآنی و طرف پا چنین مسطور است :

دلا چون مرد میرخورد آن به　　که ازبهرش بسان شمع سوزی

چواو رفت ازجهان تاریخ فوتش　　خرد گفتا بهشتی باد روزی

۹٤۷

۳ پهلوی صند وقه سنگ وسطی (طرف مشرق صند وق سنگ دیگری است که بسطح فوقانی آن چیزی مرقوم نیست ، باقی اطراف مزین باآیات قرآنی و بطرف پا این است :-

وفات بیگسی بیگه بنت ابوالخیربیگ بیست و هفتم ماه رمضان بود بتاریخ نه صد و پنجاه رحمت بر ان کسیکه دعائی کند بخیر .

* * *

در نز دیك بانگ شاهی بطرف مغرب جوی ، پهلوی سرك عام در یك احاطه زیارتی است که از صند وقه سنگ بالای قبر بجز کلمهٔ طیبه وآیات قرآنی دیگر چیزی معلوم نشد.

* * *

زیارت بابای کیدانی

بطرف مشرق راه باز ارارگ دو گنبد (بطور پس خانه و پیش خانه) بوده در وسط گنبد پس خانه قبر بابای کیدانی گهواره نما چونه کاری شده لوحه سنگ ندارد ـ در اینجا سه قبر دیگر هم بوده دو قبر چونه کاری و بالای یک قبر دیگر صندوقه سنگی است طرف سرمزین با آیات قرآنی باقی اطراف نوشته ندارد طرف پا : « تاریخ وفات المرحوم المغفور خواجه عمادالدین مسعود بن خواجه المرحوم خواجه محتشم » سنه تراش شده.

در گنبد بیرون (پیش خانه) قبری دارای کتارهٔ چوبی و (قراربیان مجاور) قبر سید عاشق علی شاه میباشد . لوحه سنگ ندارد .



درآخر لین شاهی بسمت مشرق جوی متصل سرك پیش روی چهاونی دو صندوق سنگ اززیر خاك کشیده شد .

طرف فوقانی یک صندوق سنگ منقش و باقی اطراف مزین به آیات قرآنی و طرف پا مسطور است :-

بتاریخ پنجم جمادی الاول سنه هزار و دو چهار فتح محمد معمار فوت شد .

نوشتهٔ طرف پا نسبت بدیگر اطراف بسیار بدخط است .

۲- بطرف سر صندوقه سنگ دیگر :

بتاریخ دوم ربیع الاول سنه ۱۰۹۳ ازدار فنا بدار بقا رحلت نمود (اسم معلوم نشد)
باقی اطراف آیات قرآنی مرقوم است.
ملا سلطان محمد نام (که پنجاه سال می شود در مسجد شاهی امام است) بیان نمود که قبلا دور این صندوق سنگها احاطهٔ بود و مردم بزیارت می آمدند اکنون اثری از احاطه نیست .

* * *

در فوقهٔ شاهی پشت روی اطاقها طرف شمال مسجد در یک بلندی

۱ قبری دارای دو لوحه سنگ بسیار کلان بوده بیکطرف لوحه سنگ بالای سر کلمهٔ طیبه بعربی قلم و طرف دیگر آن آیة الکرسی بخط فارسی قلم ، بیکطرف کلفتی سنگ (که پنج انگشت کلفتی دارد مرقوم است) :-

رفته هر بزرگ از جهان   درمقام جنت آرامی شده

بکلفتی جانب دیگر :

گفت دانای خرد تاریخ او   رونق گلزار زیبایی شده

۹۶۳

در لوحه سنگ جانب پا که این هم پنج انگشت ضخامت دارد بکطرف آن نقشه های نیکو و طرف دیگر علاوه برنقش زیبا چنین بخط خوش مرقوم است .-

تاریخ وفات پهلوان دوست

۹۶۳

مرقد مولوی یارمحمدوغیره

۱ در این شاه‌نشین باغچه یک درخت پنجه چنار کلان و چند درخت شاه توت و چوز ... داشته در پهلوی شمال مرقد مولوی یار محمد صاحب میباشد اما لوحه سنگ ندارد.

۲ در ... قبری بوده میگویند از خانواده آقا محمد است .

۳ در نزدیک مرقد مولوی صاحب قبری دارای دو لوحه سنگ که به لوحه سنگ جانب سر آیات قرآنی و به لوحه سنگ جانب پا چنین مرقوم است :-
وفات به رحمت پیوست محمد عثمانخان بامیزائی زوجهٔ سردار امیر الدوله در سن ۲۱ سالگی بتاریخ ۲۴ ربیع الاول یوم شنبه ۱۱۸۴

۴ قبر دیگر هم دارای دو لوحه سنگ ملاشه در لوحه سنگ بالای سر آیات قرآنی و بعضی ابیات و در لوحه سنگ طرف پا ابیات ذیل مسطور است :-

زیر این طاق زرنگار فام — ... امید کس نچید بکام
پرو ... شده ز خون جگر — کرده لبریز زهر مرگک بجام
هر ... راحت زیست — خور زین جام باده تا کام
آه و افسوس و حیف میروید — تا قیامت ز تربت بهرام
پس منه دل درین جهان خراب — راحتش ذلت و اسعاد انجام
اسم این صالحه فرخ سلطان — هم عفیف خجستهٔ ایام
دختر خان عالی ... — پیر محمد ... بود بنام
قوم فوفلزائی ز اهل دران — صاحب حشمت شجاع تمام
یوم یکشنبه از محرم دو — هاتف غیب دادش این الهام
که الا زود خیز و روآور — درجوار خدای خویش خرام
رفت زین دهر سوی رحمت حق — باد شافع ورا رسول انام
جستم از پیر عقل تاریخش — تا شود حل این خجسته مرام
فاتحه از دعا برآر و فزا — بر سر یا غفور تسم کلام

قبور بدون لوح سنگ هم درین باغچه میباشد درین باغچه و رثه ملائین عبدالرحیم مجاور سکونت داشته قبر ملائین مذکور هم همین جاست .

* * *

زیارت مشهور سید جلال بخاری :

در گذر شیر بچه های خیابان در سمت شمال راه خانه ایست که (اکنون مسمة گوهر نام سکونت دارد) زیارت موصوف در سمت مشرق حویلی است و حاضر آقبر دارای کتارهٔ چوبی و دو لوح سنگ بدون نوشته بوده ریش سفیدهای گذر اظهار نمودند که خود سید جلال صاحب و برادرشان یکجا در همین موضع مدفون اند و قبری که بطرف شمال حویلی است همشیرهٔ شان میباشد سابقاً لوح سنگ و گهواره سنگ هم داشته درین باب گفتگوهای زیادی شده و بریاست بلدیه معلوم است بلکه بعضی سنگها ی زیارت هم د ربلدیه خواهد بود چنانچه درین باره مکتوبی بریاست بلدیه از شعبهٔ ریاست مطبوعات چندسال قبل صادر نموده ایم تا سنگهای مذکور اگر موجود باشد بمرجعش رسانده شود اما نتیجه نداد .

زیارت باباشوقی

این زیارت بهمین گذر در احاطهٔ بوده چندتاك و یک چاه آب و مسجد هم دارد که مسجد خرابه شده زیارت موصوف لوحه سنگ ندارد ـ قبر حاجی سید حسن و سید غریب پسرشان و سید احمد شاه و باقی اولادهٔ سادات موصوف هم همین جاست ـ قرار اظهار سید محمد ایوب نواسه حاجی سید حسن موصوف قبری که بنام زیارت باباشوقی شهرت دارد از قدیم بهمین نام بوده والله اعلم .

مزارات گذر مراد خانی

(۱) در گذر طوره مراد خانی در یك زیر خانهٔ خرابه (طرف مغرب راه گذر) زیارتی بنام زیارت شهید شهرت دارد که بعضی زیارت دوازده امام میگویند قبر و لوح سنگ موجود نیست .

۲ ـ بطرف مشرق بازار مراد خانی زیارت حضرت عباس شهرت دارد این زیارت عبارت از گنبدی است که چندتوغ (علم) داشته لوح سنگ و قبر ندارد ـ یک احاطه یک اطاق و لنگرخانه هم دارد ، گفته شد حضرت عباس عم محترم حضرت رسول صلعم در مدینهٔ طیبه و حضرت ابوالفضل عباس ابن امیر المومنین سیدنا علی رضی الله عنهما در کربلای معلی مدفونند و قبری هم درینجا نیست پس که باشد ؟ گفتند نظر گاه حضرت عباس است والله علم جمعیت مراجعین باین زیارت بسیار است .

۳ ـ اینچنین بطرف مشرق بازار خانهٔ هست که مشهور به زیارت پنج تن می باشد اما لوح سنگ و قبر نه دارد.

میر برگـز معـی اوگـاز ار دهـر | یـافتـی ز پنت چو فردوس برین
نادر العصر جهان بود و برفت | گشت دلها از غمش اندوه گین
جستـم از پیر خـرد تـاریخ گفت | حیف حیف از نـادر العصر چنین

بدو جانب صخامت ۹٦۳

ای نادر ؛ زمانه مردی افسوس | وی دوست بخاك تن سپری افسوس
در باغ جهان بود رقدرت نخل حیات | از نخل حیات بر نخوردی افسوس

ازمضامین هر دو سنگ معلوم شد که (میربر) و پهلوان دوست یك شخص است و در سنه ۹٦۳ ق وفات کرده.

۲- در همین جا قبر دیگری دارای دو لوحه سنگ کلان و بضخامت ساه گشت بوده لوحه سنگ بالای سر بیکطرف کلمهٔ طیبه و نقش نیکو و طرف دیگر آیة الکرسی عربی قلم و نقش دلچسپ. لوحه سنگ جانب پا : یکطرف منقوش و بیت ذیل بخط خوش

هرکه آمد بجهان اهل فنا خواهد بود - آنکه پاینده و باقیست خدا خواهد بود

طرف دیـگـر :

ز جور فتنهٔ ایام وچرخ بو قلمون | ز غصه قامت خضر حیات چون نون شد
چو بود پیرو ا لـر سول قاسم خان | از آن رخش ز شهادت چو لاله گلگون شد
چنان زدیدهٔ احباب ریخت سیل سرشك | که پای تا ...... پر خون شد
ز پیر عقل چو تاریخ فوت او جستم | ندا رسید که بلبل ز باغ بیرون شد

عدد بلبل که (٦٤) است چون از عدد باغ که (۱۰۰۳) منها شد کم شود (۹۳۹) میماند وآن تاریخ فوت او خواهد بود .

زیارت سید جعفر آقا و مربوطاتش در اندرابی

الف طرف جنوب راه گذر اندرابی احاطه ایست کلان مشهور بزیارت سید جعفر قبر خود موصوف با پنج قبر دیگر محاط به کتاره چوبی بوده مقابل قبر خودش بیرون کتاره) چراغدان گلی کلان و بالای قبر چهار توغ نصب است هر شش قبر، صندوقه سنگهای مکعب مستطیل دارند .

۱ - جانب فوقانی صندوقه سنگ خود موصوف چهار اسم الله (بخط کوفی) و باقی اطراف مزین بکلمه طیبه و آیات بابرکات کلام مجید و بطرف پا چنین مرقوم است :

« تاریخ وفات المرحوم المغفور امیر جعفر بن خواجه امیر حسن ۸ شوال سنه ۹۲۹ » .

پهلوی آن بطرف مغرب دو صندوقه سنگ است :-

۲ - صندوقه سنگ اول : باقی اطراف آیات شریفه و کلمهٔ طیبه ، طرف پا :-

تاریخ وفات مرحوم مغفور عادلا بن میر دولت قدم سنه ثمان وثلاثین وتسعمأته ۹۳۸

۳-صندوقه سنگ ۲ : باقی اطراف آیات شریفه و کلمهٔ طیبه ، طرف پا : تاریخ وفات مرحوم مغفور امیر دولت قدم ابن روشن محمد خواجه سنه ندارد .

معلوم است که قبر اول پسر و دوم پدر است که عادلا بن میر دولت قدم و او بن روشن محمد خواجه بوده .

پهلوی آن بطرف مشرق :-

٤- صندوقه سنگ اول :- طرف فوقانی نوشته ندارد باقی اطراف مزین به آیات قرآنی و جانب پا :-

وفات المرحوم المغفور خواجه بیگی بن خواجه حسن پنجشنبه ۱۳ محرم الحرام سنه ۹۹۲ .

٥- صندوقه سنگ ۲ :- طرف فوقانی بخط کوفی ٤ اسم الله و باقی اطراف مزین به آیات قرآنی و طرف پا :-

سپهر اوج رفعت خواجه مارک　　　ازین عالم بملک جاودان رفت
روان پنهان شد اندر جسم غمناک　　　چو اشک از دیدهٔ مایان روان رفت
درین حالت چو جستم سال فوتش　　　خرد گفتا که پاک از این جهان رفت

طوریکه مصرع اخیر سنه را تذکر میدهد باید سال هشتصد و سی باشد :

(زیارت دوست خاوند ولی)

در پیش روی حمام نمره و سرای تجارت قانونی دواخانه دان .

۱ - در بیک احاطه میان یک گنبد آهن پوش کتاره دار ، این زیارت بهمین نام وشهرت واقعست ، اما لوح وکتیبه ندارد کتاب مسماة القدس تألیف شیخ هاشم کشمی (رح) ذکر جناب شان را چنین مینماید :

« نام مبارک شان محمد ابن احمد الحصاری و ملقب به (دوست خاوند) از منتسبین حضرت قطب دائرهٔ ولایت حضرت خواجه نقشبند قدس الله سره العزیز میباشند و تربیت سلوک از ایشان یافته و ثانیاً بامر مرشد مبارک خود بخدمت حضرت قدوة الاولیا خواجه محمد پارسا شتافتند و از حضور ایشان باجازهٔ مطلق در ارشاد فائز گردیدند جهانی از ایشان منور گردید ، اکثر ایام حیات خود را در بلاد بلخ و توابع آن میگذرانیدند ، از کلمات ذکیات شان است است خاموشی از سه صفت خالی نباشد ، یا نگهداشت دل از خطرات ، یا فرو رفتن سالک بذکر دل ، یا مشاهدهٔ احوال که بر قلب میگذرد .

منها : حضرت خواجه بزرگ شاه نقشبند قدس سره میفرمودند : طریقهٔ مراقبه از طریقهٔ نفی و اثبات اعلی و اقرب است بجذبه ، و از طریقه مراقبه بمرتبه فردیت و تصرف در ملک و ملکوت میتوان رسید .

وفات حضرت خواجه دوست خاوند بعد از نماز خفتن شب سه شنبه یازدهم محرم الحرام سنه اثنین وثلاثین و ثمان مائه ۸۳۲ بوده است روضه مبارکه شان در بلدهٔ کابل واقع وزیارتگاه خاص و عام است »

۲ - در احاطهٔ مذکور قبری دو لوح سنگ داشته ، لوح سنگ بالای سر مزین به آیات قرآنی و کلمه طیبه و بعضی ابیات و به لوح سنگ طرف پا چنین مرقوم است :-
« وفات مرحوم خالم جان بیگم بنت خواجه خانجی یوم چهار شنبه ۱۷ جمادی الاول ۱۳۴۹ »

۳ - پهلوی این احاطه در یک بلندی قبری چراغدان گلی داشته لوح سنگ ندارد .

باقی اطراف مزین به آیات قرآنی بطرف پایین سطحه راست :-
وفات امیرزادهٔ اعظم صاحب الخلاق والکرم طوطی باغ فصاحت بلبل گلزار لطافت الواصل الی جوار الملک الغفور لطافت کوکبه بن امیردرویش محمد اتکه بتاریخ نهصد و پنجاه و ...

۶- یک صندوقهٔ سنگ دیگر :- فوقانی تحریر ندارد ، باقی اطراف آیات قرآنی ، طرف پا : تاریخ وفات المرحوم المغفور بابا محمد المرشد ابن حسن فی تاریخ نهصد وسی و هفت .

۷- یک صندوقه سنگ دیگر :- فوقانی ندارد ، باقی اطراف آیات قرآنی ، طرف پا :- تاریخ وفات مرحوم المغفور درویش محمد اتکه ابن بابا محمد المرشد سنه ۹۹۲ .

۸ - یک صندوقه سنگ دیگر :- باقی اطراف کلمهٔ طیبه و آیات قرآنی ، طرف پا از قدامت زدوده شده چیزی مفهوم نمی شود .

۹- بالای قبری صندوقه سنگی میباشد که آیات قرآنی بعربی قلم جلی رسم الخط قدیم در آن مرقوم است ، طرف سر این قبر لوحهٔ سنگ خورده بوده در آن مرقوم است : وفات مرحوم مغفور قاسم بیگ ولد عبدالله بتاریخ شهر ربیع الاول ۱۱۱۸

۱۰- قبری یک لوحهٔ سنگ داشته یک طرف آن آیة الکرسی بعربی قلم جلی خط و طرف دیگر آن بخط فارسی بدخط مرقوم است :- تاریخ فوت ... شکرالله بن خواجه نعمت الله نبیرهٔ حافظ خان حسن سلطان ولد خواجه میرک مودودی سنه ۱۰۸٦ .

۱۱- کتیبهٔ قبر دیگری :-

ز نسل خواجهٔ مودود چشتی ،

وفات مرحوم مغفوری سیادت پناه خواجه سید میر ولد میر غفران پناه خواجه اسدالله ۱۱۹۳ .

۱۲- قبر فقیر احمد خان مجلس آرای عهد ضیاء الملة والدین و سراج الملة والدین در میان یک جویترهٔ آهن پوش بوده کتیبهٔ لوح سنگ آن اینست :- وفات مرحوم فقیر احمد خان ابن ملا محمد حسن خان مرحوم بتاریخ یکشنبه ۲۵ ذی قعده

۶- صندوقه سنگ ۳:- باقی اطراف آیات قرآنی وکلمهٔ طیبه وطرف پا :
تاریخ وفات مرحومهٔ مغفوره بیگم آغا بنت ....

ب- صندوقه سنگهای مکعب مستطیل که درامحاطهٔ مذکوره بیرون کتاره بالای قبور میباشد :-

۱- یک صندوقه سنگ :- طرف فوقانی ، چیزی نوشته نیست ، باقی اطراف آیات قرآنی جانب پا : تاریخ وفات مرحوم مغفور میر مقصود مولانا ... کابل سنه ۹۲۱

۲- یک صندوقه سنگ : جانب فوقانی تحریر ندارد . باقی اطراف آیات قرآنی طرف پا :- تاریخ وفات مرحوم حسن علی ابن حسین شاه ....

۳- یک صندوقه سنگ :- طرف فوقانی تحریر ندارد ، باقی اطراف آیات قرآنی جانب پا :- تاریخ وفات مرحومهٔ مغفوره بیگم ماه بنسبت بابای جلائل در شهر رجب سنه ۹۶۸ .

۴- یک صندوقه سنگ دیگر :- جانب فوقانی بدون تحریر باقی اطراف آیات بابرکات ، طرف پا :-

چون خواجه سلیم شد بجنات مقیم | زینغم چو قلم دلم شد از غصه دو نیم
حوران بهشت سر برآورده بگفت | تاریخ وفات اوست.... قدیم
۱۰۹۳

۵- یک صندوقه سنگ دیگر :- طرف فوقانی ابیات ذیل :-

ای ریخته چون گل بجوانی درخاک | چون دامن گل پیرهن عمر تو چاک
روزی که بدل غم تو بخاک برم | ناله ز دلم برآید و لاله ز خاک

* * *

در ماتم تو دهر بسی شیون کرد | تا لاله ز خون دیده در دامن کرد
گل جیب قبای ارغوانی بدرید | قمری نمد سیاه درگردن کرد

* * *

ای نوردو دیده جهان افروزم | رفتی و زهجر تو سیه شد روزم
بودیم برانگ شمع روشن هردو | ایام ترا بکشت ومن می سوزم

* * *

بسه‌شنبه ۸ شعبان که بود سنه عشر   پیاله‌نوش نمود لله زدست حور بهشت
نیاز را بمقامی که حق عطا فرمود   برابرست در بی‌بها بریزهٔ حشت

۱۶ قبری دیگر دو لوح سنگ داشته بیکجانب لوح سنگ طرف سر آیات بابرکات کلام الله شریف و بجانب دیگر آن بعضی ابیات مناجات مانند :
ای پدر ماندگی پناه همه کرم تست عذر خواه همه و امثال آن و بیکجانب لوح سنگ طرف پا نیز بعضی ابیات و بجانب دیگر آن چنین مسطور است ـ

«وفات مرحومه مغفوره سید بیگم بنت مرحوم مغفور خواجه اسد الله»

در زیارت سید جعفر آغا هم این مزارات را رای اوائح بوده‌اند مسجد ملحق این زیارت که مرمت طلب بود لله‌الحمد بهمت اهالی تعمیر جدید شده .



سنه ۱۳۲٤ ق از جهان فانی شتافت حسب الحکم شهزادهٔ جوانبخت ز قیحو اه معین السلطنه سردار عنایت الله خان فرزندار شداعلیحضرت سرج الملة والدین امیر حبیب الله خان بن مرحوم ضیاء الملة والدین بتاریخ سنه ۱۳۳۳ ق لوحه سنگ هذا ساخته شد .

۱۳ـ قبر دیگر زیر چوبترهٔ آهن پوش بوده خلص کتیبهٔ لوح سنگش اینست :ـ

چون زخاکم بگذری دامن کشان سوره اخلاص والحمدی بخوان

حیف وافسوس کز جفای فلك شد امیر محمد از دوران

در هزارو سه صدو سی وسه بود شد روان از جهان بسوی جنان

ماند ازوی محمد صالح یادگار نکو به اهل زمان

مردم میگو یند نامبرده تاجر بوده .

۱٤ قبر دیگری دارای دو لوح سنگ و کتاره چوبی بوده خلص کتیبه‌اش اینست :ـ

دریغا کاندرین دنیای فانی بنای زندگی نقشی است بر آب

نهال گلشن خدمت علی خان که بود از جویبار عیش سیراب

نگاهش سیر بستان عدم کرد چو نرگس تاقیامت رفت در خواب

این هم شخص نامداری نیست .

۱۵ قبر دیگری دارای دو لوح سنگ بوده لوح سنگ بالای سر مزین به آیات قرآنی و بعضی ابیات و به لوح سنگ طرف پاچنین مرقوم است :ـ

دمیکه صانع تقدیر طینتم بسرشت سرشت خاك مرابا شراب صافی چشت

درون سینهٔ مهرا بسوی خود آراست نه راه کعبه روم نه کلیسیا نه کنشت

بسوز آتش مهرش دلم فروزان شد برنگ لعل بر آمد بسوختن انگشت

ز رنج و راحت هست گذشته در جائی رسیده‌ام که در آنجا نه دوزخ است نه بهشت

قضا ز روز ازل نام او نوشت عباس که هست نبیرهٔ سید مبرور در طریقه چشت

سؤال کردم تاریخ او سر عقلم گفت که هم نشین شده با مرتضی علی به بهشت

شهری با آه و ناله و زاری بدرد و غم / از اشکشان زمین تبه از آه آسمان
تاریخ او سروش به بیضا از غیب گفت / حوری بخلد یار و فا بیگم از جهان

سنه ۱۲۹۷

میرزا بیضا یکی از منشیان همان عصر است .

۳ـ از دیگ قبر صبیهٔ سردار محمد عظیم خان قبر دیگری دارای دو لوح سنگ که بیکجانب لوحه سنگ بالا، سر کلمهٔ طیبه و قو س و بجانب دیگر آن اسماء الله زینت بخش و کتیبهٔ لوح سنگ طرف پا این است —

آه ازین دور سپهر و گردش گردون دون
صد هزاران از نامرادیهای چرخ واژگون
هر کجا بینند لی را شاد محزون سازش
گل بهار اج خزان و غنچه شد ابر ز خون
نهد آسایش کم است و ناکامیها بسی
شربت عیشی نمی یابم ازین طاس نگون
چون ندای ارجعی بشنید شد بسوی جان
رفت سوی عالم باقی الیه راجعون
جان بحق بسپرد و شد آسوده از رنج و الم
گفت یزدانش که لا خوف و لا هم یحزنون
ابیهٔ کاملز ارخان و قوم بود اسحق زای
هفتهٔ (۱) شعبان و عمر شدال، حار(۲) ام بودنون
بانماز و روزه و طاعت بروز و شب مقیم
باسخا وجود و با خلق خدادایم سکون
در عفاف و پاکیش چشم ملا ئکث مانده بالی
در نشان سجده اش بر جبهه نقش صالحون
بادجایش جنت الماوی که حق فرموده است
مثل الجنة التی وعد المتقون

---

۱ ـــ هفده خواهد بود کاتب ـ سهو نموده باشد.
۱ـ هم خواهد بود سهواً ام مرقوم شده .

نزدیک شهر آرا

(در باغ متعلق به صاحب (که در ابتدا موسوم بباغ امیر شیر علی خان بوده در عهد سراجیه حرم باغ نامیده شده بود .)

۱ – درمیان باغ احاطه ایست که در آن قبر ولیعهد اعلیحضرت امیر شیر علی خان مرحوم بوده قبر موصوف سه مرتبه سنگ مرمرکاری است در طرفین مرتبهٔ سوم آیة الکرسی و بطرف پا مرقوم است : –

هفده ساله ولیعهد چو شد غنچه صفت	باغبان فلک از دهر بیدادش بر باد
بندهٔ خاص خدا اسم خوشش عبدالله	آنکه داغ المش در دل ما در بنهاد
گشت یعقوب بحزن زاین شه تاریخ	آنکه جا در حرم جنت شده فی الجنه باد
سر برآورد حیات گهرش گفت بخیر	شد نگین سال وفات از کف سلیمان بفتاد

۱۲۵۹

سنگهای قبر از هم جدا شده، تعجب این است : در آن تاریخ که شعرای در جمله در وطن عزیز چو دوا شنندا این اشعار چرا در سنگ مذکور حک شده ؟

۲ – پهلوی آن قبری دارای دو لوح سنگ کلان بوده، لوح سنگ طرف سر یکجانب نقش زیبا و کلمهٔ طیبه و بجانب دیگر (کل من علیها فان) و اسماء باری تعالی و لوح سنگ طرف پا یکجانب منقش و جانب دیگر ابیات ذیل منقوش است : –

صد آه و صد دریغ ز بیدادی جهان	کش نیست اعتبار نه پیر و نه برجوان
از شاه و از گدا و نبی و ولی و قطب	دست اجل بخاک سیه میکند نهان
از خاک پرده گر فگنی نیک بنگری	بینی دگر جهان همگی خفته ناتوان
ذرات را ز عهد الست و بسر بکسم	پیمان چو میگرفت خداوند بی نشان
عصمت مآب مریم بلقوس منزلت	سردار زاده بنت محمد عظیم خان
در بندگی چو کرد بعهد خدا وفا	شد شهره نام او به وفا بیگسم از نان
الدر عبادت او بجهان بود بی قرین	و ز بذل مال در رهٔ حق کرد بس قران
شد چون صلای ارجعی از بار کبریا	لبیک در اجابت حق گفت در زمان
در پنجم نه سلخ ربیع الاول ز دهر	پرواز کرد طایر روحش سوی جنان

درون ارگ شاهی

۱ بطرف شمال دیوار باغ ارگ وجانب جنوب سرک عام (که این سرک عمود است بسرک عام طرف مشرق بیرون ارگ) گنبدی است آهن پوش و میان گنبد را باز گذاشته این گنبد بشکل مسدس (شش رخ) تعمیر و در رخ سمت شمال آن سنگی نصب و در آن مسطور است .

بتاریخ شهر محرم الحرام سنه یکهزار و دو صد و نود شش بود که در شهر کابل مردم افغانستان ناراضی بودند (۱) خود را با مردم انگریز ظاهر کردند که یعنی ما در بودن لشکر انگریز در ملک خود راضی نمی شویم بعد انگریز از مردم افغانستان جنگ کرده درین مقبره بیست و شش نفر را در جنگ بندی گرفته در زمین مرنج بند ایشان را که در جنگ گرفته بودند شهید کردند .

۲ در باغ ارگ بسمت مشرق دلکشا نزدیک دیوار سمت مشرق باغ ارگ طرف جنوب سرک دروازهٔ غربی که بطرف دلکشا میرود احاطهٔ است که در آن قبری دارای صفه و قبر سنگ مکعب مستطیل و طرف فوقانی آن منقش و باقی اطراف مزین با آیات قرآنی و طرف پای آن تاجدی که محو الده شده چنین است

«در تاریخ بیست و سوم شهر .... ست و خمسین ....

الامیر........ ... ...کاتش ابن ... محمد » بالای قبر سایه بان آهن پوش دارد چون صفه و قسمت مذکور قدیمی میباشد و تاریخ آن بجز آنچه فوقاً تحریر شد دیگر چیزی معلوم نمی شود .

۳ بطرف مغرب منار ساعت (واقع باغ ارگ) به اندازهٔ تقریباً دو صد و پنجاه قدم دورتر بجانب شمال سرک متصل خندق ارگ که از باغ موصوف بدروازهٔ میمی و از دروازهٔ مذکور بطرف مطبعه میرود (تقریباً سی قدم دورتر از سرک) در یک صفه قبری است که لوح سنگ وغیره ندارد و بقرار بیان باغبان ها زیارت میر عباد الله میباشد

۴ زیارت مشهور به شاصاحب کابلی رح

بسمت جنوب ارگ از دروازهٔ کلکین سمت مذکور چند اطاق جانب مغرب در عقب اطاقی از یک کلکین راهی تاریک اولاً چند گام سرا شیب بطرف

---

(۱) شاید (بودن) بوده باشد سهواً (بودند) شده

سال تاریخ وفاتش عقل را پرسان شدم
گفت ای محزون دعای آمرزش [illegible]
رب ارحمهم و [illegible]
النبی [illegible] ۱۲۹۸

* * *

در احاطهٔ مذکور یکی از مریدان پیر صاحب [illegible] و کتیبهٔ [illegible] این است : —

بسم الله الرحمن الرحیم . لا اله الا الله محمد رسول الله
جناب شیخ مولانا ابوبکرخان غازی [illegible] قریهٔ تخته پل قندهار جناب [illegible] و در زمان سردار محمد ایوب خان [illegible] عمر بقلندری بسر برده در شب [illegible] جمادی الاول [illegible] سنه ۱۳۵۱ ق مطابق سنه ۱۳۱۱ ش از دار فنا رحلت نموده .

این همه [illegible] باغ پیر صاحب [illegible] جناب نقیب صاحب بوده که حالا هم پسران شان [illegible] مرفه الحال بسر میبرند .



در گذر سوته پایی‌ها

۱ پهلوی باغ حاجی قادر بیک قبرستانی است که دور آن را دیوار احاطه کرده در میان آن یک احاطهٔ خوردی و در ین احاطه قبری است مشهور بز یارت خواجهٔ سبز پوش لیکن لوح سنگ ندارد:

۲ درین قبرستان قبری دارای دو لوح سنگ است بالای سر مزین بکلمهٔ طیبه و آیات قرآنی و بعضی ابیات اسف انگیز و کتیبه لوح سنگ طرف پای آن این است:

من کلام طرزی تاریخ وفات پیر دوست خان اچکزائی

فریاد میکنم ز جفا های آسمان — کز وی چه فتنها که باهل زمین رسید

هردم ز وی هزار بلاهای ناگمان — بر خسروان روم و بسلطان چین رسید

طرزی ز مرگ شکوه چه داری که ازقضا — از مادر هر که زاد باو خود همین رسید

یکسر زدست مرگ خلاصی نیافته است — گر فی المثل کسی بسپهر برین رسید

خوش دل دلی که تا دم واپسین مرگ — ایمان ببر گرفته بجان آفرین رسید

طرزی چو سال رحلت او خواست از خرد — گفتا که پای وی به بهشت برین رسید

سنه ۱۲۸۹

۳— درین مقبره قبر دیگر دارای دو لوح سنگ که لوح سنگ بالای سر مزین بکلمهٔ طیبه و اسماء الله و آیات قرآنی و کتیبهٔ طرف پای قبر مذکور این است

در متن

وفات مرحمت و غفران پناه عالیجاه محمد صدیق خان خلف عالیجاه رفیعجاه یگانه عبد الله خان اچکزائی در بیست و هفتم رمضان المبارك در یوم دوشنبه بجنگ کفار زخم بر داشته و در دوازدهم شهر شوال المکرم سنه یکهزار و دو صد و پنجاه و هفت شربت شهادت چشیده از دار فنا بدار بقا رحلت نمود.

در حاشیه

ایسرو سایه از سر ما بر گرفتهٔ — خود رفتهٔ و عالم دیگر گرفتهٔ

ای خاك تیره دلبر ما را عزیز — کین نور چشم ماست که در بر گرفتهٔ

* * *

ای مرگ چه خانه ها که ویران کردی

در ملك وجود غارت چسان کردی

هر گوهر نایاب که آمد بجهان

بردی و بزیر خاك پنهان کردی

قبرستان مذکور چند درخت توت هم دارد:

جنوب و بعد بطرف مغرب رفته این راه مانند خانه های زیر زمینی (تا کو) بوده نصف آن قدری بلند تر سنگ کاری پخته و نصف دیگرش پائین تر بوده بجز تیر کش که بطرف بیرون سوراخ گذاشته شده دیگر روشندان ندارد چندین گام همچنین رفته بموضعی در حوضهٔ پائین راه مذکور دو صندوقه سنگ کلان میباشد یکی آن که از جانب مشرق متصل بسنگ پائین مذکور است ، طرف پای آن هم تقریباً ۱۳۰۲ انگشت فاصله پیوست بسنگ کاری مزبور میباشد که خواندن آن دشوار بود . از سیاهی روغنی مخصوص طباعت) اندکی برده بروی آن مالیده کاغذ را بر آن چسپانده و برداشتم حروف را لا مکان چنین معلوم شد : "تاریخ وفات مرحوم [illegible] ابا محمد [illegible]" و سنه آن معلوم نیست ، بطرف فوقانی آن [illegible] مغرب آن که متصل بسنگ کاری نیست مزین [illegible] میباشد و سطح طرف سر هم مستوی بسنگ کاری است .

صندوقه سنگ دیگر پهلوی صندوقه [illegible] طرف شمال بالاتر بوده طرف فوقانی منقش و بعضی آیات [illegible] نمی شود ، دیگر اطراف مزین با آیات قرآنی و سطح طرف [illegible] جائیکه حک شده و خوانده می شود چنین مرقوم است : تاریخ وفات مرحوم المغفور [illegible] محمد ابن خواجه ابا محمد ... . و باقی سنه وغیره مرقوم بوده بجای آن حک ناشده مانده است .

قرار شهرت مردم این جناب [illegible] صاحب [illegible] که حضرت میرزا صاحب بیدل رحمة الله علیه ذکر احوال و ولایت مآل شان را میفرمایند والله اعلم



ای دور سفله پرور و ای چرخ واژگون
یکدل ز جور تو نبود شاد در جهان
کشتی چراغ سرور و سردار ذوالکرم
از تند باد مرگ شده تیره روز تا گهان
سردار نیک رای جوانمرد کو سخی
محمد صادق خان گل صد برگ دوستان
پوری چو او ز گلشن عثمان خان ار ست
مرد سخی و با کرم و خلق و عز و شان
یك جدا و او ابه صمد خان امیر ملك
یك جدا و نواب اسد خان دهم انشان
محمد زئی باصل درانی که هر یکش
سالار بوده اند بسرخیل و سروران
شصت و سه ساله بود که از دهر دون برفت
بر سوی خلد و کوثر و انهار و حور یان
در روز مولد نبوی (ص) راه حق گرفت
از بهر آن بداد پر انشر سوی جنان
تاریخ رحلتش چو بجستم ز پیر عقل
گفتا هزار و سه صد و سه سال ایجوان

* * *

در زیر کوه آسمائی بطرف شمال راه مقابل پل هارتن احاطهٔ بوده میان آن قبری دارای کتارهٔ آهن پوش و لوح سنگی بوده که نوشتهٔ لوح سنگش اینست: ورفات حسرت آیات سلطان بیگم بنت شهزاده محمد اعظم خان بن اور الدهر خان بن اشرف خان بن تیمور شاه سدوزائی بتاریخ یوم جمعه ۱۳ صفر المظفر سنه ۱۳۴٦ هجری قمری مطابق سنه ۱۳۰٦ شمسی ؛

پهلوی آن زیر کوه مذکور و طرف شمال راه قبری یك تو غ داشته زیارت گاه مردم و مشهور به زیارت شهید است اما لوح سنگ ندارد و اسم او هم بسا کنین آنجا معلوم نیست .

در گذر باغبان کوچه

در مسجد چهل ابو احمد خان بسمت مشرق حجره پای مسجد قبری در یک خانهٔ چوب پوش میباشد که کتیبهٔ لوح سنگش اینست :

آه و فریاد ازین سپهر دورنگی — بشد از دهر ز بیدادش اعیان
خان ابو احمد خجسته نهاد — کس چو او غیر ازو ندارد نشان
محکم از صدق پر صلوة و صیام — بار ره بسته حافظ قرآن
رحمت حق جست از خرد تاریخ — گفته مرد ; بالسیب خد ندان
از ودود و غفور حاصل کن — سال تاریخ آن ... مکان

عدد (ودود) و (غفور) ۱۳۰۶ میشود شاید در ۱۳۰۶ هجری قمری وفات شده باشد. مرحوم یکی از رجال نامی کشور در ... صاحب مناصب جلیله اند .

• • •

در گذر چهار فروشی سرای مادر وزیر در سمت ... سرای مذکور قبری است که چهار ... گاه ... وسه توغ (علم) هم دارد مردم میگویند زیارت یک سید و شهید میباشد ولی لوح سنگ ندارد .

• • •

در ده افغانان بطرف جنوب جوی شیر قبر ... دارای ... سنگ بوده لوح سنگ بالای سر مزین بکلمهٔ طیبه و آیات قرآنی به اوج ... پا مسطور است :-

ایچرخ پرستیز ... صدف ... ان
گردی بهار این گل ... ان
از تیشهٔ ستیزهٔ فوت و فنا نگون
کردی فگنده قامت این سرو را یکسان
آه و فغان و ناله ز آشوب دست تو
دارد همیشه خلق زن و مرد و انس و جان
در روز و شب به تیغ اجل هر جفا کنی
مقتول دست خسرویش امیر و فقیر و خان

زنبورکدیوان غربی جنوبی وزارت حربیه

گنبدی آهن پوش بشکل مسدس (شش رخ) بوده در رخ سمت جنوب به آن چنین نوشته است

الله اکبر

ما شهید ستم تیغ فرنگی شده ایم
مست دیدار خدا ایم بهشتی شده ایم

قراربیان مردم در اینجا چند نفر شهدای مدفون میباشند که لشکر انگلیس (بمنصب رای با پرت) ایشان را به شهادت رسانیده ؛

نوشته فوق در لوح سنگ محکوک نبوده بلکه به رنگ زرد رخ نیز بور (که چونه کاری است) مرقوم میباشد ؛

شخصی اعتراض نمود که فرنگی و بهشتی خوب با هم قافیه نشده الله ادیبی حاضر بود بیان کرد که بیت مذکور از زبان شهید است شهیدی نفس که همیشه درهم گفته جای آورن است .

در سمت مغرب جنوب باغ صدارت عظمی (نزدیک دیوار سمت مغرب و دیوار سمت شمال باغ) قبری است مشهور بقبر شهید که اسمش از محمد سرور خان باشی تحویلخانه پرسیده شد گفت از محمد ایوب مسگر که شخص معمر و دکان او در عقب مسجد میرهای ده افغانان است تحقیق شود از دمسگر مذکور شنافتم اسمش را محمد علم معرفی و مزید معلومات حالاتش را محول به محمد یسین نام نمود و محمد یسین و بعضی ساکنین ده افغانان راجع به شهید موصوف چنین اظهار نموده اند :-

«در هنگامیکه مدافعین افغانی بالشکر انگلیس (که منصبدار شان جنرال رابرت بود) می جنگیدند محمد علم موصوف بشهادت رسید و همین موضعی که حالا مدفون است قبرستان بود و در عهد ضیائیه که اینجا باغ ساخته شد دیگر قبور قبرستان مذکور خراب و داخل باغ گردیده قبر موصوف باحترام شهادتش و اینکه جسدش هنوز سالم بود خراب نگردیده باقی ماند»

* * *

در احاطهٔ مسجد باغبان باشی متصل بمنزل معین السلطنه مرحوم که حالا نشیمن گاه اولادش میباشد پیوست بدیوار سمت جنوبی احاطهٔ مذکور دو قبر میباشد که راجع به یک قبر آن ریش سفید های ده افغانان میگویند که شنیده ایم شخصی متدین و زاهد و امام همین مسجد بوده پس از فوتش درینجا دفن شده و قبر دیگر آن از قدیم زیارتگاه مردم بوده نام و احوالش معلوم نیست .



« قد ارتحلت من دار الغرور الی جوار رحمة الملک الغفور راضیة مرضیه بمشیته الله واراد ته مزنیته بجواهر الایمان وحلیته الایقان الصالحة المعصومة المرحومه فخرالمستورات وزین المخدرات .. العظام الامراء الکرام حسیبا المنتهیا ... بنت المغفور الامیر رشجاعت الدین .. محمد لاشهر خان کوکلداش الهروی توفی رحمه الله علیه یوم الاثنین ستته من شهر محرم الحرام السنه تسع و عشرون والف » سنه مذکور بدون شبهه ۱۰۲۹ میباشد و نیز دریک گوشه سنگ مرتبه اولین منقور است نسبت خطرط سنگ، باریک :

« بتاریخ :.. طیار کرده بکابل آورده شد »

ودر سطح فوقانی همین سنگ گهوارهٔ این سطرنیز منقور است :

« الموت کاس وکل انفاس شاربه ا لقبرباب وکل الناس داخله »

۶- دریک قبردیگر که دارای سنگ‌های سفید پر نقش ونگار است و بطرف سرش کلدهٔ طربه مرقوم است طرف پای این سطر رتحریریافته :

« تاریخ وفات خشحال بیگ ابن قاسم خان سنه ۹۷۱ »

۷- تیبیج شش قبر دیگر معلوم است اطفال خورد بوده زیرا سنگ‌های آن هم خیلی خورد است نقوش و بعضی آیات شریفه در انها نخوانده میشود اما کدام نامی و نشانی بدست نمی‌آید بناءً بهمینقدر اختصار رفت :

مزاراتیکه درده مزنگ (بریکوت) است

۱- زیارت میران

این زیارت درحصهٔ دامنهٔ کوه ملحق بآبادیهای ده واقع ودوزادورش دیوار است لوح سنگ و نوشته دران نیست ، مردم میگویند اسمش میر کرمان است ولی در بین عمومی مردم به میران پاد شاه شهرت دارد ، بعضی او را برادر میرنشان که بیرون دروازهٔ باغ بابرپادشاه مدفون است میدانند .

۲- زیارت سید لجیم آغا

اینهم بدامنهٔ کوه واقع ولی ازآبادی دور است ، دیوار های کوتاه دارد لوح و نوشته ندارد ، بعض خانه ها نزدیک بآن حالاآباد شده ، مردم میگویند از اولاد پادشاه صاحب پای منار است ، در موقع جنگ انگلیس با افغانستان ، درحالیکه داماد یک شبه بوده بشهادت رسیده .

درشهر آرا

زیارت شاه ولیخان

این زیارت در شهر آرا در سمت جنوبی پهلوی مسجد بنا یافته و مردم ده صد ها آرامگاه در آن میباشد که هر یک آنها منقوش و مزین که سنگ های صندوقی قطاری خورده و بعضی از آنها مشهور به زیارت شاه ولیخان شهید میباشد از آن است
۱ قبر شاه موصوف که چراغدان و طغرای زیبا در بالای سر خود دارد و سنگ کلان صندوقی منقش فراز آن میباشد طرف فوقانی سنگ تماماً نقش های زیبا آراسته است و دو طرف دیگر آن با آیة الکرسی شریف بالای سر با آیه کریمهٔ (کل من علیها فان الخ) بخط عربی زیبا مزین و طرف پای این ابیات بخط فارسی معمولی مرقوم است :

شاه ولیخان ز جهان رفت حیف — جز ستم از گردش دوران ندید
با لب خشک و دهن روزه دار — در رمضان شهد شهادت چشید
کشته شمشیر سیاست چو شد — رخت با قلیم سعادت کشید
رفت بخون غرقه کفن لاله سان — زخم ستم بسکه بجانش رسید
بود خرد در پی تاریخ او — صبحدم از غیب ندا تا شنید
کز چمن خلد برین هاتفی — نعره زنان گفت ولیخان رسید

سنه ۰۰؛

اعداد سنه منشور گشته لیکن عدد جمله (ولیخان رسید) ۹۷ میشود در غالبا همین عدد سنه مذکور است.

۲- قبر دیگری که سنگ منصوبهٔ بالای آن مانند سنگ قبر اول و بهمان ترتیب منقوش و مشرف به آیات شریفه میباشد در حصهٔ طرف پایش مرقوم است :

« تاریخ وفات ... خانم بنت عیسی خان »

۳- یک قبر دیگر که یک سنگ در مرتبه اول دارد و در وی نقش تسمیه و آیة الکرسی شریف مرقوم است و در بالای سنگ مذکور یک سنگ تهداره دیگری است و این هر دو سنگ از نوع مرمر است بدو طرفه آن که از یک طرفش قدری شکستگی ها و ریختگی هم دارد علاوه بر کلمهٔ طیبه اسماء الله شریف که در فوق آن تحریر یافته این چنین تسطیر شده :-

زیارت سادات درده پوری

بین راه میروپس میدان وکارته؛ درقریهٔ ده پوری که حالا کارته و جاده های جدید تاسیس یافته درحصهٔ وسطی لب دریا وجادهٔ بزرگ کارته یک زیارت متصل ویکی قریب مسجد نوساخت آنجا سرک عمومی وجوی واقع است بدین تفصیل :—

۱ — زیارت متصل به مسجد

درین زیارت دو قبر است مشهور به سید محمود وسید مسعود ، مردم میگویند این هردو برادر هم بوده درعین جوانی که هنوز متاهل نشده ونزد مردم محترم ومرجع اخلاص بودند وفات کرده بعدازوفات هم قبورشان ازسالیان دراز نزد عموم زیارتگاه است .بالخصوص کسانیکه بحبس البول دچار میشدند بمجرد رسیدن باین مزار ازآن تکلیف نجات میبافتند .

سنگی هم بالای سریکی ازآنهاست که اکثر حصص آن شکسته وپریده صورت ابیات بخط نستعلیق درآن معلوم میشود اما نام ازآن استنباط نمیگردد ، کلمه فارغ که مشعر ۱۲۸۱ شود درآن واضح مادهٔ تاریخ است .

۲— زیارت دوم که تقریباً پنجاه قدم از مسجد فاصله دارد هم بنام زیارت سید است سنگی دارد مگر بلحاظ قدامت منشورش زیاد پیدا کرده که خوب خوانده شده نمی تواند مردم معتقد برکات روحی ان میباشند ویکی از کراماتش چنین میگویند که گرفتاران تب لرزه از استحقن تشرف بانجا سبب حصول شفا از دارالشفا عه خدا جل شانه میگردد .

۳ ـ قبر مرحوم محمد غوث خان نائب سالار

این قبر داخل یک گنبد خورد پخته کاری نواحداث است و در بین آن قبر همین مرحوم ؛ سنگی هم برایش ترتیب شده اما تاکنون تحریر و نصب نشده بملاحظه گنبد و شخصیت مرحوم و مراعاتیکه سنگ آن در آینده قریب نصب شد نیست بغرضیکه شخصیت این مرد عسکری و طن پوشیده نماند تا جائیکه معلومات میسر است متذکر میشوم :

مرحوم پسر محمد افضل خان ولد محمد منصور خان قوم بسار کزائیست در سنه ۱۲۷۹ ه ق بهمین قریهٔ ده مزنگ تولد یافته ، علوم متداوله دینی را از اساتید آنوقت فرا گرفته و معلومات در تاریخ حاصل کرده بود ؛

در سن ۲۲ زمان ضیاء الملة والدین بکار دمعروف شاهی بصفت سرباز و پس از ده سال الی اخیر پاشاهی سراج الملة والدین منصب اجیدن (معاون کند کمشر) را حائز بود .

در اول سلطنت امان الله خان برتبهٔ کند کمشری و بعد برتبهٔ غند مشری و فرقه مشری نائل و اخیراً بقوماندانی عسکری هرات مقرر گردید ؛

بعد انقلاب دوره سقوی وارد کابل شده در سال ۱۳۰۹ ش بهمان رتبه بقوماندانی اعلای عسکری و ملکی شمالی مقرر شده و درهمان سال برتبهٔ نائب سالاری سرفراز و برای فرونشاندن بغاوت ابراهیم بیگ بولایت ترکستان اعزام شد سپس بقوماندانی قول اردوی مرکزی مقرر گردیده در سال ۱۳۱٦ ش بقوماندانی اعلای غزنی مقرر و اعزام شده شرارت جمعی از قوم سلیمان خیل را فرونشاند در سال ۱۳۱۹ ش بروز پنجشنبه ۱۵ رمضان المبارک داعی اجل را لبیک گفت و در این خوابگاه ابدی خفت ؛

که بسته اینجانب مرا جمع کردند تا در سنگی که صندوقه تعمیرای مزار شان ساخته بودند کتیبه بنویسم: بنده مطالب مهمه اسم و شخصیت و تاریخ شان را در پنج بیت انشا دود رسنگ موصوف بخامهٔ خود نگاشتم که بعدا از ترمیم احاطه که زمینش را با پارچه سنگهای زیبا آراسته آن سنگ را هم بالای تربتش نصب کردند، کتیبهٔ مذکور بعد بسم الله شریف و کلمهٔ طیبه بدین قرار است

خواجه ملا عارف روشن ضمیر — صاحب علم و عمل عبد البصیر
داشتی از احمد الجامی نسب — زنده پیل آن شیخ الاسلام کبیر
کرد در هفتاد و نه سال حیات — عام دین تعلیم بر برنا و پیر
رفت و شد بعد از صد و بیست و سه سال — گشتم اکنون وقت فوت آن شهیر
گفتم از روز و مه و سالش خیال — ز پنجهان پنج رجب شد گوشه‌گیر

۱۲۵۱ هق



زیارت خواجه ملا

این زیارت در وسط راه دارالامان و دهمزنگ واقع و همان قریه بنامش معروف است، صاحب مرقد از زعمای زمان خویش بوده و نسبش بحضرت شیخ الاسلام احمد جام قدس سره (۱) منتهی میشود

در عصریکه اولاد شیخ الاسلام از خود تربت جام و هرات بدارالسلطنهٔ کابل خواستند و بوظائف مهم دولت شامل ساختند زمینهای حصص قریهٔ حالیهٔ خواجه ملا و چری شیر و تهرد رمن را بطور جاگیر برای معیشت و بود و باش شان دادند خواجه ملا هم از مربوطین همین مردم و متمکن همین جا و با اقوام هم نسب خود، همجوار و وظیفه تعلیم علوم دینی را متحمل بوده اولا تنها خورد و کلان اقارب و بعد چندی طلاب حصص دورتر را نیز درس میگفت و متدرجا شهرت فضائلش یافته رفته طلاب علم ظاهری و ارادتکیشان باطنی بدائرهٔ تدریسش شامل و بخدمتش حاضر شده استفاده مینمودند

تا اینکه کتاب زندگانیش شیرازه گسیخت و دست اجل زهر مرگ درکامش ریخت و در قرب منزل خود دفن شد قبرش یکی از مقابر محترمه بشمار رفته از آنوقت تاحال مرجع عموم است؛

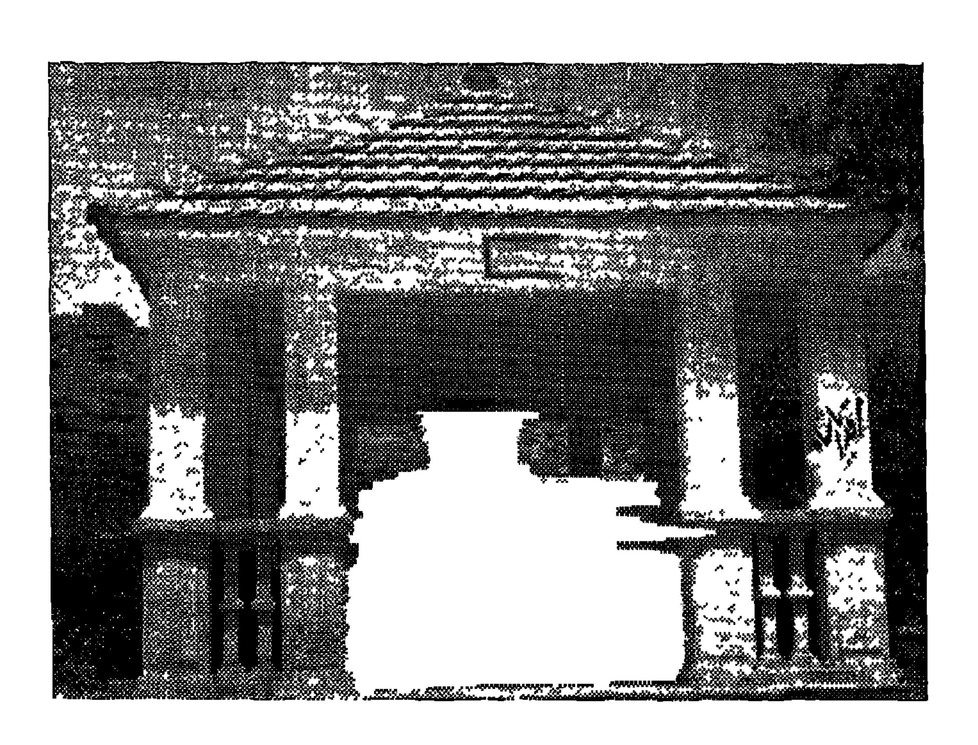
بتقاضای اهالی قریهٔ موصوف ریاست فابریکه حجاری و نجاری در ترمیم احاطهٔ مزارش که منهدم شده بود برآمده و دو سال قبل

---

(۱) احمد الجامی قدس سره وشیخ الاسلام ابو نصر احمد بن ابوالحسن النامقی الجامی و از فرزندان جریر بن عبدالله الجبلی رضی الله عنه است، که در سال رحلت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ایمان آورده و بسیار بلند قامت و زیبا جمال بوده و امیر المومنین حضرت فاروق اعظم رضی الله عنه وی را یوسف این امت خوانده، در کتبها لی معرفت دو کس را شیخ الاسلام لقب داده اند اول حضرت خواجه عبدالله انصاری رحمة الله علیه که او را پیر هری نیز خوانند و از آن پس شیخ بزرگ احمد جامی ملقب ژنده پیل قدس سره که از مشاهیر مشایخ بوده و حالاتش مفصلا درکتب هر قوم مرقوم است سال ولادتش را (احمد جام رهنمای اول ٤٤١) یافته اند و وفاتش را که در سائر کتب و تذکرهها بوفق آن است در سنگ مزارش چنین ارقام نموده اند

مرشد نامی، شیخ گرامی، احمد جامی، عم پره ـ

(احمد جامی قدس سره ٥٣٦) سال وفاتش، اگر بجوئی



مرقد بابر شاه

بابر پادشاه ملقب بظهیر الدین بعد از فوت پدرش عمر شیخ میرزا در اندجان بمسند حکمرانی نشست و چندین فتوحات در ماوراءالنهر کرده و متدرجاً قوی گشته در سنه ۹۱۰ هجری عزم تسخیر کابل از ضمیر او سر زد با لشکر فراوان بسمت کابل شتافته محمد مقیم پسر امیر ذوالنون که از طرف شاه حسین بحکومت قندهار و گرمسیر مقرر بوده و بکابل رو آورده و متصرف شده بود تاب نیاورده و واپس بجانب قندهار شتافته و کابل را بابر شاه تصرف کرد، بعد از تصرف کابل به تسخیر غزنین و قندهار و هزاره جات و تمام متصرفات هندوستان خورد موفق آمد تا که بتاریخ روز دوشنبه ۶ جمادی الاول سنه ۹۳۷ بمصداق آیه کریمه (اذا جاء اجلهم لا یستأخرون ساعة و لا یستقدمون) داعی اجل را در هند لبیک گفت و نعشش را حسب وصیتش در کابل آورده و در گلگاه بمرقد که حال موسوم بباغ بابر است دفن کردند؛

چون تفصیلات دوره زندگی و غیره این مرد نامور در تزک بابری و غیره تواریخ مندرج است که بر اهل خبرت پوشیده نیست و ذوقمندان هم میتوانند از کتب تواریخ معلومات حاصل کنند بناء بهمین اختصار اکتفا کرده بذکر مرقد و ملحقاتش میپردازیم؛

مرقد موصوف در آخر باغ مشهور باسمش (متصل کوه) میباشد، دور قبر کتاره سنگی و پخته کاری آهن پوش و بیکطرف لوح سنگ بالای سر (یاارحم الراحمین) و دیگر اسمای باریتعالی و مضمون ذیل مرقوم است:

واز فیض عنایت بیغایت الهی و توفیقه بزیارت روضهٔ منورهٔ فردوس مکانی ظهیرالدین محمد بابر بادشاه غازی، ابوالمظفر نورالدین محمد جهانگیر پادشاه ابن حضرت عرش آشیانی جلال الدین محمد اکبر بادشاه غازی کامجو گردیدند این لوحه را فرمودند در سنه جلوس جهانگیری مطابق (۱۰۱۶) هجری، بطرف دیگر هم بود بعد از اسماء الله کلمهٔ طیبه و الله اکبر چنین مرقوم است:

پادشاهی کز جبینش تافتی انوار اله — آن ظهیرالدین محمد بود بابر پادشاه
باشکوه و دولت و اقبال و عدل و داد و دین — داشت از توفیق فیض و فتح و فیروزی سپاه

عالم اجسام را بگذاشت شد روشن روان
بهر فتح عالم ارواح چون نور نگاه
شد چو فردوسش مکان رضوان از ان تاریخ جست
گفتمش فردوس دایم جای بابر بادشاه
۹۳۷

در بالای سنگ مذکور الحاقیهٔ جدید سنگی است ودران مسطور :
«هو الغفور الرحیم — این حظیره حسرت بنیاد که ملاحظه آن اقوش بی ثباتی حیات را بخاطرمی سپارد دیدن آثار وارکان اش برد یده اهل بینش حسرت می افزاید آرامگاه بانی سلسلهٔ مغلیهٔ کبیرد را فغانستان و هند اعنی ظهیرالدین محمد بابر شاه کورگا نیست که در سنه ۸۹۹ ق جلوس و در ۹۳۷ ق بعمر ٤۹ سالگی در آگره مرحوم گردیده و میت اورا بموجب وصیتش بکابل نقل وبه خاک سپارید ه اند چون مرور دهور اینیهٔ مختصری را که نوادهٔ او نورالدین محمد جهانگیر درسنه ۱۰۱٦ ق بران افراشته بود از هم پاشید . ومو قعیت این مکان تعمیر مجددی را ایجاب مینمود در سنه ۱۳۵۲ ق حسب امر بادشاه جلیل القدر افغانیان اعلیحضرت غازی محمد نادرشاه شهید بتجدید بنا و ترتیبات صحن احاطه آن آغاز گردیده درسنه ۱۳٥٤ ق انجام وا تمام پذیرفت :
سنگ صندوقی بالای مرقد مرتبه دارو ملون میباشد

* * *

۱- پهلوی احاطهٔ موصوفه کتیبهٔ لوح سنگ بالای سریک قبر (بعداز کلامهٔ طیبه) چنین است : «از فیض عنایت الهی وقتیکه بزیارت روضهٔ حضرت ظهیرالدین محمد بابرشاه غازی ابو المظفر نورالدین محمد جهانگیر بادشاه غازی کامجو گردیدند لوح مرقد میرزا هندال ابن ظهیرالدین محمد بابر بادشاه غازی را فرمودند سنه ۲ جلوس جهانگیری مطابق هجری سنه ۱۰۱٦ » صندوقچه سنگ سرقبر بدون نوشته است :
۲- پهلوی قبر مذکور کتیبهء لوح سنگ بالای سریک قبر این است
« الله اکبر — بفرمود ه ابو المظفر نورالدین محمد جهانگیر بادشاه غازی ابن حضرت جلال الدین محمد اکبر بادشاه غازی لوح مرقد میرزا

و بعد شکست و فرار نذر محمد خان از بلخ بشبرغان و تعاقب فریقی از کارطلبان و نبرد آرائی او در آن سرزمین با آن گروه و فیروزی ایشان و هزیمت او و ظفر سپاه رزم خواه در آن میدان که بمحض کرم کارساز حقیقی نصیب این نیاز مند و دولتخواهان این بنده شرمنده احسان حضرت یزدان گشته آخر سال ۱۹ جلوس میمنت مانوس موافق سنه ۱۰۵۶ هجری در عرض دو سال بچهل هزار روپیه انجام یافت ،

• • •

۱ـ زیارت میرلشان در متصل سراچهٔ باغ بابر بطرف مشرق راه در گنبد میباشد نوشته ندارد :

۲ـ در اول گذرگاه در تپهٔ بلند مقابر متصل بدیوار باغ بابر پادشاه قبریست در بین یکخانه که دروازه اش قفل مهیا شده و مجاور دارد توسط مجاور آن دروازه را کشوده و رفته سنگ تربت آنرا که صندوق منقش و مزین آیات قرآنیست ملاحظه نمودم در طرف پای مذکور مرقوم است و تاریخ وفات مرحوم مغفور امیر بیگ محمد بن امیر یعقوب سنه ۹۴۴ ،

• • •

محمد حکیم ابن جنت آشیانی همایون پادشاه غازی صورت اتمام پذیرفت سنه ۲ جلوس جهانگیری مطابق سنه ۱۰۱٦ هجری

۳ــ بطرف مغرب احاطهٔ مرقد بابر پادشاه لوح سنگ طرف سریک قبر مزین بکلمهٔ طیبه وآیات قرآنی و اسماء الله شریف و نقوش اعلا و سنگ طرف پا بکجا لب منقش و بجانب دیگر و هذا مرقد شریف منوره مغفرت ماب خدیجة الزمانی وخلد آشیانی نواب گوهر نسابیگم بنت فردوس آرامگاه عالمگیر ثانی بادشاه غازی بتاریخ ۲۷ شهر شعبان المعظم ازدار فنا بدار بقا رحلت نمود. ۱۲۰۲ صندوق سنگ سر قبر نوشته ندارد.

٤ــ بطرف جنوب کنارهٔ مرقد بابر پادشاه یک صندوق سنگ خورد مهیا شد که بطرفین آن مرقوم است:

زیرگل تنگدل ای غنچهٔ رعنا چونی — بیتو ما غرقه بخونیم تو بی ما چونی
ملک جمعیت ما بیتو گسسته است زهم — ما که چمیم چنینیم تو تنها چونی

درسنگ طرف پا: ولا ریخ وفات مرحوم شیر محمد میرکه ....

۵ــ در مرتبهٔ بالا تر مرقد بابر شاه قبر یست دارای صندوق سنگ مرتبه دار و طرف فوقانی بسم الله و آیة الکرسی طرفین راست و چپ منقش، جانب پا در یکطرف: ((مرقد منور حضرت مغفرت مآب خدیجه الزمانی رقیه سلطان بیگم بنت حضرت میرزا هندال سنه ۱۰٤۰ بد یگرطرف: بن حضرت ظهیرالدین محمد بابر پادشاه غازی انار الله برهانه))

عبارت طرف دوم سنگ، دنبالهٔ سطر طرف اول است که میرزا هندال را ابن حضرت ظهیر الدین میگوید

* * *

کتیبهٔ مسجد سنگی باغ بابر پادشاه که بسطح بالای رواقها مرقوم است:

«این مسجد لطیف و معبد شریف که سجده گاه قدسیان است وجلوه گاه کروبیان بفرمان ادب دره حریم محترم این گلدرگاه لا اعلی اظرگاه عالم بالا یعنی روضهٔ منورهٔ پادشاه غفران پناه رضوان دستگاه خلد آرامگاه حضرت فردوس مکانی ظهیرالدین محمد بابر پادشاه غازی جز آن عمارتی اتوان ساخته بفرمود ، این نیاز مند تمام شکر سراسر منتا یش سرا پا نیایش درگاه الهی ابو المظفر شهاب الدین محمد صاحبقران ثانی شاه جهان پادشاه غازی بعد از فتح بلخ

شخصیت ایشان هم قابل یاد شد زیرا عمارت انهدام یافته آنها که کشف میسازد که لنگرخانه ومجاور خانه ودیگر خانه های لازمهٔ هرچیز داشته وعمارتی بسزا بوده ، واینکه میلهٔ دوبی هادرسابق آنجا میشدهم گمان میرود که ذات موصوف مرشد و پیرا ین پیشه وران بوده وتا این زمان سلسلهٔ اخلاص و عقیدت خود ها را جنبانیده و رسمی جنبانند والله اعلم
لیا گفته نماند بعض ها به عقیدهٔ مجاور دین اعتقاد دارند و آن از ین روست که درکتاب فتوح البلدان بلاذری بغدادی (رح) تذکر یافته ولی مختصر تذکار کتاب مذکور چنین است ،
و عبیدالله بن ابا بکره (رض) از طرف حجاج بن یوسف ثقفی متوجه و والی شد به سجستان وبعد از قبول مصالحه بار تبیل و شرایطی که با او گذاشت در حصص بست به دردگوش و یا غیرآن بمرض دیگری فوت شد و شریح را که از همراهانش بود و طرف مخالف او را برده بودند کشته شد بعد از فوت حضرت عبیدالله پسر ش و الی گردید » درین مجلسه اولاً واضح میگردد که عبیدالله بن ابا بکره است نه پسر حضرت ابا بکر الصدیق رضی الله تعالی عنه و دیگر اینکه آن ذات شریف هم در بست وفات یافته اند نه درینجا چیزی که بیشتر قابل ذکر است همین است که ابا بکره دیگر ذات مکرمی است و ابا بکر همان صدیق و خلیفه اول و یار غار سید الابرار است بغرضیکه بعموم موضوع روشن باشد اینهمه توضیحات داده شد ،

در نزدیک دار الامان

مزار خواجه طواف (رح)

این مزار طوریکه ملاحظه شد در جنوب مغرب دارالامان بین دو تل در بلندی واقع است که حاوی بر چهار مزار روشن و معین بدون کدام لوح است و شهرتش از مردم بدینقرار است :

۱. مزار خواجه طواف این مزار را بدون کدام اثبات و متعلق به سند و دلیل خوابگاه حضرت عبدالله بن ابوبکر الصدیق رضی الله عنهما میدانند که از سنگ کاری خام و کهگل بنا شده

۲. متصل آن مزاری است که تنها سنگ و گل بر آن میباشد که آنرا هم بدون کدام مسند مزار حضرت والدهٔ ماجدهٔ حضرت عبد الله رضی الله عنهما میدانند

۳. بطرف دیگر آن مرقدی پیدا شد که جز سنگ و گل چیزی ندارد مشهور به زیارت خواجه گنهکار است

٤. از احاطهٔ مذکور قدری دورتر از این مقبره ها یک قبری است که عموماً آنهم از سنگ و گل خام و مشهور به خواجه بقال است

خواجه احمد نام که بسلسلهٔ نسبی خود ارثاً مجاوریت این زیارت را داشته در یک قطعه کاغذی که در سنه ۱۳۲٤ تحریر یافته حالات این مزارات متبرکه را تذکار میدارد که از جهاد صفین حضرت شاه کرم الله وجهه حضرت خواجه عبدالله بن ابوبکر صدیق رض را با ۱۷۲ نفر که سردار آنها تعین شده بود باینحدود فرستاده و بشهادت رسیده اند و در اینجا دفن شده اند و این کاغذ محض یاد داشت گفته می شود؛

که همین سلسلهٔ مجاورین برای یادداشت نسل آیندهٔ خود معلومات گذاشته اند ؛ و یک لوح سنگی را که در آنجا گذاشته اند با این مزارات ربطی ندارد و منقوش آن بصورت واضح و کامل خوانده میشود که حاوی بر فوت مرحومهٔ مغفوره نور جهان خانم است که بتاریخ روز جمعه ۲۱ محرم الحرام سنه ۱۲۰٤ بوده ؛ الفاتحه : ه

این مزار را غیر ازینکه مثل شهرتی که از سالیان دراز داشته مزار خواجه طواف و خواجه بقال و خواجه گنهکار بشناسیم دیگر نامی بر آن مانده نمیتوانیم و تحقیقات بدست آورده نتوانستیم که ذوات موصوف را معرفی سازد و گفتار و تحریرات بدست داشتهٔ مجاورین قطعاً قابل اطمینان نیست ؛ و در بزرگی

قدم نهاد چو درعرصهٔ جهاد فرنگ — درید پردهٔ ناموس کفر را یکسر
بروز معرکه در کار زار رستم بود — فراسیاب شکوه آن یل فریدون فر
ازین سراچهٔ فانی روان بو بسیار — چو آن مجاهددین مبین ببست کمر
ز داغ ماتم او صبح زد گریبان چاک — سمور شام لباس سیه ز غصه ببر
همین بس است که در راه دین احمد شد — شهید ا کبر و مقبول خالق اکبر
ز عقل سال وفاتش بجست محزون گفت — سر شهادت بیمز ا با سم پیغمبر

۱۲۵۴+۳=۱۲۵۷سنه هـ ق

دربین ده دانا ودارالامان

مزاری است مشهور به (بیگمان) در بین مزار دو سنگی بصورت صندوق قسمیت که نقش های زیبا دارد، کلمهٔ طیبه وآیة الکرسی شریف در آن بخط زیبا مرقوم است طرف پای که جای نام است چیزی نوشته ندارد.

در قریهٔ دهدانا

متصل بخانه های مردم باغچه ها زیارتی بنام (بابازنگی) است در ینجا تنها مزاری در بین یک قبرستان دارای طرحها وچراغدان گلیست، قرار بیان دو سفیدان خود بابازنگی در تگاب مدفونست این مرقد از (آخند ابدال) مهیا شد که بابازنگی در مزارش آمده، چله کشیده و زیارت بنام وی شهرت یافته

در ده قلندر

در ابتدای این ده لب سرك عمومی دو مقبرهٔ متصل باهم است که بین هر دو مسجد خوردیست، این هر دو مقبره بچراغدانهای گلی و طرغها آراسته است همه مردم اینهارا مزار شهیدانی میدانند که در جنگ افغان وانگلیس شربت شهادت نوشیده اند، نام یکی خواجه عارف واز دیگری خواجه محب است.

مزار عبد الله خان شهید

در قلعهٔ سرخ

عبدالله خان اچکزائی در قیام ملی افغان علیه انگلیس که بتاریخ ۱۷ رمضان المبارک ۱۲۵۷ آغاز شد از علمبرداران و مجاهدین درجه اول بود و در پی جنبش و شورش ملی غیرت اسلامی ووطن دوستی و ملت خواهی خود را بتمام وکمال ثابت و ظاهر نمود تاآنکه در ۱۵ شوال ۱۲۵۷ جراحت برداشت و در بین مردم آوازهٔ شهادتش شائع گشته اضطراب تولید کرده بفرضیکه اشتباه قوم را از شهید شدن خود رفع وتشویش عامه را تسکین نموده باشد تاسبب اختلال و پراگندگی جمعیت قومی نشود طوریکه از مکندر نقل میکنند او هم با آن مجروح بالای اسپ سوار ودر بین مردم گردش کرد و اطمینان قومی را فراهم ساخت ولی چون زخم شدید بود دو روز بعد باثر آن داعی اجل را لبیک گفت ؛ لیدی سیل در کتاب (روزنامه حوادث وخیم در افغانستان) مؤلفهٔ خود وفات عبدالله خان اچکزائی را بتاریخ ۳۰ نوامبر ۱۸٤۱ قید کرده و چون قیام ملی بتاریخ ۲ نوامبر ۱۸٤۱ مطابق ۱۷ رمضان ۱۲۵۷ شروع شده بود معلوم میشود که شهادت مجاهد مذکور ۲۸ روز بعد واقع شده .

معروف است که عبد الله خان درروز رسیدن سردار محمد اکبر خان غازی بکابل زخم برداشته وچون سردار موصوف ۲۵ نومبر که مطابق ۱۰ شوال باشد وارد کابل شده بود پس چهار روز بعد، شهادت مجاهد اچکزائی رو داده که همان ۱۵ شوال المکرم ۱۲۵۷ هـ ق مطابق ۳۰ نوامبر ۱۸٤۱ باشد ؛ بهر طریق یا ۱۵ یا ۱۷ شوال المکرم ۱۲۵۷ شهادتش واقع شده)

مجاهدین ملی جسد شریف آن سرغنهٔ نامی و سرباز بزرگ خود را بعد از شهادتش در یکی از تپه های بلند قلعهٔ سرخ دیه خور چهار دهی بقدر دانی و اعزاز تمام بخاک سپردند و در همان زمان لوحی سنگی بالای مزارش تهیه ونحر یر ونصب نموده اند که خوشبختانه لوح مذکور اکنون هم فراز مرقدش موجود و سواد آن قرار آتی است :

دریغ وآه ز بیداد چرخ دون پرور — فغان ز گردش افلاك وكينهٔ اختر

لبر دبر رخ آنانکه رهگذار غبار — ببین که عاقبتش فرش خاك شد بستر

امیر لشکر و سالار قوم عبد الله — خجسته منظر ورا لاابالی و لیک سر

بیادگار بنا کرد در جهان کاری — که تا جهان بود از وی بماند نام و نشان
علی ملنگ مزاری بود بجانب کوه — که اقتدار الهی است آشکار از آن
ز صدق دل برضای خدای حی قدیم — پی عمارت تعمیر این ببست میان
ز سنگ مرمر ز دو خرش چشمه زلال، چه حوض — که وصف چشمه و حوضش نگنجدم به بیان
چه طرفه آب که آبش چو آب زمزم صاف — چگو نه چشمه که بهتر ز چشمه حیوان
چو پیر جرعهٔ آبی ز چشمه اش نوشد — رهد ز پیری و گردد ز شوق باز جوان
بگفت از پی تاریخ سال او خادم — برآمد آب چه آبی ز صحن باغ جنان(۱)
۱۲۲۹

عطا محمد عطای محمداست برو — که بود سنگ تراش فرید در دوران
بسنگ نقش نموده است اینهمه ابیات — که تا بماند ازو یادگار در دوران
۱۲۹۸ (۲)



(۱) عدد (آب چه آبی) ۲٤ میشود فالبأ الفهای ممدوده را دود وشمرده که ۲٦ شود وازعدد (صحن باغ جنان) که ۱۲۵۵ میشود برآورده که باقیمانده (۱۲۲۹) سنه آن است.
(۲) ارقاً، این اعداد معلوم نشدکه برای چه ؟

درجوار قصر معروف چهل ستون

این باغ پر گل و ریحان و دارای اشجار و آب روان که تفرجگاه عمومی اکثر مردم کابل در موسم بهار ان است در تپه بلند ملحق بکوهش عمارتی موسوم بچهل ستون از سابق بنا یافته بود و در هر عصر در آن تزئید و تزئینی بوجود می آمد در اواخر عمارت مذکور بنام (مهمانخانه دولتی) تخصیص داده شد و عمارت خیلی متین و پخته و زیبا تاسیس یافت. اکثر مهمانهای بزرگ دولتی را در انجا اقامت داده میشود. مقابل این باغ و عمارت مناری است و در قریب آن زیارتی اکنون مناسب دانسته درانمورد یادداشتهای خود را ثبت مینمایم.

۱ - مضمونیکه درمنار یادگار قصر چهل ستون مرقوم است.

«درعهد سلطنت شهریار نصفت آئین حامی دین مبین حضرت ختم المرسلین (ص) ماحی آثار ظلم وکین اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان درالی محمد زائی بارکزائی بنای این ۰۰۰ درکوه چهل ستون که در شرقی باغ چهل ستون واقع است بامر جهانمطاع بطریق یادگار بتاریخ یوم پنجشنبه غره ماه جمادی الثانی سنه ۱۳۲۸ گذاشته شده بتاریخ یوم پنجشنبه ۲۹ شهر شوال المکرم سنه مذکور اختتام یافت».

۲ - زیارت علی ملنگ

این زیارت در قرب قصر چهل ستون در کمر کوه محل معروف است در آنجا بطور مرتبه دو سه حصهٔ مسطح داشته که گلکاری میشود اشجار و آب جاری هم دارد و مقام نزهت فزائیست چند حجره در انجا بنایافته قبر خود علی ملنگ در همینجا بدون کدام سنگ و علامهٔ فوق العاده بصورت عادی است

و دریکی از حجرات سنگی است و دران بدین قرار مرقوم: —

در سطر اول بخط عربی کلمه طیبه و بعده الهم اغفر لکاتبه و سپس ازان این ابیات:

بدور حشمت سلطان عهد شاه محمود	شه شهان در دران خلیفه حسن
بدهر بود یکی صوفی صفا کیشی	که از صفای صفاتش ضیا گرفت جهان
بنام نور محمد که از مئهٔ بیش	فروغ پرتو او... محمدیست عیان

مزار جناب سید جمال الدین افغانی

این سید جلیل الشان و این نابغهٔ عصر و زمان که پرتو شهرت آفتاب فضل و کمال و شعاع تیر اسلام خواهی و آزادی دوستی وجذبات فوق الحد گفتار و افعالش در سراسر گیتی پهن شده در ماه شعبان سال ۱۲۵٤ ه ق مصادف سال ۱۸۳۸ مسیحی در علاقهٔ کنر در خانوادهٔ عالم و متقی پا بدنیا نهاد (۱)

پدر او سید صفدر از اولاد محدث مشهور (سید علی ترمذی) و از همین جا سلسلهٔ نسب او بحضرت امام حسین رضی الله عنه میرسد، مادر سید از طرف پدر بعشیرهٔ یوسف زائی و از طرف مادر بیك خانوادهٔ سید منسوب بود .

سید در مولد خودش تا سال ۱۲٦۱ هجری در دامان تربیهٔ والدین مشغول تحصیلات ابتدائی بوده، گاهی سید فقیر پاچای کنری که از سادات مشهور و عالم کنر بود نیز بسید درس میداد .

در سال ۱۲٦۲ پدر سید بدربار کابل (دربار امیر دوست محمد خان) احضار و پسر هشت سالهٔ او (سید جمال الدین) نیز بغرض تحصیل در معیت پدر بوده، توقف پدر و تحصیل پسر در کابل تا سال ۱۲۷۱ طول کشید، سید در طول این مدت علوم متداولهٔ اسلامی، حکمت، ریاضی، نجوم و تاریخ را تحصیل نمود .

در سال ۱۲۷۱ هجری پدر سید از کابل مرخص و با پسر خویش یکجا روانهٔ کنر گردید، ولی پدر سید زندگی را چشم پوشید . پسر پرشور و علم دوست او در اوائل جوانی برای بار اول از وطن بقصد مسافرت و تحصیل خارج گردید .

در سال ۱۲۷۲ — ۱۲۷۳ بود که سید در کشور هندوستان برای آگاهی از علوم اروپائی و فلسفهٔ جدید مشغول تحصیل شده، برای اداء فریضهٔ حج و سیاحت بلاد اسلامی عراق عربستان و شامات از هندوستان خارج گردیده پس از فراغت از راه بلوچستان داخل هند و از انجا بجانب افغانستان در سال ۱۲۷٤ روان شد . وقتیکه سید در سال ۱۲۷٤ وارد افغانستان گردید بلافاصله در دربار امیر دوست محمد خان قبول و بتربیت و تعلیم امیرزاده محمد اعظم خان متوجه شد، زیرا او میخواست

---

(۱) اقتباس از مجلهٔ آریانا شمارهٔ اول سال سوم اول دلو ۱۳۳۲ ص ۲۵ مقاله ساغلی غبار

زیارت سخی

این زیارت بفرز محاذ دار المعلمین و ایسه عری حتی شفاخانه های علی آباد و مزار حضرت سید جمال الدین افغانی رح در دامنهٔ کوه واقع، بنام سخی مشهور است که حالا نظر بکارتهٔ که در اتصال آن بنا یافته و جادهٔ که بسمت مزار حضرت سید تمدید شده این کارته و جاده را جمال مینه نام نهاده اند.

احاطهٔ این زیارت تخمیناً دو نیم جریب است چهار دروازه در چهار سمت خود دارد اما دیوار های احاطه کاملاً سر نرسیده.

در حد دیوار شمالی که طرف کوه است سنگی کلان شق شده وجود دارد که بالایش پیرقیست، عقاید و زبانزد عموم است. روزیکه خرقهٔ مبارکهٔ حضرت سید عالم صلی الله علیه وسلم را در عصر اعلیحضرت احمد شاه بابا غازی از بخارا نقل داده و بطرف قندهار میبردند یک شب یادو شب که شهر کابل توقف آن افتخار داشت در همین حصه بالای همین سنگ بوده چون از اینجا حرکت داده شد سنگ در فراقش شق شده.

در وسط این احاطه دو گنبد متصل پخته کاری جدید ساخت است که فرز هر دوی آن قبه های نقره ایست و در صحن داخلش که عمارت دو لاه گفته میشود هم سنگ های سفید و سیاه فرش است.

در داخل گنبد اول مجاورین نشسته، علامانی نیست. در وسط گنبد دوم در وسط یکپایهٔ سنگی منقش است، بدیگر طرف یک دیگ نمایان هست که نصفش زیر زمین و نصفش بالای زمین است، در یک گوشهٔ دیگر زینه هست زینه که بطرف پائین که تحتانی سطح همین گنبد دوم و بصورت چله خانه و زیرزمینی است. کدام علامهٔ قبر و غیره در اینجا هم نیست. بعضی میگویند اینجا بر اعتماد همان افتخار توقف خرقهٔ مبارکه احترام شده و برخی میگویند نظرگاه شاه اولیا حضرت اسد الله الغالب مظهر العجائب والغرائب کرم الله وجهه است.

بخارج هر دو گنبد در داخل و خارج احاطه قبرستان عمومیست.

گردید، ولی حوادث طوری فراهم شده بود که سید بزودی عزیمت کشور مصر نموده در مدت یک نیم ماه ارتباط محکمی با دانشمندان آنجا بهم رساند و چندروزی بتدریس طلبهٔ سوریه و مصر در جامع الازهر مشغول شد و با زعازم اسلامبول گردید، و تاسال ۱۲۸۷ در آنجا اقامت داشت. در طی اینمدت بود که سید در جوامع ایاصوفیه و (سلطان احمد) مواعظ اجتماعی و دینی و در مجالس سیاسی و دارالفنون کنفرانسهائی ایراد کرد و بالاخره ارشادات سید سید درآنجا همهمه و حرکتی تولید و در اثر مخالفت حسن فهمی افندی و مداخلهٔ حکومت در اواخر سال مذکور بترک اسلامبول مکلف گردید. سید مستقیماً وارد مصر شد و بلافاصله باصلاحات و ارشادات علمی، سیاسی و فعالیت سریعی آغاز نمود از قبیل تشکیل حزب، تدریس علوم، تحریک سیاسی و مبارزه و بایکات و غیره. اقامت سید در مصر تاسال ۱۲۹٦ طول کشید، در طی اینمدت تطور عجیبی در امور اجتماعی آن کشور رونما شد، اخیراً سیداز التجاهم بامر حکومت خارج گردید.

در سال ۱۲۹٦ سید مجدداً از مصر عازم هندوستان و در دکن ساکن گردیده وبعد از آنکه غائله مصر رفع شد سید را در سال ۱۲۹۹ از هندوستان اخراج کردند؛ البته سید درزمان اقامت هند دست از اشاعه و تعمیم افکار و نصب العین خود نکشید:

سیدجمال‌الدین همینکه از هندوستان خارج گردید عزیمت امریکا نمود بعد از چندی در سال ۱۳۰۰ بلندن رفت، ولی متعاقباً بپاریس کشیدو تاسال ۱۳۰۲ درانجاماند، در همین آوان بود که به نشر جریدهٔ عروة‌الوثقی اقدام نمود:

درسال ۱۳۰۲ مکرراً سید را بلندن دعوت ومدیرتایمز وساثر محررین ازو استقبال کردند. صدراعظم انگلیستان اوز چند باری در هوتل مسکن سید بملاقات آمد، اما بدون آنکه موافقتی در نظر حاصل شده باشد درسال ۱۳۰۳ سید از لندن خارج شد.

سید بعد از خروج از اندن داخل مملکت فارس شد، ولی درسال ۱۳۰٤ ازانجا بحکم پادشاه وقت ناصرالدین اخراج گردید؛ سید از فارس با ستقامت روسیه حرکت و دو سال در ماسکو و پتروگراد مشغول دیدن سیاسیون، وزرا، حتی

این شخص برای زمامداری آینده و اصلاح افغانستان حاضر و آماده شود.
در سال ۱۲۷۹ سید معیت امیر در سفر ولایت هرات شرکت داشت و هم در آنسال امیر چشم از دنیا پوشید و آتش جنگهای داخلی بین یک دولت جدید التاسیس و ولایات خود سر و خود الین و سرداران درگرفت، در هر حال عجالتاً پادشاهی امیر شیر علیخان که برادران بزرگتری چون محمد افضل خان و محمد اعظم خان داشت اعلان گردید و سید در حالیکه طرف بیمهری امیر جدید و کینه دیرینه پیشکاران و محمد رفیق خان اودی قرار گرفته بود در جای خود باقی ماند.
بعد از انکه در سال ۱۲۸۱ محمد اعظم خان از موقیات امیر شیر علی خان مغلوب و از چاگیر خود دشن (زرمت) به پنجاب و راولپندی فرار کرده بود مجدداً در سال ۱۲۸۲ بکابل حمله بجانب قندهار حرکت کرد، امیر شیر علیخان در جنگ (سید آباد غزنین) مغلوب و پادشاهی برادر بزرگش امیر محمد افضل خان از طرف محمد اعظم خان در سال ۱۲۸۳ در شهر کابل اعلان، و از ینوقت عرصهٔ فعالیت سید جمال الدین کشاده تر گردید، یکسال بعد ۱۲۸۴ امیر محمد افضل خان از دنیا گذشته و جایش را امیر محمد اعظم خان اشغال، سید بصفت مشاور و تقریباً وزیر مستقیماً داخل امور دولت شد، ولی جنگهای داخلی فرصت اصلاحات را مسلوب میداشت.
سال دیگر ۱۲۸۵ امیر محمد اعظم خان در هر دو جنگ سوم به (کیچه مرسل) و (ششگاو) مغلوب امیر شیر علیخان گردیده و برای همیشه افغانستان را ترک گفت و هم در خارج جان داد.
این است که سید جمال الدین از عملی ساختن پروگرام خود بکلی مایوس و مجبور شد افغانستان را در همان سال ۱۲۸۵ ترک گوید، خوشبختانه امیر شیر علی خان توانست قسمتی از ان پروگرام را در افغانستان عملی نماید از قبیل: اعلام استقلال سیاسی، ایجاد روابط دول همسایه و اسلام تشکیل کابینه، تاسیس مکتب و مطبعه نشر روزنامه های (شمس النهار) و (کابل) انتظام مالیه و پوسته، ترویج صنائع مخصوصاً صنائع حربی، تشکیل اردوی منظم و قوی، تمرکز اقتدار دولت و انحلال خود سری های حکام و لایات و غیره.
در سال ۱۲۸۵ سید جمال الدین از افغانستان برای بار دوم خارج و وارد هندوستان

۵ جدی تابوت از لاهور باستقامت پشاور در حرکت افتاده و در ۶ جدی وارد آنشهر گردید ، در ۷ جدی تابوت سید سرحد افغانی را عبور و همان روز وارد شهر جلال آباد گردید ؛

در کشور عراق ، کراچی ، پنجاب و پشاور از طرف مامورین رسمی دولت و برادران عراقی ما ، و همچنان مامورین رسمی و اتباع افغانی و مسلمانان هندی و هند و وسائط باطلبهٔ معارف و مامورین رسمی حکومت پذیرهٔ خیلی صمیمی و پرحرارت گردید

روزنامهٔ اصلاح در ۲۸ قوس پروگرام پذیرائی تابوت سید را در افغانستان از سرحد تورخم تا کابل نشر داد و هیئت مستقبلین وزارت معارف وریاست مطبوعات افغانی تابوت را در تورخم ، مامورین سرحدی و اداری و اهالی الی سرحد تاجلال آباد استقبال نمودند. در جلال آباد موقع فرود آوردن تابوت از مو ثر شخص والاحضرت صدراعظم افغانستان در مراسم استقبال شرکت ورزیده اند ؛

روز شنبه ۹ جدی تابوت سید واردشهر کابل ود رعمارت فاکولتهٔ حقوق گذاشته شد مراسم استقبال تا منزل بگرامی از طرف کابینه وزراء و تمام مامورین عسکری وملکی وطبقات اهالی عملی گردید ، درشهر کابل مامورین جزء و تمام صنوف اهالی وکل طلبهٔ مدارس با قطعات عسکری و پولیس در مراسم استقبال مشارکت کردند ، شخص والاحضرت معاون صدارت عظمی و وزیر معارف این مراسم را بخطابهٔ خود تمام نمودند ؛

روز یکشنبه دهم جدی مراسم تدفین سید درشهر کابل درمنطقهٔ علی آباد باشمول هیئت وزراء وتمام افسرهای عسکری و مامورین ملکی ، طلبهٔ معارف ، طبقات مختلفهٔ اهالی قطعات عسکری و پولیس ، هیئت کوردپلوماتیك درنهایت حرارت و صمیمیت وشکوه عملی گردید ، بطوریکه توان گفت نظیرآن در مورد علما و فضلای نامداراین کشور کمتر دیده شده است ؛

روز دوشنبه ۱۱ جدی اعلیحضرت همایونی پادشاه افغانستان بذات خود شان در مرقد سید تشریف برده و دسته گلی گذاشتند ؛

کذا تمام اهالی پایتخت مزارسید را بادسته های گل مزین ساختند ،

ازسی سال باینطرف در مطبوعات افغانی (سراج الاخبار) ، مجلهٔ کابل رسالهٔ

ملکه و امپراطوره مصروف اقدامات سیاسی و طرح اندازی در عالم سیاست بود. مگر چه اینهمه بجائی نرسید.

در سال ۱۳۰۶ سید از روسیه براه پولیند روانهٔ جرمنی شد و هنوز در مونیخ بود که ملاقات او با پادشاه فارس اتفاق افتاد و دعوت او را به آن کشور پذیرفت سید از آنجا دوباره در روسیه برگشته و بعد ها در سال ۱۳۰۷ بفارس رفت اما ناصرالدین در باریان او همان نقشهٔ پر شور را جنبه سیاسی داده در سال ۱۳۰۸ از فارس بر اه بصره خارج نمودند

در سال ۱۳۰۹ بعد از اینکه سید از خستگی سفر فارس بهتر شد و در عزیمت لندن نمود و به نشر ضیاء الخافقین و ایراد خطابه ها پرداخت. چون نشر ضیاء الخافقین معطل شد، سید در سال ۱۳۱۰ باسلامبول سفر نمود تا آخر عمر یعنی ۱۳۱٤ قمری آنجا ماند ولی بالاخره هم در رجب سال مذکور همانجا بمرض سرطان گرفتار و در ماه شوال مطابق ۹ مارچ ۱۸۹٦ مسیحی دیده از دنیا بست در مشایعت جم غفیری که هژده نفر زیر دار تلف شد در قبرستان شیوخ دفن گردیده رحمة الله تعالی علیه.

درهرحال مزار سید در سال ۱۹۲٤ مسیحی از طرف یک نفر مستشرق حساس ولائق امریکائی مستر چارس گرین سفیر سابق آن دولت در چین در اسلامبول بشکل درستی تعمیر گردید.

با زگشت سید به وطن

در ۲۲ قوس ۱۳۲۳ هـ . ش مطابق ۱٤ دسمبر ۱۹٤٤ روزنامه های شهر کابل اطلاع دادند که در اثر مذاکرهٔ سفارت کبرای افغانستان (جناب علی فیض محمد خان) مقیم انقره و موافقهٔ حکومت ترکیه نعش سید جمال الدین افغان از اسلامبول حرکت و از راه انقره جانب عراق روانشده است.

جناب علی عبدالرحمن خان وزیر مختار افغانی مقیم عراق هم از اسلامبول تا کابل تابوت سید را مشایعت خواهد نمود. در ۱۸ قوس تابوت سید وارد بغداد و از طرف برادران عراقی و مامورین رسمی آن دولت بطور شاهانه استقبال گردید متعاقباً در ۲٦ قوس روزنامهٔ اصلاح اطلاع داد که تابوت سید وارد شهر کراچی شد (از راه هوا) در ۳ جدی تابوت از کراچی حرکت و در ٤ جدی وارد شهر لاهور گردید عصر روز

عبدالسلام مویلحی پاشا، ابراهیم لقانی ، علی مظهر (از نوابغ رجال علمای مصر) سعد زاغلول ، فتحی زغلول ، ادیب و استاد مشهور اسحق ، اعرابی پاشای معروف ، عبدالله فکری پاشا ، رضا پاشا ، فیضی افندی ، عبدالکریم بیگ حمدی بیگ ، یوسف ضیا پاشا ، سید فضل پاشا ، علی تقی بیگ ، ادهم بیگ سید جمال الدین اصفهانی ، شیخ الرئیس انقلابی ، شیخ احمد روحی ، میرزا حسن خبیر الملک ، ابولحسن میرزا : میرزا آقاخان کرمانی ، حسن خان قونسل ، افضل الملک ، شیخ محمود ، جواهری زاده و عدهٔ بسیاری از دانشوران ادبا ، کتاب و سیاسیون ممالک اسلامی رحمهم الله اجمعین ؛

اکنونکه سوانح مختصر وگذارش نقل نابونش نگاشته شد از ترتیب عمارت مزارش نیز تذکری داده میشود :

مزار این رادمرد نامور که در منطقه علی آباد قرار گرفت برای تعمیر باتجلیل آن اعلان شد تا هرکس نقشهٔ ترتیب نماید و هر نقشهٔ که دلپذیر و مطبوع افتد جائزهٔ آن ده هزار افغانیست ، ارباب فن هرکس کمال خودرا ابراز دادند ، ازآنجمله یکنفر جائزه را برد و مطابق نقشهٔ آن طرح عمارت خیلی به پختگی و زیبائی در وسط میدان وسیعی که برای آن مزار تعیین شده است شروع بکار گردید ، واز همان سال تاحال کارآن جاری میباشد ولی چون عمارت خیلی مهم و عالی و مضبوط در نظر است با آنکه کارش باختتام قریب شده باز هم بعضی کارهایش ناتکمیل و امید است عنقریب بصورت تام انجام پذیر گردد ؛

کارته جدید و جادهٔ که درقرب آن احداث شده هم بنام نامی وی به (جمال مینه) مسمی شده است ، پختگی و شکوه تعمیر مزارش را جائزهٔ نقشه آن و اختتام نیافتنش در بمدت چهارده سال بتمام معنی آشکار میسازد حاجت تشریحات دیگر نیست نیست :

ناگفته نماند که سوانح این مرد نامی از طرف اکثر نویسندگان انتشار یافته خصوصاً ترجمه (تتمة البیان در تاریخ افغان) اثر خود آنمرحوم از طرف جناب فاضل مولوی محمد امین خوگیانی ورساله بقلم مرحوم اعظمی و مجله کابل شمارهٔ ۱۰۶ سال ۹ ماه جدی ۱۳۱۸ حاوی تحقیقات وانگارش نویسندگان معروف وغیره آثرات که در بنهمه راجع به آن نابغهٔ معارمات مفصل میدهد و اشتباه نویسندگان ایران را که بهمنامی جمال الدین واعظ اصفهانی که یکی از پیروان سید بوده بدلائل کافی و اسنادقوی رفع مینماید ، ولی در ینجا آن تفصیلات را غیر لزوم دیده بسواد همینقدر از سر الحش که مختصر تربود لازم دانسته بتحریر پرداختم ؛ حامل

سید جمال الدین حیات سید جمال الدین، روزنامه های اصلاح و انیس کابل قریبا پنجاه نفر از نویسندگان و شعرای افغانی (۱) راجع بشرح حال و کارنامه های سید جمال الدین قلم فرسائی کرده و مواد بسیاری در خور یک کتاب ضخیم انتشار داده اند ؛

آثار سید ؛

سید در مدت حیاتش وظائف خود را بیشتر عملی و در سرتاسر شرق و مخصوصاً ممالک اسلامی جنبش های علمی و اجتماعی برپا و اقدامات و مجاهدات زنده و صفی از خود بروز داده بعلم سرشار و ذکاء مفرط و قریحهٔ جید و جاذبه خدا داد و شجاعت جسورانه حصهٔ بزرگی را از مقاصد خویش عملی نموده است و در بین راه از ارشاد، تدریس و زبان خود کار میگرفت بحدیکه دست روی قلم کمتر و آنهم در موارد ضروریه میگذاشت با آن آثار قلمی او از ینهاست : رساله رد علی الدهریین، مقالات جمالیه، مقالات عروة الوثقی رساله البیان فی الانگلیز و الافغان، مجموعهٔ ضیاء الخافقین، مادهٔ بابی دائرة المعارف بستانی، تتمة البیان در تاریخ افغان، سوانح عمری سید بشکل کتابی، مقالات متفرقه در جرائد اسلامی و اروپائی بنامهای مستعار ؛

شاگردان و پیروان مشهور سید در خارج،

سید سلیمان باختری (افغان)، برهان الدین بلخی پسر سید سلیمان، یعقوب خان نواب حسین خان، محمد صدیق خان، شیخ محمد عبده، عبدالله ندیم،

(۱) سلطان محمد خان القاب در سراج الاخبار، محمود طرزی مدیر مشهور سراج الاخبار غلام جیلانی خان اعظمی، میرغلام احمد خان کمکشره، عبدالغفور خان امیری، غلام جیلانی خان جلالی، سید قاسم خان رشتیا، عبدالرحمن خان پژواک، احمدالله خان کریمی، امین الله خان زمریالی، صدیق الله خان رشتین، عبدالهادی خان اخلاص، خلیل الله خان خلیلی نورالدین خان، اختر محمد خان ارسلان خان سلیمی، سید حسین خان یاچاق کابری عبدالله خان افغانی نویس، محمد امین خان خوگیانی، محمد صالح خان قاری، عبدالله خان (در دیوان قلمی خودش) محمد قدیر خان تره کی، محمد عثمان خان صدقی، محمد حسن خان ابرور عبدالحی خان حبیبی، احمد علی خان کهزاد، میر امین الدین خان انصاری، حبیب الله خان تورولیانا، خواجه محمد عزت الله حضرت شاغاسی، محمد ابراهیم خان خلیل، عبدالرحمن خان وزیر مختار افغانی در عراق قاضی عبدالجلیل خان (نوسنده)، روح الله ملنجاوی سروری، ضیاء الدین خان نقاد، محمد حسن خان جلی، عبدالقدوس خان، آقای بیدوا عبداللطیف خان اریان، شاغلی نداتی، آقای شاد، محمد عمر خان غرغشت ع دستگیر اوریا،

میکند مرغ روانـم سیر بـاغ قدسـیان
این مدد از خاک پای میراصغر دیـده ام
هست محراب هلالش قاب قوسین را دلیل
آهوی چشمش بغایت مست و دلبر دیده ام
میکچد وقت تکلم از لبش آب حیات
خلق او را بهتر از سرشار کوثر دیـده ام
گر سر عرش است لوح سینه بی کینه اش
منکرش را بیگمان زندیق و کافر دیده ام
مید هد رفتار او تعـلیم بر بـاد صـبا
قامتش را در چمن رشک صنوبر دیده ام
صحن کویش میدهد بر عاشقان یاد از بهشت
خاک بستـان درش را من معطر دیده ام
در بلاد کابل و در قـریهٔ پـغمـار
در شب تاریک عالم بدر را انور دیده ام
هر که شد خاک درش با تاج سلطانی رسید
هست صاحب بخشش واماقلند ر دیده ام
چون مسیحا از دمش صد مردهٔ جان یافتند
سوی ایران طریقت خضر رهبر دیده ام
خوبرویان دیدهٔ مسکین در ینعالم بسی
در جبین یار خود انـوار دیگـر دیده ام

مجاور زیارت میگوید گرینده این ابیات یـکی از کسانیست که اخـلاص تام بعد از شهادت شان پیدا کرده وآرزو داشت در خانقاه ها نعت خوانـی کنـد قبولش نمیکردند بالاخره درخوابی فیض گرفته وبالای گفتار آمد ، وه وه ازین گفتار ، اول خود او هرچه گفته است وباز کسیکه نوشته ، هردو ابیات بیسوادی خود ها رانموده انددر بیت اول پیغمبر نوشته بودناچار پیمبر نوشتم در بیت ۹ سان نوشته بود مجبورا صحن نوشتم ، فهمیده نشد کهاین نوشته بالای مرقدچه فائده می بخشد؟نه معرفی صاحب مزار را میکندنه از تاریخ شهادت معلومات میدهد. خلاصه

زیارت پاشاه صاحب رح

این زیارت در پائین کوتل پایمنار واقع وموصوف یکی از عرفان مشهور و صاحب تاثیرات عرفانی وکمالات باطنی است .

جناب حاجی صاحب پایمنار (شیخ سعدالدین احمد انصاری رح) از بهره یافتگان این عارف بزرگ و اولاً داماد خود شان و باز از میر محمد اکبر خان آنمرحوم و باز از میر بشیر خان دیگر پسر آنمرحوم بوده اند .

بدریافت شرح حال مفصل این جناب تا کنون موفق نشده ام ضروری و سطحی را که بکوشش زیاد بصورت تحقیق دریافت کرده ام درکتیبهٔ مزارشان درج است که درذیل این سطور مطالعه میکنند :

از تصنیفات شان تنها نسخهٔ خطی کتابی موسوم به (عین الحقیقة) که متضمن علم تصوف و معرفت است بمطالعه ام رسیده .

شانزده سال قبل که بزیارت شان مشرف شدم جز یکدشت و دران قبری وبالای آن طوغهای بسیارکتیبه وعمارتی وجود نداشت :

اما درین چند سال که رجوع اخلاص کیشان زیاد شده ودر آبادی آنهم همت گماشته اول خود قبر را بوجه خوب از سنگ درست کرده و چاه حفر نموده اطاقهای خوبی که قابل بود وباش زائرین است آباد کرده اند :

سه سال قبل از اکنون که ۱۳۴۷ هـ ش است باتفاق دوسه نفر رفیقان باز هم بزیارت شان رفتیم این آبادیهای متذکره را دیده و لوحی نیز بالای سر قبرشان جلب نظرم نمود که از طرف پیر محمد سنگتراش تهیه شده و بسرروی آن بسم الله شریف وآیة الکرسی و اسم خود سنگتراش و پسرانش دران درج است و در ظهر آن این ابیات :

ای عزیزان درجهان پیر پیر دیده ام

درچنین میرعرفان شیخ زیور دیده ام

همچو مرسای کلیم رفتم بشرق طور دل

نور الله را بقین بر روی اکبر دیده ام

عندلیب بوستان دلفگار اصغرم

بزم طبع را منجلا از روی مظهر دیده ام

چون از زیارت عرس فارغ شدیم یکی از رفقا گفت که از بین اوح چه دریافت شد گفتم هیچ ؛ برای ترتیب یک سنگ جهة مزار شان که حاوی معلومات شخصیت آن بزرگوار باشد اظهار آمادگی کرد چون دو سال قبل دیگر دست این اراده را نموده بود و پس از بسیار معلومات کتیبهٔ برایش بنظم نوشتم و توفیق بآن نیافت ، حالا با این شخص که حاجی محمد یعقوب تاجر بامیالیست بدکان سنگتراش رفتیم و فرمایش سنگ را نمود که سنگ صندوقی کلان و مضبوط تهیه شد و همان ابیات را برای شان دادم که بسم الله شریف و کلمهٔ طیبه را در سر و ابیات مذکور را در دو طرفهٔ سنگ تحریر و حک نمودند و در هذا سنه بالای مرقد نصب شده و فی الجمله ازین شخصیت بزرگ معرفی مینماید و هو هذا

ولی حق محمد نور الدین پاد شاه صاحب
که در علم و عمل بوده بعهد خویش بیهمتا

ز صلب حضرت سید حسین آن عارف نامی
که پیوند نسب با غوث اعظم میرسد او را

فقیر و صالح و فیاض و ریاض و صفا باطن
توکل پیشه و بادانش و با زهد و تقوای

بخالق بندگی کارش بخلق ارشاد اطوارش
تواضع وضع و کردارش بسر معرفت دانا

اسیر عشق سبحانی نفور از عالم فانی
بتصنیفات عرفانی بسی گشته قلم فرسا

ز عرفانش جهان روشن ز تعریفش زبان الکن
فزونتر مدحش از گفتن صفاتش ز انداز املا

کرامات و کمالاتش عروج شان و حالاتش
چو کشف و خرق عاداتش زعقد و ز بیان بالا

باین علم و باین عرفان باین جاه و مقام و شان
باین انفاس نورافشان باین طبع و دل بیضا

ربیع الاول و یوم الخمیس و یازدهم بود
که شد روحش بعلیین و جسمش دفن گشته اینجا

طفیل شاه لولاک و بحق آل و اصحابش
بود از رحمت حق شادمان در جنة المأوی

طالب از سال فوتش در دو صورت گفت یکمصرع
(هزار و یکصد و پنجاه و یک شد روی باعقبی)

۱۱۵۱ هـ ق

زیارت شیخ سعدالدین احمد انصاری

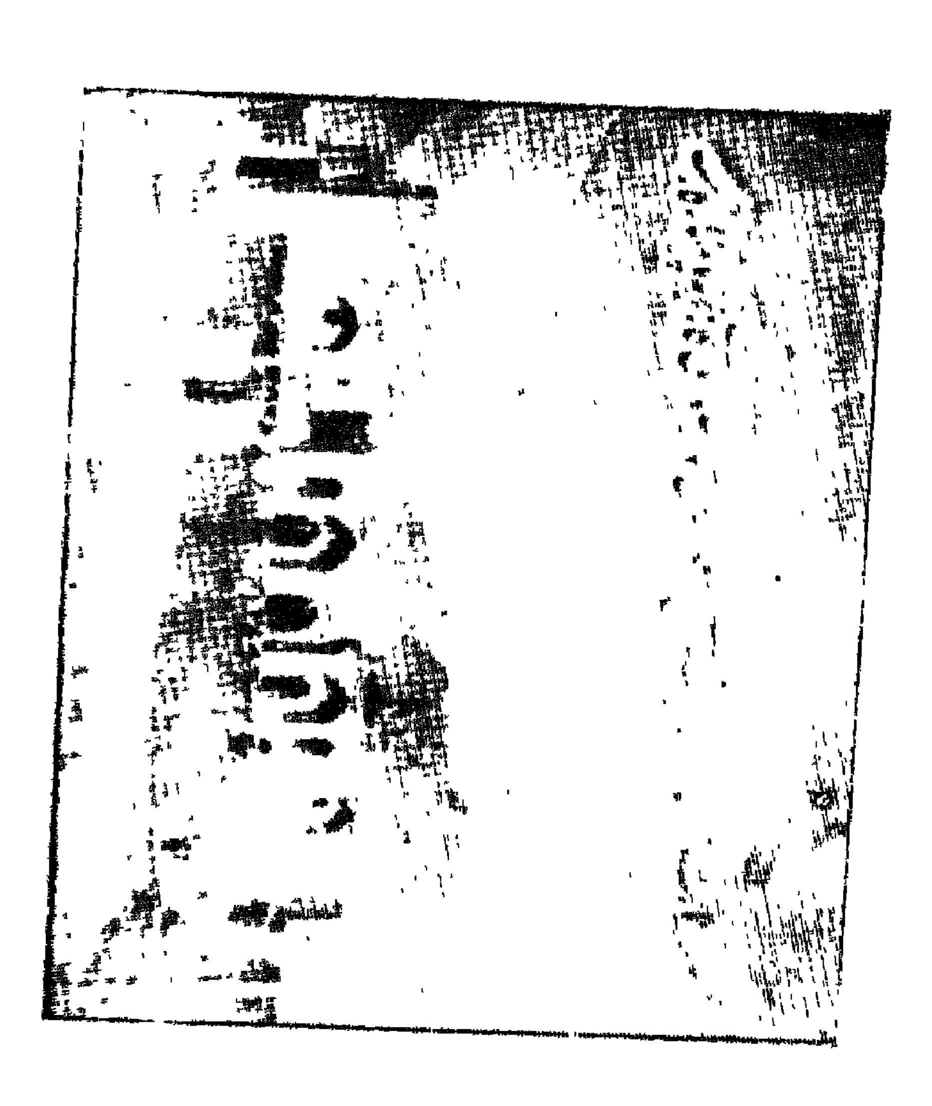
معروف بحاجی صاحب پایمنار

۱ این مزار درقریهٔ دیحیی و تنگی جو پیار که مشهور بقلعهٔ حاجی صاحب ممدوح است دربین قلعهٔ اقامتگاه دورهٔ حیات شان واقع میباشد ،

احاطهٔ قلعهٔ تخمیناً درحدود دونیم جریب زمین است ، از حصهٔ نصف احاطه تعمیر زیارت رهرو طاقش آغاز شده ، حویلی بدوحصه انقسام یافته که مابین بصورت خیابان ودو طرف باغچه وسرك بوده عقب آنها قبرستانی و بعد آن تعمیر مسجد ومزار ودر وسط احاطه مسجد بزرگ جامع گنبد پوش وبطرف جنوب مسجد جامع ، مسجد دیگر پست ؛

بطرف شمال مسجد جامع ، رهرو احاطهٔ پیش روی مزار است که ازین دهرو داخل احاطهٔ مذکور شده وبعداً داخل گنبد میشود ، اطراف گنبد چندین حجره های خورد منظم دارد ، دربین گنبد که بالای پخته کاری آن تمامآ تخته سنگ مرمر نصب بوده وحالا جز بعض تخته های سنگ افتاده چیز دیگری ازان باقی نیست ، اولا مزارخود بزرگوار است که اطراف مزار بصورت صندوق ودارای کتارهٔ سنگ مرمر است ودر اطراف آن کتاره این غزل خود غفران مآب مرقوم است :

میشود پیدا شراب از چوب خشک تاك ما
بوی جان می آید از آب وگل نمناك ما
قبلهٔ احساد پسا شد روح پاك صادقان
نیست گرد آلود هرگز دامن ادراك ما
طوف خاك ماکنند چون ملك از آسمان
کس نمی بیند ولی می بیند ش ادراك ما
جسم وان چون عود اندر مجمر دل سوختیم
نکهت عنبر پسند آید از نسیم پاك ما
سوزن الحلاص الدرد یدهٔ شك میخلان
پارهٔ دل کن رفو یا تار سینه چاك ما



زهر کس سال تاریخ وفاتش　　همپور سید مخلص گناه و بیگه
که‌تا گه عقل در گوش دلش گفت　　(کمال شیخ سعدالدین آگه (۱))

۲- طرف مشرق مرقد تخمیناً بفاصلهٔ ربع زرع مدفن میرزا احمد خان فوفلزائی که از اخص مریدان و اکمل مخلصان ایشان و بانی مسجد و مزار است میباشد که لوحی ندارد.

۳ بیرون گنبد و احاطهٔ عمارت مقابل طرف جنوب مغرب مزار حضرت میرظهور الدین پسر بزرگ ایشان است که‌لوحی ندارد.

۴- طرف جنوب مشرق گنبد مرقد امام مسجد و خطاطزر دمشیست که بیشتر کتیبه ها بقلم اوست و از خواص مریدان میبا شد و لوح سنگی بالای قبرش نصب و چنین مرقوم است :-

بیکطرف {
گر منفعلم زجرم بسیار زتو　　نومید نیم بهیچ کردار زتو
خواهی تو مراسوز خواهی بنواز　　من از تو و جمت از تو و آزار از تو
}

بطرف دیگر {
بتاریخ ۲۱ شهر رمضان المبارك حضرت آخند ملا مصطفی هروی خادم خاص حضرت شیخ سعد الدین احمد انصاری
}
از دارالفنا بدارالبقا رحلت نمود اللهم اغفر له ولاستاده آمین یارب‌العالمین

۵- خارج احاطهٔ قلعه قبرستانی ملحق بقلعه است که‌درین قبرستانی بسمت مغرب تربت حرم محترمهٔ شان است و در لوح آن مرقوم میباشد « تاریخ وفات بی بی صاحبه بنت ملك لطف الله بیگ امقا بی منکوحهٔ جناب فیض مآب حضرت شیخ سعد الدین انصاری قدس سره »

۶ - درهمین‌مقبره فرار قبردیگری یك لوح طرف سرو یکی طرف پای است در لوح طرف سرآیات بینات قرآنی طرف پای این عبارت

و تابود گفتگو سخنم ناتمام بود　　نازم بخامشی که سخن‌را اتمام کرد

---

(۱) عدد مصرع اخیر که‌مادهٔ تاریخ است (۱۲۵۶) میشود ولی ناظم بدون شبهه ازعدم واقفیت بقواعداستخراج تاریخ درنظم‌اشتباه کرده بدلائل زیادی‌که‌یکی ازانجمله مادهٔ تاریخ دیگری است که‌همین شاعر برآورده (رحمت الله تعالی) وتفحص اسیاری سال رحلت بصورت محقق که‌در رسالهٔ (یکمرد بزرگ) مفصل نوشته ام (۱۲۲۵ ه ق) است

دی ر فردائی اندارد وعده : صاحبدلان
صید حسا جنهها بسی بستند بسر فتر ا ك ما

کام ما از روح اعظم نکته سنجی میکند
گشته مشهور در جهان قصهٔ بیباکما

هر نفس از این مکان تا لا مکا ن طی میکنیم
کی رسد در فرف بچستی رفتن چالاك ما

ملك دل را کبریا تملیك شو ر عشق کرد
نیست غیری تا کشد از قبض ما املاك ما

گو هری کامروز گم کردیش در طوفان آب
هیچ بیا فردا طلب از تو دههای خاك ما

کتبه فخرالدین ابن حضرت شیخ سعدالدین رحمة الله تعالی ۱۲۲۰

نوشته های لوح سنگ طرف سر :

در یکطرف کلمهٔ طیبه وآیات مبارکه با نقوش خیلی اعلی مزین ، طرف دیگر همچنان نقوش وآیة الکرسی شریف مرقوم ؛ در ذیل آن این عبارت تحریر است «عمل آقا بابای اصفهانی کتبه مصطفی الهروی الخراسانی »

لوح سنگ طرف پا :

یکطرف تماماً نقش کاری طرف دیگر این ابیات مرقوم است :

شهٔ افراد سعدالدین مجلد و ب	که عقل آگه اشد از حال آن شه
هزار و یکصد وچل بود کان مهر	ز برج سعد طالع گشت چون مه
علائق شاد گشت و تهنیت گر	که آمد سوی ما از حق خلیفه
چگویم وصف آن انسان کامل ؟	که ختم العارفین بود آن شهنشه
چو در هشتاد و پنج عمر شریفش	رسیده بود آمد پیك ناگه
خطاب ارجعی آورد ش از حق	که بشتاب و بیا ای برگزیده
ده ۱۲ و دو از رجب شب از دوشنبه	بحق پیوست فخر اهل حضره

مزار حضرت نورالمشایخ

این مزار در قلعهٔ جواد چهاردهی کابل بطرف مغرب باغ و عمارت اقامتگاه زمان حیات شان بسمت جنوب مسجد جامع که خود آنمرحوم بانی آن بوده واقع است.

بالای مزار اولاً عمارت مختصری بصورت خامه بعجله از طرف خلف الصدق شان محمد ابراهیم المجددی بنا یافت، بعد دوسال بقرار نقشهٔ علیحده آغاز بعمارت پخته کاری نموده اند که حالا دیوارها بلندشده و کار جریان دارد؛ این عمارت بصورت خیلی زیبا و پخته بسنگ و سمنت بنا یافته.

دربین عمارت حاضر آنهـا مرقد آنمرد نامی و عارف گـرامیست، فعلا در دیوارهایش قطعات تاریخ و مراثی که هر یک از شعرا انشاد نموده اند بخط های خوش وقطعات مرقوم وچوکات وآئینه شدگی نصب است

نام نامی این شیخ نامور حضرت فضل عمر ابن حضرت غلام قیوم صاحب ابن حضرت غلام صدیق صاحب ابن حضرت میان عبدالباقی صاحب است که سلسلهٔ نسب شان بامام ربانی غوث صمدانی حضرت شیخ احمد فاروقی مجدد الف ثانی قدس سره منتهی میشود.

شخصیت این بزرگوار در عصر امروز در وطن عزیز وخارج وطن بحدی مشعشع است که حاجت تفصیل ندارد.

خلفایش در هر گوشه و کنار داخل وخارج موجود و بارشاد طریقهٔ عالیهٔ نقشبندیه مصروف اند، مراسم فاتحه خوانی شان تاچهل روز دوام داشته و عموم خلفا و مریدان و مخلصان که از هر طرف آمده بودند در خانقاه صرف طعام میکردند در سال اول و دوم مراسم عرس باختمات قرآن مجید و صحاح سته و دلائل الخیرات و صرف طعام وافر بوجه خوبی انجام یافت، امید است سالهـا این وضعیت جریان پذیر باشد:

همین خلف ارشد شان تصمیم دارند که عمارت پخته کاری باشد ولی در خورد قبر چونه و سمنت و خشت پخته صرف نگردد؛

بنای قبر انهـا از گل و سنگ پارچه باشد.

از آنجا که بمقتضای انقلاب دهر دوار و بی‌ثباتی عمر نا استوار رابطهٔ پیکر وروانی گسسته یکباره بکشور بقا شتافتن و سر بخاک تکاه فنا افراختن از خواص ممکنات است لابساط هستی مرحوم مغفرت قرین میر ضیاء الدین والد میر مراد الدین مرحوم امیر حضرت مغفور رحمت مکان جناب حاجی صاحب علیه الرحمه بتاریخ یوم دوشنبه دهم ماه حمل ۱۲۹۹ ش سنه ۱۳۳۹ ق برضای خداوند پیوست .

۷ ـ در وسط پای منار متصل باغات بعد از مزار پادشاه صاحب پای منار مزار بسمت که از عمارات قلعهٔ قدیمهٔ آن شهر سه دیوار پخته کاری بیادگار مانده لوح سنگی طرف سر آن به کلمهٔ طیبه وآیة الکرسی شریف مزین و به نقوش نفیسه منقش است لوح طرف پای چنین است :

و تاریخ وفات مولینا عبدالخالق رحمة الله علیه

ابیات :

سحاب فضل و کان هوشمندی | محیط علم و عقل آن دریکتا
کشید القصه رخت هستی خویش | بسوی آسمان از دار دنیا
چو سال فوت او پرسیدم از عقل | بهشتی روزی او بیاد گفتا

سنه اربع وخمسین وتسعمائة من الهجری .

زیارت حاجی صاحب وملحقاتش فوقاً ارقام یافت چون شخص حاجی صاحب یکی از عرفای نامی و زیارتش مرجع عموم است میشود که بعضی بتفصیل حالات شان مشتاق باشند بناءاً التذکر را لازم دیدم که کتابی مرسوم به (یک مرد بزرگ) راجع بهمین شخصیت نگارنده تألیف نموده ام که در سنه ۱۳۳۵ ش طبع شده رجوع فرمایند .



۲ـ اثر اینجانب محمد ابراهیم خلیل :
جناب فضل عمر لبحبهٔ مجددیان

که قطب دور زمان بود ومرشد کامل
مریدو معتقدو مخلصش زحد افزون

بعلم و فضل وولا یش جهالیان قائل
لشاغل خدمت ارشاد خلق و طاعت حق

بعمر خویش بهفتا دو سه سنه غافل
بدین وقوم ووطن داشت سخت غمخواری

برای خدمت اسلام بود بس مائل
اساس مدرسهٔ علم دین بغزنه گذاشت

کز ان برآمده بسیار عالم و فاضل
بنای خیر دگر رهم از وبسیار مانده

که روشن است چوخورشید نزد هر عاقل
شد از کمال شجاعت بجنگ استقلال

خطاب نور مشائخ بحضرتش حاصل
بموقع خطرات وطن ز عقل سلیم

نمود دفع مهمات و حل هر مشکل
چرا نه صاحب رعب بود وقار و عزم و ثبات

خجسته محضر و فرخنده خوی و روشندل
دریغ و درد که آنعارف مدبر ملک

هزار حیف که آن فیض بخش هر سائل
چنانکه نور مه و مهر زیر ابر شود

کنون زخاک کشیده برو نقاب حائل
بحق صاحب اولاک(ص) وآل (رض) واصحابش(رض)

کند مراحم خود حق بحال وی شامل
خلیل ز روی سال رحلت انشا کرد

(به بیست و پنج محرم شداو بحق واصل)
۱۳۷۶ ه ق

لوح ثانوی را برای جناب عزیزالدین وکیلی فوفلزائی برای تحریر سپرده الد وآنها نیز کار تحریر را انجام داده اند که پیش سنگتراش برای کندن است .

ولی در لوح سنگ مرمر بسیار زیبا و متین و بزرگ تهیه کرده اند که دران قطعات تاریخ و غیر آن مرقوم گردد یکی را که برای جناب صوفی عبدالحمیدخان فضل و هنر و الامی داد، دو قطعه تاریخ که یکی از طبع حضرت افضل احمد مجددی داماد شان (رئیس اعیان) و دیگر عبارت از جانب میباشد برای تحریر آن انتخاب شده و جناب صوفی صاحب یک قطعه را در یک طرف سنگ و دیگر را بطرف دیگر سنگ بخط خوش و دلکش، مزد باسم شریف و کلمهٔ طیبه نوشته‌اند که زیر کندن است و هنوز در مزار نصب نشده و اینک بسواد هر دو قطعه میپردازم :

١ ـ قطعه اثر رئیس صاحب اعیان .

آه و واویلا و افسوس از این سپهر کج مدار
کو بخاک تیره آورد مرد نامور

حضرت نور المشائخ فضل عمر آنکه بود
سالکان مسلک راه یقین را راهبر

بد قوام او ز قیوم جهان یعنی صفی
خلف صدق از مجدد زادهٔ نسل عمر

از فیوضات کمالش بهره ور شد خاص و عام
وز تجلیات نورش شد منور بحر و بر

چون ندای ارجعی بشنید از رب الرحیم
مرغ روحش جانب عرش برین بگشود پر

در جوار رحمت حق شد و را آرامگاه
در عزا و ماتمش بگریسته جن و بشر

در بهشت رسید و با حور و ملک شادی کنان
وز غریو خاکیان گوش فلک گردید کر

سال تاریخ وصالش را چو جستم از ملک
پرفگنده گفت به ده پیرو خیر البشر (ص)

١٣٧٦ ه ق

۳ در سنگ مرقد سوم نیز بهمانقرار مرقوم و در آخر این عبارت «تاریخ وفات مرحوم مغفور خواجگی نعمت الله سنه ؟ ۹۳»

٤ سنگ چهارم هم بهمانقرار است و در آخر آن چنین : تاریخ وفات مرحوم مغفور خواجگی عبد الفتاح بن خواجگی نعمت الله سنه ۹۱۰۳ ؟

۵ ـ سنگ مرقد پنجم نیز بهمانقرار و در حصهٔ آخر مرقوم است : «تاریخ وفات مرحوم المغفور ٠٠ »

٦ ـ در سنگ قبر ششم که اینهم بهمانقرار میباشد مرقوم است : «تاریخ وفات مرحوم المغفور آتیجه بنت خواجگی ٠٠٠٠»

۷ ـ در سنگ قبر هفتم که آنهم بهمانقرار است اسم و سنه پوره واضح نشد سه سنگ دیگر اطفال است و اسمی از آنها خوانده شده نتوانست :

در قرب زیارت حضرت خواجه مسافر علیه الرحمه مقابر زیادی است و درانجا قبر محمد یعقوب خان ولد میر داد خان و لد میر هوتک خان متخلص افغان است که لوحه دارد و دران تحریر است :

چگویم از جفا و جور افلاک	نزیست یکدل دمی باخاطر شاد
اگر احفظه کسی آرام جوید	ز آرامی بنا را می بفریاد
که یعقوب خان بدی از قوم پوپل	رهی و بالنسب بس عالی اجداد
علیم وعالم و دانا و سید	ضمیرش صاف و طنیت لیک بنیاد
سخی و با وفا و خلق نیکو	ز نسل میرهتک خان ابن میرداد
خداجوی خداگوی خدا ترس	رفیق و مشفق مردان آزاد
بقوم او چنین صاحب احمل	مثال او کسی . . . :
بسن هفتادم سه و بیست و هفتم	محرم یوم جمعه جان بحق داد
غریو وولوله از اقربا یش	. : . . : .
برمز فقر طریق قادری داشت	: . . . . ؟
هزار و دوصد و سه بود و نود	. . . . : ٠

۱۲۹۳

چون در قبر خواجه مسافر لوح و نوشته نبود که معرفی شانرا نماید :
و از قبور مربوطهٔ شاه نعمت الله و پدر و برادران و اولادش همانقدری که ارقام یافت در الواح شان کسب معلومات حاصل شد ، باآن بکتب مراجعه نمودم

زیارت خواجه مسافر (رح)

این زیارت در مابین پغمان و قرغه در قریهٔ که باسم آن بزرگوار شهرت دارد واقع است میان قبرستانی معروفی که احاطهٔ دارد گنبدی بچار دیواری پخته و در بین گنبد دو مرقد است یکی از خود حضرت خواجه مسافر و دیگر از حرم محترم شان لوحه سنگ و نوشتهٔ در بین دو قبر وجود ندارد عقیدهٔ اهالی چنان است که همین دو قبر زهمین شوهر و عیال است و آنهارا از اولادهٔ حضرت امیر المؤمنین سید ناصدیق اکبر رضی الله تعالی علیه میدانند.

متصل آن نیز گنبدی بهما قبرها است که در بینش دو قبر کلان و چهار قبر خورد است بالای یک قبر کلان که مشهور بشاه عالم صاحب پدر شاه نعمت الله صاحب است لوحهٔ میباشد که بدو طرفش آیات بینات قرآنی است و یکطرفش ساده و بیک طرف آن این مضمون مرقوم است وانا ریخ وفات المرحوم المغفور خواجگی عالم بن خواجگی ... سنه ثلاث و ثمانمائه.

در بالای قبر دیگر نیز گهواره از سنگ است فقط لفظ خواجگی از آن بدرستی فهمیده شد و بس.

پیش روی این گنبد در قبرستانی ایشان بالای قبری سنگ گهواره است که اطرافش بآیات قرآنی مزین و منقش و بطرف پا چنین مرقوم است:-

وتاریخ وفات مرحوم المغفور قاسم خواجگی ابن خواجگی نعمت الله.

در گنبدی که جدید آباد است و در دور (حبیب الله) بچه سقاء فراز این مقابر بنا یافته نه قبر خورد و کلان دارای سنگ های قدیمه منقش و مزین به آیات قرآنی و تاریخ ها ست بدینقرار:-

۱- سه طرف سنگ این قبر به آیات قرآنی و کلمهٔ طیبه مشرف و در فرازش این عبارت مرقوم است وتاریخ وفات مرحوم المغفور قطب اولیا خواجگی نعمت الله بن خواجگی عالم اولاد امیر المومنین علی کرم الله وجهه، در حصهٔ آخر مرقوم است.

دردا که اجل رسید و آن شاه گذشت   فریاد و فغان از فلک و ماه گذشت ۸۳۹

تاریخ وفات خواجه شاه .. قطعا   افسوس که شاه نعمت الله گذشت

۲- گهوارهٔ دوم نیز بهمان رنگ منقوش و مرقوم است در حصهٔ آخر تاریخ وفات مرحوم المغفور:-

مزارات قلعهٔ قاضی

۱- زیارت شاه آقا :- دریک تپهٔ قلعهٔ قاضی (۱) میان گنبدی بسوده سر قبر از سنگ مرمر صندوقهٔ چهار مرتبهٔ که بالایش گهواره لما ست سنگ کاری شده وطرفین سنگ گهواره نماسورهٔ مبارکهٔ فاتحه واخلاص ودرود شریف مسطور بوده کتیبهٔ لوح سنگ بالای سر شان این است :-

مزار فیض آثار قدوة السادات العظام ، عمدة العرفاء الکرام غواص بحر طریقت و آشنای رموز حقیقت سید عبد العظیم شاه مشهور بشاه آقا ابن غفران مآب سید میر آقا جان ولد مرحوم سید محمد شعیب شاه قوم شکر زائی که از اجلهٔ سادات معروف قرم فوشنج قندهار بوده و از مدت مدیدی در قلعهٔ قاضی اقامت داشتند و بتاریخ ۲۴ ربیع الاول سنه ۱۳۳۵ هجری قمری داعی اجل را لبیک وار دنیای فانی بسرای جاودانی بجوار رحمت ایزدی رحلت فرمود شد ، این مزار از طرف اعلیحضرت امان الله خان غازی پادشاه دیانت اکتناه افغانستان از وجه عون المال مخصوص شاهانهٔ شان تعمیر یافت .

۲- طرف شمال مرقد شان قبری است که چونه کاری بوده لوحه سنگ ندارد و قرار اظهار مردم قلعهٔ قاضی قبر والدهٔ شاه آقای موصوف میباشد .

۳- پهلوی مرقد شاه آقا (طرف مشرق) قبر محمد شریف جان پسر شان است که چونه کاری بوده لوحه سنگ ندارد .

۴- اندکی دورتر از قبر شاه آقا صاحب موصوف (در میان همین گنبد) قبر محمد کریم جان برادر شان و سرقبر چونه کاری بوده دیك لوحه سنگ که بالای سر شان میباشد آیة الکرسی مسطور است .

۵- درسر کوه طرف شمال قلعهٔ قاضی زیارت خواجه دریا باد ولی است که مردم میگویند برادر خواجه مسافر است . قبر شان لوحه سنگ و عمارت ندارد .

۶- دریك تپهٔ بالای چشمه های چنغر قبر شیخ شهاب الدین نام است اما عمارت و لوحه سنگ ندارد .

* * *

(۱) قلعهٔ قاضی بطرف مغرب چهاردهی کابل واقع است که بنام قاضی فیض الله خان دولتشاهی معروف شده ومرحوم یکی از رجال نامور دورهٔ سدوزائی خصوصاً عصر تیمور شاه درانی بوده

خواجه مسافر را کتاب خزینة الاصفیا خوارزمی میگوید و مدفنش را تصریح نمیکند بناءً یقین گفته نمیتوانیم اما بگمان غالب هم [illegible] مرقد [illegible] است. از شاه نعمت الله را که از کتاب (رجال حبیب السیر) [illegible] رحلت با تحریر [illegible] سنگ مرقد پنجسال فرق است، با آن مضمون این هردو کتاب را راجع به این دو شخصیت ذیلاً [illegible] م.

۱ - کتاب خزینة الاصفیا [illegible] خواجه مسافر [illegible] خوارزمی قدس سره [illegible] صاحبان خواجه بهاؤالدین نقشبند قدس سره است، چون خواجه [illegible] حق پیوست خواجه مسافر بخدمت خواجه محمد پارسا [illegible] شد [illegible] بتکمیل رسانید [illegible] وی بسیار معمر [illegible] و سماع [illegible] خواجه بهاؤالدین در حالیکه وی سماع می شنید [illegible] قوالان را [illegible] ساخت [illegible] میکنم و فاتش در [illegible] است

۲ - از کتاب (رجال حبیب السیر)

«کاشف اسرار [illegible]»

[illegible] عرب و عجم [illegible] میدان [illegible] سعادت از جمیع مشائخ [illegible] سلاطین [illegible] و حکام نافذ فرمان سر ارادت بر آستان هدایت آشیانش مینهادند و علماء اعلام و فضلاء کرام [illegible] و معارف آن ایام در گاه کعبه اشتباهش را قبلهٔ حاجات می پنداشتند و دیوان اشعار حقایق شعار آن [illegible] مشهور است و در آن کتاب افادت آیات ابیاتی که [illegible] بطلوع آفتاب [illegible] مسطور و انتقال آن صاحب کمال [illegible] قریهٔ ماهان کرمان در ۲۵ ماه رجب [illegible]

سکرات طوطی طبع شکر افشان [illegible] نظم [illegible] لطافت [illegible]

قطعه

نعمت الله جان بجانان داده رفته | بر در میخانه مست افتا دو رفت
کل شیء هالک الا وجهه | هو الله بر دنیای بی بنیاد و رفت
چون ندای ارجعی از حق شنید | زنده دل در عشق او جان داد و رفت
نعمة الله دوستان یادش کنید | تا نپنداری که رفت از یاد و رفت

مزار عارف معروف و شاعر فیلسوف اسلام ابوالمعانی

میرزا بیدل (رح)

نام این شاعر بزرگ و نابغهٔ زبان فارسی ، میرزا عبدالقادر و تخلصش بیدل و نام پدرش میرزا عبدالخالق و از قوم چغتای مغل ، از مغلان ارلاس است . بسال ۱۰۵٤ ه ق درپتنه بلدهٔ عظیم آباد تولد شده و بزودار ین فرصت گرد یتیمی بر چهرهٔ حالش نشست ، دراواسط سال ششم از خدمت والدهٔ خود حروف شناس و بختم قرآن مجید فائز شده و درهمان از دیگی و الده اش نیز عالم فانی راو داع گفت ، بمصداق (رب المساکین فضل الله) باهمه بیکسیها کس بیکسانش بجائی رسانید که عالم ، فاضل ، ادیب ، فیلسوف ، عارف ، شاعر و دارای همه فضائل صوری و معنوی و غنای نفس و توکل و قناعت وغیره وغیره شده ، مقام نظم و نثر و بیان معارف و حقائق و علو همت و اخلاق و دیگراو صافش را جز که باین بیت مختصر نمایم چاره نیست چه تفاصیل بد فتر ها میکشد :

کتاب فضل ترا آب بحر کافی نیست که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

چون علاقهٔ بجهان نمیگرفت مدتی درحدود گنگ ، بهار ، او دیسه و زیاده تر در بنگاله با آزادگی و بی تعینی بسر برده دشت و بیابانها پیموده عجائب قدرت الهی تماشا نمود که برخی از ان رویداد هارا در چارعنصر که در ٤١ سالگی به آن شروع کرده درج است .

بعد آن چندی ببلدهٔ اکبرآباد و بازبدار الخلافهٔ شاهجهان آباد اقامت و عزلت گزید) نواب شاکرخان و نواب شکرالله خان که از اخص دوستان و مخلصانش بودند بیرون دهلی درو ازهٔ شهر پناه در محله کهیکریان بر کنارگذر گهاٹ لطف علی حویلی خریده نذر نمودند سی وشش سال بقیهٔ عمر درآنجا بفراغ بسر برده در ماه محرم تب برایش عارض شد چهار پنج روز بحرارت گذشت بعد از ان تب مفارقت کرد غسل فرمودند روز دوم از غسل بتاریخ سوم صفر روز چهارشنبه وقت شام حرارت شدید روی داده ، شب گاهی بافاقت وگاهی بغش گذشت و در وقت افاقت بی اختیار خنده از ایشان سر میزد ، تاصبح حال دگر گون شد ، یوم پنجشنبه چهارم ماه صفر ۱۱۳۳ جان بجان آفرین سپرد ، در همان حویلی اقامتگاه که چبوترهٔ برای قبر خود از مدت ده سال بیشتر راست کرده بود بخاک

در قادهٔ باغ اسلم‌جان (واقع قلعهٔ قاضی) یك چشمهٔ آبی است که چند درخت هم دارد و نزد مردم مشهور بنظرگاه حضرت غوث الاعظم (رح) است مگر تنها خوش عقیدگی مردم است ورنه نظرگاه حضرت غوث در حیات شان در اکثر جاها است ولی همه جا زیارت قرار داده نشده فقط چیزیکه موجب رجوع مردم بوده اولا چشمهٔ آب و بازاین شهرت کدام قبر وغیره آن در آنجا وجود ندارد .

۷ــ از دیك قلعهٔ امیر محمد خان ، بطرف جنوب را عام قبرملا مــریض مـــیباشد، میگویند شخص عالم و متدین و مدرس بوده قبل از وفات شاه آقا فوت شده قبرش کتارهٔ چوبی شکسته داشته لوحی ندارد .

۸ــ مرقد جناب سید عطامحمــدشاه آقای نوشنجی خطاط معروف وطن .

قبر این سیدعلی نسب تقریباً بفاصلهٔ یکمیل بطرف شمال غرب زیارت شاه آقا در باغچهٔ وقفی خودش که قبرستانی خاندانش از سابق بوده واقع است . مرحوم از اساتید اجل خط نستعلیق در دورهٔ خود بوده که قطعاتش زیب مرقعات علاقه مندان خط و شهرتش جهانشمول است ، علاوه برحسن خط صاحب علم و فضل وسجایای عالی هم بوده .

مرحوم بسن ۷۳ در شام پنجشنبه ۲۰ صفر المظفر ۱۳٤۱ درکابل وفات نمود و در سیاه سنگ بجوار زیارت حضرتجی علیه الرحمه دفن شد ، پس از ۲۸ سال بتاریخ یوم پنجشنبه ۱٤ محرم الحرام ۱۳۷۰ سید محمـــد عثمان پسرش تابوتش را از آنجا درینجا نقل داده است و احاطهٔ خوردی برای مزارش مرتب نموده ولوحی هم تهیه کرده اماتاحال لوح از تحریر برآمده امیداست در همین نزدیــکیها نصب لوح صورت بگیرد .



تحقیقات برآمده از بنده هم استعلام نمودند صورت شنیدگی و دیدگی خود را برای شان نوشتم چندروز بعد تشریف آورده فرمودند همین نوشتهٔ خود را عوض کنید و بجای تره خیل خواجه رواش بنویسید اطاعت کردم(۱)

همان است که شرح شنیدگی و پرسش هائی راکه تحریری از هر کسی کرده بودند بصورت مفصل در تحت عنوان (مزار حضرت میرزا عبد القادر بیدل در کابل است) در شماره ۱۰ سال ۱۴ سال برج عقرب ۱۳۳۵ لمبر ۱۶۶ مجلهٔ آریانا نشر کردند ، متعاقباً در شماره ۱۱-۱۶۷ همان مجله چهار صفحه نوشته را عکس نمودند که با دعای آقای موصوف و امضائی که در آخر آن صفحات بود بخط قاضی سید حسین نام بیدل تخلص معروف باین قاضی است .

از ان نوشته ها بر می آمد که بیدل در سال ۱۰۷۰ در ظریف شهر تولدشده و در سوم صفر المظفر ۱۱۳۳ در عمر ۶۳ برحمت حق پیوسته ، (از جمله عین متن عبارت چهار صفحه) « و مدفون میرزا صاحب ظریف در شهر کابل در اقریب چنل خواجه راست علیه رحمه متصل نقاره خانه در جوار قبله گاه خود و محمد ظریف برادر والدهٔ خود در مدرسه مدفون شد »

ملحق باین نشریه انجمن تاریخ از ارباب تحقیق و نویسندگان معلومات و اسناد و نظریات خواستند ، در شماره ۱۲-۱۶۸ بعدآن مقالاتی انتشار یافت که از قلم جناب فاضل عالمشاهی و جناب استاد خلیلی و این عاجز بود که از فحوای آن ها مستفاد میشد که باین تحقیق قانع نشده بلکه نشریهٔ چهار صفحه را از روی لفظ و معنی غلط و بی اساس و تقریباً جدید خواندند و از جناب آقای حسینی برای رفع اشتباهات خود دلائل مقنعه خواهش کردند که مقالات دارای تفصیلات است و اندکی از ان را آوردن بطول می انجامد از ذوقمندان مطالعهٔ آن شماره مجله را خواهش میکنیم .

---

(۱) علت تغییر اسم قریه را نفهمیدم از قرار حدس غالباً بطریق بیت ناتمام نموده باشد که قصیدهٔ مفصل مذکور در شماره دوم سال ۱۵ تاریخ ثور ۱۳۳۵ مجلهٔ آریانا بقلم نگارنده نشر شده و اکثر مزارات را ذکر نموده اید و بیت مذکور این است :
«میرزا بیدل بیگ همان عارف مجذوب خدا　　مرقدش در تره خیل پهلوی غازی خان است»
موضع معینهٔ این مزار و اراضی صاحب شاه حال هم بنام قریهٔ تره خیل است نه خواجه رواش.

سپرد دلدلش ، میرزا محمدسعید پسر همایش میرزا عبادالله سجاده‌نشین و مجلس آرای عرس آنجناب شده از شعرا و نازکخیالان مجمعی ترتیب میداد .

* * *

دوازده سال قبل که نگارنده در دهلی رفته و بمرقد مبارکش مشرف شدم این مرقد در شهر نو دهلی قریب پرهنا قلعه (قلعه کهنه) مقابل مزار حضرت شیخ ابوبکر طوسی (رح) که مشهور به کوه‌ا او الا باباست واقع بود که در مقالهٔ مفصلی که راجع بترتیب مراسم عرس ایشان در کابل مجلهٔ نمبر ۱۰۸ شماره ۱۲ سال اول جدی ۱۳۳۰ آریانا نوشته ام مضمون سنگ و عکس مزار و عکس خط خود ابوالمعانی هم با تفصیل سوانحش در آن وجود دارد .

این مختصر بحض آنکه مطلبی از قلم شده ناینه علاقمندان بمطالعه میتوانند بشماره مجله میپردازند درینجا ملحوظ ذکر منافع و غیره علامات ایشان بوده فقط بلحاظ آنکه مزار شاد بگارش این سطور پرداختم .

* * *

شهرت مزار آن یگانه شاعر عارف در قریهٔ ترمحل کابل

تقریباً ۲۰ سال قبل از اکنون که سنه ۱۳۳۹ هـ ش است از زبان یکنفر ... خیلی (صاحب شاه) که با من شناخته بود شنیدم در قریه خیل مزار شان است سنگ هم دارد در آنجا رفتم ، در بین اراضی شخصی خود ، قبرستان ... را نشان داد که علامهٔ سه قبر در آن بود بالای یک قبر سنگی وجود داشت که اکثر شکسته و از بین رفته و در اقل آن این ابیات مرقوم بود :

گل باغ شرف پژمرده شد حیف ... فتاد از قند باد آن سرو آزاد
در ایام فراقش اهل دل را ... بر آمد دود آه از جان ناشاد
چو داثم در هزار امیرو دکارش ... بتار یخش بگو (داد غزرداد)

۱۰۲۶

دیگر آثاری که مثبت این ادعا شده بتواند و راجع بمزار حضرت بیدل دلیل شود نبود اما مردم گفتند که از سالها همین مزار بنام مزار حضرت بیدل از دما شهرت دارد .

در سنه ۱۳۳۵ تقریباً ۱۳ سال بعد ، این قبر را جناب سید داؤد الحسینی شنیدند و در اینجا رفته آن سه قبور را حضرت بیدل و پدرش و مامایش شناختند و در صدد

باوجود اینهمه مآخذ که مدفن وجریان مراسم عرس را تا سی سال بوضاحت بیان میکند و باز از ویرانی خانه و نابود شدن قبر تذکر میدهد ، که واقعا چون قبر تعمیر پخته و لوح سنگ نداشته (زیرا اگر میداشت در یك تذکره از آن ذکر میشد) و خانه ویران میشود و شهر کهنه از نظر می افتد و میرزا محمد سعید هم فوت میشود باید قبر ناپدید و نامعلوم گردد . چگونه او را مدفون خواجه راست قبول کنیم ؟ وهمچنین سال ولادتش را که خودش در قطعه :

بسالیکه بیدل بملك ظهور　　زفیض ازل تافت چون آفتاب
ز رنگین سخن داد ارشاد ولدش　　که هم (فیض قدس) است و هم (انتخاب)

در دو جمله بصورت واضح و مکرر میرساند ، ۱۰۵٤　　۱۰۵٤

سن عمرش را که از روی طبق سنهٔ صلی فوت که در چار صفحهٔ نیز همان سنهٔ ۱۱۳۳ قید است و اهل ادب در جمله دیوان آن ساب ۷۹ یافته اند ، چگونه میتوانیم که سال ولادت را (۱۰۷۰) و مدت عمر را ٦۳ قبول کنیم ؟

علاوة اگر بادعای جناب حسینی مدفن ابو المعانی را در آن دخمه فرض کنیم بقرار قول جناب استاد خلیلی منتشرهٔ همان شمارهٔ ۸۰ مجله آریانا که دخمه را باتفاق آقای موصوف مشاهده کرده اند در آن دخمه سه قبراست یکی از همان شخص که لوح قبرش موجود است و مادهٔ تاریخ در لوح قبرش این جمله نگارش یافته (دادعزا اداد) که بحساب ابجد سال ۱۰۲٦ هجری از آن برمی آید واین قبر نه از میرزا ظریف است و نه از پدر بیدل ، زیرا پدر بیدل بعد از سال ۱۰۵٦ که تولد بیدل است وفات نموده واگر قبر دوم وسوم از پدر بیدل و میرزا ظریف باشد پس برای شخص چهارم قبر چهارم بکار است .

پس با اینهمه دلائل در قبول این امر تسلیم شده نتوانستم .

چون جناب آقای حسینی در ادعای خود ثابت قدمی نشان میدهند گرچه تا کنون کدام تحریری شانرا در تردید و رفع اشتباهات مذکور نخوانده ام اما یقین داریم که در صدد بدست آوردن اسنادی هستند که قناعت اهل تحقیق را فراهم نماید احیاناً که عظم آن عارف رشد عرو لامقام نقل داده شده باشد باستناد کدام کتاب یا مقالهٔ و روایت تذکر باید که همه را قناعت حاصل گردد ، از آنجا که در این باره سعی بلیغ دارند موفقیت شانرا آرزومندیم .

متصل باین نشرات در شماره ۱۸۲ مورخهٔ عقرب ۱۳۳۵ سال ۲۰ مجلهٔ عرفان مطابهٔ که آقای گویای اعتمادی در شب عرس حضرت بیدل داده بود و بقول خوشگو ، انندرام مخلص ، میرغلام علی آزاد بلگرامی میر عبد الولی عزت ، غلام همدانی مصحفی ، نواب درگاه قلیخان سالار جنگ و سراج المحققین خان آرزو که همه شاگردان و معاصران و شعرا و نویسندگان آنعهد بوده اند مدفنش را در خانهٔ خودش در دهلی و ترتیب عرسش را در هر سال توسط میرزا محمد سعید اشعار میداشت ،

و هم در شمارهٔ ۱۹۷ سال ۲۲ سنه ۱۳۲۷ مجلهٔ عرفان تحقیقاتی در مورد پایان زندگانی و مدفن حضرت بیدل ترجمه تحریری انگلیسی دوکتور عبد الغنی انتشار یافت که تماماً مطابق تذکره و حقایق بوده راجع تاریخ سوم یا چهارم صفر نگاشته «که چون خان آرزو یکی از گبرانه کن عرس و نیز تاریخ وفات بیدل چهارم صفر برده بانظر نواب درگاه قلیخان نمیتوانیم موافقت بکنیم ، ولی ممکنست شاعران شهیر اهمیت زیادی را بعرس قائل میشدند و فعالیتهای مقدماتی را روز سوم صفر آغاز میکردند و خود عرس را بروز چهارم صفر میگرفتند » ، در صفحه ٤٤ مینویسد «این امر یقینی است که بعد از وفات میرزا محمد سعید سجاده نشین یا جانشین روحانی بیدل فعالیتهای مربوط بعرس اگر کاملا متوقف نگردید لااقل ضعیف شد ، مصحفی در تذکرهٔ عقد ثریای خود که در سنه ۱۱۹۹ تالیف کرده میگوید «در اوقات حیات بیدل که در صحن حویلی آن قبرش واقع بود بحالت ویرانی مطابق بوده» باز مینویسد «از باعث غفلت و عدم توجه دائمی قبر این شاعر بزرگ مجهول و ناپدید گردیده »

فائق از همه کتاب (فیض قدس) مؤلفه نویسندهٔ شهیر و سخنور نامی استاد خلیلی است که حاوی شرح حال مفصل حضرت بیدل میباشد و در سنه ۱۳۳٤ ه ش درکابل طبع شده ، باستناد تحریری تمام تذکره نویسان که از اکثر آنها در فوق نام برده شد مؤید اینمعنی است که رابو المعانی در دهلی بخانهٔ خود دفن شده و هم از صفحه ۷۳ آن کتاب روشن میشود که غلام همدانی مصحفی قبرش را در صحن خانه اش ٦٦ سال بعد از مرگش زیارت کرده)

زعفران زار که کشمیر بدعوی دارد
زرد رو پیش گل خواجهٔ سیار است (۱)
ارغوان زار که دیگر بخصوصا دارد
لاله چی نام دهی (۲) کو همه نخاستانست
هست تا لاب دگر مسند قطر سوری را
کو بصد مرتبه به از دل بیپایان است
کوه بیخال به از کوه گذرگاهش نیست
عاشقانند درآنجا که همه شاه‌است
مرقد حضرت مردوسی مکانیست درو (۳)
لنگرش شام وسحر از برد رو یشانست
کرده درگوشه آن کوه شهنشاه وطن
فیض بخش است همیشه گذر مرداست
نور میبارد ازان روضهٔ پاکیزه سرشت
که سرشتش ز ازل از چمن رضوانست
درقفا یش بخدا سخت تماشاجائیست
اظر خضر (۴) عجب گوشهٔ گورستانست

---

(۱) خواجه‌سیاران در دامن کوه‌چهار بکار مرکز حکومت اعلای پروان (کوهدامن وکوهستان) موضعیست زیبا و نزهتگاهیست روح افزا که گل ارغوان زرد مخصوص آنجا است، درسه ماه بهار همه ساله از دور گل ارغوان وهوای صاف ومیدان وسیع وفضای زیبای خود دل تمام اهل ذوق وبدیع پسندان است کتب لغات وجه تسمیه اش را چنین می آرد، «خواجه مودود چشتی (رح) خواجه خان سعید (رح) خلیفهٔ موصوف، خواجه محمد زیرک پروان (رح) خلیفهٔ خواجه خان سعید، درانموضع باهم صحبت داشته اند وباین نسبت این نام بران نهاده شده».

(۲) لاله چی. موضع معروف با سکیچست که از شهر آرا بفاصلهٔ نیم کروه بالا واقع شده وبا برکی ملحقست، انگور وغیره اثمار آن در زمرهٔ بهترین اثمار محسوب وار همه باغستانها بمرکز کابل زیادتر مهیا شده.

(۳) مراد از آرامگاه بابرشاه علیه الرحمه است که در همین کوه گذرگاه بباغ بابر وهوتل بابر شهرت بسزا دارد وفرحتگاه عمومی اهل کابل است ودر ص ۲۱۸ این کتاب بتفصیل ازان ذکر شده.

(٤) مقصد از پشت کوه گذرگاه است که آنجا چشمه ایست خوشگوار مشهور بچشمهٔ خضر وشرح این شهرت در صفحه ۲۹ کتاب هذا مندرج است.

قصیدهٔ شعری و مناسبت آن

درپایان این کتاب مناسب دیدم قصیدهٔ مذکور را که درتعریف کابل با تقفا از قصیدهٔ معروف استاد وسخنور نامی صائب است واکثر خوانندگان آن درمطالعه کرده اند که مطلعش این است :

خوشا عشرتسرای کابل و دامان کهسارش
که ناخن بردل گل میزند مژگان هرخارش

درج سازم از لحاظیکه درین قصیده بیشترمزارات را تذکرداده است ، گرچه درپختگی واهمیت شعری این قصیده بقصیدهٔ آن شاعر نامی رسیده نمیتواند اما درحد خود شعر روان ودرموضوع دارای معلومات است .
قصیده را ازیك کتاب جنگ خطی قدیمی که درسنه ۱۱۸۱ تحریر یافته بلطف فاضل گرامی دوست محترمم آقای گویای اعتمادی بدست آورده ودرمجله لمبر شماره ۲ سال ۱۵ تاریخی حوت ۱۳۳۵ آریانا با معرفی لازمه جنگ نشر نموده بودم واینك ازآنجا اقتباس میکنم :—

خار صحرای وطن به زگل وریحانست
سنگ کهسار وطن به زگل ومرجانست
فرح آباد مرا کی بنظر می آید
کابل ما که بخوبی به از اصفاهانست
شهرآرای تو منزلگه شاه نجف است
بهر او بفضا به ز همه بستان است
مورد آب روان گرد سر هر چمنش
هر طرف خرمن گل لاله بصد عنوانست
سر بهیورق بر آورده چنار از هر سو
قمری و فاخته ش (رح کنان ؟) خوشخوان است
بلبلان شور وشغب برسر دریا دارند
درچمن هر طرفی چهچهه مرغانست

قطب حیدر (۱) که حصاریست لهانی مغنون
خادمانش همه در زمرهٔ معصومانست

حاجی غازی (۲) سرمست قلندرشهٔ دین
معدنش پشتهٔ بارشتهٔ مارنجانست

میرسد باد بحار را بسر تربت او
هر شب جمعه گذرگاه شه مردانست

هر که آمد بطواف در کویش باید
همه نومید نگردد کرمش چند است

حضرت میرعلی سید شاه همدان (۳)
مقدمش برسر راه صف دردمندانست

دردمندی که رسد برسر آن روضه بصدق
خاکپایش همهٔ درد ورا درمانست

---

(۱) قطب حیدر مزارمعروفیست درسمت جنوبی بالاحصار متصل بدیوار قدیمه ، کلمهٔ (لهانی مغنون) فهمیده نشد غالباً سهوکاتب دران دخالت شدید دارد .

(۲) درین بیت اغلاطی نمایان است که ممکن از طرف نقالان وارد شده باشد ، درمصرع دوم معدنش مدفن خواهد بود ، (پشته بارشتهٔ مارنجان) بگمان غالب (تپهٔ پشتهٔ مرنجان) است ومراد ازمزار حاجی قلندر خواهد بود که دردامنهٔ سمت مغربی تپهٔ مرنجان واقع وطول قبر تخمیناً ۷ متر وعرض آن سه متر است وچراغخانهٔ محرابی بالای قبرساخته شده وبس ، دردهن دروازهٔ احاطه نیز قبریست که مردم آن را مرقد خلیفهٔ حاجی قلندر میدانند اماازفحوی بیت مانحن فیه مبرهن میگردد که موصوف نجاریست .

(۳) بنام شاه همدان مزاری درزنده بانان موجوده وجوددارد ولوحی بالای آن نصب وابیاتی دران نقراست امامضمون ابیات مشعربروفات میرخورداست ، آشکاراست که لوح مزار دیگر را بران گذاشته اند ، چندنفر از موسفیدان بیان کردند که چون حضرت قطب صمدانی (میرسید علی همدانی رح) در کابل توقف داشتند صاحب مزار هذا خدمت سرتراشی آن وجود معظم را کرده وموهای سرمبارک شانرا درهمین مدفن دفن میکرد وبالاخره خود او را هم قرار وصیتش دریتجا دفن کردند نام ونشان دیگری ازوی کسی نمیداند اما شهرت مزار سالها بنام شاه همدان است .

میر کوثر که شده گوشه نشین دربر کوه
همدم حضرت خضر است پی احسانست
چشمهٔ میر گل هست بهنگام سحر (۲)
هر که آید بطـواف در شـان ایشانست
خواجه روشنائی و هم خواجه پر نور صفا (۳)
همنفس آتشهٔ جانباز بلاگردانست (٤)
ز دگر سوی سیدمهدی و (٥) آن شاه شهید
تیغ در کف ز پی قتل ملاعر یسا است
حضرت قطب ز مد صالح محزون حدا (٦)
سالکانش همه در زمرهٔ مجذوبانست
هست با میر جلیلش سر الفت دائم
که ر سا ند ؛ دیا ض گـهگار است

---

(۱) میر کوثر در ان حصص اکنون نامعلوم است ، موسفیدان نیز بدین نام کسانی را نشناختند ، احتمال میرود (مراد از حضرت تمیم رض) باشد که اسم شان بصورت صحیح نزد مردم معلوم نبود و تا چند سال قبل که تحقیقات صحیح عمل نیامده و کتیبهٔ بران نصب نشده بود باسم جابرانصار رض شهرت داشت و چشمهٔ آب زلال نیز دران موجود بود که بنده را خوب بیاد است و بار بار در کنار چشمهٔ آن میله نموده ایم ، باعتبار چشمهٔ زلال و احترام مقام اگر این نام را بران گفته باشند دور نیست ، والله اعلم

(۲) ازین چشمه و نام آن اکنون در نواحی شهدای صالحین و حصص میدان زیر خواجه روشنائی نام و نشانی وجود ندارد ،

(۳) خواجه روشنائی و خواجه صفا از مزارات معروف کابل اند، تفصیل در تحت اسمای خود شان در ص ۱۳۸ و ص ۱٤۲ کتاب هذا مطالعه شود ،

(٤) زیارت جانباز بلاگردان در شهدای صالحین مقام معروفیست راجع باسم انش در ص ۲۳ کتاب هذا مراجعه شود ،

(٥) مراد از حضرت سید مهدی آتش نفس رح است که در ص ۸۲ کتاب هذا مشرح درج میباشد ،

(٦) مقصد از مزار حضرت شاه ابو اسحاق ختلانی مشهور بشاه شهیداست که در ص ٦٥ کتاب هذا بوضاحت ذکر شده

(۷) مسلماً صالح نام مجذوب یا مجنونی بوده که در آنوقت مزارش معلوم و نزد مردم مشهور بوده ولی کدام گنبد و کتیبه البته نداشته که اکنون اثری ازان وجود ندارد ، غالباً گویندهٔ قصیده اورا در حال حیات دیده که الفتش را با میرجلیل متذکر شده ؟

میر بدل بیگ همان عارف مجذوب خدا (۱)
مرقدش در تره خیل پهلوی غازی خان است (۲)
بابه ها هم سر بابای ولی در شهر اند (۳)
عاشق و عارف کابل چومهٔ تابالست (٤)
آبدان دار خدا یا زکرم همچو دیار
که دعاگوی ورا نائب خوش الحان است

---

(۱) (۲) میر بدل بیگ فعلاً بصورت صحیح شناخته نشد ، ممکنست آینده محققین در اثر مطالعات و کنجکاوی معرفی اورا بنمایند ' همچنان غازی خان معلوم نشد که کدام غازی است ، اما قبری در تره خیل از یکنفر غازی دارای لوح است که به اراضی صاحب شاه نام میباشد و تاریخ رحلتش با این جمله بحساب ابجد در نظم قیدشده : (دادغزاداد ۱۰۲٦) وهمین مقبره را آقای حسینی مزار حضرت بیدل ادعا کرده اند چنانچهٔ در تره خیل هم بهمین شهر تست و تفصیل در ذکر حضرت بیدل پیش ازین داده شد .

(۳) مراد از بابه ها ، بابای خودی ، بابای کیدانی ؛ وبابای غوری خواهد بود که مزار آنها درین شهر شهرت دارد ودرین کتاب هریک در محل خود ذکر شده اند ، بابای ولی همان مزاریست که در بارانه بطرف مشرق احاطهٔ که پیشتر تذکریافت واقع میباشد و کتیبهٔ ندارد .

(٤) مراد از زیارت عاشقان وعارفان علیهما الرضوان است و درین کتاب مفصل ذکر یافته اند .

میرزاهد که مدار فلک علم بود (۱)
همچو گنجیست که در کابل ما پنهانست

هاشم کابلی و (۲) واعظ (۳) شیرین کلمات
خفته بر صدر جنان هم سر مستان است

گر شده است جامه بدل گرچه بظاهر ز جهان
رفته از دار فنا سوی بقا ساطع است

آب هرگز نکنی خشک ز جویش یارب
پل مستان که کلید در هند و ستانست

---

(۱) مراد از میر محمد زاهد هروی است که صاحب تالیفات حاشیهٔ زاهدیه برشرح مواقف ، شرح رسالهٔ قطبیه ، حاشیه برشرح تهذیب محقق جلال الدین دوانی میباشد ، وفاتش در سنه ۱۱۰۱ و دفنش درمزار عاشقان و عارفان و شهرتش در فنون عقلیه بمحقق هرویست ودرذیل زیارت عاشقان وعارفان درکتاب هذا تذکر یافته .

(۲) شناخته نشد طبعاً بمرور زمان شهرت وآبادی مزارش ازبین رفته .

(۳) باسم واعظ مزاریکه ازان سنوات باشد نیافتم ، اما میر واعظ معروف ازسادات عظام ومجاهدین کرام وعلمای ذو الاحترام و وطن بود که نواسه اش دختر میر عتیق الله (بی بی حلیمه ملقب بوبو جان) ملکهٔ مقتدر اعلیحضرت ضیا ؤ الملة و الدین و درحدود وسطا نام حاتم طی کرده بود ، مزار این واعظ معروف و اولادش درکند بارانهٔ کابل احاطه ایست مشهور بزیارت باباولی وقبرخود میر واعظ مرحوم پهلوی قبر باباولی است مگر لوحی ندارد ، چون سنهٔ تحریر کتابیکه قصیدهٔ هذا دران درج است ۱۱۸۱ میباشد پرظاهر است که مرام گوینده ازین واعظ معروف نبوده مگر تذکر آنرا لازم دیدم تا دیگران دوی مشتبه نشوند .

(٤) پل مستان ، پل معرو فیست دربین بالا حصار و زیارت شاه شهید که ازسالیان دراز بهمین نام شهرت دارد ، سخنور شهیر صائب تبریزی نیز درقصیدهٔ کابل خود ازان چنین یاد می کند :

چه موزونست یارب طاق ابروی پل مستان — خدا از چشم شور زاهدان بادا نگهدارش

(قبر اول) از والدهٔ جناب علی محمد خان معاون اول صدارت عظماست تاریخی ندارد
(قبر دوم) از عزیز الرحمن خان است که از خدام دیرینهٔ وزارت معارف بوده
و این عبارت درسنگ قبرش مرقوم است :
« الحاج عزیز الرحمن خان فتحی که بتاریخ اول ثور ۱۳۳۸ هجری قمری داعی اجل را لبیک گفته »

٤ – درجوار قبر قاری ملک الشعراء که محلش بعد قبر آنمرحوم در ص ۵۳ کتاب هذاست قبرستانی است که سنگ وسمنت بنا یافته که ارتفاع دیوارهایش بالدازهٔ یکنیم فوت است ودران قبر سید بابوجان ۱۲۹۰–۱۳۷٤ ه ق که از معاریف است بوده ودرسنگ خوردی اسمش مرقوم یافته واین قبری است که درسنگ این ابیات مرقوم است :-

بعمر هژده غلام حضرت رشید جوان
که بود شامل تحصیل مکتب عرفان
هزار وسه صد وباشصت وپنج سال قمر
غروب شمس زشنبه وهم شش از شعبان

و درقبر دیگری که درهمینجا قدری بلند تر بصورت چوبتره بپایه های خشت پخته وسمنت بنایافته درسنگی این ابیات مرقوم است :

این خاک تودهٔ مسکن وماوای آنکسیست کز دست ظلم وکهنه شعور شهید شد
این مدفن کسیست که درموسم شباب دیباچهٔ کتاب حیاتش سفید شد
اوراق زندگانیش از صرصر ستم درد شت بیکران جفا ناپدید شد
دست جفا وظلم وتعدی گناوی او بفشرد آنقدر که زجان ناامید شد
این آسمان صفت وپاکیزه دامنی در قتلگاه جور قتیل الاسعید شد

درلیل چهارشنبه ۱۰ حمل ۱۳۳۹ مطابق ۳ عیدرمضان مبارک ۱۳۷۹ بشهادت رسیده؛

در دیگر قبرکه مرقد مورخ زرین است بالای سنگ صندوق نمائی مرقوم است :
« بتاریخ یکشنبه ۵ برج ثور ۱۳۲۸ ش درسینهٔ خاک نمناک بخفت وداغ جاویدان در دل دوستان علم وادب وخاندان خود بگذاشت »

بعض قبور که در ثانی بنظر رسیده

۱ــ در تپه بلند طرف جنوب مزار حضرت تمیم رض قبری است بالای آن سنگی صندوق نما که بطرف فوقانی کامهٔ طیبه و اقوش است و بطرف سر آیهٔ کریمهٔ (کل من علیها فان الخ) و بعد و طرف آیة الکرسی شریف و بطرف پای این عبارت مرقوم: « وفات المرحوم . . . جواد ابن . . محمد الحسینی . . . فی تاریخ ۹۴۸ » اگرچه قبلاً یاد داشت نشده بود و آنچه حالا هم از آن خوانده شد تسلسل نتیجه نداد مگر بلحاظ قدامت و زیبائی سنگ آن نگاشته شد، خاصتاً بملاحظهٔ که در تپهٔ مذکور فعلاً یکنفر اهالی زیاد شانده و بتکلیف شاق با آنها آب میرساند و ممکنست این نهال هاشجر و صاحب ثمر شوند، چون همه زحمات را برعایت صاحب همین قبر تحمل نموده بناء همینقدر که خوانده شده تو انست ثبت افتاد. و محل تذکر این قبر ص ۲۷ کتاب هذا قبل از قبر ندافبرده .

۲ــ سه سنگ از قدیمه قریب بگنبد مرحوم شاه سابق بخارا در سر راه هستند که از بالای قبور خود ها پائین افتاده و هر سه منقش و بایات قرآنی مزین اند و ص ۵۲ کتاب هذا بعد از گنبد در همین محل یاد نمودن اینها بود که اینک شرح داده میشود: (سنگ اول) علاوه بر نقوش و آیات مبارکه در بالای خود شش مصرع فارسی بخط نستعلیق هم دارد که بلحاظ وقدامت خوانده شده نمیتوانند تنها یک مصرع آن چنین خوانده شد « تا رفتی زبرم ای گل خندان بدر »

بطرف پای این سطور مرقوم است: « تاریخ وفات مغفوره مستوره بیبی بنت عزت نشان . . . . »

(سنگ ثانی) که بطرف پایش چنین مرقوم است « تاریخ وفات مستوره مغفوره صالحهٔ ساجده بنت مرحومی میرجهانگیر . . آنمه رخ خویش را نهان کرده » (سنگ ثالث) که بمحاذی قبر شاه موصوف است، بجانب پایش بخط نستعلیق این عبارت مسطور میباشد: « مرحومهٔ مستوره بیگه سلطان بنت ملا پاینده محمد سال هزار و هفتاد و شش بیست و پنجم شهر صفر »

۳ــ از دیگ بمزار غلام محی الدینخان که باید در ص ۵۰ کتاب هذا عقب مزار مذکور می آمد قبرستانی خورد بیست دارای دو قبر:

مدفن میر خیرالدین آقا

این قبر واقع است در بلندی ملحق براه بالا که در وسط کوه از آغاز الی انجام شهدای صالحین راه پیاده رو رفته ، محاذی قبرستانی که در پایان دارای باغچه ومسجد و چاه واطاق های متعدد برای مجاورین میباشد وحاضراً بقبرستانی مرحوم میرزا محمد سرور خان مستشار شهرت دارد که موصوف در ادوار سابقه مستشار وزارت داخله وثانیاً حاکم اعلای فراه وثالثاً حاکم اعلای مشرقی بوده و بازمدتها به بیکاری گذشتانده و از رجال مامور و صاحب اوصاف ستوده عصر خود بوده و درماه مبارك رمضان ۱۳۷۹ ﻫ ق بعمر ۷۷ برحمت حق پیوسته .

میر خیرالدین مرحوم ولد میر غیاث الدین وازسادات معروف کابل بود وصنین زندگانی خود را بحق جوئی وخدا پرستی گذرانیده و بطریقهٔ عالیهٔ قادریه طی طریق معرفت میکرد وازجانب جناب ملا فیض محمد واولادش از چهل سال باینطرف خلافت نیز داشت .

مرحوم مرتاض ، قانع متواضع ومدت مدید امام مسجد سید مهدی پادشاه بوده دراواخر نسبت کبرسن و ضعف طبیعت ازان وظیفه نیز بازمانده و اوقات بعبادت خالق متعال میگذرانید ، تا آنکه بعمر ۹۵ بتاریخ روز جمعه ۶ جوزا ۱۳۳۹ مطابق غره ذیحجه الحرام ۱۳۷۹ برحمت ایزدی واصل ودرینجا دفن شد .
ارادت کیشان مقبره اش را بخشت پخته و سمت ساخته وسقفش را آهن چادر گرفته مربوط ومتصل آن احاطهٔ خوردی برای ادای نماز عابرین نیز تخصیص داده وعلاوة محراب برآن کشیده الله خداینعالی مرحوم را بیامرزد و بانی را اجر دهد محل این مدفن ص ۵۰ بوده

۷ـ دراتصال همین راه بالا ، درحدود وسط بین قبر میر خیرالدین آقا وگنبد مرحوم شاه سابق بخارا قبرستانی جدید ساخته شده دارای دوسه قبر بالای یک قبری که از جوانان محصل معارف بوده وقبرش زیبا ساخته شده این ابیات اثر طبع نگار نده مرقوم است که محل این قبر هم ص ۵۰ کتاب هذا بوده :

هزار حیف که خواجه شفیق احمدخان | نهال گلشن حاجی فتح محمد خان
دمیکه تازه قد افراخت دربهار حیات | برانگ گل بگلستان وسرو دربستان

٥ـ در آغاز چپه بعد از باغ لطیف در زیر مقبرهٔ میر مشهدی متصل براه عام که محل ذکرش بعد از ص٥٦ کتاب هذا بود قبری نو ساخته شده بسنگ و سمت که دو مرتبهٔ سنگی دارد و بالای آن طرهها و سنگ صندوقی است ، در سطح فوقانی سنگ تسمیهٔ شریف و کلمه طیبه و الله اکبر و بدو طرف آن این کتیبهٔ اثر طبع نگارنده بخط عزیز الدینخان وکیلی تحریر یافته :

مرد نجیب و لائق و فعال و کاردان — صادق بملک و قوم محمد حسین خان
در دورهٔ که بود رئیس مخابرات — پنجاه و چار سال گذشته ز عمر آن
در لیل بیست و ششم ثور او ز خیر خلق — در خوابگاه خویش بپهلوی طفلکان
از دست چند دزد تبه کار بد سرشت — نوشید جام شهد شهادت بناگهان
شد جوی خون ز ماتمش از چشمه های چشم — اهل و عیال و ازخرد و بیگانه زار و ان
یا رب بحق سید کونین و چار یار — داری ورا ز دولت دیدار شادمان
بنوشت سال واقعه را در رقم خلیل — (باشد بهشت از کرم حق در ان جهان)

١٣٧٩

تعمیر تربتش ز وفا کرد خانمش — تا سالها بچشم عزیزان بود عیان

مرحوم از تحصیل یافتگان فرانسه و الحق از خدام صادق کشور بود



پدرش درانجا برحمت حق پیوست ، مرحوم ازمکهٔ معظمه وارد هند گشته در مدارس آنجا علوم دینی را از قبیل تفسیر ، حدیث ، فقه ، صرف ، نحو و غیره تحصیل وشهادتنامه اخذنموده دو باره عازم بیت الله شریف شده در دار العلوم مکهٔ مکرمه شامل وعلوم عربیه راکه در هند تحصیل نموده بود دوباره ازعلمای عرب تعلیم گرفته باخذ شهادتنامه موفق شد ، بعد ازان قرآن کریم را نزد شیخ ابراهیم سعد مصری که شیخ القراء مصر وحجاز وقاری هفت قرائت وچارده روایت بوده ودرمکهٔ معظمه درانوقت بتدریس قرائت سبعه مؤظف بودشروع وبهفت قرائت وچارده روایت تعلیم گرفته وکتاب شاطبیه موسوم به حرز الامانی راکه بنظم است وبیان هفت قرائت وچارده روایت رانموده نیز حفظ نمود وسند هفت قرائت وچارده روایت رازیاده برشهادتنامه های علوم عربی حاصل نموده مدت یازده سال درمکه معظمه مقیم بوده یازده حج نمود ، بعدازان عازم وطن عزیز خود افغانستان شده حکومت آنوقت بتعلیم علوم خصوصاً تعلیم قرآن کریم مؤظفش نمودند که شاگرد های زیاد ازحلقه های تعلیم شان برآمده ،

ونیز درعلم قرائت کتاب زبدة التجوید و تحفة الاطفال رابنظم باحواشی تصنیف نموده که درخود کابل بطبع رسیده اند ، وکتاب دیگری درعلم فرائض میراث موسوم به عمدة الفرائض بنظم و نثر تالیف نموده که آنهم بکابل طبع شده ، وکتابی بنام تحفة المؤرخین درتاریخ انبیا علیهم السلام نیز تالیف نموده ، ویک تعداد زیاد ازپاره های قرآن شریف راکه رموز اوقاف آن بقرارعلم تجوید میباشد درهند بطبع رسانده برای استفادهٔ مسلمین گذاشت که اکنون پاره های موصوف درورق سفیددر اکثر خانه ها موجودمیباشد ، پس ازخدمت طولانی دربن راه مقدس بعمر ۶۳ بتاریخ ۲۳ صفر مریض و در شب جمعه اول ربیع الاول ۱۳۴۲ هـ ق درکابل داعی اجل را لبیک گفت ، وجسدش درهمینجا بخاک سپرده شد .

۱۰- مزار پیر بلند یاخواجه روشنائی ؟

در تپهٔ بلند باغ بالا در حصهٔ که بجناح مغرب عمارت آنموضع معروف ، واقع و متشکل از یک تپهٔ خاکی وسنگی میباشد وعلامات سرانگک پرالی و تهداب

دمیکه صاحب تمیز خوب و بد گردید | دمیکه داشت بتحصیل جهد بیپایان
دمیکه مستعد کوشش و عمل گردید | دمیکه یافت پی کار و بار تاب و توان
دمیکه گشت برومند حسن خلق و ادب | بسن هـفده بمانند غنچهٔ خندان
رسید پیک اجل برد روح او بد نش | بروز اول عید مبارک رمضان
ز سوز دوری او ما درو پدر شد داغ | ز چشم از خود و بیگانه گشت اشک روان
بحق صاحب لولاک و آل و اصحابش | خدا ببخشدش از فضل و رحمت و احسان
ز سال رحلتش الهام شد ز غیب خلیل | (زجو دو رحمت حقست جای وی بجنان)

۱۳۷۸ هـ ق

۸- همینکه از باغچهٔ سادات که در محاذ قبر ملک الشعرای مرحوم است بطرف زیارت میان صاحب وسهالغ بالا رفته شود در وسط بلندی همین راه قبری جدید ساخته شده که چند رواق و پایه ها و گنبد پخته کاری دارد و محلش ص ۴۷- کتاب هذا بود

این قبر از عصمت الله نجار باشی است که بیچاره اتفاقاً در سنه گذشته بارهٔ برقی کارخانهٔ ارهکشی خود گیر آمده از فرق سر تا گردن اره شده جان بحق تسلیم نمود چون هنوز هم کار مقبره در جریان است والمام نام نیافته سنگی را هم بنذ کر حالش درانجا نصب نشده ممکن در ثانی شود فعلا بهمینقدر از ذکر وی اکتفا رفت

۹- در دامنهٔ کوه خواجه صفا قریب بقبر حاجی محمد مقیم که محلش ص ۱۴۲ کتاب هذا بود بقبری برخوردم که از سنگ وگل خامه ساخته شده وبدو طرف خود سنگ های نشان بلند وکلانتر از سنگ های دیگر قبور داشت ، لوح ولوشتهٔ دران نبود ، پرسیدم قبر کیست ؟ گفتند: قبر قاری نیک محمد حسان است ، چون مرحوم یکی از اجلهٔ اساتید قراء وطن و حافظ جیدو عالم و صاحب تقوی و تالیفات بود ، گرچه قبرش لوح نداشت بقدر دانی شخصیت بزرگش خودرا مکلف دیدم تامعرفی جنابش راحتی الامکان نمایم و مدتی در بدست آوردن معلومات ثقه القضا پذیرفت و اینک شرح داده میشود :

الحاج مرحوم ابن حاجی محمد خان ساکن دولانهٔ چهار یکار سمت شمالی کابل بود ، در ابتدای شباب باپدر خود عازم بیت الله شریف شده بعدادای حج

«الف»

تقریظ

بخامهٔ نویسندهٔ فاضل ومقتدر جناب عبد الهادی خان داوی

غالباً هرمرده داری که از نویسندهٔ دل زنده صالح ما محمد ابراهیم خلیل مرثیه ئی التماس کرده، جناب موصوف ردلنموده است. خاطرآزرده یی را باینصورت خوش ساخته اند، میرزا مطهر جانان رح میفرماید.

خوشترست از گل خورشید بدستار زدن

او گلی بر قفس مرغ گرفتار زدن

این عادت جمیله شاید شاعر فاضل رابفکر آن انداخته که به احیای نام ونشان همشهریان فراموش شده «وادی خاموشان» کابل پرداخته گلهای بی خزانی بمقابر آنها اهدا نموده، برای خودنقش یادبادی، باقی بگذارند

غرض نقشی ست کزما یاد ماند | که هستی را نمی بینم بقائی

مگر صاحبدلی روزی برحمت | کندبریاد درویشان دعائی

«سعدی رح»

همانقدر که قانون «فساد» قانون «کون» راتعقیب کرده، درپی امحا وتخریب زندگی وهستی است، خصوصاً برای تاریخ وطن عزیز همانقدر مساعی جمیلهٔ کسانیکه میخواهند این تاریخ راحتی المقدور ازمحو وفسادنگاه دارند مشکور باد رفتن باین هدیره ها ومزارات ازهم دورافتاده وخطهای مغشوش و مغبرالواح آنهارا تدقیق کردن، وبعد در صحیفه های کتابها احوال آنها را یافتن ویاد داشتهای سینه‌های پیران را پرسیدن وجمع نمودن به «تراجم مشاهیر ملیه» خدمت نمودن، بی مشکلاتی وزحماتی نیست امیدست ارباب همت، مناطق دیگر ولایت کابل وسایر ولایات وطن رانیز باکوشش های خستگی ناپذیر تفحص وآثار گران بهای مفاخر منسیه مارا تدوین وطبع نمایند.

تازه خواهی داشتن گرداغهای سینه را

گاه گاهی بازخوان این قصهٔ پارینه را

خوابگاه — کابل

۱۵ — ۵ — ۱۳۳۹

کندگی دران معلوم می‌شود قبری است دارای طوغها که کسی پیر بلند وکسی هوا په روشنا ی می گو یند ولی و؛ ضمحاً اسم ور سم ا ین صاحب مر قـد معلوم نیست سنگی‌هم ندارد که معرف و ی شو د .

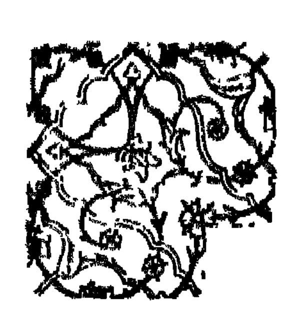
از ز بان ا کثر مو سفیدان محقق وصاحب معلومات تقریباً ۲۰ سال قبل را جع باین مزار چنین شنیده شده ، ضیاء الملة والدین درهمین‌موضع میخواست‌عمارتی بناکند گفتندش زیارت است فرمود باکی ندارد منهم پادشاه اسلامم ، همان است که به تهداب کنی وسرلنگ پرانی آ غاز کردند همینکه چندروز از اقدام کار گذشت کاررا معطل کرده بیان نمود کهصاحب مرقدرا درخواب دیدم مراتهدید کرد ،لکه سیلی‌برو یم‌ا نخت کهدرحالت‌بیداری‌هم احساس‌درد ازان سیلی برروی خود میکنم بناءاً ازین قدام صرف نظر وکار آن‌را معطل کردم ، حالا هم زیارت مذکور درهمان تپه باطو غهای هو یدا وآثار سرلنگ پرانی وتهداب گذاری آ نو قت درپیر امون زیارت‌ظاهر و بیدا ومرجع خاص وعـام است . جای نگارش این زیا رت در ص ۲۰٤ بو د

تمت

خدای بزرگ و مهربان را شکر گزارم که‌کتاب هذا صورت اختتام یذ یرفت وبحلیـة الطبع آ را ستـه شد ، از مطـا لعـه ، فـرما یا ن امید وا رم کـه ؛ بگل‌فاتحهٔ‌روح مرا شاد کنند

محمدابراهیم خلیل

روز شنبه ۲۷ سرطان ۱۳۳۹ مطابق ۲٤محرم‌الحرام ۱۳۸۰ دارالسلطنه کابل



اثرات:-

۱ - کلیاتی در اقسام نظم حاوی هژده بخش بموضوعات مختلف که بالغ بشانزده هزار بیت است ومنتخبی ازان درسنه ۱۳۳۱ دررشت ایران از روزنامه ها ومجلات وطن جمع و طبع شده

همچنان رباعیاتم که بخش ۱۶ کلیاتست درسنه ۱۳۲۹ بروزنامهٔ انیس انشر وطبع علیحده شده

ونیز درسنه ۱۳۳٦ ازطرف عبدالشکور حمید زاده نسخهٔ خطی خودم با فسیت درکابل طبع شده

رسالهٔ عروج ونزول اسلام که بخش ۱٤ کلیاتست درسنه ۱۳۳۲ ازطرف ریاست مستقل مطبوعات ازنسخهٔ خطی خودم درکابل بآفسیت طبع شده و دوبار دیگر درسنه ۱۳۳٤ ، ۱۳۳٦ مجدداً طبع شده

گلچینی ازآثار باشرح حالم درسنه ۱۳۳٤ بکوشش عبدالشکور حمید زاده در مطبع تجدد ایران طبع شده .

۲ - کتابی موسوم به (یکمرد بزرگ) متضمن شرح حال شیخ سعدالدین احمد انصاری کابلی درسنه ۱۳۳٦ از طرف انجمن تاریخ و زارت معارف درکابل طبع شده

۳ - کتاب « استخراج تاریخ درنظم » ترجمه ولگارشم از طرف انجمن تاریخ وزارت معارف درسنه ۱۳۳۷ — طبع شده

٤ - اشعار دورهٔ صباوتم توسط مجلهٔ پوهنی ننداری درسنه ۱۳۳٦ و ۱۳۳۷ درکابل بصورت نا تمام طبع شده

٥ - رسالهٔ رهنمای خط نسخهٔ خطی خود من درسنه ۱۳۳٥ و ۱۳۳۷ وبعد آنهم مکرر درخود کابل بآفسیت طبع شده

٦ - همین کتاب « مزارات شهرکابل » است که از طرف انجمن تاریخ وزارت معارف درهذا سنه ۱۳۳۹ ش طبع شده

علاوه برین بعض کتب نثر ومقالات وقطعات خط و اشعارم علی الدوام بجرائد و مجلات وطن اشاعه یافته مگر این همه بمن خجلت بارآورده زیرا:
همان بهترکه دست بی هنر درآستین باشد .

زیاده: شرح سوز دل من روح گداز است خلیل
مکن اظهار ومشوباعث آزار کسی

سنه هـ | ۱۳۳۹ ش خلیل
۱۳۸۰ ق



هو الباقی ـــ

محمد ابراهیم خلیل ابا جداً از مردم کابلم ولادتم در سنه ۱۳۱٤ ه ق در خود کابل شده در سن شش اولاً نزد والدهٔ مرحومه‌ام شروع بخواندن کرده و باز شامل مکتب شده فقه ، تفسیر ، صرف و نحو را نزد معلمین خانگی میخواندم ، مربیم در خط نستعلیق و شکسته و ادبیات حضرت قبله‌گاهی و در خطوط عربی محمد صدیق دولت شاهی هروی بوده اند ؛ بعداً بدفاتر حسابی شاگردی کرده و حسب احساسات فطری اشعاری نیز میسرودم ، از بدو سنه ۱۳۳۷ ق شامل ماموریت شده در اواخر سنه مذکور در گرشک تبعید شدیم ، یکسال بعد نه خواسته شدیم ابتدا بوزارت خارجه و بعد بجز القو نسلگری افغانی در هند و سپس در سفارت افغانی در لندن و باز در پاریس بکتابت شامل شده پس از طی این دوره ها باجرای امور و انتظام حرمسرای شاهی موظف گشته در سیاحت اروپای (شاه سابق امان الله خان مرحوم) معیت داشتم ، در عصر اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید رح مدیر محاسبهٔ ریاست تنظیمهٔ مغربی و باز شامل شقوق بالسکی بوده از اتفاقات ده سال در حبس بسر برده درین زمان از خواندن احادیث شریف و معانی و منطق و حفظ قرآن مجید مسرور گشته و به بسی محبوسین درس تفسیر و غیره دادم ، پس از رهائی یکسال مدیر اجرائیهٔ ریاست مستقل مطبوعات و از سنه ۱۳۲۱ ه ش عضو انجمن تاریخم ، در ینمدت چارسال و چند ماه مدیر مجلهٔ آریانا نیز بوده ام ، در ضمن بمکاتب و دار المعلمین درس ادب و تعلیم خط نیز داده ام ، نوشتن مقالات و قطعات خط و شعرسرائی من از همین سال ۱۳۲۱ ش شروع میگردد (گرچه در ایام صباوت اشعاری بدیگر تخلص سروده بودم که بازمدتها بدانطرف توجه نشده بود) درسنه ۱۳۳۵ ش باداى فریضهٔ حج ، لله الحمد سرافرازی حاصل کردم ، در داخل وطن عزیز و خارج سفر بسیار نموده ام .

محمد سلیمان . شهزاده شمس الدین جان ؛ حاجی عبدالخالق تاجر (٦٣) عبدالخالق تاجر ، دوکتور محمد رسول رسا ، عبدالرب خان (٦٤) آغا زجبه کهنه (٦٥) چهار ده معصوم (٦٦) شاه طاوس ، احمد علی خان (٦٧) قطب حیدر (٦٨)

زیارت شاه شهید

خورد زیارت ، گنبد خواجه ها (٦٩)

زیارت حضرت جی صاحب

خورد زیارت (٧٢) احمد خان ، غلام عمرجان ، مختارجان ، (٧٥) خواجه محمد پارسای مجددی ، محمد نعیم خان ، محمد رحیم سکندر خان (٧٦) ناقب سالا ر عبدالوکیل خان (٧٧) .

در بینی حصار

خواجه ظهیر ، خواجهٔ خورد ، ضیاؤ الدین محمد (٧٧) وجی صاحب (٧٨)

قبرستانی اطباء در تپهٔ مرلحان (٧٩ الی ٨١)

زیارت سید مهدی آتش نفس

خورد زیارت ، قبرسردار فیض محمد خان (٨٢) زیارت سید محمود (٨٣)

* * *

زیارت بی بی مهر و خواجه حضور (٨٣) تاج مزار ، شاه همدان (٨٤) حاجی قلندر ، خلیفه جی شهید ، میرسید علی سرمست (٨٥) خلیفه جی ؛ سید میرجان مردان غیب (٨٦) .

* * *

میان داؤد ، میاں شیخ احمد (٨٧) در گذر قاضی (٨٨) زیارت ابدال و قبرستانی میرزا محمد عمر خان حاوی پنج قبر (٨٩ الی ٩١) ملا فیض خان بالی مسجد از بکان حاوی چهار قبر (٩٢ ، ٩٣) زیارت سیدان حاوی سه قبر (٩٤) :

مقابر حضرات مجدیه رح

حضرت میاں عبدالباقی صاحب (٩٥) حضرت حاجی غلام حیدر (٩٧) حضرت غلام صدیق (٩٨) حضرت محمد عمر (٩٩) حضرت عبد ا لقد یر

فهرست

مزارات واقع در شهدای صالحین از صفحه اول تا ۵۸

مزارات واقع قلعهٔ حشمت خان و قریب و جوار آن الی – ص (٦۲)

زیارت‌شاه دوشمشیره‌رح

خود زیارت (١٤٦ الی ١٥٠) محمدکریم، صبیهٔ حاجی محمدرضا، قاضی قطب الدین (١٥١) زوجهٔ مستوفی‌الممالک، حاجی صاحب درویش، بابه‌جان محمد (١٥٢)

* * *

زیارت خواجه‌شاه‌محمود (١٥٤) اعلحضرت تیمور شاه درانی و شاه‌شجاع (١٥٥)

شهزاده نادر (١٥٦) صبیهٔ تیمور شاه (١٥٨)

زیارت خواجه اسحاق (١٥٩)

زیارت مولوی صاحب (١٦٠) زوجهٔ ضیاءالملة والدین، صبیهٔ احمد خان، صاحبزادهٔ نقشبندی (١٦٢) قبر پاپا محمد سرورخان (١٦٤) امیرعبدالرحمن خان، عضدالدوله، سردار عبدالمجید خان (١٦٥ الی ١٦٨)

مجنون‌شاه و پدر و دو فرزندش (١٦٩)

مقابر باغچهٔ آخندجی

خود آخندجی، سردار نصرالله‌خان (١٧١) غلام محمدخان (١٧٢) والدهٔ سردار امین‌الله‌خان، صبیهٔ سردار محمدیوسف‌خان (١٧٣) والدهٔ سردار محمدکبیر خان، محمد صالح افندی، عیال ربیع حکمت بیگ، سردار محمد عثمان خان، حرم امیرعبدالرحمن خان (١٧٤) ملاعلی محمد آخند، هاشم شائق افندی (١٧٥)

* * *

زیارت‌سیدصالح، میانجی، سیدکمال، غلام نقشبند (١٧٩)

قبر شهید، شاه محمد، باباگل محمد، شاه کمال حسین، خواجه حسن علمدار (١٨٠ الی ١٨١)

دردروازهٔ لاهوری

حاجی‌بیلی، سیدحسن، سیدحسین، اسمعیل‌شاه، ماماقیصر، سیدمحبت‌شاه (١٨٢) پیش‌روی بالاحصار شاه‌لطیف، درکلالی محمد زمان‌خان، درگذر شیربچه‌ها پیر سفید (١٨٣)

حضرت عبدالاحد (۱۰۰) حضرت محمد یوسف، صوفی آغا، (۱۰۱):
حضرت غلام قیوم، حضرت شمس المشائخ، (۱۰۱ الی ۱۰۳) حضرت جانان،
قاضی میر سید قاسم خان، عطاؤالله خان، سردار محمد عثمانخان (۱۰۳ الی ۱۰۵)

زیارت عاشقان و عارفان

خود زیارت (۱۰۶ الی ۱۰۸) خواجه فاضل بیگ (۱۰۸) علی مردانخان، خواجه میر (۱۰۹) خان ملاخان (۱۱۰) میرزا زاهد (۱۱۱) میرجهان، پسران قاضی فیض الله خان (۱۱۲) نواب محمدزمانخان (۱۱۳) نواب جبار خان (۱۱٤) حافظ محمد حسن (۱۱۵) داکتر عبدالعزیز (۱۱٦) سردار غلام حیدر خان (۱۱۷) سردار سیف الله خان، والدهٔ امیر شیرعلی خان (۱۱۸) سردار محمد علی خان (۱۲۰) سردار محمد عظیم خان (۱۲۱) سردار محمد عمر خان، محمد سرور خان سردار محمد هاشم خان، صبیهٔ امیردوستمحمد خان (۱۲۲) محمد قاسم خان، دختر نواب اسدخان، سردار امیرمحمد خان، جهان بیگم (۱۲۳) دختر محمدتقی خان اردبیلی، غلام محمد خان پرو فیسور (۱۲٤) یار خان فرملی، قنبر علی (۱۲۵) میان عزت الله (۱۲٦) امین الملک، جاندر خان (۱۲۷) بیگم صاحب (۱۲۸) میان غلام رضا، میر منور علی شاه، حرم سردار عطامحمد خان (۱۲۹)

زیارت بابای غوری

خود زیارت، یکی از اولاد محمد علی خان، سردار پیر محمد خان (۱۳۰) صبیهٔ سردار پیر محمد خان، صبیهٔ شادمحمد خان، بی بی قاطوجان، میرزا محمد جان خان (۱۳۱) میرزا افضل احمدخان (۱۳۲)؛

زیارت سید مرد و ماحقائش (۱۳۳ الی ۱۳۵)

* * *

شیخ محمدرضا (۱۳٦) پیر اکرم خان، سردار محمد اکرم خان، ندیم (۱۳۷) خواجه صفا (۱۳۸) خواجه روشنائی (۱٤۲) بابای خودی، حاجی میرزا محمود خان، حاجی شهنواز خان، صبیهٔ حاجی شهنواز خان (۱٤۳)

درگذر سیف الملوك امیربار الدین ، بنت میرزا بهادر ، محمد علی ، مشتری آغا ، حیدر بیگ (۱۸٤) :

درگذر باواله ، زیارت باباولی ، میرعبد حسین ، میرواعظ صاحب ، میرحاجی ، میر عتیق‌الله ، میان جی (۱۸۵)

در مندوی خربوزه فروشی یکی از سادات ، اکرم گل (۱۸٦) :

درگذر ریکاخاله و باغ عایمردان و ششدرك

سید اژدر ، شاه‌اسمعیل ، سخی‌سرور پادشاه ، شهداء ، جمعه شاه ، سید عبدالله سه شهید (۱۸۷) بابای کیدانی (۱۸۸) ، مشهور بامام زین العابدین حاوی سه قبر (۱۸۹)

در لین شاهی

مولوی یار محمد ، خلیفه آقا محمد ، صبیهٔ محمد عثمانخان بامیزائی ، فرح سلطان ، مسائین مجاور (۱۹۰) :

* * *

در آخر لین‌شاهی ، فتح محمد ، در فرقهٔ شاهی ، میر بر ، پهلوان‌دوست ، قاسم‌خان (۱۹۱) سید جلال ، بابا شوقی ، مزارات گذر اندرابی (۱۹۲)

زیارت دوست خاوالد ولی (۱۹٤)

* * *

درگذر اندرابی

سید جعفر آقا ، عادلا ، امیر دولت ، خواجه بیگی ، خواجه مارك ، بیگم آغا ، میر مقصود ، حسن علی ، بیگم ماه ، خواجه سلیم ، (۱۹۵ الی ۱۹٦) :

بن امیر درویش محمد ، یار محمد المرشد ، درویش محمد ، تکه ، قاسم بیگ ، خواجه شکرالله ، خواجه سید میر ، فقیر احمدخان مجلس‌آرا (۱۹۷) امیر محمد اقبال کاشی خدمت‌علی خان ، عباس ، سید بیگم (۱۹۸ ، ۱۹۹)

د رمسجد میرها ی دو افغانان : میر مسجدی ، درویش یزید ، محمد ، میرمحمد علی (۲۰۰ ، ۲۰۱)

غلطنامه

لطفاً قبل از مطالعه اغلاط ذیل را تصحیح فرمایند

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱	۱۴	۱۲۲۷	۱۲۳۷
۱	۱۹	حما ـ الدولائی	حمادالدولابی
۲	۹	طابخه	طابخه
۲	۱۱	ـ»	»
۲	۲۵		بعداز کلمات «کتب و تالیفات» اضافه شود. «در فصل چهارم خلاصهٔ مقصد جمع کردن این کتاب را ذکر کرده میگوید»
۳	۱۸	بن‌نهاری	بن الداری
۳	۲۹	ذالفنون	والفنون
۳	۲۹	سنه	صفحه
٤	۹	الاصابه	اصابه
۵	۱۲	عمز	عمر
۵	۲٦	لجاری	بخاری
۱۰	۱۱	صعصنة	صعصعة
۱۰	۱۹	۵	بالای سطر ۱۹ برده شود عدد (۵) مذکور
۱۷	۷	بفتادورد	بهفتاد، دو
۲۹	۲۰	واین	دربن
۳۷	۱۱	معادت	معاودت
٤۰	۱	ندارید	ندارد
٤٦	۱	دروش	درویش
٤٦	۱٤	مهمان	همان

در خواجه مسافر

مرقد خواجه مسافر و حجره درویش و شاه نعمت الله و مقبره طوبی شان

و یعقوب خان (۲۴۶، ۲۴۷)

در قلعهٔ قاضی

شاه آقا، الده و برادر پسر شاه آقا، خواجه دریا باد ولی، شیخ شهاب الدین

(۲۴۹) ملا مریض، سید عطا محمد شاه (۲۵۰)

شهرت مزار ابوالمعالی بیدل (۲۵۱)، قصیده حسر و متخلص نائب (۲۵۶)

بعض قبور که ثبت آن نظر رسیده

جواد، ساجد (۲۶۲) والده مادر ان اول صدارت عظمی، حاجی عزیز الرحمن خان،
سید بابو جان، غلام حضرت شهید، میر من زرین (۲۶۳) محمد حسین خان (۲۶۴)
میر خیر الدین، خواجه شفیق احمد (۲۶۵) عصمت الله، قاری بیگ محمد خان (۲۶۶)
پیر بلند (۲۶۷)

صفحه	سطر	خطا	صحیح
٢١٦	٢٩	سطر اخیر مقدم و مؤخر آمده	مثال وفاتش اگر بجوئی احمد جامی قدس سره ٥٣٦
٢١٨	٢٣	سنه	سنه دوم
٢٢٣	١٣	مجله	جماه
٢٢٦	١٣	نیشنبه	پنجشنبه
٢٣٣	١٩	با لشمول	بشمول
٢٣٦	٢	عرفان	عرفاء
٢٣٨	١٥	اقوی	با قوی
٢٤٣	١٨	بنقشبندیه	نقشبندیه
٢٤٨	١٠	دوی	دور
٢٥٦	٢٤	شعور	شور
٢٥٧	١٨	زردر	زرد
ب	١٢	بجزال	بجنرال
ه	١١	وجی	وحی
ی	٥	الده	و الده



صفحه	سطر	غلط	صحیح
٤٩	١٢	نمایشی	تماشایش
٤٩	١٣	عمارت	امارت
٥٠	٤	حوایت	حیات
٥٧	١٣	بالاآخر	بالآخر
٥٨	١	پسرس	پسرش
٥٨	٢٦	میگراند	میگیراند
٥٩	٢٧	نام	تام
٦٢	٥	این خط	خط این
٧٧	١٦	مردن	مرد
٩٠	١٦	نامور	نام آور
٩١	١٤	بعدز	بعد
١١٢	٤	جمادان ـ ١٠٨٣	جماد ان ـ ١٠٨٤
١١٣	٢٠	امر	امور
١١٧	١٤	عصیان	عیان
١١٧	٢٢	ذقعده	ذیقعده
١٢٨	٢	ردار	در او
١٢٩	٢	خزین، برآورد، بهر	حزن، برآورد، بحر
١٧٢	٢٢،٩	ذیقیاده	ذیقعده
١٨٠	٢١	وبلی	ذیل
١٨٢	٥	شو	شوال
١٩٢	٥	سپر	سپردی
١٩٦	١٠	بنسبت	بنت
٢٠٠	١	دو	د
٢٠٢	٢٣	از نان	زز نان
٢٠٥	٣	پسر	پسرك
٢٠٧	٢٧	درماك	درملك

بقلم دوست دانشمندم ، استاد خلیلی

تقریظ

مساعی ارباب تحقیق ، در صیانت مفاخر ملی ، در حکم اهتمامی است که در نگهبانی حدود وثغور کشور بکار برده میشود .

درسر زمینی که مبدء تاریخ آن از چار هزار سال افزون تر است این قضیه بیشتر در خور التفات میباشد .

وسعت کشور مارا حوادث بزرگی که قرون متمادی محفظه آنست محدود گردانیده اما امتداد وعظمت تاریخ ما از نگاه اصحاب تحقیق پوشیده نیست ، کتیبه ها و آثاریکه از تخریبات زمانه محفوظ مانده و در سرتاسر کشور ما بحالت پراگنده بنظر می خورد مظهر این حوادث ومتضمن سیر تاریخ ومدنیت باستانی ما میباشد .

بعقیدهٔ من هرقدر درین آثار کاوش و تتبع شود این قضیه روشن تر میگردد کاوش های که درین اواخر بتوجه دولت وسعی خاور شناسان درزوایای تاریک گذشته در کشور ما انجام شده آثار گرانبهای را ازدل خاك برآورده است.

در زمرهٔ این آثار آرامگاه رفتگان ومزار گذشتگانست .

که اغلب فراموش گردیده و نبذی در مرور زمانه با افسانه و پندار عوام در آمیخته وحقیقت آن در غبار این پندار ها و افسانه ها نا پدید گردیده است .

این الواح سنگی که برسرتربت گذشتگان نهاده شده همچنانکه معرف نام وشهرت وکار نامه های رجال این سر زمین میباشد ، شارح هنر و صنعت شاعران ونویسندگان وحجاران وخطاطان هر دوره نیز شمرده میشود .

بناهای که برین اماکن طرح گردیده نیز متضمن سبك معماری در ادوار مختلف میباشد کسانیکه برای معرفی مزار بزرگان در کشور ما رسائلی نوشته اند تنها از یك جهت آنرا مطالعه واز سایر جهات اغماض نموده اند .

معهذا این رسایل یك قسمت از تاریخ مارا روشن گردانیده وازین جهت ارزش خاص دارند .

در هرات دو بار این کار را انجام داده اند در سالهٔ مزارات هرات امروز مورد استفادهٔ ارباب ذوق است .

بقلم دانشمند شهیر خراسانی
سید محمد ابراهیم عالمشاهی

تقریظ

از دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت

باید از جناب استاد خلیل صمیمانه تشکر کنیم که در دفتر (مزارات کابل) نام جمع کثیری از شهداء، عرفاء و بزرگان را قید و زنده نموده اند که در کابل و حومهٔ آن آرامیده اند. شاید طبیعت نفسی، شاید آلودگیهای زندگی بهر کس موقع ندهد تا بر آشیانه های خفتگان برود و بر روی مدفن هریک که غالباً در زوایای مرده و گوشه های دور افتاده، افتاده اند بطور شایسته دقیق شود و برای معرفت آنها معلوماتی گرد آورد.

همه کس چه میداند در سینهٔ خاک کابل چه بزرگانی، چه خردمندانی، چه جوانانی خوابیده اند، هیچکس در پی استفاضه از مجهول نمی افتد بشریکه بامغرور کامیابی و کامرانی است و یا مبهوت ناکامی و پریشانیست از رسیدگی و شناسائی خفتگان غافل میشود.

آفریدگار توانا هم در سورهٔ مبارکهٔ تکاثر فرموده است (الهکم التکاثر حتی زرتم المقابر) حقیقتاً زیارت قبور و توجه بوضع خفتگان هر شخصی را از غفلتی که در اثر کثرت ثروت و یا وفرت مشاغل حاصل میشود وامیرهاند.

مجموعهٔ را که شاعر عارف ما استاد خلیل تحت عنوان (مزارات کابل) تألیف نموده و حاصل مشاهدات، تتبعات و تحقیقات سالهای متمادی شان است مارا باشهداء و عرفاء و بزرگانی آشنا میسازد که باعث برکات هستند. علاوتاً درین مجموعه مراثی و مواد تاریخی منظوم قید شده که نمونه بارز از ادبیات مابشمار میرود.

با مطالعهٔ حالات و خصوصیات گذشتگان شخص یکباره متوجه بمرجع اصلی و ناپایداری این روزگار شده و بروح آنها درود میفرستد و بامعرفت معنویت و شخصیت آنها برای استفاضه بزیارت آنها میشتابد.

این مجموعه یک رهنمای مفیدیست که هر کس را بمجمع نیکویان آرمیده در خاک هدایت مینماید.

ما در عین حال که این مجموعه را یکی از آثار مفید و روحانی میدانیم از خداوند ج آرزو مینمائیم تا مؤلف محترم آنرا در انجام اینگونه خدمات (صد در صد بیریا) توفیقات مزید عنایت نماید.

معلوم نیست لقب دوتن است یابرچند نفر اطلاق می‌شده ، این شاه شهید و این شاه ابوالمعالی واین مزار مبارکی که بنام حضرت لعل جبهٔ بلند کمال شهرت دارد و بزرگان دیگر مانندشاه طاؤس و چارده معصوم رضی الله عنهم هریک ا زین ها بر اساس تحقیقات علمی معلوم شود که بوده اندودرچه عصر میزیستند ؟ وهمچنین نقل کتیبه های الواح قبور آنها وکسانیکه بوقایع تاریخی کشور ماماس دارند در کابل مدفونند البته این کار ها مستلزم عکاسی وتحقیق و کاوشهای بیشتر است بهر حال زحمت جناب استاد دانشمند محترم محمد ابراهیم خان خلیلی درین اقدام قابل تقدیر وشایستهٔ تمجیداست واین‌مجموعه‌بلاشک خدمتی دراحیای گوشهٔ تاریخ کشور محسوب میگردد.

رسالهٔ مزار مشایخ بلخ که هنوز حلیهٔ طبع نپوشیده اثر مفیدی است که خرابه های مزارات بلخ را رهنمونی میکند .

کتاب السیاحة الهرویه که آنرا ابوالعباس هروانی تألیف کرده ودر یکی از بلاد عربی طبع شده اهتمام علمای مارا از قدیم درین مورد نشان میدهد

درمیان متأخران یاد و اشتهای نافع در کتاب تحفه الکرام باو صف آنکه بسیار جامع نیست اما بسیار محققانه نگاشته شده و میتوان در قسمتی از مزارات بلاد ما نیز ازان استفاده نمود .

در غزنه مرحوم شیخ رضا که خود مردی محقق وبا ذوق وهنر مند بود کتابی بامر اعلیحضرت سراج الملت والدین امیر حبیب الله خان بنام روضة الالواح تالیف نموده ، این کتاب هم محتوی برشرح احوال رجال است و هم حاوی بر دقایق هنر است که در کتیبه ها بکار رفته و چون آنمرحوم خود از استادان خط بود این کتیبه ها را بارسم الخط وشکل اصلی آن نقل نموده ، اکنون این کتاب نفیس درموزهٔ کابل محفوظ است .

درین اواخر شاعر وحافظ شهیر شهر ما نباغلی محمد ابراهیم خان خلیل درمورد مزارات کابل کتابی تالیف نموده واز لطفی که به بنده دارند چند صفحه ازین کتاب را بدسترس مطالعه من گذاشتند به عقیدهٔ این عاجز این کتاب درحکم نخستین اقدامی است که در روزگارما در مورد مزار عرفای کابل بعمل آمده .

این کتاب شاعر ارجمند وباذوق مادر باب اغلب مزارات مقدسه کابل نگاشته شده و از قبور کسانیکه در جوار آنها بخاک سپرده شده و شهرتی داشته اند نیز شرحی بمیان آمده ، این کار بحیث یک اقدام اولی کار بسیار پسندیده و سودمند میباشد و میتوان آنرا برای تحقیق احوال رجالی که از آنها درین تذکره شرح یاد شده محل استفاده قرارداد .

البته استقصای کامل در شرح حال کسانی که این بقاع به آنها منسوب میباشد و اظهار نظر علمی در مورد سبک معماری بناها و خطوط و نقوشی که درین اماکن والواح موجود است مستلزم تحقیق بیشتر خواهد بود .

ومی توان کتاب مبحوث عنه را روزی منبع این شرح ها قرار داد، مثلا این مزاری که در پناه دیوار جنوبی بالا حصار بنام قطب حیدر مشهور است. این رستم داری که ... تربت آن نوشته شده است این عاشقان وعارفان مسکه هندوان



تشکر و خاتمه

از دانشمندان محترم و نامورى که با تقاريظ عالمانهٔ خويش از اين اثر ناقابل و ناقص قدردانى فرموده اند بدينوسيله با کمال امتنان سپاسگزارى ميکنم . و کتاب را بدين قطعهٔ تاريخ اختتام ميدهم :

يافت چون طبع اين کتاب انجام | صمدا ! قادرا ! بحرمتك
سجدهٔ شکر کردم و خواندم | « عجز الواصفون عن صفتك »
اين مناجات سال آن آمد : | « ما عرفناك حق معرفتك »

۱۳۸۰ ه ق

